





فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی

شهر ایرانی اسلامی

فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده هنر و معماری

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه بوعلی سینا
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه تبریز - ترمینال تبریز
دانشکده هنر و معماری



دانشگاه حرم مرگان
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

زمینه انتشار: معماری و شهرسازی

دوره: سال دهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۸

صاحب امتیاز و ناشر: پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی

مدیر مسئول: دکتر ایرج فیضی

سر دبیر: دکتر احمد پوراحمد

معاون سردبیر: دکتر حسین کلانتری خلیل آباد

مدیر داخلی: مهندس مسعود دادگر

امور اجرایی: مهندس منصور ندریری

ویراستار علمی - ادبی: سپیده سیدفرجی

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

• دکتر مجتبی انصاری

• دکتر مصطفی بهزادفر

• دکتر جهان‌شاه پاکزاد

• دکتر بهنام جلالی

• دکتر کرامت‌اله زبیری

• دکتر محسن سرتیپی پور

• دکتر حسین کلانتری خلیل آباد

• دکتر یعقوب محمدی فر

• دکتر محمد مسعود

• دکتر احمد نوحه گر

دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت

استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

استادیار دانشکده هنر، دانشگاه علم و فرهنگ

استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

استاد جهاد دانشگاهی، گروه معماری و منظر

استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

استاد دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران

قیمت: ۳۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

چاپ: مؤسسه دیجیتال پایتخت

نشانی دفتر نشریه: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین چهارراه ولی عصر (عج) و خیابان فلسطین، ابتدای خیابان شهید برادران مظفر جنوبی، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی شماره تماس: ۲-۶۶۹۷۰۹۰۱-۶۶۹۷۰۹۰۳

نشانی اینترنتی: iic@icas.ir

پایگاه اینترنتی: <http://iic.icas.ir>

فهرست مطالب

- ۵ تبیین الگوی کالبدی مسکن معاصر مبتنی بر معماری زمینه‌گرا در شهر کاشان
سید امیررضا نظام دوست، حسین کلاتری خلیل‌آباد، علی یاران
- ۲۱ خوانش ساختار معنایی و کالبدی حریم اماکن مقدس
نسیم عسگری، شهریار ناسخیان، محمدسعید ایزدی
- ۳۷ بررسی تاثیر کیفیت مکان‌های سوم شهری بر حس تعلق شهروندان؛ مطالعه موردی: پیاده‌راه فرهنگی-تاریخی رشت
علی‌اکبر سالاری پور، حمیدرضا رضانی، مهرداد مهرجو، نگین قربان زاده
- ۵۳ سیر تحولات فضایی شهر سیرجان در دوران اسلامی با اتکاء به شواهد باستان‌شناختی و منابع مکتوب تاریخی
حسن کریمیان، احمد پوراحمد، زینب افضلی
- ۶۵ پایداری فرهنگی، تراکم و گونه‌شناسی مسکن؛ مطالعه موردی: نمونه‌هایی از عرصه‌های مسکونی کلان‌شهر تبریز
روشنک سخنی‌نیا، اسلام کرمی، مجتبی رفیعیان، علی جوان فروزنده
- ۷۵ بررسی و اولویت‌بندی عوامل موثر بر مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی در بافت فرسوده شهرها
احمد حیدری، حمیدرضا جودکی



داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

- دکتر علی عمرانی پور
- دکتر کاوه بذرافکن
- دکتر علی اکبر حیدری
- دکتر شکوهی راد
- دکتر حمیدرضا بابایی
- دکتر هانیه اخوت
- دکتر حسین کلاتری خلیل‌آباد
- دکتر احمد زنگانه
- دکتر مجید منتظر ظهوری
- دکتر مژگان خانمرادی
- دکتر حمیده چوبک
- دکتر حسن کریمیان
- دکتر حسین سلطان‌زاده
- دکتر محمد میره‌ای
- عیسی پیری

- درجه علمی پژوهشی فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی طی نامه شماره ۸۹/۳/۱۱/۵۱۶۶۷ مورخ ۸۹/۸/۳۰ دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) ابلاغ گردیده است.

- پروانه انتشار این مجله به شماره ۱۲۶۲۹/۸۹ مورخ ۸۹/۶/۱۳ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

- فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی <http://www.srlst.com> و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) به نشانی www.sid.ir نمایه می‌شود.

تبیین الگوی کالبدی مسکن معاصر مبتنی بر معماری زمینه‌گرا در شهر کاشان مطالعه موردی: خانه‌های تاریخی منتخب دوره قاجار

سید امیررضا نظام دوست^۱، حسین کلانتری خلیل آباد^{۲*} (نویسنده مسئول)، علی یاران^۳

^۱ کارشناس ارشد معماری، دانشگاه علم و فرهنگ تهران
^۲ استاد گروه برنامه ریزی شهری پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی
^۳ استاد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۷

چکیده

در دوره‌های گذشته معماری و شهرسازی ایران، همواره از یک روند مشخص پیروی نموده که با دوره قبل و بعد از خود رابطه‌ای متعادل، منطقی، مستحکم و در عین حال رو به جلو برقرار می‌کرده اما این روند در دوره معاصر معماری و شهرسازی ما تداوم نیافته و دچار آشفتگی، اغتشاش و نا به سامانی شده است. به گونه‌ای که خانه‌های شکل گرفته در این دوران، پاسخگوی بسیاری از نیازهای کالبدی، فرهنگی، اجتماعی و شیوه زندگی مردم این سرزمین نیست. از این رو نوشتار حاضر، با هدف تعیین مولفه‌ها و ریز مولفه‌های بعد کالبدی زمینه‌گرایی و ارابه‌پیشنهادات و راهکارهایی در راستای تبیین الگوی کالبدی مسکن در شهر کاشان بر پایه مولفه‌های مذکور و نتایج ارزیابی نمونه‌های موردی به نگارش درآمده است. این پژوهش از نوع کیفی و بر اساس روش توصیفی - تحلیلی است. در ابتدا با استناد به منابع مطالعاتی به بسط مفهوم زمینه‌گرایی پرداخته شده و با اقتباس از منابع پژوهش و تحلیل آرا صاحب نظران، مولفه‌ها و ریز مولفه‌های بعد کالبدی زمینه‌گرایی تدوین شده است. سپس نمونه‌های موردی منتخب در شهر کاشان، بر اساس مولفه‌های به دست آمده و با استفاده از ابزار مشاهده، مطالعات کتابخانه‌ای و عکاسی ارزیابی شد که نتایج آن به تفکیک هر نمونه ارائه گردیده است. نتایج کسب شده از مطالعات در حوزه زمینه‌گرایی به همراه مقایسه تطبیقی نتایج ارزیابی نمونه‌ها مورد بررسی و واکاوی قرار گرفت. نهایتاً راهکارها و پیشنهادات ذیل شاخصه‌های کلی موقعیت بنا، مقیاس و اندازه، شکل و فرم، مصالح و جزییات و ساماندهی عناصر و اجزای کالبدی ارائه گردیده است. در پایان توجه به رویکرد زمینه‌گرایی به ویژه بعد کالبدی آن و به کارگیری عملی راهکارهای پیشنهادی ارابه شده می‌تواند در برقراری این پیوستگی از دست رفته و اعتلای معماری مسکونی کاشان نقشی محوری ایفا کند.

واژگان کلیدی: زمینه‌گرایی، مسکن، الگوی کالبدی، کاشان.

مقدمه

در گذشته، هر یک از سبک‌های تاریخی معماری، با این وجود که در زمان پیدایش خود جدید بوده اما در هماهنگی کامل با بستر و زمینه خود قرار داشته در واقع معماران سنتی ما، رنج ارتباط دادن میان بناهای دوره خود با دوره‌های پیشین را به جان می‌کشیدند تا به لحاظ بصری، سیمایی منسجم و همگون به چهره شهر بخشند.

اما در دوره مدرن، تاکید فراوان بر تمایز و خاص بودن و از طرفی نفی گذشته باعث از بین رفتن پیوستگی بصری محیط کالبدی شده است. در مکتب معماری مدرن و برای مدرنیست‌ها به چالش خواندن زمینه موجود و نفسی آن، معیار موفقیت طرح بوده است؛ در نتیجه اغلب ساخت و سازها به عنوان مسکن بدون همخوانی و در نظر گرفتن مولفه‌های کالبدی، ارزش‌های فرهنگی و بومی ساکنان ساخته شده است. در این میان کاشان از جمله شهرهای کهن ایران به علت پیشینه غنی تاریخی خود دارای بافت شهری و معماری ارزشمندی است که متأسفانه همسو با کلیت معماری معاصر کشورمان با مشکلات عدیده‌ای روبه روست. امروزه با نگاهی به شهر کاشان می‌توان گسست فرهنگی، تزییق مولفه‌های غیر بومی و نا آشنا با حافظه بصری مردم به پیکره آن و عدم توجه به زمینه به ویژه در بافت تاریخی را مشاهده کرد. پژوهش حاضر در راستای نیل به اهداف تدوین شده، به این پرسش‌ها که مولفه‌ها و ریز مولفه‌های موثر در تبیین زمینه گرای کالبدی کدام است؟ و خانه‌های تاریخی دوره قاجار از چه الگوهای کالبدی پیروی می‌کردند؟ پاسخ می‌دهد و در نهایت سعی دارد با ارائه راهکارهای طراحی به چارچوبی برسد که بر مبنای آن مساکنی که طراحی می‌گردد با زمینه خود ارتباط کالبدی مناسب و همگونی برقرار کنند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی با راهبرد توصیف و تحلیل محتواسست. در ابتدا و در راستای جمع‌آوری اطلاعات با استناد به مطالعات کتابخانه‌ای به بسط مفهوم زمینه گرای پرداخته شده و سپس در راستای پاسخگویی به پرسش اول پژوهش با بهره گیری از نظرات صاحب‌نظران در رویکرد زمینه گرای، مولفه‌ها و ریز مولفه‌های زمینه گرای کالبدی تدوین شد. در گام بعد و در راستای پاسخ به پرسش دوم پژوهش، تعدادی خانه از میان خانه‌های تاریخی کاشان در دوره قاجار به عنوان نمونه موردی تعیین گردید. در ادامه بر مبنای مولفه‌ها و ریز مولفه‌های مذکور، هر یک از نمونه‌های موردی در قالب یک جدول جداگانه مورد بررسی و ارزیابی کالبدی قرار گرفتند. در نهایت و در راستای هدف اصلی پژوهش راهکارهای پیشنهادی از مقایسه تطبیقی نتایج ارزیابی کالبدی نمونه‌های موردی به دست آمد که می‌تواند پایه‌ای جهت طراحی مسکن معاصر کاشان مبتنی بر زمینه باشد.

مروری بر ادبیات پژوهش

در بخش مروری بر ادبیات پژوهش، مبحث زمینه گرای به ویژه بعد کالبدی آن بررسی شده است.

زمینه و زمینه گرای

معماران شیوه بین الملل، زمینه را نادیده می‌گرفتند و معتقد بودند که معماری مدرن می‌تواند همه جا شکل بگیرد و رشد کند. اما معماری پست مدرن تاریخی تلاش کرد همه چیز را در تاریخ ببیند و بعدها جریان‌های پسامدرن توانستند زمینه را به عنوان مرجعی غنی و مولفی بنیادی برای شکل‌گیری معماری برشمرند که منجر به شکل‌گیری گرایش‌ها و شیوه‌های واکنش مستقیم به زمینه و بستر چون زمینه گرای شد (اکبری و دیگران، ۱۳۹۶: ۶).

در واقع زمینه گرای مبتنی بر این است که یک پدیده به صورت مجزا و مجرد از پیرامون خود قابل تصور نیست و پدیده‌ها تنها در انحصار نیروها، جوهره و ویژگی‌های درونی خود نمی‌باشند بلکه به محیط و مجموعه پیرامون خود وابسته‌اند. هر پدیده در محیط پیرامون خود تاثیر می‌گذارد و از آن نیز تاثیر می‌گیرد و در تعامل با یکدیگر هستند. در واقع کل هستی به هم پیوسته است و هر جزئی موثر در کل است و هر تغییر در جزء، در کل هستی تاثیر حتمی از خود به جا خواهد گذاشت (بهمنی و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۶). زمینه گرایان معتقدند که اجزای شهر زیر پوشش نیروها یا ویژگی‌های درونی خود نمی‌باشد بلکه به محیط و مجموعه پیرامون آن وابسته‌اند (احمدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۸۲). این دیدگاه به ویژگی‌های خاص مکان و کاربست آن‌ها در طراحی توجه دارد. در سال‌های اولیه پیدایش این نظریه تنها به ابعاد فرمی توجه می‌شد، اما در سال‌های بعد ابعاد انسانی و اجتماعی - فرهنگی نیز مورد توجه قرار گرفت (اکبری و دیگران، ۱۳۹۶: ۷). بنابراین طراح و معمار باید پیام زمینه و بستر طرح را درک کند و پس از آن با توجه به شرایط موجود طراحی کند. به گونه‌ای که آندو می‌گوید: معماری کشف بنایی است که سایت آن را طلب می‌کند. در نظر او معماری و زمینه در تعاملی دوجانبه هستند (بهمنی و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۷).

استیون هال معتقد است که معماری مسئولیت توجه ویژه و موشکافانه روی زمینه را دارد. زیرا زمینه می‌تواند مجموعه‌ای از پیشنهادات مناسب را به عنوان مفاهیمی برای طراحی معماری فراهم می‌آورد. زمینه برای وی تنها بستر ساختمانی نیست، بلکه مفاهیم طراحی را نیز در بر می‌گیرد. به سخن دیگر، از نظر هال، زمینه یک منبع اساسی برای طراحی است. او بر این باور است که «همیشه با یک زمینه و موقعیت جدید رو به رو هستیم و باید طبق شرایط موجود فرآیند طراحی را انجام دهیم» (بابایی و خاک زند، ۱۳۹۷: ۱۷۴). توجه به بستر معماری و داده‌های طرح از ابزار مولد اولیه معماران در فرآیند طراحی هستند. و رویکرد اصلی طراحی را تعریف می‌کنند. این رویکرد به تجلی گسترده گزینیه‌های طراحی منجر شده است و در نهایت ارزیابی موفق تر از راه حل‌ها و طراحی‌های کامل تری را به دنبال دارد (مهدوی نژاد و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۱). از نگاه الکساندر،

در یک کل منسجم باشند. یعنی یک کولاز شهر که قطب‌های مخالفی چون روابط فضایی گذشته و آینده را دربرگیرد. به اعتقاد صاحب‌نظران کولاز شهر، در شهر سنتی بناها زمینه هستند و فضاها، اشکال متصل به هم و الگوی در هم بافت‌های از تناوب فضایی را نمایان می‌سازند (هاشم پور و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۰).

مولفه‌ها و ریز مولفه‌های موثر در تبیین زمینه‌گرایی کالبدی

در ادامه با استناد به آرا صاحب‌نظران و منابع پژوهش، مولفه‌های و ریز مولفه‌های موثر در تبیین زمینه‌گرایی کالبدی، در جدول شماره ۱ تدوین شده است.

جدول شماره ۱: مولفه‌ها و ریز مولفه‌های موثر در تبیین زمینه‌گرایی کالبدی

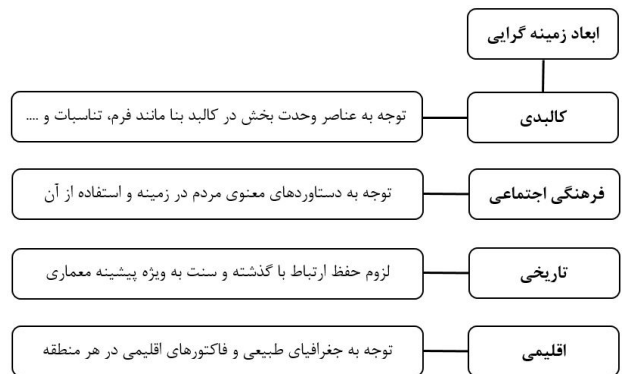
ریز مولفه‌های کالبدی	مولفه‌های کالبدی
<ul style="list-style-type: none"> جهت‌گیری بنا دید و چشم‌انداز درصد توده و فضا الگوی توده‌گذاری 	<ul style="list-style-type: none"> موقعیت بنا
<ul style="list-style-type: none"> تناسبات نما ارتفاع کف تا سقف تناسبات حیاط ابعاد فضاها تناسبات در و پنجره ارتفاع قرنیزها 	<ul style="list-style-type: none"> مقیاس و اندازه
<ul style="list-style-type: none"> فرم در و پنجره خط آسمان فرم ایوان فرم حیاط مرکزی شکل بام‌ها نورگیری هندسه خط زمین نمادهای آشنای فرهنگی 	<ul style="list-style-type: none"> شکل و فرم
<ul style="list-style-type: none"> نوع مصالح نقوش و آرایه‌ها رنگ مصالح محل قرارگیری آرایه‌ها ترکیب بندی مصالح 	<ul style="list-style-type: none"> مصالح و جزئیات
<ul style="list-style-type: none"> سلسله مراتب فضایی عرصه بندی فضاها جبهه قرارگیری فضاها 	<ul style="list-style-type: none"> سازماندهی اجزا و عناصر کالبدی

ماخذ: نگارندگان با اقتباس از منابع پژوهش

ساخت خانه‌های تاریخی کاشان

بافت تاریخی شهر کاشان که همانند شهرهای یزد و نایین و... در منطقه‌ای گرم و خشک قرار دارد شامل چندین محله‌ی قدیمی می‌شود که علیرغم صدمات وارده به بافت این محلات به دلیل خیابان‌کشی‌ها و معابر جدیدالاحداث، هنوز بخش‌های قابل توجهی از آن دست نخورده باقی مانده است و دهها خانه قدیمی با معماری ناب در آن وجود دارد. در این شهر تاکنون بیش از یکصد و پنجاه خانه قدیمی شناسایی شده که ارزش تاریخی (هنری) و معماری دارند. بخش اعظم این خانه‌ها بناهایی هستند که در دوره قاجار ساخته شده و خانواده‌های شهری از آن‌ها برای سکونت استفاده کرده‌اند. تقریباً همه خانه‌های قدیمی و ارزشمندی که عمدتاً در بافت‌های قدیمی شهرهای مناطق گرم و خشک قرار دارند دارای حیاط مرکزی هستند که فضاها متعدد و متفاوتی با نظم و انضباط بر گرداگرد آن نشسته‌اند (فرخ یار، ۱۳۹۰: ۷۳-۷۴). فضا در این خانه‌ها برای احتیاجات توأمان طبیعی و فرهنگی ساکنان شکل می‌گرفت و بدین سبب این خانه‌ها را از طرفی می‌توان انعکاس

هدف‌نهایی طراحی رسیدن به فرمی است که درست بودن آن در سازگاری با زمینه برقرار می‌شود. به عبارتی کار طراحی را تلاش برای رسیدن به سازگاری میان فرم و زمینه می‌داند (بابایی و خاک زنده، ۱۳۹۷: ۱۷۴). با این حال زمینه‌گرایی ایجاد ارزش‌های جدید (تحول) را نفی نمی‌کند اما به صراحت تداوم ارزش‌های کالبدی و غیر کالبدی مکان یا زمینه موجود را خواستار است. به طور کلی رویکرد زمینه‌گرایی در کولازهای زمین و تداوم آن‌ها در آینده است (میرمقتدایی، ۱۳۸۳: ۳۵).



نمودار شماره ۱: ابعاد زمینه‌گرایی؛ ماخذ: نگارندگان

زمینه‌گرایی کالبدی

شکل یا فرم شهر وسیع‌ترین مفهوم وابسته به شهر است که شامل کلیه عناصر محیطی است که انسان به طور بالقوه می‌تواند در ارتباط با آن قرار گیرد. شکل شهر در حقیقت ظرفی است که امکان می‌دهد فعالیت‌های شهری در آن به وقوع بپیوندد (خستو و حبیب، ۱۳۹۵: ۳۵). در زمینه‌گرایی کالبدی طراح نه تنها خود شی بلکه رابطه متقابل آن را با سایر اشیای موجود در زمینه ملحوظ می‌دارد، زیرا معتقد است که شکل بناها بر اشکال مجاور و نزدیک آن تأثیر می‌گذارد (تولایی، ۱۳۸۰: ۴۱).

گرایش شهرسازان به ساخت و ساز در «مجموعه موجود» به معنی در هم بافتن نو و کهنه به نحوی است که بتواند یک زنده و مطلوب ایجاد کند. توجه به زمینه‌گرایی کالبدی به عنوان رویکردی مبتنی بر ارتباط پدیده‌ها با محیط و مجموعه پیرامون خود، می‌تواند منجر به خوانایی فضا شده و موجبات حس مکان را فراهم آورد. معماری زمینه‌گرا محیط مطلوبی خلق می‌نماید که از مقیاس تک ساختمان فراتر رفته و نقش تعیین‌کننده‌ای در فضای شهری ایفا می‌نماید (احمدی و دیگران، ۱۳۹۶). از مهم‌ترین نظریات زمینه‌گرایی کالبدی ایده کولاز شهر است که اولین بار توسط کالین رو و فرد کوتر که از پیشگامان زمینه‌گرایی است مطرح گردید. این ایده پاسخی بود به طرز تفکر نوگرایی که در آن بناهای شهر را به مثابه اشیای معماری می‌پنداشتند و آن‌ها را به تنهایی و با نماهای از هم متمایز و جدای از زمینه طراحی می‌کردند. به نظر آن‌ها طراحی شهری بیشتر به کولاز می‌ماند تا ترسیم، لذا شهرسازان را تشویق می‌کنند که از همه عوامل در دسترس از جمله بافت (context) شهری موجود بهره‌گیرند. و در پی در هم بافتن عناصر شهر

دهنده روح و ذوق مردم و معماران به حساب آورد و از طرف دیگر به عنوان یک دستاورد جهانی؛ معماری این خانه‌ها یکی از دقیق‌ترین پاسخ‌های فضایی را برای رابطه‌ی انسان با روز و شب، بهار و تابستان،

پاییز و زمستان، آفتاب و مهتاب، سرما و گرما، درخت و آب و همچنین برای عروسی، عزا و معاشرت و برگزاری آیین‌های مذهبی و اعیاد باستانی داده است (فرخ یار، ۱۳۹۰: ۲۰).

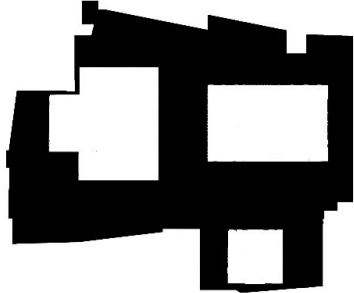

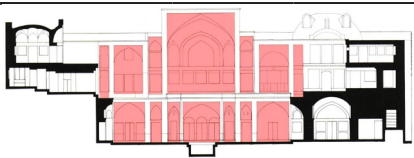


معرفی و ارزیابی نمونه‌های موردی

جدول شماره ۲: معرفی نمونه‌های موردی

نام بنا	معرفی بنا	پلان‌های معماری	تصاویر بنا
خانه عباسیان	خانه عباسیان در محله سلطان امیر احمد و با فاصله کمی از خیابان علوی قرار دارد. بانی اصلی آن حاج محمد ابراهیم تاجر کاشی، در حوالی سال ۱۲۴۵ هجری قمری اقدام به ساخت آن کرده است. این مجموعه دارای پنج حیاط است که هر کدام از حیاط‌ها صرف نظر از اشتراکات، دارای معماری منحصر به فرد و متمایز می‌باشد. بعد از فوت مرحوم کاشی، حیاط‌های این خانه در ارث قرار می‌گیرند و به مرور زمان حیاط‌ها از هم جدا و به صورت خانه‌های مستقل، از هم تفکیک شده‌اند.		
خانه طباطبایی	خانه طباطبایی‌ها در محله سلطان امیر احمد و در مجاورت بقعه امامزاده سلطان امیر احمد قرار گرفته است. دارای دو بخش اندرونی و بیرونی است. بانی این خانه سید جعفر طباطبایی از تجار معروف فرش بوده که در سال‌های ۱۲۵۰ تا ۱۲۵۵ شروع به ساخت آن کرده است. بعضی از کارشناسان قدمت آن را بیش از این می‌دانند. بر خلاف سایر خانه‌های کاشان که معمولاً حیاط اندرونی وسیع‌تر از حیاط بیرونی بوده، در این بنا حیاط وسیع‌تر و بزرگتر به بیرونی اختصاص داده شده است. بنابراین مهم‌ترین بخش خانه قسمت بیرونی آن است که در هر طرف حیاط، فضاهایی ساخته شده و در هر جبهه یک فضای اصلی در میانه نشسته و فضاهای دیگر در نما به مانند حامیان این عنصر میانی به نظر می‌رسد.		 
خانه آل تاسیب	در خیابان امام خمینی کوچه کریم زاده واقع شده است. با آن که بنا در زمینی نامنظم قرار گرفته، از نظم و هندسه کامل برخوردار است. فضای خانه متشکل از یک بخش اصلی، شامل حوضخانه و تالارها و اتاق‌های پیرامون آن در جبهه شمال شرقی، و دو بخش قرینه یکدیگر در دو جبهه شمال غربی و جنوب شرقی است. در جبهه جنوب غربی تنها یک دیوار طاق‌نما سازی شده است. ارتفاع فضاهای جبهه شمال شرقی خانه بیشتر از سایر بخش‌ها و معادل دو طبقه است. ورودی اصلی خانه در جبهه شمال شرقی بنا واقع شده است که جلو خان وسیعی مقابل خود دارد و معبر ورودی از آن می‌گذرد.		
خانه بروجردی	خانه بروجردی‌ها در خیابان علوی و در محله تاریخی سلطان امیر احمد قرار دارد. قدمت خانه به سال‌های ۱۲۸۰ تا ۱۲۹۲ باز می‌گردد. ساخت این مجموعه حدود ۱۸ سال به درازا کشیده و در آن بیش از ۱۵۰ بنا و هنرمند کار کرده‌اند. معمار این خانه استاد علی مریم بوده که در ایجاد دو بنای تاریخی دیگر کاشان یعنی خانه طباطبایی‌ها و تیمچه امین الدوله نقش داشته است. این خانه مشتمل بر یک حیاط بیرونی و دو حیاط اندرونی است که مجموعه بیرونی با مساحت نزدیک به ۲۰۰۰ متر مهم‌ترین و مفصل‌ترین بخش این خانه است.		


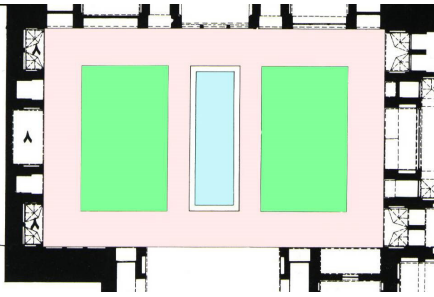
ماخذ: نگارندگان با استناد به منابع پژوهش

جدول شماره ۳: ارزیابی کالبدی خانه عباسیان

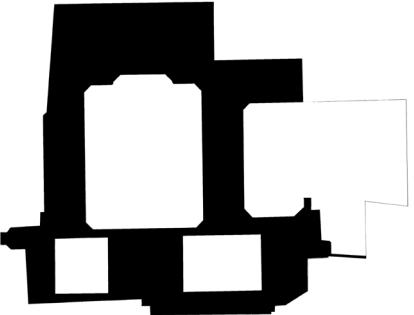
شمال شرقی - جنوب غربی		جهت گیری بنا		موقعیت بنا
یک ورودی در شمال شرق و یک ورودی در جنوب		ورودی	جبهه قرارگیری فضاها	
جبهه شمال غربی بنا		ایوان		
یک تالار در جنوب شرق	طبقه گودال باغچه	تالار		
یک تالار در شمال غربی				
یک تالار در جنوب غربی	طبقه اول	اتاق		
یک تالار در شمال شرق				
یک اتاق سه دری	جبهه شمال شرقی بنا			
دو سه دری و یک پنج دری	جبهه جنوب شرقی بنا			
یک اتاق پنج دری	جبهه جنوب غربی بنا			
		الگوی توده گذاری		
به حیاط مرکزی		دید و چشم انداز		
		نمای شمال شرقی	تقسیمات نما	
		نمای جنوب شرقی		
		نمای شمال غربی		
		نمای جنوب غربی		

۲۱ × ۱۴		ابعاد	تناسبات حیاط مرکزی	
۲۹۴ متر		مساحت		
۲,۱۵ × ۰,۹۴	هر لنگه پنجره پنج دری	ابعاد پنجره	تناسبات در و پنجره	
۱,۹۶ × ۰,۸۶	هر لنگه پنجره سه دری			
۲,۱ × ۱,۲	درب ورودی اصلی	ابعاد درب		
۱,۹۸ × ۱,۱	درب ورودی سه دری			
۱,۸۸ × ۱,۱	درب ورودی پنج دری			
۷ متر	بزرگ	هشتی		ارتفاع کف تا سقف
۳,۸ متر	کوچک			
۲,۴ متر	دو دری شمال شرقی	اتاق		
۲,۶ متر	سه دری شمال شرقی			
۶ متر	پنج دری جنوب غربی			
۵ متر	سه دری جنوب شرقی			
۶ متر	پنج دری جنوب شرقی			
۷,۸ متر		ایوان		
۱۱ متر	تالار سرپوشیده	تالار		
۴,۷ متر	تالار شمال غربی			
۵ متر	تالار جنوب غربی			
۴,۷۵ متر	تالار جنوب شرقی			
۲,۳ × ۲,۲	ابعاد	کوچک	هشتی	
۵,۰۶	مساحت			
۵,۷ × ۴,۶	ابعاد	بزرگ		
۲۶,۲۲	مساحت			
۵,۱۵ × ۲,۵	ابعاد	دو دری	ابعاد فضاها	
۱۲,۸۷	مساحت			
۵,۳۷ × ۳	ابعاد	سه دری شمال شرقی		
۱۶,۱۱	مساحت			
۴ × ۳,۸	ابعاد	پنج دری جنوب غربی		
۱۵,۲	مساحت			
۴,۸ × ۳	ابعاد	سه دری جنوب شرقی		
۱۴,۴	مساحت			
۷,۲ × ۶,۹	ابعاد	پنج دری جنوب شرقی		
۴۹,۶۸	مساحت			
۶,۷۲ × ۶,۶۲	ابعاد	تالار سرپوشیده		
۴۴,۴۸	مساحت			
۸ × ۶,۶	ابعاد	تالار شمال غربی		
۵۲,۸	مساحت			
۶,۲ × ۵	ابعاد	تالار جنوب غربی		
۳۱	مساحت			
۱۰ × ۷	ابعاد	تالار جنوب شرقی		
۷۰	مساحت			
۷ × ۴,۹	ابعاد	ایوان		
۳۴,۳	مساحت			
۶۵ سانتی متر		ارتفاع قرنیز		
۴,۷ متر		ارتفاع سطح زمین تا حیاط مرکزی		


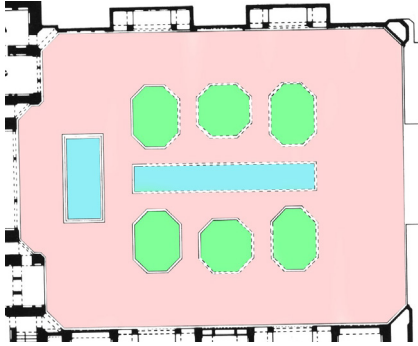
مقیاس و اندازه

	فرم و حالت پنجره		فرم و شکل
به صورت تخت و گنبدی	خط آسمان		
مستطیلی	فرم ایوان		
	فرم حیاط مرکزی		
مقتارن	نما	هندسه	مصالح و جزئیات
نامقتارن	پلان		
گچ-خشت-کاهگل-شیشه رنگی-چوب	نوع مصالح		
کرم-سفید-قهوه ای-رنگ‌های متفاوت شیشه رنگی	رنگ مصالح		
پر تزیینات در اکثر سطوح و فضاها	محل قرارگیری آرایه‌ها		

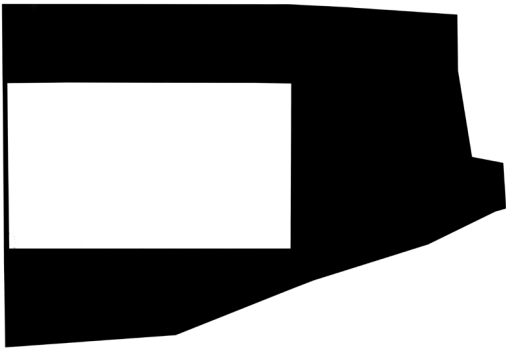
جدول شماره ۳: ارزیابی کابردی خانه طباطبایی

جنوب شرقی - شمال غربی		جهت گیری بنا		موقعیت بنا
جبهه جنوب شرقی بنا		ورودی	جبهه قرارگیری فضاها	
جبهه جنوب شرقی بنا		ایوان		
در جبهه جنوب شرقی، شمال شرقی و جنوب غربی		تالار		
چهار اتاق سه دری	جبهه شمال شرقی	اتاق		
یک اتاق پنج دری	جبهه شمال غربی			
چهار اتاق سه دری	جبهه جنوب شرقی			
چهار اتاق سه دری	جبهه جنوب غربی	مطبخ		
جبهه جنوب غربی بنا		الگوی توده گذاری		
		دید و چشم انداز		
به حیاط مرکزی				


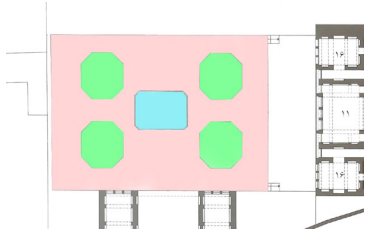
	نمای شمال غربی	تقسیمات نما	
	نمای جنوب شرقی		
	نمای شمال شرقی و جنوب غربی		
۴۰ × ۳۰	ابعاد	تناسبات حیاط مرکزی	
۱۲۰۰ متر مربع	مساحت		
۲,۴ × ۱	پنجره سه دری	تناسبات پنجره	
۵,۲ متر	هشتی	ارتفاع کف تا سقف	
۳ متر	سه دری جبهه جنوب شرقی		
۳ متر	سه دری جبهه جنوب شرقی		
۲,۷ متر	سه دری جبهه جنوب غربی		
۲,۷ متر	سه دری جبهه شمال شرقی		
۷ متر	ایوان		
۵ متر	تالار زمستان نشین		تالار
۷ متر	تالار تابستان نشین		
۸,۴ متر	تالار جبهه جنوب شرقی		
۳,۸ × ۳,۶	ابعاد		هشتی
۱۳,۶۸	مساحت		
۹,۵ × ۹	ابعاد	اتاق پنج دری	
۸۵,۵	مساحت		
۵,۵ × ۳,۵	ابعاد	سه دری جنوب شرقی	
۱۹,۲۵	مساحت		
۳,۵ × ۲,۳	ابعاد	سه دری جنوب شرقی	
۸,۰۵	مساحت		
۴ × ۳,۱۵	ابعاد	سه دری جنوب غربی	
۱۲,۶	مساحت		
۶ × ۳,۵	ابعاد	سه دری شمال شرقی	
۲۱	مساحت		
۱۰ × ۹,۳	ابعاد	جنوب شرقی	
۹۳	مساحت		
۷,۷ × ۶,۷	ابعاد	تالار زمستان نشین	
۵۱,۵۹	مساحت		
۸ × ۷,۷	ابعاد	تابستان نشین	
۶۱,۶	مساحت		
۹ × ۵,۲	ابعاد	ایوان	
۴۶,۸	مساحت		
در سه ارتفاع ۹۰ سانت، ۱,۳ و ۱,۶ متر	ارتفاع قرنیز	مقیاس و اندازه	
حدود ۶ متر	ارتفاع سطح زمین تا حیاط مرکزی		

		فرم و حالت درب و پنجره		فرم و شکل
به صورت تخت و منحنی		خط آسمان		
مستطیلی		فرم ایوان		
		فرم حیاط مرکزی		
مقتارن		نما	هندس	مصالح و جزئیات
نامقتارن		پلان		
آجر- گچ- چوب- کاهگل- خشت		نوع مصالح		
قهوه‌ای تیره- سفید- کرم		رنگ مصالح		
تزیینات بسیار در اکثر سطوح و فضاها		محل قرارگیری آرایه‌ها		

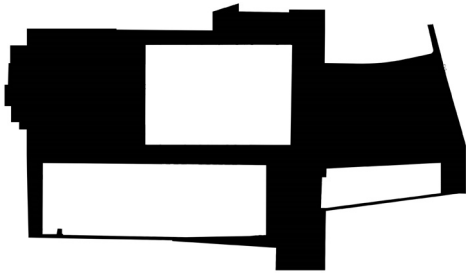
جدول شماره ۵: ارزیابی کالبدی خانه آل یاسین

شمال شرقی - جنوب غربی		جهت گیری بنا		موقعیت بنا
جبهه شمال شرقی بنا		ورودی	جبهه قرارگیری فضاها	
جبهه جنوب شرقی بنا		ایوان		
جبهه شمال شرقی بنا		تالار		
چهار اتاق سه دری	جبهه شمال شرقی	اتاق		
سه اتاق سه دری و یک اتاق پنج دری	جبهه شمال غربی			
سه اتاق سه دری	جبهه جنوب شرقی			
		الگوی توده گذاری		
به حیاط مرکزی		دید و چشم انداز		


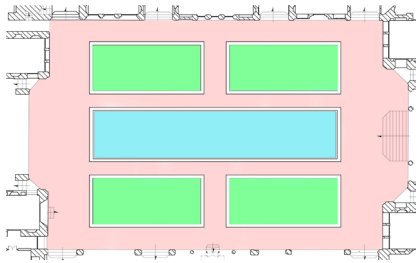
	نمای شمال غربی	تقسیمات نما	مقیاس و اندازه
	نمای جنوب شرقی		
	نمای شمال شرقی		
	نمای جنوب غربی		
۲۵ × ۱۸	ابعاد	تناسبات حیاط مرکزی	
۴۵۰ متر مربع	مساحت	تناسبات در و پنجره	
۲ × ۱	ابعاد پنجره هر لنگه پنجره سه دری	تناسبات در و پنجره	
۲ × ۱	ابعاد درب در ورودی پنج دری		
۳ متر	هشتی	ارتفاع کف تا سقف	
۵٫۵ متر	پنج دری		
۲٫۵ متر	سه دری جنب تالار		
۳٫۵ متر	سه دری جبهه شمال و جنوب شرقی		
۶ متر	ایوان	ابعاد فضاها	
۸٫۷ متر	تالار		
۳ × ۲٫۵	ابعاد	هشتی	
۷٫۵	مساحت		
۸٫۵ × ۳٫۸	ابعاد	سه دری جنوب شرقی	
۳۲٫۳	مساحت		
۵ × ۳٫۵	ابعاد	سه دری جنوب شرقی	
۱۷٫۵	مساحت		
۴٫۷ × ۲٫۸	ابعاد	سه دری جنب ایوان	
۱۳٫۱۶	مساحت		
۴٫۱ × ۲٫۷	ابعاد	سه دری جنب حوضخانه	
۱۱٫۰۷	مساحت		
۷٫۳ × ۶٫۶	ابعاد	اتاق پنج دری	
۴۸٫۱۸	مساحت		
۸ × ۶	ابعاد	تالار	
۴۸	مساحت		
۶٫۶ × ۴٫۸	ابعاد	ایوان	
۳۱٫۶۸	مساحت		
۰٫۹۲ سانتیمتر	ارتفاع ازاره		
۳٫۵ متر	ارتفاع سطح زمین تا حیاط مرکزی		

خط آسمان	به صورت تخت و گنبدی	فرم و شکل
فرم ایوان	مستطیلی	
فرم و حالت پنجره		
فرم حیاط مرکزی		
هندسه	نما	مصالح و جزییات
	پلان	
	مقارن نامقارن	
نوع مصالح	کاهگل - گچ - خشت - آجر راسته و خطایی - باز شو چوبی - کاشی	
رنگ مصالح	سرخ کبود - قهوه‌ای روشن - سفید - کرم - آبی فیروزه ای	
محل قرارگیری آرایه‌ها	بالای سه دری و پنج دری - سطح نمای اصلی بنا	

جدول شماره ۶: ارزیابی کابردی خانه بروجردی

جهت‌گیری بنا	شمال شرقی - جنوب غربی	موقعیت بنا		
وجه قرارگیری فضاها	ورودی		یک ورودی در شمال شرق و یک ورودی در غرب	
	ایوان		جبهه جنوب غرب بنا	
	تالار		یک تالار در جنوب غرب و یک تالار در شمال شرق	
اتاق	جبهه قرارگیری فضاها		جبهه شمال شرق بنا	دو اتاق سه دری
			جبهه جنوب غرب بنا	چهار اتاق سه دری
			جبهه شمال غرب بنا	یک اتاق سه دری
		جبهه جنوب شرق بنا	دو سه دری و یک پنج دری	
الگوی توده‌گذاری				
دید و چشم‌انداز	به حیاط مرکزی			

	نمای شمال شرقی	تقسیمات نما	
	نمای جنوب غربی		
	نمای جنوب شرقی و شمال غربی		
۳۰ × ۱۸		ابعاد	تناسبات حیاط مرکزی
۵۴۰ متر مربع		مساحت	
۲,۶ × ۱,۴	سه لنگه	ابعاد پنجره	تناسبات در و پنجره
۱ × ۲,۵	ورودی اتاق	ابعاد درب	
۶ متر	ورودی شمال شرق	هشتی	ارتفاع کف تا سقف
۴,۲ متر	ورودی غربی		
۳,۵ متر	اتاق پنج دری	اتاق	
۳ متر	سه دری جنب ایوان		
۳ متر	سه دری جنب تالار		
۳,۵ متر	سه دری جنوب شرق	ایوان	
۳,۸ متر	سه دری جنب مهتابی		
۶,۶ متر		ایوان	
۱۸,۵ متر	تابستان نشین	تالار	
۶ متر	زمستان نشین		
۴,۱ × ۴,۷	ابعاد	هشتی اصلی	ابعاد فضاها
۱۹,۲۷	مساحت		
۴,۸ × ۳,۹	ابعاد	هشتی غربی	
۱۸,۷۲	مساحت		
۶,۸ × ۲,۸	ابعاد	پنج دری	
۱۹,۰۴	مساحت		
۵,۲ × ۳,۳	ابعاد	سه دری جنب ایوان	
۱۷,۱۶	مساحت		
۸,۹ × ۳,۸	ابعاد	سه دری جنب تالار	
۳۳,۸۲	مساحت		
۶,۸ × ۲,۸	ابعاد	سه دری جنوب شرق	
۱۹,۰۴	مساحت		
۴,۶۵ × ۳,۱۵	ابعاد	سه دری جنب مهتابی	
۱۴,۶۴	مساحت		
۱۲,۸ × ۸,۳	ابعاد	تابستان نشین	
۱۰۶,۲۴	مساحت		
۷ × ۶	ابعاد	زمستان نشین	
۴۲ متر مربع	مساحت		
۸,۳ × ۴,۳	ابعاد	ایوان	
۳۵,۶۹	مساحت		
۱,۴ و ۱,۵ متر		ارتفاع ازاره	
۳,۵ متر		ارتفاع سطح زمین تا حیاط مرکزی	

	فرم و حالت پنجره		فرم و شکل
به صورت تخت و گنبدی	خط آسمان		
مستطیلی	فرم ایوان		
	فرم حیاط مرکزی		
مقارن	نما	هندسه	مصالح و جزئیات
نامقارن	پلان		
گچ - چوب - خشت - کاهگل - آجر - رنگ - کاشی	نوع مصالح		
کالبد خارجی: سفید - کرم - قهوه ای	رنگ مصالح		
تزیینات بسیار در اکثر فضاها و سطوح	محل قرارگیری آرایه ها		

نتایج کمی به دست آمده نیز به صورت بازه حداقل و حداکثر در نظر گرفته شده است. در پایان به کارگیری عملی راهکارهای پیشنهاد شده می‌تواند با رفع اغلب نیازهای ساکنان در اعتلای معماری مسکونی کاشان نقشی محوری ایفا کند.

بحث، بررسی و نتیجه‌گیری

بعد کالبدی مفهوم زمینه‌گرایی از مولفه‌ها و ریز مولفه‌های بسیاری تشکیل شده است که عبارت‌اند از:

* موقعیت بنا (جهت‌گیری بنا، درصد توده و فضا، دید و چشم‌انداز، الگوی توده‌گذاری)

* مقیاس و اندازه (تناسبات نما، تناسبات حیاط، تناسبات در و پنجره، ارتفاع کف تا سقف، ابعاد فضاها، ارتفاع قرنیزها)

* شکل و فرم (فرم در و پنجره، خط آسمان، فرم ایوان، حیاط مرکزی، شکل بام‌ها، نورگیری، هندسه، خط زمین، نمادهای آشنای فرهنگی)

* مصالح و جزئیات (نوع مصالح، رنگ مصالح، ترکیب بندی مصالح، نقوش و آرایه‌ها، محل قرارگیری آرایه‌ها)

* ساماندهی اجزا و عناصر کالبدی (سلسله مراتب فضایی، عرصه بندی فضاها، جبهه قرارگیری فضاها)

با استفاده از این معیارهای ثابت، هر یک از نمونه‌های موردی که از خانه‌های کامل به لحاظ کیفیت و تنوع فضایی به شمار می‌روند؛ مورد ارزیابی و مطالعه قرار گرفتند. هدف اصلی پژوهش حاضر ارائه راهکارهایی جهت شکل‌گیری الگوی کالبدی مسکن معاصر کاشان مبتنی بر زمینه‌گرایی کالبدی است؛ آن چه در جدول شماره ۷ در راستای نیل به هدف پژوهش آمده نتیجه تحلیل هر یک از ردیف‌های جداول ارزیابی کالبدی نمونه‌های موردی است. در مقایسه‌ها تاکید بیشتر بر موارد اشتراک بوده و

جدول شماره ۷: راهکارهای پیشنهادی در راستای شکل‌گیری الگوی کالبدی مسکن معاصر کاشان مبتنی بر زمینه‌گرایی کالبدی

مولفه‌های موثر در تبیین زمینه‌گرایی کالبدی	رهنمودهای پیشنهادی برای طراحی
موقعیت بنا	<ul style="list-style-type: none"> - فشردگی مجتمع‌های مسکونی - چرخش ساختمان به سمت شمال شرقی - جنوب غربی جهت قابل استفاده کردن شرق و غرب - قرارگیری بخشی از ساختمان در دل زمین - اختلاط مناسب کاربری‌ها به جهت سازگاری فعالیت‌ها - رفاقت با عناصر چهارگانه آب، باد، نور و گیاه و نه تسلط بر آن
مقیاس و اندازه	<ul style="list-style-type: none"> - طراحی معابر کم عرض جهت سایه اندازی و مقابله با تونل‌گرد و خاک - اختلاف ارتفاع کف حیاط مرکزی با سطح معابر «حداقل ۳,۵ متر و حداکثر ۶ متر» - ارتفاع آزاره‌ها «حداقل ۶۵ سانتی متر و حداکثر ۱/۶ متر» - تقسیمات نما به صورت فرد (سه قسمته، پنج قسمته، هفت قسمته و در مواردی نه قسمته) - رعایت ابعاد فضاها در محدوده حداقل تا حداکثر مساحت با توجه به نتایج ارزیابی‌ها - هشتی (فضای پیش ورودی)، «حداقل پنج متر مربع حداکثر ۲۶ متر مربع» - اتاق دودری و سه دری (اتاق خواب و اتاق مهمان)، «حداقل ۸,۰۵ متر مربع حداکثر ۳۳,۸۲ متر مربع» - اتاق پنج دری (نشیمن)، «حداقل ۱۵,۲ متر مربع حداکثر ۸۵,۵ متر مربع» - تالار (پذیرایی)، «حداقل ۳۱ متر مربع حداکثر ۱۰۶,۲۴ متر مربع» - ایوان (بالکن)، «حداقل ۳۱,۶۸ متر مربع حداکثر ۴۶,۸ متر مربع»
شکل و فرم	<ul style="list-style-type: none"> - حفظ هماهنگی در نماهای شهری - ایجاد مرکزیت در خانه با استفاده از حیاط مرکزی - ارزش دادن به بخش ورودی به عنوان محور شاخص بنا - استفاده از تابش بند به صورت افقی و عمودی - افزایش طول آکابه پنجره‌ها برای حفظ حریم افراد و رعایت مسائل اقلیمی - ارتفاع گرفتن سطح همکف نسبت به کف حیاط - ویژگی‌های نماهای نمونه‌های موردی عبارت‌اند از: رعایت اصل تقارن و تعادل، تقسیمات فرد در نما و وجود ریتم و نظم در تقسیمات نما - خط آسمان در تمامی نمونه‌ها به صورت تخت و منحنی - نما به وسیله آجر قاب بندی شده که بر صلابت و خوانایی نما می‌افزاید و پوشاندن سایر سطوح با اندکی تو رفتگی از قاب آجری با گچ یا خشت - حیاط در نمونه‌ها فضایی است بدون سقف، با کفی آراسته از درخت و آب، در سه پلان مربع، مربع مستطیل و مستطیل و به صورت تخت یا گودال باغچه - نورگیری از سقف جهت پیشگیری از تابش مستقیم آفتاب - استفاده از نمادهای موجود در زمینه و آشنا با حافظه بصری مردم کاشان
مصالح و جزئیات	<ul style="list-style-type: none"> - به کارگیری مصالح بومی نظیر خشت خام، آجر و گل به جهت داشتن ظرفیت حرارتی بالا - رنگ دیواره تمام خانه‌ها کرم قهوه‌ای است و گاهی برای تزیینات رنگ‌هایی نظیر آبی فیروزه‌ای استفاده شده - استفاده از آجر خطایی و گاهی کاشی برای کف پوش فضاها - محل قرارگیری تزیینات در خانه‌های مجلل تمام سطوح و در خانه‌های ساده تر معمولاً سرستون‌ها و قاب بالایی سطوح نما و آزاره‌ها - قسمت شدن شیشه پنجره‌ها برای جلوگیری از تابش مستقیم
سازماندهی اجزا و عناصر کالبدی	<ul style="list-style-type: none"> - توجه به حریم‌ها و رعایت عدم امکان دید مستقیم واحدها به یکدیگر - ارتباط میان فضاهای خصوصی با فضاهای عمومی به وسیله مفصل‌هایی مانند هشتی و راهرو - استفاده از فضاهای نیمه باز مانند رواق و ساباط - استفاده از جعبه پله‌های نیمه باز و راهروهایی در ارتفاع به طرف حیاط برای اتصال واحدها - انعطاف‌پذیری فضاها و شکل‌گیری فضاهای چند عملکردی - امکان نورگیری و تهویه مناسب فضاهای زیرزمینی - ایجاد تو رفتگی در فضای پیش ورودی‌ها - استفاده از مهتابی برای استراحت و خواب در شب‌های خنک فصل گرم - گردش در ورود به واحد با زاویه نود درجه - وجود حوضخانه به عنوان فضایی سرپوشیده ولی نیمه باز جهت ایجاد فضایی مطبوع - قرارگیری ایوان در جبهه جنوبی بنا

فهرست منابع و مراجع

۱. احمدی، فردین، (۱۳۹۶)، «تبیین نقش زمینه‌گرایی کالبدی در طراحی شهری»، *مجله نخبگان علوم و مهندسی*، شماره ۳، تابستان ۹۶.
۲. اکبری، علی اکبر و دیگران، (۱۳۹۶)، «بازشناسی نگرش به زمینه در بناهای ساخته شده میدان مشق تهران در دوره پهلوی اول»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، شماره ۳۰، زمستان ۹۶.
۳. بابایی، سعید و دیگران، (۱۳۹۷)، «زمینه‌گرایی در آثار معماران غیر ایرانی در دوره پهلوی اول»، *دوفصلنامه مطالعات معماری ایران*، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۹۷.
۴. برولین، برنست (۱۳۸۶)، *معماری زمینه‌گرا*، ترجمه راضیه رضازاده، نشر خاک، تهران.
۵. بهمنی، المیرا و دیگران، (۱۳۹۵)، «بررسی شناخت عوامل زمینه‌گرا در کالبد خانه‌ها و بافت سنندج با نگاهی به ویژگی‌های عمارت وکیل‌الملک»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، شماره ۲۶، زمستان ۹۵.
۶. تولایی، نوین، (۱۳۸۰)، «زمینه‌گرایی در شهرسازی»، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۱۰، زمستان ۸۰.
۷. حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۹۴)، *گنجنامه*. دفتر اول: خانه‌های کاشان، مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی، تهران.
۸. خسثو، مریم و فرح حبیب، (۱۳۹۵)، «رویکرد تحلیلی به تاثیر کالبد شهر بر فرهنگ با تاکید بر بافت شهری مطالعه موردی: شهر قزوین»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، شماره ۲۶، زمستان ۹۵.
۹. شاه تیموری، یلدا و حامد مظاهریان، (۱۳۹۱)، «رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه تاریخی»، *نشریه هنرهای زیبا*، زمستان ۹۱.
۱۰. فرخ یار، حسین (۱۳۹۰)، *صد خانه-صد پلان* (ویژگی‌های معماری خانه‌های قدیمی در اقلیم گرم و خشک)، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان، کاشان.
۱۱. مهدوی نژاد، محمد جواد و پریناز مهدوی مجومرد، (۱۳۹۴)، «ورود جریان‌های نوگرا به معماری معاصر ایران»، *فصلنامه شهر ایرانی اسلامی*، شماره ۲۱، پاییز ۹۴.
۱۲. میرمقتدایی، مهتا، (۱۳۸۳)، «معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها»، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۱۹، پاییز ۸۳.
۱۳. نظری، پژمان، (۱۳۹۳)، «تأثیر معیارهای معماری زمینه‌گرا در کالبد بنا»، *کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی*، تهران.
۱۴. هاشم پور، پریسا، (۱۳۹۷)، «کاربست رویکرد زمینه‌گرایی در بازآفرینی بافت‌های تاریخی»، *دوفصلنامه معماری و شهر پایدار*، شماره ۱، بهار و تابستان ۹۷.

خوانش ساختار معنایی و کالبدی حریم اماکن مقدس* با استناد بر سفرنامه‌های قرن پنجم تا چهاردهم هجری قمری

نسیم عسگری^۱، شهریار ناسخیان^{۲*} (نویسنده مسئول)، محمدسعید ایزدی^۳

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی مرمت بناها و بافت‌های تاریخی، گروه مرمت بنا، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، ایران

^۲ استادیار گروه مرمت بنا، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، ایران

^۳ استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۲

چکیده

نگرش اسلامی و خاصه تفکر شیعی، قداست و کرامت هر عنصری را وابسته به ذات مقدس الهی دانسته و معتقد است هر چه بر این وابستگی افزوده گردد، آن عنصر درجه تقدس بالاتری خواهد یافت؛ به‌مانند اماکن مقدسه شهرهای زیارتی که در طول تاریخ، همواره مورد تکریم و مرکز تجمع تعداد کثیری از عبادت‌کنندگان بوده است. حال آنکه متأسفانه ضعف در شناخت متقن نسبت به مفهوم حریم مرتبط با این اماکن، منجر به برهم‌زدن یکپارچگی محیط پیرامونی و بالطبع از بین رفتن اصالت این بناها، گاه به بهانه طرح‌های توسعه و گاه به منظور تسهیل امر معنوی زیارت، شده است. بی‌شک مذاقه در اسنادی نظیر سفرنامه‌ها که بتوانند حتی در یک چهارچوب کلی، بر بازنگری طرح‌های فوق‌الذکر و اقدامات جاری مرتبط با این اماکن سهمی داشته باشند، خالی از لطف نخواهد بود. بدین منظور پژوهش حاضر با هدف دستیابی به ساختار معنایی و کالبدی حریم اماکن مقدس، در صدد یافتن چسبندگی ابعاد دربرگیرنده این گستره بوده و از این حیث باتکیه بر روش تفسیری-تاریخی و رویکردی استنتاجی، به بررسی متون و تصاویر ۴۸ سفرنامه که در طی قرن‌های پنجم تا چهاردهم ه.ق به رشته تحریر درآمده‌اند، پرداخته است. یافته‌ها حکایت از آن دارد که این اماکن به‌عنوان «نماد و شاخصه شهر زیارتی»، همواره «متمايز از محیط پیرامون» خود و در عین حال با «انسجام یکپارچه» نسبت به آن، در تعامل با کاربری‌های مسکونی، تجاری، آموزشی و غیره با رعایت «سلسله‌مراتب فضایی» در یک نظام واحد شهری مستقر بوده است. نتیجه حاصل شده بیانگر بایستگی حرمت‌گذاری و حریم‌گذاری در دو بعد کالبدی و فراقالبدی و اذعان به حفظ تمامیت عناصر ملموس و ناملموس این گروه از میراث مذهبی، در طی بازه زمانی یادشده است. ساختار کالبدی حریم مکان‌های مذکور در سه مقیاس عرصه، منطقه حائل و حوزه مقدس تقسیم‌پذیر بوده، که خود نشانگر تک‌واحدی نبودن حرم‌های متبرکه در سطح شهر و نیز اثرگذاری سنت‌ها، آداب و رسوم و ارزش‌های مذهبی در شکل‌گیری ساختار معنایی حریم وابسته به آن‌ها است.

واژگان کلیدی: میراث مذهبی، مکان مقدس، حریم، عرصه، منطقه حائل.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نسیم عسگری، تحت عنوان «تدوین چهارچوب حفاظت از حریم مکان‌های مقدس کلان مقیاس شیعه با محوریت زیارت» است که به راهنمایی دکتر شهریار ناسخیان و دکتر محمد سعید ایزدی، در حال انجام است.

** E-Mail: s.nasekhian@au.ac.ir

مقدمه

از دیرباز مفاهیم و تعاریف گوناگونی در تبیین و توصیف مکان‌ها و عدم تجانس آن‌ها نسبت به یکدیگر وجود داشته است که تحت تأثیر نگرش‌های متفاوت فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و سیاسی شکل یافته‌اند. این نوع نگاه در یک معیار کلی مکان‌ها را به دو دسته دارای تقدس و فاقد آن، تقسیم می‌کند، که خود این دو گروه نیز به زیر شاخه‌های متفاوت و متمایزی از یکدیگر تجزیه می‌گردند. از طرف دیگر درجه‌بندی تقدس در دسته‌بندی بناهایی که جزئی از میراث مذهبی بشمار می‌روند، به جهت ماهیت ساختاری و معنایی که در شکل‌گیری آنها دخیل بوده است، عملاً دارای گونه‌بندی غیر همسانی خواهد بود. در فرهنگ اسلامی و مذهب تشیع نیز زیارتگاه‌ها، حرم‌های ائمه اطهار و امامزادگان از چنین قداستی برخوردار بوده و همین امر منجر گردیده تا نوع برخورد با این اماکن نیازمند توجه به آداب و حرمت‌گذاری مضاعفی نسبت به دیگر فضاها و ابنیه تاریخی باشد. به موجب امر معنوی زیارت و افزایش روزافزون زائران، دور از انتظار نیست که «حریم» و بافت پیرامون این عرصه‌ها در طول ادوار گذشته دستخوش تغییراتی گردیده باشند.

این تقسیم فضا به مکانی برای زیستن و در کنار آن در نظر گرفتن جهت و سمتی برای نیایش کردن را شاید بتوان جزء قدیمی‌ترین طبقه‌بندی‌های زمین برداشت نمود (بمات، ۱۳۶۹: ۲۹) و از آنجا که «هویت یک مکان آمیزه‌ای خاص است از روابط اجتماعی» (مدنی پور، ۱۳۸۷: ۳۳)؛ در اغلب اوقات هر چه ماهیت دو عرصه متفاوت‌تر باشد، تمایل به انفکاک آن‌ها از یکدیگر بیشتر و در نتیجه فاصله و مراتب بیشتری بین آن‌ها در نظر گرفته می‌شود (نویسی و حاجی قاسمی، ۱۳۹۰: ۳۸). این امر بدون شک منجر خواهد شد، تا هر مکانی حصر در محدوده‌ای باشد که جزء لاینفک آن است و بنا بر ماهیت و کیفیت ساختاری و معنایی آن، به طور قطع نحوه و چگونگی نگرستن به حرمت‌گذاری در ارتباط با آن‌ها متفاوت‌تر خواهد بود.

در هر فرهنگی «تقسیم عمومی جهان به پدیده‌های قدسی و غیر قدسی از پایه‌های اساسی اندیشه دینی است» (ستاری فرد، ۱۳۹۴: ۱۴۸)، که یکی از بازتاب‌های آن را می‌توان در شکل‌گیری مکان‌های مقدس مشاهده نمود. مکان‌هایی که نحوه تقدیس هر کدام بدون تردید وابسته به فرهنگ و مذهب منتج شده از آن‌ها است. بر این اساس این گونه استنباط می‌شود که این مکان‌ها تظاهرات باورها و آرمان‌های بشری بوده که خود را در چهره‌ای با عملکردی مذهبی و در کالبدهایی نظیر معابد، حرم‌ها، عبادتگاه‌ها و شهرهای متبرک نشان می‌دهند. این مکان‌ها می‌توانند خود به لحاظ فرهنگی «از دیدگاه فردی، اجتماعی، ملیتی و حتی سازمان‌های بین‌المللی» (ICOMOS, 2008)، مطرح و مورد توجه قرار گرفته شوند.

به بیان دیگر مکان‌های مقدس تاریخی که جزئی از دارایی‌های ارزشمند یک جامعه به حساب می‌آیند، در مقیاسی کلان‌تر به عنوان

نقطه‌ای کانونی در جذب شماری از زائران، بازدیدکنندگان و گردشگران عمل نموده و انواع تجارب، رفتارها و شناسه‌هایی را بازگو می‌کنند (Levi and Kocher, 2011: 25). در همین راستا سفرهای اروپائیان و حتی ایرانیان به این مناطق در طول قرون گذشته، به مانند سایر فضاها و محوطه‌های تاریخی، همواره همراه یادداشت‌ها و گزارش‌هایی بوده که به تفصیل در ارتباط با آن‌ها برجای مانده است و با عنایت به آنکه میزان آگاهی، دانش شخصی، پیشینه شغلی، مدت اقامت، طبقه اجتماعی و اهداف هر یک از افراد از سفر خود متفاوت بوده، «بنابراین مطالب و نوشته‌های ارائه شده توسط آنان نیز گوناگون است» (فصیحی و طیبی، ۱۳۹۴: ۳۶). سفرنامه‌ها اگرچه نمی‌توانند خالی از اغراض شخصی یا صنفی باشند (علی صوفی و زاور، ۱۳۹۱: ۲۴)؛ اما مهمترین نقطه قوت آنها بازگویی «مشاهدات عینی است که یکی از معتبرترین شیوه‌های انتقال اطلاعات و معیاری برای سنجش گزارش‌ها و اخبار بشمار می‌رود» (حسین زاده شانه‌چی، ۱۳۸۹: ۵۳). نکته دیگر آنکه در بین این اسناد غالباً «گزارشگری محض» منجر به اجتناب از بیان برداشت‌ها و دیدگاه‌های شخصی شده است، که البته نباید این ویژگی را به کل نسبت داد؛ چرا که برخی نویسندگان «نه تنها به تحلیل و داوری مشاهدات خود پرداخته‌اند، بلکه گاه در نقل آن‌ها نیز جانب‌دارانه رفتار کرده‌اند» (فاطمی، ۱۳۹۳: ۱۴۱). اما آنچه مسلم است، این اسناد بنا بر مواردی که به اجمال بیان گردید، می‌توانند در یک جامعه آماری وسیع، تاحدی در به تصویر کشیدن نمای کلی از یک مسئله راهگشا باشند.

باتوجه به کلیتی که به اختصار بیان گردید، این پژوهش با طرح این پرسش که کیفیت حرمت‌گذاری و حریم اماکن مقدس کلان مقیاس شیعه در شهرهای زیارتی مکه، مدینه، نجف، کربلا، کاظمین، سامراء، مشهد، قم، شیراز و ری تا پیش از طرح‌های توسعه و در محدوده زمانی قرن پنجم تا چهاردهم ه. ق به چه شکل و دربرگیرنده چه ابعادی بوده است؛ هدف خود را ترسیم و تبیین ساختار کالبدی و معنایی حریم مکان‌های مقدسه تعیین نموده است.

پیشینه پژوهش

در ابتدا باید اذعان داشت تاکنون پژوهش مستقلی مرتبط با حریم مکان‌های مقدسه، آن‌هم با استناد بر اسناد سفرنامه‌ای، به نگارش درنیامده است. تحقیق‌های پیش‌ازاین یا معطوف به توصیف و تحلیل اماکن یادشده و شهرهای وابسته به آن‌ها از نظرگاه برخی از سیاحان اشاره شده در جدول شماره (۱) بوده‌اند و یا نگاه مختصری بر یکی از زوایای یادشده در این پژوهش داشته‌اند؛ که از این میان بخش عمده آن‌ها متعلق به شهر قم و حرم حضرت معصومه (س) (سروقدی، ۱۳۷۴؛ امیری، ۱۳۸۴؛ قاضیها، ۱۳۸۷)، بررسی آداب زیارت دوره قاجار (فاطمی، ۱۳۹۳) و سلسله‌مراتب تشریف به اماکن مقدس در دوره‌های صفوی و قاجار (دانشپور، بهزادفر، و رضایی ندوشن، ۱۳۹۶) بوده است.

پدیده‌ها به صورتی روایی و شیوه‌ای کل‌نگرانه انجام می‌پذیرد (ونگ، ۱۳۸۳: ۶۸)؛ لذا روش اتخاذ شده در این پژوهش دارای پارادایم کیفی و از نوع تفسیری-تاریخی است. در این راستا مسیر گردآوری داده‌ها، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، مشاهدات اسنادی و مراجعه به روایات و تصاویر مندرج در سفرنامه‌های اخذ شده خواهد بود. با توجه به آنکه، نه به جهت موضوع و تعدد شهرهای انتخابی و نه به جهت کمیت سفرنامه‌های بازخوانی شده، پژوهشی در این راستا انجام نگردیده است، در ابتدا ۴۸ سفرنامه منتخب از ۹۷ سفرنامه‌ای که جهت استناد و تفسیر مورد بررسی و بازبینی قرار گرفته‌اند، به ترتیب دوره زمانی به‌عنوان جامعه آماری این تحقیق ارائه می‌گردد. (جدول شماره ۱)

در ارتباط با دیگر شهرها نیز می‌توان از جستارهایی که به بررسی حیات مذهبی شیراز عصر قاجار، پرداخته است (فصیحی و طیبی، ۱۳۹۴)؛ بررسی سفرنامه‌های حرم حضرت عبدالعظیم (ع) و شهر ری (صادقی، ۱۳۸۲)؛ نقش سفرنامه‌های اروپایی در معرفی مذهب تشیع (حسین‌زاده شانه‌چی، ۱۳۸۹)؛ واکاوی روایت‌های کالبدی اروپاییان از مزارات و مقابر ایران و عراق (فلاح مهنه، ۱۳۹۰) و ذکر گزارش‌ها و توصیفات سفرهای زیارتی حج دوره قاجاری (علی‌صوفی و زاور، ۱۳۹۱)؛ یاد نمود.

روش پژوهش

از آنجاکه در یک تحقیق تفسیری «کاوش پدیده‌های اجتماعی کالبدی در درون سیاق‌های پیچیده، با عنایت به توضیح آن

جدول شماره ۱: سفرنامه‌های مورد بحث در این پژوهش به ترتیب زمانی

نویسنده	ملیت	دوره تاریخی و بازه زمانی سفر	نام سفرنامه و توضیحات
ناصر خسرو قبادیانی ۳۹۴-۴۸۱ ق.	ایرانی	غزنویان و سلجوقیان	- توجه به عوامل محیطی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی در پیدایش شهرهای منطقه خاورمیانه
محمدبن احمدبن جبیر ۵۴۰-۶۱۴ ق.	اندلسی (اسپانیایی)	حضور در مکه به جهت ادای مناسک حج، ۵۷۹ ق.	- سفرنامه ابن جبیر
ابن بطوطه ۷۰۳-۷۷۹ ق.	مراکشی	حضور در مکه به جهت ادای مناسک حج، ۷۲۵ ق.	- سفرنامه ابن بطوطه
پیتر و دلاواله ۱۶۵۲-۱۵۸۶ م.	ایتالیایی	صفوی (شاه عباس اول) ۱۶۱۷ م. ورود به ایران	- سفرنامه پیتر و دلاواله
دن گارسیا دسپلوا فیگوئروا ۱۵۵۰-۱۶۲۴ م.	اسپانیایی	صفوی (شاه عباس اول) ۱۶۱۸ م.	- سفرنامه فیگوئروا، سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس - ترسیم وضعیت جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی
آدام اولناریوس ۱۶۷۱-۱۶۰۳ م.	آلمانی	صفوی (شاه صفی) ۱۶۳۷-۱۶۳۶ م.	- سفرنامه آدام اولناریوس
ژان باتیست تاورنیه ۱۶۸۹-۱۶۰۵ م.	فرانسوی	صفوی (شاه صفی، شاه عباس دوم و شاه سلیمان) ۱۶۶۸-۱۶۳۲ م.	- صراحت و صداقت در نگارش مشاهدات خود
ژان شاردن ۱۷۱۳-۱۶۴۳ م.	فرانسوی	صفوی (شاه عباس دوم و سلیمان اول) سه سفر به ایران در سال‌های ۱۶۶۵-۱۶۷۷ م.	- دائرةالمعارف تمدن ایران، سیاحت‌نامه شاردن - توجه ویژه به موضوع مذهب در ایران
ژان اوتر ۱۷۴۹-۱۷۰۷ م.	فرانسوی	افشاریه ۱۷۳۴ م.	- سفرنامه ژان اوتر (عصر نادرشاه)
کارستن نیبور ۱۸۱۵-۱۷۳۳ م.	آلمانی	زندیه (کریم‌خان زند)	- سفرنامه کارستن نیبور، سفر به عرب و مناطق حومه
جان لوئیس بورکهارت ۱۸۱۷-۱۷۸۴ م.	سوئیس	حضور در مکه به جهت ادای مناسک حج، ۱۸۱۴ م. هم‌عصر دوران فتحعلی‌شاه قاجار	- سفرهای بورکهارت به سرزمین‌های جزیره العرب
لوئی امیل دوهوسه ۱۲۳۸-۱۲۳۶ ق.	فرانسوی	قاجار (فتحعلی‌شاه) ۱۲۳۸-۱۲۳۶ ق.	- مجموعه‌ای از نقاشی‌های لوئی امیل دوهوسه
جیمز بیلی فریزر ۱۸۵۶-۱۷۸۳ م.	انگلیسی	قاجار (فتحعلی‌شاه) ۱۲۶۹-۱۲۳۶ ق. (۱۸۲۱-۱۸۳۶ م.)	- سفر زمستانی، از مرز ایران تا تهران و دیگر شهرها
الکس بارنز ۱۸۴۱-۱۸۰۵ م.	انگلیسی	قاجار (فتحعلی‌شاه و محمدشاه) ۱۸۳۱ م. به بعد	- سفر به ایران در عهد فتحعلی‌شاه قاجار
سلطان محمد سیف‌الدوله	ایرانی	قاجار (فتحعلی‌شاه و محمدشاه)	- سفرنامه مکه

نویسنده	ملیت	دوره تاریخی و بازه زمانی سفر	نام سفرنامه و توضیحات
بارون فنودور کورف	روسی	قاجار (اواخر دوره فتحعلی شاه و آغاز دوره محمدشاه) ۱۲۱۳ ش. (۱۸۳۵-۱۸۳۴ م.)	- شرح آداب و رسوم ایرانی، خصوصاً مراسم ایام محرم
اوژن فلاندن ۱۸۰۹-۱۸۸۹ م.	فرانسوی	قاجار (محمدشاه) ۱۲۲۰ ش. (۱۸۳۹-۱۸۴۱ م.)	- اوژن فلاندن به ایران - ارائه تصاویر بسیاری از شهرها و مناظر ایران
حاج علی خان اعتمادالسلطنه ۱۲۲۲ - ۱۲۸۵ ق.	ایرانی	قاجار (محمدشاه، ناصرالدین شاه) ۱۲۶۳ ق. (۱۸۴۶ م.)	- سفرنامه حاج علی خان اعتمادالسلطنه
لیدی مری شیل	انگلیسی	قاجار (اوایل دوره ناصرالدین شاه) ۱۸۵۳-۱۸۴۹ م.	- خاطرات لیدی شیل: همسر وزیر مختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه
ژوزف آرتور دو گوینو ۱۸۱۶-۱۸۸۲ م.	فرانسوی	قاجار (ناصرالدین شاه) ۱۸۵۸-۱۸۵۵ م.	- سه سال در آسیا، سفرنامه کنت دو گوینو - دقت و علاقه ویژه در تنظیم و تحریر مشاهدات خود
نیکولای ولادیمیروویچ خانیکوف ۱۸۲۲-۱۸۷۸ م.	روسی	قاجار (ناصرالدین شاه) ۱۲۷۵-۱۲۷۴ ق. (۱۸۵۸-۱۸۵۹ م.)	- گزارش سفر به بخش جنوبی آسیای مرکزی - نقشه برداری و توصیف مبسوطی از شهر مشهد
هینریش کارل بروگش ۱۸۹۴-۱۸۲۷ م.	آلمانی	قاجار (ناصرالدین شاه) اولین سفر: ۱۸۵۹ - ۱۸۶۰ م. دومین سفر: ۱۲۷۸ ق. (۱۸۶۱ م.)	- سفری به دربار سلطان صاحبقران - در سرزمین آفتاب
علیرضا عضدالملک ۱۳۲۸-۱۲۳۸ ق.	ایرانی	قاجار (ناصرالدین شاه) ۱۲۸۵ ق. سفر به عتبات	- سفرنامه عضدالملک به عتبات
ناصرالدین شاه ۱۳۱۳-۱۲۴۷ ق.	ایرانی	قاجار ۱۲۸۷ ق. (۱۸۷۰ م.)	- سفرنامه ناصرالدین شاه به کربلا و نجف - سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات
کنل سی. ام. مک گرگور ۱۸۸۷-۱۸۴۰ م.	انگلیسی	قاجار (ناصرالدین شاه) ۱۸۷۰ م.	- شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان - ترسیم نقشه شهر مشهد
کارلا سرنا ۱۸۸۴-۱۸۲۰ م.	ایتالیایی	قاجار (ناصرالدین شاه) ۱۲۹۵-۱۲۹۴ ق. (۱۸۷۷ م.)	- آدمها و آئین ها در ایران، سفرنامه مادام کارلا سرنا
یوشیدا ماساهارو ۱۸۵۲-۱۹۲۱ م.	ژاپنی	قاجار (ناصرالدین شاه) ۱۲۹۸-۱۲۹۷ ق.	- سفرنامه یوشیدا ماساهارو - شرحی از تاریخ، فرهنگ و زندگی مردم ایران
میرزا علی خان صفاءالسلطنه نائینی ۱۲۴۶ - ۱۳۱۸ ق.	ایرانی	قاجار (ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه) ۱۲۹۹-۱۳۰۰ ق.	- گزارش کویر، سفرنامه صفاءالسلطنه نائینی (تحفه الفقرا) - حاوی اطلاعات دقیق و عمیق درباره تاریخ و جغرافیا
ژان دیولافوا ۱۸۵۱-۱۹۱۶ م.	فرانسوی	قاجار (ناصرالدین شاه) در سال های ۱۸۸۱ م. و ۱۸۸۶-۱۸۸۴ م.	- ایران کلد و شوش
سمیوئل گرین ویلر بنجامین ۱۹۱۴-۱۸۳۷ م.	آمریکایی	قاجار (ناصرالدین شاه) ۱۸۸۵-۱۸۸۲ م.	- ایران و ایرانیان عصر ناصرالدین شاه
میرزا محمدحسین فراهانی ۱۲۶۴ - ۴ ق.	ایرانی	قاجار (ناصرالدین شاه)	- شرح مناسک حج و توصیف بناها و آثار تاریخی - نگارش در طی ۱۳۰۲ - ۱۳۰۳ ق. برای ناصرالدین
هانری بایندر ۱۸۵۵-۴ م.	فرانسوی	قاجار (اواخر دوره ناصری) ۱۳۰۳ ق. (۱۸۸۶-۱۸۹۴ م.)	- هانری بایندر (کردستان، بین النهرین و ایران)
ادوارد گرانویل براون ۱۹۲۶-۱۸۶۲ م.	انگلیسی	قاجار (ناصرالدین شاه) ۱۸۸۷ م. ورود به ایران	- یک سال در میان ایرانیان
محمدعلی پیرزاده نائینی ۱۲۵۱ - ۱۳۲۱ ق.	ایرانی	قاجار (ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه) ۱۳۰۶-۱۳۰۴ ق.	- سفرنامه حاجی پیرزاده
جورج ناتانیل کرزن ۱۸۵۹-۱۹۲۵ م.	انگلیسی	قاجار (ناصرالدین شاه) ۱۳۰۷ ق. (۱۸۸۹ م.)	- ایران و قضیه ایران

نویسنده	ملیت	دوره تاریخی و بازه زمانی سفر	نام سفرنامه و توضیحات
لیدی دوراند م. ۱۸۵۲-۱۹۱۳	انگلیسی	قاجار (اواخر دوره ناصری و اوایل دوره مظفری) ۱۳۱۶-۱۳۰۰ ق. (۱۸۹۴-۱۹۰۰ م.)	- سفر هیأت سرتی مور دوران وزیر مختار انگلیس در ایران (سفری پائیزی در ایران باختری) - وضوح و سادگی در بیان مشاهدات
جان ویشارد م. ۱۸۶۳-۱۹۴۰	آمریکایی	قاجار (ناصرالدین شاه تا احمدشاه) ۱۹۱۰-۱۸۹۱ م.	- بیست سال در ایران
چارلز ادوارد بیت م. ۱۸۴۹-۱۹۴۰	انگلیسی	قاجار (ناصرالدین شاه) ۱۳۱۳-۱۳۱۰ ق. (۱۸۹۳-۱۸۹۶ م.)	- خراسان و سیستان: سفرنامه کنل بیت به ایران و افغانستان - تشریح آداب و رسوم، خصوصاً مراسم‌های ایام محرم
محمدعلی سدیدالسلطنه ق. ۱۳۶۰ - ۱۳۹۱	ایرانی	قاجار (اواخر دوره ناصری و اوایل دوره مظفری) ۱۳۱۶-۱۳۱۴ ق.	- سدیدالسلطنه، التذقیق فی سیرالطریق - شرح مسافرت مؤلف از بندر بوشهر به ایران و عراق
پیر لوتی م. ۱۸۵۰-۱۹۲۳	فرانسوی	قاجار (مظفرالدین شاه) م. ۱۹۰۱	- به سوی اصفهان - انتشار در سال ۱۹۰۴ م.
میرزا سراج‌الدین بن عبدالرئوف بخاری م. ۱۸۷۷-۱۹۱۴	بخارایی	قاجار (مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه) ۱۲۸۱ ش. (۱۹۰۲ م.) ۱۲۸۸-۱۲۸۳ ش. (۱۹۰۴-۱۹۰۹ م.)	- تحف اهل بخارا
شین جو سوزوکی م. ۱۸۷۳-۱۹۵۷	ژاپنی	قاجار (مظفرالدین شاه) ۱۳۲۳ ق. (۱۹۰۵-۱۹۰۶ م.)	- پیاده‌گردی راهب بودایی ژاپنی در شمال و شرق ایران
سرپرسی مولزورث سایکس م. ۱۸۶۷-۱۹۴۵	انگلیسی	قاجار (ناصرالدین شاه تا احمدشاه) ۱۸۹۴ - ۱۹۱۳ م. بازدید از خراسان ۱۹۰۵-۱۹۱۳ م.	- ژنرال سرپرسی سایکس (ده هزار میل در ایران)
اوژن اوین م. ۱۸۶۳ - ۱۹۳۱	فرانسوی	قاجار (اواخر دوره مظفرالدین شاه) ۱۳۲۵-۱۳۲۴ ق. (۱۹۰۶-۱۹۰۷ م.)	- ایران امروز، ایران و بین‌النهرین - سبک نگارش تا حدی رسمی و اداری
هانری رنه دالمانی م. ۱۸۶۳-۱۹۵۰	فرانسوی	قاجار (مظفرالدین شاه و آغاز دوره محمدعلی شاه) م. ۱۹۰۷	- از خراسان تا بختیاری
کلود آنه (ژان شوپفر) م. ۱۸۶۸ - ۱۹۳۱	سوئیسی	قاجار (دوره مظفری و آغاز دوره محمدعلی شاه) ۱۳۲۵ ق. (۱۹۰۷ م.)؛ ۱۳۲۷ ق. (۱۹۰۹ م.)؛ ۱۳۲۸ ق. (۱۹۱۰ م.)	- گل‌های سرخ اصفهان، ایران با اتومبیل
فردریک چارلز ریچاردز م. ۱۸۷۸-۱۹۳۲	انگلیسی	پهلوی (سال‌های آغازین)	- سفرنامه فرد ریچاردز
هرمان نوردن م. ۱۸۸۰ - ؟	آمریکایی (انگلیسی‌الاصیل)	پهلوی (سال‌های آغازین)	- زیر آسمان ایران

مأخذ: نگارندگان

چهار چوب نظری

اگرچه واژه شناخته شده‌ی «حریم» از قدیم‌الایام در علوم مختلف نظیر فقه و حقوق مورد استفاده قرار گرفته است، اما همچنان به جهت مفهوم، هم در لغت و هم در اصطلاح، یک معنای مستقل و خاص را دنبال نمی‌کند و تعابیر متنوعی حول محور آن دیده می‌شود (بشیری و همکاران، ۱۳۸۹: ۲). غرض از بیان مذکور آن است که در ابتدا یادآور شود در نوشتار حاضر، حریم «به فضای برونی چیزی گفته می‌شود که موضوع حرمت است» و سبب وجود اقداماتی خواهد شد که به تشخیص، تعیین و تحدید مکانی خاص انجامد (فلامکی، ۱۳۸۴: ۳۹). بااستنادبر این مطلب، عنایت ویژه به مسئله حریمی «که مانع تجاوز به حرمت یک موجودیت می‌شود» (دفتر فنی معاونت حفظ احواء، ۱۳۷۹: ۲۷)، در حفاظت از «میراث مذهبی» که به واسطه‌ی

«حیات ذاتی» خود از دیگر گونه‌های میراثی منفک می‌گردد (Wijesuriya, 2005: 31)؛ محرز می‌شود. در چنین رویکردی اولین نکته‌ای که می‌باید به آن پرداخته شود، چگونگی تأکید بر ضرورت حفاظت از حریم مکان‌های مقدس است، که می‌توان آن را به طرق مختلف در میان آثار مطروحه جستجو و مشاهده نمود. به‌طور نمونه تعدادی از سفرنامه‌نویسان به نهي اقدامات کالبدی انجام‌یافته در زمان بازدید خود و مذمت بی‌توجهی به حرمت این اماکن و تداخل فضاهای غیر مرتبط در محیط پیرامون آن‌ها پرداخته‌اند؛ از آن جمله توصیف وضعیت مسجدالحرام در ایام حج و تبدیل آن به بازاری بزرگ بود که به شرح گوینده‌ی آن «به‌قرار معلوم، مذموم (بوده) و نهي شرعی» (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۲۲۸) داشته است. در نقطه مقابل، گروهی دیگر اشاره‌های مختصری بر اقدامات کالبدی در تعیین عرصه این اماکن

داشته‌اند، مانند «این حرم و صحن آن را دیواری احاطه کرده بود» - درارتباط با حرم حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) - (ماساها، ۱۳۷۳: ۱۴۹-۱۵۰) و یا «برج و بارویی که دور آرامگاه حضرت علی را محصور کرده است، مانع از آن شد که در قرن گذشته، وهابیان مانند شهر بی‌دروپیکر کربلا، بتوانند بر مقدسات نجف نیز بی‌حرمتی کنند» (اوبن، ۱۳۶۲: ۴۰۲).

جایگاه و نقش ارزش‌های مذهبی جاری در فرهنگ بومی به‌عنوان مؤلفه‌ای اثرگذار بر حفاظت حریم ابنیه یادشده مورد دیگری است که در این راستا از میان متون مستخرج گردید؛ فی‌المثل آمده:

«چند مسجد از آجر پخته بنا شده‌اند و عالی‌ترین آن مساجد، مسجد شاه‌چراغ است که به واسطه عقیده مذهبی در حفظ آن بیشتر مراقبت شده است» (تاورنیه، ۱۳۶۳: ۶۵۶).

و یا

«می‌گویند اهالی سخت‌گیر قم مانع استعمال زغال سنگ در شهر مقدس خود می‌باشند، با این عنوان که مصرف آن فضای حرم حضرت فاطمه را دودآلود خواهد کرد» (کرزن، ۱۳۷۳: ۶۱۸).

از دیگری مباحثی که در این خصوص به ذهن متبادر می‌شود، رعایت آداب شکل یافته از بایدها و نبایدهایی بوده که هنجارهای ورود به قلمرو ساحت قدسی را محصور و محدود می‌ساخته و حتی گاه در نحوه برخورد سایر موجودات نیز به رشته تحریر درآمده است. برای نمونه به حضور کبوترانی بر فراز آسمان مسجدالحرام اشاره شده که نه تنها بر بام کعبه نمی‌نشستند، بلکه بهنگام پرواز نیز از نزدیکی آن تغییر جهت می‌داده‌اند (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱۷۷-۱۷۶؛ ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۱۳۵-۱۳۶). در همین ارتباط اوبن^۴ که در اواخر دوره مظفری از نجف بازدید کوتاهی داشته است، حکایتی را نقل می‌کند مبنی بر آنکه «به سال ۱۷۴ ه. ق. روزی از روزها که هارون‌الرشید به شکار رفته بود، در تعقیب غزالی به صحرای نجف رسید. حیوان به‌مجرد آنکه به قبر نامرئی نزدیک شد، اسب‌ها و تازی‌هائی که آن را دنبال می‌کردند، برای آنکه به حریم چنین پناهگاه مقدسی تجاوز نشود، در فاصله‌ای ناگهان توقف کردند» (۱۳۶۲: ۴۰۱). بی‌شک چنین نگاه حرمت‌آمیزی از سمت زائران و ساکنان بومی، بارها فراتر بوده است، آن‌گونه که در ارتباط با حرم حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) ذکر شده «هیچ مسلمانی از آنجا نمی‌گذرد مگر آنکه مراتب احترام و وفاداری خود را نسبت به این مرقد نشان دهد» (سرن، ۱۳۶۲: ۲۰۴) و یا «وقتی که زائری بخواهد به مقبره داخل شود باید اسلحه را از خود دور کند و با پای برهنه از پله‌های سنگ مرمر بالا برود و در عین ورود به مقبره تعظیم نماید» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۸۵۵). در مواردی حتی به‌موجب حمل اسلحه به داخل این اماکن، اشاره‌ای به پرداخت جرایم سنگین و یا محاکمه‌های سختی چون اعدام نیز شده است (اولناریوس، ۱۳۸۵: ۱۲۶).

ناگفته پیداست هنگامی که مکانی مقدس شناخته می‌شود، غالباً قوانینی وضع می‌گردد تا از تقدس‌زدایی و بی‌حرمتی به آن جلوگیری شود و همین امر در نمونه‌هایی به عدم دسترسی بازدیدکنندگان

به بخش‌هایی از آن‌ها می‌انجامد (دیگانس، ۱۳۹۲: ۵۳)؛ که البته بسته به دوره زمانی و تقدس مکانی بقعه متفاوت است. برای مثال این ممنوعیت در اوایل دوره قاجار لزوماً در تمامی اماکن مقدسه مرسوم نبوده و فی‌المثل در بازه‌ی زمانی حکومت فتحعلی‌شاه قاجار در ارتباط با مجموعه‌ی رضوی، فقدان چنین ممنوعیت‌هایی (فریزر، ۱۳۶۴: ۳۰۴)؛ مشاهده شده است. حال آنکه مجدداً از دوره ناصری به بعد وضع به همان روال سابق برگشته و نقل قول‌هایی در ارتباط با ممانعت از حضور سفرنامه‌نویسان غیرمسلمان به مجموعه رضوی (مک‌گور، ۱۳۶۶: ۲۵۰؛ سایکس، ۱۳۳۶: ۲۹)، حرم حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) (سرن، ۱۳۶۲: ۱۴۵؛ لوتی، ۱۳۷۲: ۲۵۷؛ آنه، ۱۳۷۰: ۲۰۲-۲۰۱)، مجموعه شاه‌عبدالعظیم (براون، ۱۳۸۱: ۱۸۹) و مجموعه کاظمین (بایندر، ۱۳۷۰: ۳۵۲)؛ شاهدهی بر آن ادعا است. آنچه از فحوای توصیفات فوق مستفاد می‌گردد، اثرگذاری مستقیم و یا حتی بی‌واسطه‌ی کیفیت حرمت‌گذاری اماکن مقدسه مذکور بر «چگونگی‌های شکلی و کمی یا مقداری و یا اندازه‌ی این مکان‌ها» (فلامکی، ۱۳۹۱، ۲۶۵) است؛ که در ادامه به‌اجمال به آن‌ها پرداخته می‌شود.

عرصه، منطقه حائل و حوزه مقدس

به‌منظور دستیابی به چگونگی ساختار کالبدی حریم اماکن مورد بحث، ابتدا تفصیل مشاهداتی که مقیاس‌های مختلف حوزه‌های مکانی وابسته به آن‌ها را احصاء نموده است، تشریح می‌گردد. بورکهارت^۵ در مقیاسی فراگیر پس از بسط جغرافیای مدینه، محدوده‌ای را با نام «منطقه حرام شهر» مطرح ساخته و خاطر نشان کرده است این حریم در گرداگرد شهر، «به مسافت دوازده میل^۶، حوزه و محدوده مقدسی را شکل می‌دهد که باید همه مردم احترام آن را پاس داشته و از خونریزی، صید پرندگان و بریدن درختان خودداری نمایند (الخیاط، ۱۳۷۵: ۱۵۶-۱۵۷).

مسئله مزبور با ذکر جزئیات مفصل‌تر، به ابعاد وسیع تحت شرح محدوده پیرامونی حرم رضوی به‌عنوان «محل‌ای مقدس» که با حصار در دوره ناصری محصور بوده، معرفی و بدین سان نگارش شده است:

«غنی‌ترین بازارها، کاروانسراها، و مشهورترین حمام‌ها و بالاخره مدرسه‌هایی که از موقوفات بیشتری برخوردار است، در این بخش از شهر قرار دارند. در مرکز آن بقعه [...]، در جنوب آن مسجد گوهرشاد قرار دارد، بقیه منطقه را منازل خصوصی و مؤسسه‌های عمومی مانند خسته‌خانه‌ها، دارالایتام‌ها و منازل خادمان و مدرسه‌ها و ... فرا گرفته است. محلّه مقدس نوعی حکومت در حکومت است» (خانیکوف، ۱۳۷۵: ۱۱۱-۱۱۰).

پس از آن، توصیف «بست»‌ها و جلوخان‌ها در مقیاس کوچک‌تری به‌میان آمده و اذعان گردیده «کلمه بست در ایران تحکم‌آمیزترین کلمات بشمار می‌رود و مفهوم آن، که فرمان دنیای مسلمان به دنیای غیر مسلمان است، یعنی از اینجا پا فراتر نگذارید» (ریچاردز، ۱۳۴۳: ۲۸۰-۲۷۹)؛ لذا «در این نوع امکان هیچکس حتی شاه هم نمی‌تواند

سلام»، اذعان می‌دارد که «از این تپه، شهر مشهد با گنبد مقدس امام نمایان» (صفاء السلطنه نائینی، ۱۳۶۶، ۱۰۶) است.

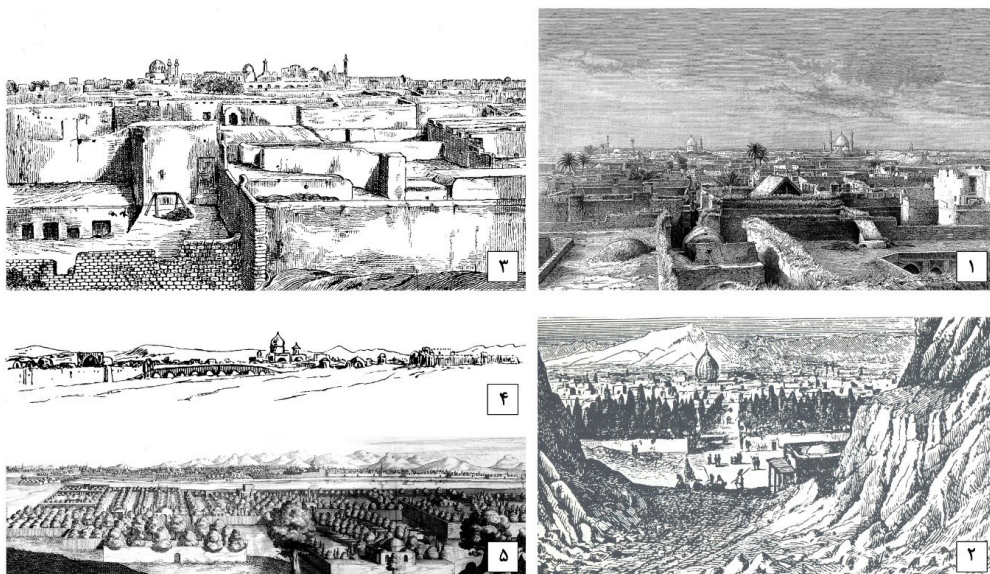
آنچه گفته شد برای روشن کردن این مضمون است که اهمیت چشم انداز بقعه مقدس وابستگی شدیدی به مکان مشاهده‌شونده، ویژگی‌های کالبدی آن و تمامی عناصر پیش‌زمینه و پس‌زمینه‌ای دارد که دورنمای آن منظر را دربر گرفته است (Gopalakrishnan and Tadepalli, 2014: 193). افزون بر این، از آن جهت که بخش عمده تقدس جاری در یک منظر، فراکالبدی است؛ لذا باید بدون وابستگی به ادراک‌هایی که تحت تأثیر حواس مادی شکل می‌یابند نیز قابل شهود و دریافت باشد (Niglio, 2018: 1).

باتکیه بر گفتارهای ثبت‌شده سیاحان (جدول شماره ۲)، منظر قدسی از ارکان اصلی شکل‌گیری نقشه ساختار ذهنی زائران بوده است؛ به نحوی که مسیرهای اصلی در تصویر ذهنی آن‌ها از مرکز تاریخی شهر که دربرگیرنده حرم و نواحی اطراف آن بوده آغاز می‌گردیده (کلاتری خلیل آباد و همکاران: ۱۳۹۳، ۴۱) و اولین توصیفات خود را حتی پیش از رسیدن به آستانه‌ی شهر، به چشم‌اندازی که نمایان‌گر هویت مذهبی و زیارتی آن شهر بوده، اختصاص می‌داده است. حضور این ابنیه علاوه بر آنکه به‌عنوان نماد و شاخصه شهری تلقی گردیده (تصویر شماره ۱)، موجب «ارتقای ظرفیت‌های معنوی و تأثیرات متقابل عملکردی، اجتماعی، کالبدی و... با بافت پیرامونی خود» شده است (میتاچی و روحانی قادیکلانی، ۱۳۹۳، ۹۰). درهم آمیختگی با عناصر طبیعی، از دیگر مواردی است که حتی در محدوده عرصه و حریم درونی این اماکن قابل مشاهده بوده است، چنان‌که فی‌المثل آمده «دست طبیعت مقبره امامزاده صالح را به چناری عجیب آراسته و مزین کرده است که مورد ستایش تمام مردم ایران است و این واقعیتی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت» (کورف، ۱۳۷۲: ۲۱۴). (جدول شماره ۲) و (تصویر شماره ۱).

متعرض جانی شود [...] زیرا در چنین صورتی به امکان مقدسه اهانت نموده‌اند» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۴۰-۳۹). کلود آنه^۷ در کتاب «اوراق ایرانی»، تمام محدوده‌ی وابسته به حرم را جزء قلمروی بست به حساب آورده و عنوان می‌دارد «محل آرامگاه را بست یعنی پناهگاه می‌نامند و گرداگرد آن را زنجیر کشی کرده‌اند» (قصایان، ۱۳۷۷: ۲۳۰). چنین گفتارهایی از حرمت‌گذاری‌های کالبدی در محوطه پیرامونی - که در پژوهش حاضر «منطقه حائل» نامیده می‌شود - غالباً در ارتباط با اماکن متبرکه که شهرهای مشهد (دالمانی، ۱۳۳۵: ۶۲۲؛ عبدالرئوف بخاری، ۱۳۶۹: ۱۶۴؛ بارنز، ۱۳۷۳: ۵۹؛ بیت، ۱۳۶۵: ۳۰۲؛ ریچاردز، ۱۳۴۳: ۲۸۰-۲۸۱)، قم (سرنا، ۱۳۶۲: ۱۴۵؛ دوران، ۱۳۴۶: ۳۱) و ری (لوتی، ۱۳۷۲: ۲۶۱؛ شیل، ۱۳۶۸: ۱۳۵) به ثبت رسیده است.

منظر قدسی

منظر مقدس بخش بی‌واسطه‌ای از مناظر فرهنگی است، چنان‌که فعالیت‌های فرهنگی در دو بُعد ملموس و ناملموس جاری در ساحت قلمرو دینی، گونه‌های مختلفی از میراث مذهبی و جنبه‌های آن را نظام می‌بخشد (Kumar & Singh, 2017: 4). از این حیث منظر مقدس شهری را نمی‌توان بی‌توجه به چگونگی و نقش باشکوهی که اماکن مرتبط با آن در چشم‌انداز شهر ایفا می‌کنند، به‌درستی ادراک نمود. به‌عبارت‌دیگر این منظر نه فقط دربرگیرنده یک محدوده و فضای جغرافیایی است؛ بلکه به‌عنوان یک زایش‌گر فرهنگی که نقش بسزایی در ثبت مکان‌های شاخص با ارزش‌های مذهبی و اجتماعی دارد، عمل می‌کند. بر این اساس علی‌رغم آنکه در سیر حرکت از خارج شهر به طرف مکان مقدس، فضا به تدریج از درجه تقدس برخوردار می‌شود (کمیلی، ۱۳۹۸، ۲۰)؛ اما نشانه‌های تفکیک مکانی فی‌مابین شهر و فضای پیرامون و خارج از آن، عملاً در زمره عناصر منظر قدسی شهر محسوب می‌شود، برای مثال هوش شیندلر^۸ در سفرنامه خراسان، ضمن اشاره به مکانی در محدوده شهر مشهد با نام «تپه



تصویر شماره ۱: منظر قدسی به روایت سفرنامه‌ها: ۱- دورنمای کربلا از فراز بام خانه‌های مسکونی، ۲- شیراز از دروازه قرآن، ۳- مشهد از فراز بام منازل، ۴- قم و حرم حضرت معصومه (س) از حاشیه رودخانه، ۵- شهر قم، که در پس‌زمینه آن حرم و در مقابل باغات مشاهده می‌گردد. مأخذ: (Dieulafoy, 1887: 629)، (بروگش، ۱۳۶۷: ۴۷۱)، (مک‌گرگور، ۱۳۶۶: ۲۵۲)، (دوهوسه، ۱۳۵۴: ۹۸) و (شاردن، ۱۳۳۶: ۱۶۵).

جدول شماره ۲: توصیف منظر مقدس شهرهای زیارتی، به ترتیب زمان بازدید

گزاره‌های استخراج شده	متون و مضامین قرائت شده
مدینه - وضوح حوزه مقدس - نماد و شاخصه شهر	از مسجد ذی الحلیفه تا «تأ مزار حمزه و تأ قباء جزء منطقه حرم مدینه محسوب می‌شود. نخستین چیزی که از این فاصله به نظر می‌رسد مناره سپید بلند مسجد مدینه است» (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۲۳۶). گنبد مطهر «از فاصله بسیار دور قابل دیدن است» (الخیاط از بورکهارت، ۱۳۷۵: ۱۵۳-۱۵۴).
سامراء - نماد و شاخصه شهر	«دو فرسخ مانده به شهر، گنبد مطهر عسکریین علیهم السلام نمایان شد» (پیرزاده نائینی، ۱۳۴۲: ۳۷۳).
نجف - نماد و شاخصه شهر	از فاصله دور گنبد عظیم زینبی را مشاهده نمودم. «گفته می‌شود چنانچه هوا صاف و بی‌غبار باشد این گنبد مقدس سه روز قبل از رسیدن زائرین راه به شهر نجف رویت می‌شود» (نوردن، ۱۳۵۶: ۹).
ری - نماد و شاخصه شهر - هم‌پیوند با منظر طبیعی	«از دور محل ری را تشخیص دادم. «سپس شاه‌عبدالعظیم را دیدم که گنبد طلایی آن در وسط سبزی‌کاری‌های زیبایی که این شهرک خوش منظره را فرا گرفته است می‌درخشید» (دو گوینو، ۱۳۸۳: ۱۹۴). گنبد طلایی زیارتگاه عبدالعظیم «از فواصل دور مخصوصاً در زیر اشعه خورشید می‌درخشد و زائرین را به سوی خود می‌خواند» (بروگش، ۱۳۶۷، ۱۹۳)؛ «نزدیک شدن به تهران را به ما نوید می‌داد» (ماساهاو، ۱۳۷۳: ۱۵۵)؛ «چشم را خیره می‌کند» (بنجامین، ۱۳۶۳: ۵۳-۵۴) و «در مقابل دیدگان مسافری که از غرب به تهران نزدیک می‌شود، منظره‌ی بسیار جالب و زائداالوصفی پدید می‌آورد» (براون، ۱۳۸۱: ۱۸۹).
مشهد - متمایز از محیط پیرامونی - هم‌پیوند با منظر طبیعی - نماد و شاخصه شهر	«در پایین، در میان سبزی‌ها و درختانی که از آب‌های جاری از توجال سیراب می‌شوند، مناره‌های کاشی‌پوش و گنبد طلایی شاهزاده عبدالعظیم مشاهده می‌شود» (اوپن، ۱۳۶۲: ۲۷۱). «همه‌جا پر است از خانه‌های گلی یکنواخت [...] اگر حرم امام رضا (ع) را که به منظره شهر جلوه‌ای می‌بخشد، مستثنی کنیم چیزی به جز صف بلندی از دیوارهای گلی و چند درخت بلند، در طول خیابان مشاهده نمی‌شود» (مک گرگور، ۱۳۶۶: ۲۵۱-۲۵۲). «خیابانی که در آن قدم گذاشتیم عریض و زیبا بود و از وسط آن نهر آبی می‌گذشت که دو طرفش در زیر سایه درختان قرار داشت و گنبد باشکوه و مناره‌های طلاپوش حرم امام رضا (ع) چشم‌انداز انتهایی این خیابان را تشکیل می‌داد» (بارنز، ۱۳۷۳: ۵۷). «در نه میلی مشهد، برفراز بلندی که به آن تپه سلام می‌گویند، رسیدیم. تپه سلام محلی است که مسافرانی که به قصد زیارت به مشهد می‌آیند، اولین منظره را از این شهر و گنبد طلای حضرت رضا در پیش‌رو می‌بینند» (بیت، ۱۳۶۵: ۳۹۲). در واقع «به غیر از آستانه که گنبد طلایی و مناره‌های آن از دور قابل رؤیت است در شهر بنای قابل ملاحظه دیگری به چشم نمی‌خورد» (همان: ۳۰۲). «گنبد طلائی زیبای مشهد از دور مثل شعله آتش می‌درخشید و ما را به وصول این شهر تاریخی نوید می‌داد» (سایکس، ۱۳۳۶: ۲۹). در حوالی مشهد «پس از عبور از باغ‌های محصور به دشتی رسیدیم و برای آخرین بار نظری به پشت انداختیم و گنبد آستانه را که با درخشندگی خاصی جلوه‌گری می‌کرد تماشا کردیم» (دالمانی، ۱۳۳۵، ۶۴۴).
قم - متمایز از محیط پیرامونی - نماد و شاخصه شهر - هم‌پیوند با منظر طبیعی	یکی از حکام «نزدیک شهر بنای مجللی را به سفیر نشان داد که از دور بهترین و باشکوه‌ترین ساختمان شهر می‌نمود» (فیکوئروا، ۱۳۶۳: ۲۵۳). «در ظاهر توانستیم از لای هوایی کدر نقطه درخشانی را ببینیم. این گنبد طلائی قم بود که از دور به مسافتی بعید دیده می‌شد» (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۲۲). «در در دست بام‌های مخروطی شکل مقابر شیوخ نمایان است و در طرف چپ، باغ‌های قشنگی مقبره حضرت فاطمه را احاطه کرده‌اند» (دیولافوا، ۱۳۷۱: ۱۹۷). «دورنمای قم به معنی واقعی کلمه از فاصله چند میلی» به واسطه نمایان بودن گنبد زیارتگاه این شهر آشکار است (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۹۴). «در بیچ هر کوچه دورنمای گنبد حضرت فاطمه (س) به نظر می‌رسد» (کرزن، ۱۳۷۳: ۷). «بنائی عظیم و گنبدی زرانود، نشانه‌هایی از شهر است که از تمام جهات به چشم می‌خورد و به زائر مژده می‌دهد، که شهر نزدیک است» (ویشارد، ۱۳۶۳: ۱۳۲). هنگام ظهر «در نقطه‌ای بس دور جسم درخشنده‌ای را در بالای افق مشاهده می‌کنیم. [...] فردی با دست آن نقطه را نشان می‌دهد و می‌گوید «قم». پس «آن شبی نورانی حتماً گنبد طلای مشهور است که در برابر آفتاب نیمروز می‌درخشد و مانند فانوسی روشن است که آن را در وسط روز افروخته باشند تا کاروان‌هایی را که در بیابان راه می‌پویند، راهنمایی کند» (لوتی، ۱۳۷۲: ۲۵۳). از کاشان به قم «به پاسنگان رستم و پس از طی مسافتی چند به قم رسیدیم و از مشاهده گنبد طلای آن که از دور نمایان است لذت فوق‌العاده‌ای بردم» (سایکس، ۱۳۳۶: ۱۸۹). «همسفران خود را دیدم که در روی بام به نقاشی مقبره حضرت فاطمه که از دور نمایان بود اشتغال داشتند» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۰۹۰). «به رودخانه‌ای رسیدیم که در آن سوی آن حرم مقدس، در پشت ساختمان‌های کوتاهی که در کرانه رود بنا شده بود، قرار داشت» (آنه، ۱۳۷۰: ۲۰۱). «گنبد طلای باشکوه مرقم مطهر حضرت معصومه فرسنگ‌ها قبل از ورود به شهر نمایان است و رؤیت این گنبد حتی برای غیر مسلمانان حالتی توأم با احترام بوجود می‌آورد. زیارت کنندگان مسلمان به محض رؤیت گنبد مقدس سر سجده بر خاک می‌نهند» (نوردن، ۱۳۵۶: ۱۲۵). «بزرگ‌ترین گنبد در شیراز که از همه آن‌ها بلند و کشیده است گنبد شاه‌چراغ است که در حوالی ارگ واقع شده است» (کرزن، ۱۳۷۳: ۱۲۶).
شیراز - متمایز از محیط پیرامونی	

مأخذ: تحلیل نگارندگان

هم‌جواری‌ها و محیط پیرامونی

به‌طور قطع هربار موضوع حریم‌گذاری بر بنا یا محوطه‌های ارزشمند به میان می‌آید، در مرحله نخست توجه به خود بنا و یا مجموعه‌های معماری و شهری، و در کنار آن مکان یا گستره فراگیر مرتبطش، لازم و ضروری است (فلامکی، ۱۳۸۴: ۵۷-۵۸). البته باید یادآور شد که «منظور از محیط پیرامونی، محیط به مفهوم جامع آن که دربردارنده شاخص‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی طبیعی بوده، می‌باشد» (حکمتی، ۱۳۸۱، ۲۶۱). تقدس یک مکان، تنها به جذابیت بنای خاصی وابسته نیست، بلکه می‌تواند با ارائه‌ای نمادین به ظهور رسد. بنابراین، تقدس در داخل شهر اسلامی به شکل متمرکز و جداگانه ظاهر نمی‌شود، که می‌تواند بر تمامیت شهر گسترش یافته و ساختاری همگن سازد (Bianca, 2000: 33-35). برای مثال «این فضای والا و متعالی که در مکه واقع است، معرف نظامی از اصول و ارزش‌ها و معیارهای مشخص و دقیق بوده که بر شهر مسکونی منطبق شده است» (بمات، ۱۳۶۹: ۱۰). نقل صریح

سفرنامه‌نویسان نیز حکایت از قداستی ذاتی داشته که دربرگیرنده تمامیت محدوده پیرامون این اماکن بوده و در طی سال‌های متمادی به واسطه فرهنگ مردمان آن ناحیه، به حیات خود ادامه داده است؛ به نحوی که در ارتباط با حرم حضرت معصومه (س) ذکر شده «این حریمی که من نگاه بی تفاوت خود را بر گنبد زرین آن دوخته‌ام قرن‌هاست برای ایرانیان زیارتگاه مقدسی شمرده می‌شود» (آنه، ۱۳۷۰: ۲۰۱). چنین توصیفات در ارتباط با سایر اماکن به گونه دیگری نقل گردیده است و می‌توان به عباراتی چون «کاظمین یکی از امکنه مقدسه‌ای است که ایرانیان به زیارت آن می‌آیند» (بایندر، ۱۳۷۰: ۳۵۲) و یا «کربلا نه فقط از برای ایرانیان زیارتگاه است بلکه زمینش را زمین مقدس و محترم می‌دانند» (فلاندن، ۱۳۵۶: ۴۶۱)؛ اشاره داشت. علاوه بر آن، سخن از این قداست غالباً یادآور امنیتی است که از دیدگاه ساکنان و زائران در این اماکن وجود دارد: «هیچ مکان مقدسی برای تهرانی‌ها، امن تر از مزار شاه‌العظیم نیست» (اوبن، ۱۳۶۲: ۲۷۱). (جدول شماره ۳) و (تصویر شماره ۲)



تصویر شماره ۲: کیفیت گستردگی شهرهای زیارتی نسبت به محل استقرار اماکن مقدسه:
 ۱. مکه، سال ۱۲۲۹ ه.ق، ۲. شهر مدینه، سال ۱۲۲۹ ه.ق، ۳. شهر نجف، دوره زندگی.
 مأخذ: (Ibid, Vol.2: 145). (Burckhardt, 1829, Vol.1: 185) و (Niebuhr, 1780: 210b)

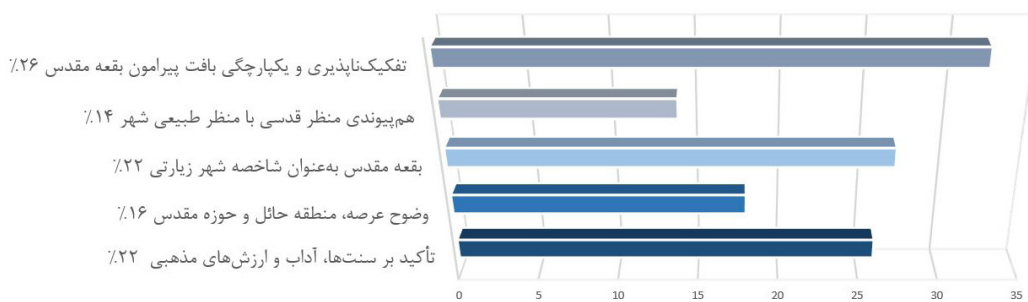
جدول شماره ۳: توصیف هم‌جواری‌ها و ساختار شهر مکان مقدس، به ترتیب زمان بازدید در هر شهر

گزاره‌های استخراج شده	متون و مضامین قرائت شده
مکه - محاط شده به واسطه کوه‌ها - ارتفاع بلند خانه‌ها - خانه‌ها مشرف به حرم - پیوستگی بافت مسکونی با حرم - هم‌پیوند با طبیعت - وجود فضاهای اقامتگاهی - ساختار شهر دارای نظم هندسی - شهر دارای حصار - حرم در مرکز شهر - بافت شهری متراکم	شهر مکه در میان کوه‌ها واقع شده، به طوری که «گردبر گرد مسجد الحرام شهرست و کوه‌ها و بازارها» (قبایانی، ۱۳۳۵: ۸۶).
	«مکه شهری است که خداوند آن را در میان کوه‌هایی که پیرامونش را گرفته است قرار داده است» (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۱۴۸). «تمام خانه‌های مکه بامهایی بلند دارند» (همان: ۱۸۹).
	«بامهای خانه‌های اطراف و پنجره‌های آن خانه‌ها مشرف بر حرم می‌باشد به طوری که ساکنین آن‌ها همواره چشم بر خانه خدا دارند» و از بعضی در مخصوصی به حرم باز می‌شود (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱۸۲). «کوه ابوقیس مشرف بر مسجد الحرام و تمام نواحی دیگر مکه است و از فراز آن زیبایی و وسعت حرم و کعبه را به خوبی می‌توان تماشا کرد» (همان: ۱۸۶).
	شهر توسط کوه‌های اطراف محصور گشته و فاقد سه‌حصاری است که در گذشته آن را احاطه کرده بوده‌اند. خانه‌هایی با ارتفاعی در حدود سه طبقه، که بخش عمده‌ای از خانه‌ها به جهت اسکان حجاج و پذیرایی ساخته شده است (الخیاط از بور کهارت، ۱۳۷۴: ۱۴۲).
	«بعضی از عمارات دو سمت شهر که متصل به مسجد است، پنجره‌ها رو به مسجد دارد. اکثر خانه‌ها که در دامنه کوه و بلندی‌ها واقع است، از مسجد نمایان است» (سیف‌الدوله، ۱۳۶۳: ۱۳۰).
	کوجه، بازار و ابنیه‌های این شهر، «بسیار منظم و معمور است. این شهر مقدس به سه باروی تودرتو محاط و محفوظ، و در وسطش حرم شریف واقع است» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹: ۱۱۷).
	شهر در میان دره‌ای است و «خانه‌های آن از یک مرتبه الی چهار پنج مرتبه و کوجه‌های شارع آن که اغلب محل عبور است، وسیع و کوجه‌های دیگر بسیار تنگ است» (فراهانی، ۱۳۶۲: ۱۹۵).

متون و مضامین قرائت شده	گزاره‌های استخراج شده
شهر دارای برج و باروی مستحکمی بود، که نخستین بار در سال ۳۶۰ ق. بنا گردید. معمولاً خانه‌ها دو طبقه است. خیابان اصلی شهر از دروازه به سوی حرم می‌رود که در آن بیشترین تعداد مغازه‌ها و فروشگاه‌ها را می‌توان یافت. حرم در بخش شرقی شهر قرار گرفته است (الخیاط از بور کهارت، ۱۳۷۵: ۱۴۷-۱۵۰).	مدینه - شهر دارای حصار - خانه‌ها دو طبقه - عدم قرارگیری حرم در مرکز شهر
وارد قلعه شدیم و پس از عبور کوچه‌های تودرتو از طریق یک محوطه که وسعت آن نسبت به آن کوچه‌ها نمایش یک میدان وسیع داشت وارد صحن مقدس شدیم (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲: ۱۹۷).	سامراء - محاط در حصار - بافت متراکم مسکونی - وجود بست و مفصل در جنب حرم
«بعد از عبور از چند بازار به بازار عطاران رسیدیم که آخر آن باب حضرت است. «روبه روی مقبره، مدارس و زوایا و خانقاه‌هایی قرار دارد که دایره و پُر رونق می‌باشد» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۱۹).	نجف - بازار منتهی به حرم - هم‌جواری با فضاهای آموزشی و مذهبی - هم‌پیوند با طبیعت - شهر محاط در حصار - بافت فشرده و متراکم مسکونی - مکان مقدس، هسته اولیه شهر - حرم در مرکز شهر - حرم دارای حریم کالبدی - وجود بست و مفصل - پیوستگی بازار و زندگی شهری با حرم - رعایت سلسله مراتب فضای - پیوستگی بافت مسکونی با حرم - عدم اشراف مستقیم خانه‌ها به فضای داخلی حرم
«مرقد مطهر را در قصبه‌ای که در جلگه وسیع و گسترده نجف است ساخته‌اند» (اوتر، ۱۳۶۳: ۶۶).	
اطراف شهر «به یک قلعه استوار که چهل برج دارد محاط است» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹: ۱۲۲).	
«از میان بازار به درب صحن مقدس آمدیم» (عضدالملک، ۱۳۷۰: ۱۳۹).	
قلعه شهر بسیار محکم است. داخل دروازه میدانی است که از آن «تادرب صحن مقدس راسته بازار وسیع مسقف است» [...] در انتهای بازار وارد صحن شدیم» (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲: ۱۵۲-۱۵۱).	
نجف داری خانه‌هایی دو مرتبه، حیاط‌ها و کوچه‌های تنگ می‌باشد. به علت اینکه در گذشته حصار نداشته، مورد هجوم واقع می‌شده است. در زمان فتحعلی شاه قاجار، حصار دور شهر کشیده شد، که بسیار محکم و دارای سه دروازه است (پیرزاده، ۱۳۴۵: ۳۴۴-۳۴۵).	
شهر منحصرأ به خاطر این مرقد که در دست در قلب شهر و در انتهای بازار قرار دارد؛ به وجود آمده است. «چهار در به داخل حیاط حرم راه دارد. در اصلی که به اسم در بازار معروف است، به میدان کوچکی بازمی‌شود که پراز بساط صرافان، قهوه‌خانه‌ها، و دکان‌ها است» (اوبن، ۱۳۶۲: ۴۰۲-۴۰۳).	
شهر دارای کوچه‌های باریک و پُریچ و خم است. خانه‌ها «به طوری فشرده در کنار هم قرار داشتند که نشان می‌داد ساکنین سعی داشته‌اند تا حد امکان خود را نزدیکتر به جوار اماکن متبرکه و مساجد سکنی دهند». یکی از منازل سه طبقه و نسبت به سایر خانه‌ها خیلی مرتفع به نظر می‌رسید. صبح روز بعد من از بام آن، به تماشای شهر پرداختم، گرچه حرم در هم‌جواری بود اما دیواری به شکل سنگر بر بام بنا شده بود که حتی مرا از انداختن نیم‌نگاهی به داخل صحن منع می‌نمود. اما گنبد و چهار مناره با درخشش چشمگیری پیش‌روی من قرار داشتند (نوردن، ۱۳۵۶: ۹-۱۱).	
«خانه‌ها را روی هم ساخته‌اند». شهر دارای کوچه‌های تنگ است. برای زیارت حرم حضرت عباس (علیه السلام) «یک راسته بازار تنگ بدی است، الی دم صحن» (ناصرالدین شاه، ۱۳۷۲: ۱۱۵).	کربلا - بافت فشرده و متراکم مسکونی - بازار منتهی به حرم (بازار عنصر پیونددهنده حریم) - خانه‌ها با ارتفاعی نسبتاً بلند - ساماندهی بافت شهری پیشین در طرح توسعه - هم‌جواری با دیگر آرامگاه‌ها - پیوستگی بافت مسکونی با حرم - نشانه‌های حصار شهری در گذشته - توسعه و دگرگونی بافت پیرامون حرم در پاسخگویی به افزایش زوار - در نظر گرفتن حوزه مقدس و حیات شهری در طرح توسعه
شهر قدیم، سرتاسر تپه را فرا گرفته است. خانه‌ها بلند و کوچه‌ها تنگ است. بازار میان دو بارگاه قرار دارد. سابق بر این دور شهر حصار نیز بوده است که اینک دروازه‌ای به نام دروازه‌ی بغداد و آثاری از برج و بارو، از آن حصارها و دیوارها باقی است. در سال ۱۸۷۵ م، هجوم روزافزون زائران، ایجاد شهر جدیدی را در پای تپه مقدس ایجاب می‌کرد. نقشه آن را با خیابان‌های بزرگ و مستقیم عمود بر هم، و چندین ردیف رواق و غرفه در پیاده‌روها، طرح و تهیه گردیده است. «در این قسمت شهر، قهوه‌خانه‌ها، کاروانسراها، جایگاه‌های دلچیان، مدرسه‌ها، مسجد اهل تسنن و ساختمان‌های دولتی نیز پیش‌بینی شده است» (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۸۶-۳۸۵).	
برای زیارت «از کوچه بسیار تنگی که خاک غریبی داشت عبور افتاد» (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲: ۱۲۵).	کاظمین - پیوستگی بافت مسکونی با حرم - دگرگونی بافت پیرامون حرم در جهت پاسخگویی به افزایش زائران - در نظر گرفتن حیات شهری در طرح توسعه و هم‌پیوندی با طبیعت
«تعداد روزافزون زائران، به تدریج کاظمین را به صورت شهری کامل در آورد. رفت و آمد مکرر و دائمی زائران به کاظمین، موجب گردیده بازارها و کاروانسراهای شهر به قدر کافی توسعه یابند. اطراف ضریح را بازارها، خانه‌ها، و کاروانسراهایی احاطه کرده‌اند. سرتاسر اطراف شهر نیز پراز باغ‌هایی است» (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۷۲-۳۷۰).	
«سه خیابان در جهات مختلف از مقبره امام (ع) منشعب می‌شود که دو تنای آن‌ها وسیع، عریض و مشجر است» (بارنز، ۱۳۷۳: ۵۹).	مشهد - در نظر گرفتن حیات شهری در طرح توسعه و هم‌پیوندی با طبیعت - توسعه و دگرگونی بافت پیرامون حرم در جهت پاسخگویی به افزایش زائران - هم‌جواری با فضاهای آموزشی، مذهبی و اقامتگاهی - هم‌پیوندی با طبیعت
«در هر دو خیابان مدرسه‌ها و مساجد و کاروانسراهای بسیار عالی ساخته بوده‌اند. حال همان خود خیابان‌ها باقی است و بعضی از سنگ‌های کنار نهرها و پاره‌ای از درخت‌های چنار باقی است. عجب بنای ملوکانه‌ای بوده است. پاره‌ای از مدارس و مساجد و کاروانسراها هم برجاست» (سیف‌الدوله، ۱۳۶۳: ۳۱۸).	
«میان خیابانی که به صحن مرقد امام هشتم می‌رسید جویبار پاکیزه‌ای روان بود، و در دو سوی آن ردیف درختان توت و بید بلند و کوتاه کاشته بودند» (سوزوکی، ۱۳۹۳: ۶۴).	
«در اطراف این مقبره مقدس دکان‌های کوچک متعددی است» (دالمانی، ۱۳۵: ۱۰۹۱).	ری - هم‌جواری با بازار و فضاهای تجاری - پیوستگی بافت مسکونی با حرم - هم‌جواری با فضاهای خدماتی و عام‌المنفعه
خانه‌ای که اجاره کردیم «قریب بازار چه نزدیک حرم مطهر است» (سیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۱۷۵).	
این زیارتگاه در عین حال گردشگاه مردم شهر نیز محسوب می‌شود و قصبه آن نیز «برای خود کاروانسراها، حمامها، و بازارهایی دارد» (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۰۴).	

متون و مضامین قرائت شده	گزاره‌های استخراج شده
روضه و بقعه مبارک که شاه چراغ در وسط شهر است، که در جنب آن «بقعه سید میرمحمد و از حیاط صحن بقعه امامزاده تاصحن شاه چراغ بازار است و از شاه چراغ تا مسجد نو نیز بازار مستقیم است و صحن امامزاده و صحن حضرت شاه چراغ و بازارهای متصل به صحن کلا بست متظلمین است» (پیرزاده نائینی، ۱۳۴۲: ۷۵-۷۴).	شیراز - حرم در مرکز شهر - اتصال حرمین به واسطه بازار - بست به عنوان منطقه حائل و مفصل در هم جواری حرم
بخش عمده حصری که در پیرامون شهر وجود داشته، تخریب شده است (براون، ۱۳۸۱: ۱۹۹).	
در نزدیکی پل سنگی رودخانه، مقبره‌ای واقع شده است، که از طرف مردم مقدس شمرده می‌شود و زیارتگاه عمومی است (دلاواله، ۱۳۷۰: ۴۳۵-۴۳۶).	
اهمیت شهر به واسطه حضور آرامگاهی ست که در وسط آن است (شاردن، ۱۳۳۶: ۴۰۳). در پشت و کنار حرم، مزارات دیگر، محوطه‌های بسیار زیبا، عمارات بسیار تمیز و محفوظ و باغ‌های کم وسعت فوق‌العاده مصفاایی مشاهده می‌شود. در سمت چپ نیز گورستان بزرگی واقع است (همان: ۷۹).	
«بازارها وسیع و در همه جا خانه‌هایی با باغ‌های بزرگ به نظر می‌رسد» (دو گوینو، ۱۳۸۳: ۱۹۰).	
وارد بازارهای متعددی شده که آخرین آن منتهی به دروازه‌ای می‌گشت که بعد از آن به یک پل سنگی بزرگ روی رودخانه قم رسیده و چابارخانه نیز در همین جا واقع بود؛ که از بالای بام آن منظره شهر دیدنی بود، در وسط شهر، بیش از همه بنای آرامگاه حضرت معصومه و گنبد طلایی رنگ آن به چشم می‌خورد. [۰۰۰] قبور چند نفر از سلاطین قاجار و سلاطین سلسله‌های قبل از قاجار در جوار «بارگاه است» (بروگش، ۱۳۶۷: ۵۳۸-۵۳۹).	قم - شهر محاط در حصار - هم پیوند با طبیعت - هم جواری با بازار - حرم در مرکز شهر - هم جواری با آرامگاه‌ها - پیوستگی بافت مسکونی با حرم - هم جواری با مسجد
«چیزی که در تابستان و زمستان برای زوار حضرت معصومه (س) اسباب زحمت است، طی مسافت از مسجد امام حسن (ع) است تا آستانه مقدسه که تقریباً پانصد قدم می‌شود که یک طرف آن دکاکین [۰۰۰] است و یک طرف آن قبرستان است» (صفاء السلطنه نائینی، ۱۳۶۶: ۹۳).	
«در پایین مقبره باغ مشجری ست که منزلگاه متولیان مقبره است. چون از بیرون به این باغ نظری انداختیم خیابان‌هایی را دیدیم که باغ را به قسمت‌هایی تقسیم کرده است» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۸۵۷).	
«در سمت راست خیابانی که به صحن مقدس منتهی می‌شد کوچه‌ای قرار داشت که تا ساحل رودخانه ادامه می‌یافت. در اطراف این کوچه خانه‌های کوچک متعددی بنا شده بود که معمولاً زائرانی که به زیارت می‌آمدند در آن‌ها اقامت می‌کردند (آنه، ۱۳۷۰: ۲۰۳-۲۰۲).	

مأخذ: تحلیل نگارندگان



نمودار شماره ۱: درصد فراوانی گزاره‌های استخراج شده از مضامین قرائت شده
مأخذ: نگارندگان

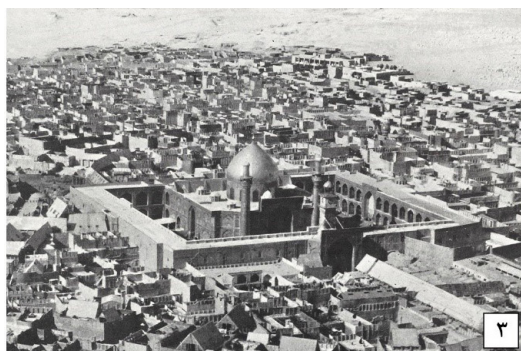
بحث و تحلیل یافته‌ها

گزاره‌های استخراج شده از جدول (۲) بیانگر آن است که مکان مقدس در طی دوره‌های بررسی شده، به‌عنوان «نماد و شاخصه شهر زیارتی»، «تمایز از محیط پیرامونی» خود و «هم‌پیوند با منظر طبیعی» شهر بوده است. به سخن سنجیده‌تر و با توجه به درصد فراوانی‌های گزاره‌های استخراجی نمودار (۱)، یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در ساختار کالبدی حریم بصری، بُعد مکانی مکان‌های یادشده بوده، که بر قدرت، ایستایی و تمامیت آن‌ها تأکید داشته و این امر مؤکد آن است که شاخص‌های اماکن مذکور، ضامن بقاء و متمایزکننده آن‌ها در شهرهای زیارتی از سایر مکان‌ها بوده است (برمر، ۱۳۹۲، ۳۲). مطلب دیگر آنکه اگر چه ظاهراً «مکان مقدس در یکپارچگی مکان، گسیختگی‌ای به وجود می‌آورد» (الیاده، ۱۳۹۳، ۳۱)، اما در

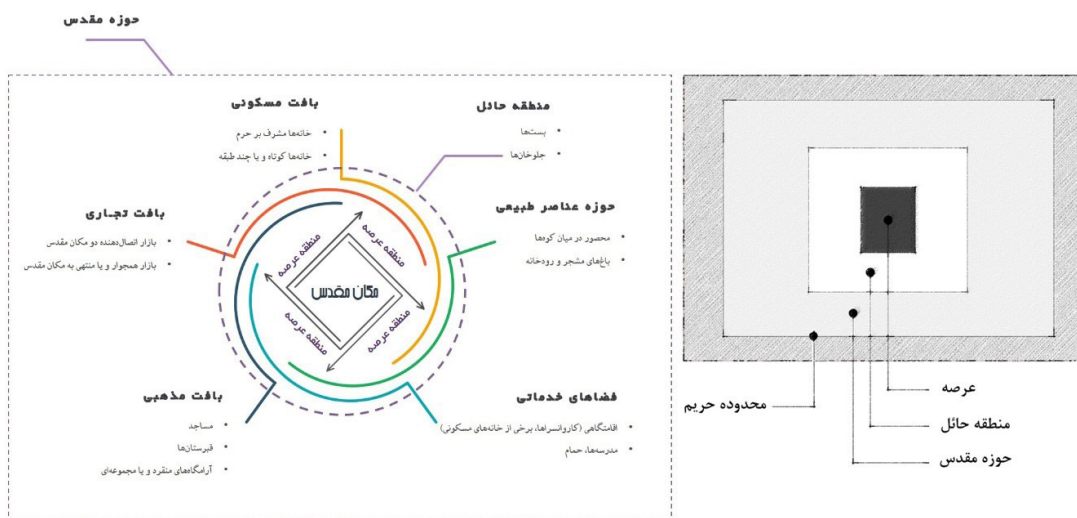
عین حال ساختار و هم‌جواری‌های این ابنیه با استناد بر گزاره‌های استخراج شده جدول (۳) و نمودار (۱)، گویای «تفکیک‌ناپذیری» و «انسجام یکپارچه» با آن‌ها بوده که با رعایت «سلسله‌مراتب فضایی» نسبت به عرصه و حریم این مکان‌ها، خود نقش به‌سزایی در ادراک عینی و ذهنی مخاطبان، اعم از ساکنین، زائران و بازدیدکنندگان می‌گذاشته است. (تصویر شماره ۳) و (شکل شماره ۱).

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب پیش‌گفته در این پژوهش، مکان مقدس به‌عنوان مرکز مذهبی ضمن خلق تمامیت، یکپارچگی و پیوستگی انکارناپذیر در حکم سازه‌ای منسجم و نظام‌یافته با برپایی تقسیمات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و توزیع



تصویر شماره ۳: مستندات عینی منطبق با گزاره‌های استخراج‌شده از جدول (۳) مبتنی بر یکپارچگی بافت پیرامون مکان مقدس: ۱- مسجد الحرام و اشراف بافت سکونتگاهی بر آن، دوره ناصری، ۲- حرم کاظمین و اتصال بازار و بافت مسکونی به آن، اواخر دوره قاجار، ۳- موقعیت قرارگیری بازار نسبت به حرم امیرالمؤمنین (ع) نجف، ۴- هم‌جواری بافت طبیعی و مسکونی با حرم شاه‌عبدالعظیم ری، اواخر دوره قاجار. مأخذ: (Snouck Hurgronje, 1888: I), (arquitecturayempresa.es), (architectural-review.com), (abdulazim.com).



شکل شماره ۱: ساختار کالبدی حریم مکان‌های مقدس و عناصر محیط پیرامونی، بر اساس یافته‌های بدست آمده از سفرنامه‌ها؛ مأخذ: نگارندگان

وابسته به این اماکن بوده، همواره به نوبه خود تأثیر شگرفی در چگونه نگریستن به مقوله حریم و تنظیم ضوابط آن در طی قرن‌های پنجم تا چهاردهم ه.ق، گذاشته است. براین اساس چنین استنباط می‌گردد که «ساختار معنایی حریم» مکان‌های یادشده تابعی از فرآیندهای مداوم و بهم پیوسته آیینی-مذهبی بوده و همواره با مدنظر قرار دادن و عنایت بر دیگر مؤلفه‌های مستور و مشهود ارزش‌های معنوی و ابعاد کالبدی و فراکالبدی، ساماندهی می‌گشته است.

در خاتمه با استناد بر متون و تصاویری که در این نوشتار ارائه گردید، ذکر این مطلب سودمند می‌نماید که بر طبق نگرش

همگون بخش‌های کارکردی در تعامل مستمر و کاملی با بافت شهر زیارتی عمل می‌کرده است. بنابراین مطابق آنچه در شکل (۱) ملاحظه می‌گردد، محدوده و «ساختار کالبدی حریم» ابنیه مذکور با رعایت سلسله‌مراتب، به ترتیب در سه مقیاس فضایی عرصه، منطقه حائل و حوزه مقدس قابل تشخیص و شناسایی بوده است. این شبکه به عنوان گستره‌ای هم‌پیوند و تفکیک‌ناپذیر نقش بسزایی در انسجام بُقاع متبرکه با محیط بلافصل خود داشته است. نکته دیگری که باید بر آن تأکید شود این است که آداب ظاهری و باطنی امر زیارت، رسوم و سنت‌های جاری که پدیدآورنده و دربرگیرنده بخش بنیادین میراث ناملموس

اسلامی و خاصه تفکر شیعی، امر قدسی، امری تک و جهی، دربرگیرنده کالبد حرم‌های متبرکه نبوده، که بالعکس به‌طور متناوب احاطه‌کننده بخش پهناوری از شهر، منظر وابسته به آن و جمیع مشخصه‌های ملموس و ناملموس منتسب به آن‌ها تلقی گردیده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. طبق «قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی - فرهنگی»، حریم بنا به «نواحی اطراف یک اثر فرهنگی، تاریخی، طبیعی ملی یا جهانی» اطلاق می‌گردد. این قانون که مشتمل بر هفده ماده و چهار تبصره است، در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۲ تصویب و در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۱۲ به تأیید شورای نگهبان رسید.

2. Religious Heritage
3. Inherent Livingness
4. Eugene Aubin
5. Burckhardt
6. 1 Mile = 1/61 km.
7. Claude Anet
8. Albert Houtum-Schindler

فهرست منابع و مراجع

۱. ابن بطوطه (۱۳۷۶)، سفرنامه ابن بطوطه، جلد اول، ترجمه محمدعلی موحد، چاپ سپهر نقش، تهران.
۲. ابن جبیر، محمدبن احمد (۱۳۷۰)، سفرنامه ابن جبیر، ترجمه پرویز اتابکی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
۳. اعتمادالسلطنه، علی خان (۱۳۷۹)، سفرنامه حاج علی خان اعتمادالسلطنه، به‌اهتمام سیدعلی قاضی‌عسکر، نشر مشعر، تهران.
۴. الخياط، جعفر (۱۳۷۴)، «مکه از دیدگاه جهانگردان اروپایی (۱)»، ترجمه محمدرضا فرهنگ، میقات حج، شماره ۱۳، پاییز.
۵. الخياط، جعفر (۱۳۷۵)، «مدینه از دیدگاه جهانگردان اروپایی (۱)»، ترجمه محمدرضا فرهنگ، میقات حج، شماره ۱۷، پاییز.
۶. امیری، محمود (۱۳۸۴)، «حرم حضرت معصومه (س) از نگاه سفرنامه‌نویسان اروپایی»، وقف میراث جاویدان، شماره ۵۲، زمستان.
۷. آنه، کلود (۱۳۷۰)، سفرنامه کلود آنه (گل‌های سرخ اصفهان: ایران با اتومبیل)، ترجمه فضل‌الله جلوه، نشر روایت، تهران.
۸. اوبن، اوژن (۱۳۶۲)، ایران امروز، ایران و بین‌النهرین (سفرنامه و بررسی‌های سفیر فرانسه در ایران)، ترجمه علی اصغر سعیدی، چاپ نقش جهان، اصفهان.
۹. اوتر، ژان (۱۳۶۳)، سفرنامه ژان اوتر (عصر نادرشاه)، ترجمه علی قبادیانی. سازمان انتشارات جاویدان، تهران.
۱۰. اولتاریوس، آدام (۱۳۵۸)، سفرنامه آدام اولتاریوس: ایران

عصر صفوی از نگاه یک آلمانی، ترجمه احمد بهپور، ابتکار نو، تهران.

۱۱. بارنز، آلکس (۱۳۷۳)، سفرنامه بارنز: سفر به ایران در عهد فتحعلی‌شاه قاجار، ترجمه حسن سلطانی‌فر، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی. مشهد.
۱۲. بایندر، هانری (۱۳۷۰)، سفرنامه هانری بایندر (کردستان، بین‌النهرین و ایران)، ترجمه کرامت‌الله افسر. انتشارات فرهنگسرا، تهران.
۱۳. براون، ادوارد گرانویل (۱۳۸۱)، یک سال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی علامه، اختران، تهران.
۱۴. بروگش، هینریش (۱۳۶۷)، سفری به دربار سلطان صاحبقران، جلد اول، ترجمه حسین کردبچه، اطلاعات، تهران.
۱۵. بروگش، هینریش (۱۳۷۴)، در سرزمین آفتاب (دومین سفرنامه هینریش بروگش)، جلد اول، ترجمه مجید جلیوند، نشر مرکز، تهران.
۱۶. بشیری، عباس؛ براتی، علی‌اکبر و پوررحیم، مریم (۱۳۹۳)، شرایط فنی و ضوابط قانونی انواع حریم در حقوق کاربردی ایران، انتشارات جنگل (جاودانه)، تهران.

۱۷. بemat، نجم‌الدین (۱۳۶۹)، شهر اسلامی، ترجمه محمدحسین حلیمی، منیره اسلامبولچی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۱۸. بنجامین، س.ج.و. (۱۳۶۳)، ایران و ایرانیان عصر ناصرالدین‌شاه، ترجمه حسین کردبچه، سازمان انتشارات جاویدان، تهران.
۱۹. بیللی فریزر، جیمز (۱۳۶۴)، سفرنامه فریزر (معروف به سفر زمستانی، از مرز ایران تا تهران و دیگر شهرهای ایران)، ترجمه منوچهر امیری. انتشارات توس، تهران.
۲۰. پیرزاده نائینی، محمدعلی (۱۳۴۲)، سفرنامه حاجی پیرزاده، جلد اول، به کوشش فرمانفرمائیان، دانشگاه تهران، تهران.
۲۱. تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۶۳)، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، انتشارات کتابخانه سنائی، تهران.
۲۲. حسین‌زاده شانه‌چی، حسن (۱۳۸۹)، «سهم سفرنامه‌های اروپایی در معرفی تشیع ایرانیان در غرب»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۲۶، تابستان.
۲۳. حکمتی، شیوا (۱۳۸۱)، «انتظام شکل - کارکرد زمینه تحقق معنا کیفیت فضایی رابطه شکل / زمینه در معماری»، رساله دکتری، استاد راهنما: مهدی حجت، دانشگاه تهران.
۲۴. خانیکوف، نیکولای ولادیمیروویچ (۱۳۷۵)، سفرنامه خانیکوف: گزارش سفر به بخش جنوبی آسیای مرکزی، ترجمه اقدس یغمایی و ابوالقاسم بی‌گناه، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
۲۵. دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵)، سفرنامه از خراسان تا بختیاری؛

- مشمول بر طرز زندگی، آداب و رسوم، اوضاع اداری، اجتماعی، اقتصادی، فلاحی و صنایع ایران از زمان قدیم تا پایان سلطنت قاجاریه، ترجمه علی محمد فره‌وشی، مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر، تهران.
۲۶. دانشپور، سید عبدالهادی؛ بهزادفر، مصطفی و رضایی ندوشن، محمد (۱۳۹۶)، «سلسله مراتب تشرف به اماکن مقدس در شهرهای تاریخی - مذهبی ایران نمونه موردی: شهر قم در دوران صفوی و قاجار»، شهر و معماری بومی، شماره ۶، پاییز و زمستان.
۲۷. دفتر فنی معاونت حفظ و احیاء (۱۳۷۹)، مجموعه پژوهش‌های بنیادی دفتر فنی (دفتر سوم: ویژگی‌های تعیین‌کننده حریم آثار تاریخی در ایران)، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
۲۸. دلاواله، پیترو (۱۳۷۰)، سفرنامه پیترو دلاواله (قسمت مربوط به ایران)، ترجمه، شرح و حواشی از شعاع‌الدین شفاء، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تهران.
۲۹. دوراند، سرتی مور (۱۳۶۴)، سفرنامه دوراند: سفر هیأت سرتی مور دوراند وزیر مختار انگلیس در ایران، ترجمه علی محمد ساکی، انتشارات کتابفروشی محمدی، خرم‌آباد.
۳۰. دوگوبینو، آرتور (۱۳۸۳)، سفرنامه کنت دوگوبینو: سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر قطره، تهران.
۳۱. دوهوسه، لویی امیل (۱۳۵۴)، سفری به ایران (مجموعه‌ای از نقاشی‌های لویی امیل دوهوسه از مناظر و مردم ایران ۱۲۳۸-۱۲۳۶)، ترجمه منوچهر فرمانفرماییان، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
۳۲. دیگانس، جاستین (۱۳۹۲)، «زیارت دینی و سکولار» در گردشگری، دین و سفرهای معنوی، ترجمه محمد قلی‌پور و احسان مجیدی فرد، جامعه‌شناسان، تهران.
۳۳. ریچاردز، فرد (۱۳۷۹)، سفرنامه فرد ریچاردز، ترجمه مهین دخت صبا، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
۳۴. سایکس، پرسی مولزورث (۱۳۳۶)، سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس (ده هزار میل در ایران)، ترجمه حسین سعادت نوری، انتشارات کتابخانه ابن‌سینا، تهران.
۳۵. ستاری فرد، شهرام (۱۳۹۴)، «بررسی نقش مراکز مذهبی در افزایش سرزندگی شهرهای معاصر؛ مطالعه موردی: محدوده امامزاده صالح تجریش»، مدیریت شهری، شماره ۴۰، پاییز.
۳۶. سدیدالسلطنه مینابی بندرعباسی، محمدعلی خان (۱۳۶۲)، سفرنامه سدیدالسلطنه: التدقیق فی سیرالطریق، انتشارات به‌نشر، تهران.
۳۷. سرنا، کارلا (۱۳۶۲)، سفرنامه مادام کارلا سرنا: آدمها و آیین‌ها در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، چاپ نقش جهان، اصفهان.
۳۸. سروقدی، محمدجعفر (۱۳۷۴)، «شهر قم در سفرنامه‌ها و متون تاریخی»، وقف میراث جاویدان، شماره ۱۰، تابستان.

۳۹. سوزوکی، شین‌جو (۱۳۹۳)، سفرنامه شین‌جو سوزوکی: پیاده‌گردی راهب بودائی ژاپنی در شمال و شرق ایران، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینجی ئەاورا، انتشارات طهوری، تهران.
۴۰. سیف‌الدوله، سلطان محمد (۱۳۶۳)، سفرنامه مکه، به تصحیح و تحشیه علی‌اکبر خداپرست، نشر نی، تهران.
۴۱. شاردن، ژان (۱۳۳۶)، دائرةالمعارف تمدن ایران: سیاحت‌نامه شاردن (جلد سوم: روابط بین‌المللی و جغرافیای تاریخی ایران)، ترجمه محمد عباسی، مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر، تهران.
۴۲. شیل، لیدی مری (۱۳۶۸)، خاطرات لیدی شیل: همسر وزیر مختار انگلیس در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه، ترجمه حسین ابوترابیان، نشر نو، تهران.
۴۳. صادقی، محسن (۱۳۸۲)، «حضرت عبدالعظیم (ع) و شهرری در سفرنامه‌ها»، آینه پژوهش، شماره ۸۰، خرداد و تیر.
۴۴. صفاءالسلطنه نائینی، میرزا علی‌خان (۱۳۶۶)، گزارش کویر: سفرنامه صفاءالسلطنه نائینی (تحفة الفقرا)، به‌اهتمام محمد کلبن، انتشارات اطلاعات، تهران.
۴۵. طیبی، سید محمد (۱۳۸۹)، «بست و بست‌نشینی در دوره قاجاریه (تا انقلاب مشروطه)»، نامه تاریخ پژوهان، شماره ۲۳، پاییز.
۴۶. عبدالرئوف بخاری، میرزا سراج‌الدین (۱۳۶۹)، سفرنامه تحف اهل بخارا، انتشارات بوعلی، تهران.
۴۷. عضدالملک، علیرضا (۱۳۷۰)، سفرنامه عضدالملک به عتبات، به‌اهتمام حسن مرسلوند، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، تهران.
۴۸. علی صوفی، علیرضا و زاور، علی‌اکبر (۱۳۹۱)، «سفر زیارتی حج در دوره قاجار بر مبنای سفرنامه‌های رجال دوره قاجاری»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۳۲، بهار و تابستان.
۴۹. فاطمی، شیما سادات (۱۳۹۳)، «نگرشی بر اماکن مقدسه و متبرکه و آداب زیارت از نگاه سیاحان اروپایی دوره قاجار (۱۳۴۴ - ۱۲۱۰ ه.ق)»، روزگاران، شماره ۱۲، تابستان.
۵۰. فراهانی، محمدحسین (۱۳۶۲)، سفرنامه میرزا محمدحسین فراهانی، به‌اهتمام مسعود گلزاری، انتشارات فردوسی، تهران.
۵۱. فصیحی، سیمین و طیبی، صفورا (۱۳۹۴)، «بررسی حیات مذهبی شیراز عصر قاجار به روایت سفرنامه‌های اروپایی»، تاریخ پژوهی، شماره ۶۳، تابستان.
۵۲. فلاح مهنه، فاطمه (۱۳۹۰)، «مزارات و مقابر ایران و عراق به روایت سفرنامه‌های اروپاییان از آغاز عصر صفوی تا پایان قاجار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: عبدالله همتی گلپای، دانشگاه فردوسی مشهد.
۵۳. فلامکی، محمدمنصور (۱۳۹۱)، اصل‌ها و خوانش معماری ایرانی، نشر فضا، تهران.
۵۴. فلامکی، محمدمنصور (۱۳۸۴)، حریم‌گذاری بر ثروت‌های فرهنگی ایران، نشر فضا، تهران.
۵۵. فلاندن، اوژن (۱۳۵۶)، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه

شرح معماری اسلامی ایران، سروش: انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (دانشگاه شهید بهشتی)، تهران.

۷۲. نوردن، هرمان (۱۳۵۶)، زیرآسمان ایران، ترجمه سیمین سمیعی، دانشگاه تهران، تهران.

۷۳. وننگ، دیوید (۱۳۸۳)، «تحقیق تفسیری - تاریخی در معماری»، ترجمه مهرداد قیومی، صفة، شماره ۳ و ۴، تهران.

۷۴. ویشارد، ژان (۱۳۶۳)، بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، موسسه انتشارات نوین، تهران.

۷۵. الیاده، میرچا (۱۳۹۳)، مقدس و نامقدس، ترجمه نصرالله گنجی، سروش (انتشارات صدا و سیما)، تهران.

۷۶. بیت، چارلز ادوارد (۱۳۶۵)، سفرنامه کلنل بیت به ایران و افغانستان، ترجمه مهرداد رهبری و قدرت الله روشنی، نشر یزدان، تهران.

77. Bianca, Stefano (2000), **Urban form in the Arab world: Past and present**, Vol. 46, vdf Hochschulverlag AG.
78. Burckhardt, John Lewis (1829), **Travels in Arabia: Comprehending an account of those territories in Hedjaz which the Mohammedans regard as sacred**, Vol. 1&2, Routledge, London.

حسین نور صادقی، انتشارات اشراقی، تهران.

۵۶. فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳)، سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا: سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول، ترجمه غلامرضا سمیعی، نشر نو، تهران.

۵۷. قاضیها، فاطمه (۱۳۸۷)، «قم از نگاه ناصرالدین شاه و سیاحان فرنگی معاصر او»، گنجینه اسناد، شماره ۷۲، زمستان.

۵۸. قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۳۵)، سفرنامه ابومعین حمیدالدین ناصرین خسرو قبادیانی مروزی، به اهتمام محمد دبیر سیاقی، انتشارات کتابفروشی زوار، تهران.

۵۹. قصابیان، محمدرضا (۱۳۷۷)، «تاریخچه بست و بست نشینی در مشهد»، مشکوه، شماره ۶۰ و ۶۱، پاییز و زمستان.

۶۰. کلانتری خلیل آباد، حسین؛ مبینی، حسین و حقی، مهدی (۱۳۹۳)، «میزان انطباق ساختار اصلی شهر مشهد با تصویر ذهنی زائران»، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۷، پاییز.

۶۱. کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۷۳)، ایران و قضیه ایران (جلد دوم)، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تهران.

۶۲. کمیلی، محمد (۱۳۹۸)، «تحلیل شاخص های ارزیابی پیاده راه های مذهبی حرم حضرت معصومه (س)»، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۳۵، بهار.

۶۳. کورف، بارون فنودور (۱۳۷۲)، سفرنامه بارون فنودور کورف (فوت فتحعلی شاه، به سلطنت رسیدن محمد میرزا و سقوط قائم مقام)، ترجمه اسکندر ذبیحیان، انتشارات فکر روز، تهران.

۶۴. لوتی، پیر (۱۳۷۲)، به سوی اصفهان، ترجمه استاد بدرالدین کتابی، انتشارات اقبال، تهران.

۶۵. ماساها رو، یوشیدا (۱۳۷۳)، سفرنامه یوشیدا ماساها رو، ترجمه هاشم رجب زاده، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.

۶۶. مدنی پور، علی (۱۳۸۷)، طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی-مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.

۶۷. مک گرگور، کلنل سی. ام. (۱۳۶۶)، شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان (جلد اول)، ترجمه مجید مهدی زاده، آستان قدس رضوی، معاونت فرهنگی، مشهد.

۶۸. میثاقی، سید محمود و روحانی قادیکلانی، محسن (۱۳۹۳)، «اصول سازماندهی فضایی بافت های شهری برخوردار از عناصر شاخص مذهبی؛ مطالعه موردی: امامزاده عباس ساری و امامزاده اسماعیل قائمشهر»، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۵، بهار.

۶۹. ناصرالدین شاه (۱۳۶۲)، سفرنامه ناصرالدین شاه به کربلا و نجف، انتشارات کتابخانه ثنائی، تهران.

۷۰. ناصرالدین شاه (۱۳۷۲)، شهر یار جاده ها: سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات، به اهتمام محمدرضا عباسی و پرویز بدیعی، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، تهران.

۷۱. نوایی، کامبیز، و حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۹۰)، خشت و خیال:

79. Dieulafoy, Jane (1887), **La Perse, la Chaldée et la Susiane: relation de voyage**, Librairie Hachette. Paris.
80. Gopalakrishnan, P and Tadepalli, Srinivas (2014), **Viewscape Assessment Framework for Protecting the Views of Sacred Monuments: Comparative Study of Srirangam and Thanjavur Religious Towns**.
81. ICOMOS (2008), **International Day for Monuments and Sites: Religious Heritage and Sacred Places**, 18 April, http://www.icomos.org/18thapril/2008/18_april_calendar_events.pdf (accessed January 25, 2016).
82. Kumar, Sarvesh and Singh, Rana PB (2017), "Ayodhya (India): a study of Ritual Landscapes", **Practicing Geographer**, 71-84.
83. Levi, Daniel and Kocher, Sara (2011), "Cross-cultural perspectives toward historic sacred places", **Focus**, 8(1). 22-26.
84. Niebuhr, Carsten (1780), **Voyage en Arabie & en d'autres Pays circonvoisins**, Vol. 2, chez SJ Baalde.
85. Niglio, Olimpia (2018) "Sacred Landscape for a Global Approach", **Almatourism Journal of Tourism**, Culture and Territorial Development.
86. Snouck Hurgronje, Christiaan (1888), **Bilder-Atlas zu Mekka**, Martinus Nijhoff.
87. Wijesuriya, Gamini (2005), "The Past is in the Present", In Conservation of living religious heritage, 30-43. ICCROM.
88. **URL1:** <https://www.abdulazim.com>.
89. **URL2:** <https://www.architectural-review.com/essays/archive>.
90. **URL3:** <https://www.arquitecturayempresa.es/noticia/rehabilitacion-de-al-kadhimiya-por-dewan-architects>.

بررسی تاثیر کیفیت مکان‌های سوم شهری بر حس تعلق شهروندان مطالعه موردی: پیاده‌راه فرهنگی-تاریخی رشت

علی اکبر سالاری پور*^۱ (نویسنده مسئول)، حمیدرضا رضانی^۲، مهرداد مهرجو^۳، نگین قربان زاده^۴

^۱ استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان

^۲ عضو هیئت علمی گروه پژوهشی معماری و منظر شهری پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی- برنامه‌ریزی شهری، دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان

^۴ پژوهش‌گر شهرسازی، دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان

(تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۵)

چکیده

جاذبه شهر در این است که شهر افراد را از هنجارهایی که شدیداً در فضای شخصی احساس می‌شوند، آزاد می‌سازد و به مردم اجازه می‌دهد که درباره خود و دیگران بیاموزند. کلید موفقیت زندگی اجتماعی عمومی این است که مردم در جاهایی که احساس راحتی می‌کنند، ایمن هستند و زمانی برای گذران اوقات خود دارند، به صورت مداوم فعالیت‌های ضروری خود را با فعالیت‌های انتخابی (فعالیت‌هایی که از انجام آن‌ها لذت می‌برند) جایگزین کنند. به‌طور کلی یکی از اهداف طرح‌های پیاده‌راه‌سازی ایجاد فضایی برای فعالیت‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و گردشگری و افزایش تعاملات و مشارکت اجتماعی می‌باشد. هدف پژوهش حاضر ساماندهی مکان‌های سوم در فضاهای شهری (میدان‌های شهری) به منظور افزایش حس تعلق به مکان می‌باشد که با ارزیابی شاخص‌های (حس تعلق، حضور پذیری، تعامل پذیری، ارزیابی جشنواره‌ها و اتفاقات فرهنگی و رضایت از کیفیت محیطی) در میدان شهرداری شهر رشت مورد سنجش قرار گرفته است. روش تحقیق و گردآوری اطلاعات اسنادی و تحلیلی مبتنی بر توزیع ۳۴ پرسشنامه بین جامعه آماری بوده است در بخش یافته‌های استنباطی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق از آزمون t تک نمونه‌ای و ضریب همبستگی پیرسون بهره گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد که وضعیت میدان شهرداری رشت بر اساس شاخص‌ها (در موارد حس تعلق، حضور پذیری، تعامل پذیری و رضایت از کیفیت محیطی) در سطح نسبتاً مناسب قرار دارد اما نگرش و ارزیابی پروژه‌ها و اتفاقات فرهنگی با توجه به میزان تمایل در مشارکت و برگزاری جشنواره‌ها در سطح نسبتاً پایین قرار دارد و نیازمند برنامه‌ریزی و توجه جدی‌تر می‌باشد. نتایج ضریب همبستگی نیز حاکی از روابط آماری مثبت و معنادار بین تمامی شاخص‌ها می‌باشد.

واژگان کلیدی: بازآفرینی فرهنگی، مکان‌های سوم، پروژه‌های فرهنگی، میدان شهرداری شهر رشت.

مقدمه

موضوع فضا و فضای شهری همواره از بحث‌های اصلی مجامع علمی معماری و شهرسازی بوده است. خلق فضای شهری پویا که با نیازهای اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی، فیزیکی، روان‌شناسانه و اقتصادی مردم جامعه هماهنگ باشد همواره دغدغه کار بسیاری از دست‌اندرکاران امر طراحی فضای شهری بوده است. در اوایل دهه شصت میلادی و با بروز بحران‌ها و مشکلات ناشی از تفکرات معماری مدرن در مورد شهر و فراهم شدن مقدمات ظهور عصر پست مدرن، فضاهای گمشده شهری دوباره مورد توجه قرار گرفت. ولی در این دوره نیز، به علت عدم توجه دقیق و کافی به عوامل به‌وجود آورنده پایدار فضای شهری و صرفاً توجه شکلی به فضای شهری، ضعف‌های اصلی در حیات دوباره فضاهای شهری باقی ماند؛ فضای شهری ناشی از اندیشه‌ای اجتماعی است و بیش از آن که به‌وجود آمدن آن تحت‌تأثیر مسایل اقلیمی، فنی یا کالبدی باشد متأثر از تعاملات اجتماعی و مشارکت مدنی مردم آن جامعه است که بر اثر نیروی این تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد. فضای شهری نتیجه «عملکرد»‌های رفتار انسانی با ابعاد اجتماعی و عمومی است و الگوی «عملکرد» فعالیت‌های اجتماعی نتیجه و حاصل نظام تعاملی میان اجتماع و فرهنگ جامعه است و نیروهای به‌وجود آمده از تعامل میان اجتماع و فرهنگ جامعه در صورتی که فضایی مدنی موجود باشد، منجر به تولید فضای شهری می‌شوند. این فضا بیش از هر فضای دیگری در شهر عرصه اعمال متقابل اجتماعی و غلبه هنجارها و موازین و ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی بوده و نیازمند منطق‌گرایی در رفتار، کنترل اجتماعی، مشارکت مردمی است و بیش از همه چیز، عرصه بیان آزادی، تکرر، تنوع، هماهنگی و خویش‌نهادی اجتماعی است که تماماً از پارامترهای وجود اندیشه اجتماعی در ظهور فضای شهری است. جنبش جدیدی که امروزی شهرهای ایران را در بر گرفته، بازآفرینی پیاده‌راه‌ها مطرح شده است که در دل بافت‌های شهری و خیابان‌های شهر، فضاهای شهری فعال و سرزنده‌ای جهت برقراری کنش‌های اجتماعی و تعامل هرچه بیشتر شهروندان به‌وجود می‌آورد (چنگیزی و احمدیان، ۱۳۹۲). بازآفرینی پیاده‌راه‌ها به منظور، ارتقای کیفیت فضای شهری و دستیابی به فضای شهری سرزنده و دارای هویت برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان می‌باشد، بازآفرینی بر اساس پیاده‌مداری و الویت بخشیدن به حضور حرکت پیاده و کنترل حضور وسایل نقلیه موتوری در بافت کهن شهری که با هدف ایجاد فضایی دارای سرزندگی می‌باشد که سبب هویت و سرزندگی و بهبود اقتصاد و بالا بودن کیفیت محیطی برای افراد می‌گردد (پورحسینی، ۱۳۹۵). که پیاده‌راه‌سازی می‌تواند بر روی بی‌توجهی مدنی خط کشیده و افراد را برای دیدن همدیگر و برقراری ارتباط اجتماعی به مکان‌های مانند پیاده‌راه‌ها، پلازاهای شهری و... رهسپار کند (اکبری و داوودی، ۱۳۹۴). به‌طور کلی یکی از اهداف طرح‌های

پیاده‌راه‌سازی ایجاد فضایی برای فعالیت‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و گردشگری و افزایش تعاملات و مشارکت اجتماعی می‌باشد. میدان شهرداری شهر رشت به عنوان قطب مرکزی و قلب تپنده شهر رشت به حساب می‌آید. با رشد رونده شهرنشینی در شهرهای ایران، میدان مرکزی شهر رشت مورد هجوم گسترده خودروها قرار گرفت و سرانجام چندساله است که سراسر میدان و خیابان‌های منتهی به آن سنگ فرش شده، و عبور و مرور خودرو در آن ممنوع است. سراسر این پیاده‌راه که قدم زدن، در آن حال و هوای ویژه‌ای دارد، تندیس‌ها و تزئینات زیبایی نصب شده که هر بیننده‌ای را به وجد می‌آورد (احمدی و مهرجو، ۱۳۹۸). تاریخچه‌ی میدان شهرداری رشت به دوره‌ی پهلوی اول برمی‌گردد و ساختمان‌های آن به سبک نو کلاسیک اروپایی به ویژه با الهام از معماری سنت پترزبورگ طراحی شده است که از آن‌پس نماد شهر رشت شده‌اند. مرکز شهر رشت که این عناصر تاریخی را در دل خود جای داده است. سالیان زیادی با ترافیک شهر، مانند گره‌کوری مرکز شهر راه می‌فشد و جریان زندگی را تنگ و با این موضوعات دست و پنجه نرم می‌کرد و همین امر باعث شده بود این میراث تاریخی مورد کم لطفی قرار بگیرد و آن‌طور باید به شهر جلوه نبخشند. میدان شهرداری در مرکزی‌ترین نقطه شهر رشت واقع شده است. در سال ۹۴ شهرداری شهر رشت، میدان و سه خیابان سعدی، امام‌خینی و شریعتی که اطراف آن را در بر گرفته بودند تبدیل به پیاده‌راه‌هایی شدند که با طول ۸,۳ کیلومتر عنوان یکی از بزرگ‌ترین پیاده‌راه دنیا را به‌خود اختصاص داده‌اند. کاربری‌های اطراف پیاده‌راه که اغلب تجاری بوده‌اند با پیاده شدن این مسیر و سهولت رفت‌وآمد در هنگام خرید رونق دوچندان پیدا کرده است (سالاری‌پور و همکاران، ۱۳۹۸). عنصر جدید که بعد از پیاده‌راه شدن در اینجا بیشتر به چشم می‌خورد فضایی است که الدنبرگ آن را مکان سوم می‌نامد که به واسطه‌ی کافه‌ها و اغذیه‌فروشی‌های درون فضای شهری و ایجاد مکان‌هایی جهت نشستن شهروندان در فضا و سپری کردن زمان به‌وجود می‌آید. جایی که فرد می‌تواند آرامش داشته باشد و در عین حال نوعی زندگی اجتماعی را تجربه کند. پس از پروژه‌ی پیاده‌راه‌سازی امکان ایجاد این مکان‌ها در فضا به دلیل وجود اغذیه و کافه‌های متنوع بیش‌ازپیش فراهم شده است. این تنوع اغذیه‌فروشی‌ها در نام‌گذاری رشت به‌عنوان شهر خلاق غذا از طرف شبکه شهرهای خلاق یونسکو در تنوع کافه‌ها و اغذیه‌فروشی‌های محور بی‌تأثیر نبوده است. کمبود برنامه‌های فرهنگی و هنری و جشنواره‌ها با توجه به پتانسیل و سابقه‌ی این فضا برای برگزاری مراسمات، کمبود برنامه‌های گروهی و مشارکتی که مردم را به فضا دعوت کند؛ از نقدهای وارد شده به این پیاده‌راه است. اما این پیاده‌راه با تمامی ضعف‌هایی که در طراحی خود داشته، مورد استقبال شهروندان قرار گرفته است و به دلیل قرارگیری آن در هسته‌ی مرکزی شهر رشت در تمام فصول فعال و سرزنده است. وجود پتانسیل بالای فضا برای تبدیل

آسایش فردی و اجتماعی ضروری و حیاتی است و همچنین برای مشارکت مدنی، کنترل اجتماعی غیررسمی، دموکراسی مردمی و توسعه انسجام و حس تعلق نیز ضروری است (Oldenburg, 2002). همچنین در بسیاری از پژوهش‌ها، از مکان سوم به‌عنوان عاملی در راستای ایجاد اتحاد میان قسمت‌های مختلف شهر از طریق افزایش تعاملات، داشتن نقش ورودی که به افراد تازه وارد کمک می‌کند تا ارتباط اجتماعی داشته باشد، مرتب کردن افراد با توجه به منافع و فرهنگ‌های خاص، گردهم‌آوردن خردسالان و بزرگسالان و حمایت از نشانه‌های عمومی افرادی که به‌عنوان چشم‌ناظر در مکان‌ها حضور دارند، می‌باشد (Cheang, 2002). از جمله ویژگی‌های بارز فضای سوم این است که حاضرین در این فضاها، افراد ثابتی نیستند بلکه مدام در حال تغییر است و طیف وسیعی از افراد را شامل می‌شود که منجر به سرزندگی و حضورپذیری بالا می‌شود. مکان سوم باعث افزایش روابط چهره به چهره می‌شود و باعث می‌شود تا مردم از حال هم با خبر باشند (Oldenburg, 1997). تأکید بر ضرورت تعادل زیست در سه قلمرو (فضای اول- سکونت، فضای دوم- کار و فضای سوم- زندگی اجتماعی) (تفرح و اوقات فراغت) به‌عنوان یک تجربه مطلوب زیستی است، هرچند مکان اول و دوم عامل هویت بخش محسوب می‌شوند، فضای سوم زمینه ایجاد قلمرو اجتماعی را فراهم می‌آورد.

انواع مکان سوم و کیفیات آن

در جوامع صنعتی و مدرن، زندگی شهری به‌گونه‌ای شده است که مکان سوم به دلیل فضاهای مجازی رو به زوال رفته است. در واقع این پدیده منجر شده تا افراد در خانه‌های خود باقی مانده و در فضاهای عمومی و مکان سوم حضور کم‌رنگی داشته باشند (Williams & Hipp, 2019). اما از دیرباز تا به امروز در شهرهای ایران فضاهایی بوده که از آن به‌عنوان مکان سوم مورد استفاده قرار می‌گرفته است مانند مرکز محلات، خیابان‌های اصلی، پاتوق‌ها، قهوه‌خانه‌ها و... این اماکنی که در زمره مکان سوم قرار می‌گیرند دارای ویژگی‌هایی همچون خنثی بودن، وجود جریان زندگی در آن‌ها، مکانی برای گفت‌وگو، در دسترس بودن، بی‌اهمیت بودن جایگاه اجتماعی افراد، وجود حس آرامش و وجود حس شادی و نشاط است. درحالی که افراد با حضور در این فضاها کمتر به مشکلات و مصائب فکر می‌کنند و تا حدی عدالت اجتماعی در آن وجود دارد (Cabras & Mount, 2017). به‌صورت کلی ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی ارتباط دو سویه‌ای با مکان‌های سوم شکل گرفته دارد. بنابراین به نظر می‌رسد بتوان با تعریف مکان‌های سوم متناسب، تنش‌های اجتماعی را کاهش داده و ناهنجاری‌ها را کنترل کرد و منجر به ارتقای زندگی اجتماعی و حضورپذیری در سطح محلات شهری شد (Hickman, 2013).

فضای سوم به‌عنوان جایگاه زندگی اجتماعی و فضای عمومی

آن به فضایی انعطاف‌پذیر و رویدادپذیر از یک طرف و فعال بودن فضا در تمامی فصول فرصت مناسبی است که از این پتانسیل جهت ارتقاء کیفیت پیاده‌راه و شاخص کردن آن در سطح استان و کشور و جذب توریست استفاده شود و باید این نکته را متذکر شد که تنها نهادان یک نام و یک عنوان بر یک فضا نمی‌تواند تغییری در آن ایجاد کند بلکه اقدامات زیرساختی مهم‌تری برای رسیدن به این عناوین نظیر تبدیل شدن به پیاده‌راه فرهنگی نیاز است. پرسش‌های پژوهش حاضر به‌صورت زیر است:

- مولفه‌های کیفی مکان‌های سوم در پیاده راه مرکزی شهر رشت پس از اجرای طرح بازآفرینی در چه سطحی است؟
- حس تعلق شهروندان و گردشگران به این مکان به چه میزان است؟
- راهکارهای ارتقاء سطح عملکرد پیاده‌راه فرهنگی و اجتماعی بخش مرکزی شهر رشت کدامند؟

مبانی نظری پژوهش

مکان سوم

مکان سوم توسط الدنبرگ به‌عنوان یک محیط اجتماعی جایگزین دیگر محیط‌های اجتماعی مانند خانه و محل کار تعریف شده که به ترتیب به‌عنوان مکان اول و مکان دوم از آن‌ها نام می‌بریم (Ducheneaut et al, 2007). مکان‌های سوم نماینده فضاهای کالبدی و سازمان یافته‌ای هستند که توسط اشخاص خارج از محدوده خصوصی ارزش یافته‌اند. بسیاری از مکان‌های سوم به‌عنوان تقویت‌کننده و توسعه‌دهنده روابط و فعالیت‌های رسمی و غیررسمی عمل می‌کند و یک فضای کالبدی برای جمع شدن اجتماع پیشنهاد می‌کند (Urry, 2001). اولدنبرگ، مکان سوم را به‌عنوان یک پناهگاه در مقابل خانه یا محل کار تعریف می‌کند؛ جایی که مردم می‌توانند به‌صورت منظم به آنجا سرزنند و با دوستان، همسایه‌ها، همکاران و حتی با غریبه‌ها ارتباط برقرار کنند (Mehta and Bosson, 2011). علاوه بر این، مکان سوم شرایط ایده‌آلی برای ایجاد و تعریف روابط اجتماعی و معین کردن چارچوب‌ها و مرزهای انفرادی و گروهی را مهیا می‌کند. به‌طور مثال، در نواحی روستایی، مکان‌هایی مانند مغازه‌ها، اماکن مذهبی به جمع شدن و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در جوامعی که حضور دارند کمک می‌کند (Oldenburg, 2001). از وقتی که الدنبرگ در سال ۱۹۸۹ ایده مکان‌های سوم یا مکان‌هایی که خارج از خانه و محل کار برای تعاملات اجتماعی سودمند است را مطرح کرد، انتظارات و خیالات دانشمندان و مردم را به‌طور گسترده‌تری درک کرد (Oldenburg, 1999). معمولاً مکان‌های سوم در قلب زندگی عمومی به‌عنوان تقویت‌کننده قابلیت‌های اجتماعی و ایجاد زمینه‌های هنجاری برای تعامل میان افراد غریبه تصور می‌شود (Rosenbaum, 2006). الدنبرگ ادعای قابل توجهی را در ارتباط با نقش مکان‌های سوم در قلمرو عمومی مطرح می‌کند. الدنبرگ مطرح می‌کند که مکان‌های سوم به‌منظور

به شهروندان قدرت می‌دهد که با بهره‌گیری از این نیازها و محرک‌ها، قلمروهای اجتماعی را در رابطه با افراد آشنا و غریبه فراهم آورند. فضای سوم شامل فضاهای عمومی گوناگونی است که پذیرای اجتماعی است که به شکل داوطلبانه دور از خانه و کار شادمانه دورهم جمع شده و اکثراً معمولی و غیر رسمی می‌باشند (Ren et al, 2017).

حضور شهروندان پیاده در فضای شهری پویا، موجبات تحرم اقتصادی و حس تعلق به محیط را فراهم می‌آورد و در نقش فضای پایدار سیاسی به همپوشانی بین مکان‌های سوم و فضای باز دموکراتیک اشاره دارد.

کیفیات فضای سوم که می‌توان کیفیات اصلی قلمرو فضاهای عمومی شناخته شود عبارت‌اند از:

- دسترسی و نفوذپذیری در ساعات مختلف شبانه‌روز (ساعات اداری و غیر اداری)

- دعوت‌کنندگی و قابلیت استفاده عموم بدون نیاز به عضویت یا ضوابط خاص

- پویایی و سرزندگی فضا با وجود حال و هوای بازی و تفریح در فضا

- تأمین آسایش و امنیت و ایمنی افراد از نظر جسمی و روانی
- انعطاف‌پذیری و امکان ایجاد فضای خاص سیاسی بین مردم به شکل پایدار و باشکوه (Sugiyama et al, 2015).

مهمترین کیفیات مکان‌های سوم شهری که باید به آن درست یافت شامل حس تعلق، حضورپذیری، تعامل‌پذیری، کیفیت محیطی مناسب و برگزاری رویدادها و جشنواره‌های فرهنگی در فضاهای سوم شهری است.

حس تعلق به فضاهای شهری

حس مکان عموماً با حس تعلق همراه است و با حس عاطفی به یک مکان عجین می‌شود. مکان می‌تواند حس ریشه دار بودن را تقویت کند و حس هویت بخشی را با محل خاصی عجین سازد. ریشه‌دار بودن غالباً با حس ناخودآگاه مکان همراه است و چنین حسی طبیعی‌ترین، بنیادی‌ترین و خودجوش‌ترین اتصال بین انسان و مکان است. مردم به حس هویت و تعلق به مکان و یا قلمروی خاص نیاز دارند. از طریق مکان و در طول زمان، تجارت مشترک مهم و اساسی بین مردم ایجاد می‌شود. افراد نیازمندند که حس تعلق به یک موجودیت جمعی و یا یک مکان را داشته باشند؛ همچنین به یک هویت شخصی نیازمندند که از طریق جدایی مکانی، داشتن خصوصیات متفاوت و قابل تشخیص و یا حضور در یک محل خاص حاصل می‌شود (Breux & Bedard, 2013).

حس تعلق به مکان برخاسته از فعالیت‌ها و تعاملات بین انسان-مکان و انسان-انسان در یک مکان خاص است. و با تأثیر متقابل احساسات، دانش، باورها و رفتارها، با مکانی خاص سر و کار دارد. علاوه بر این بین میزان حس تعلق فرد به مکان و توجه او به آن، ارتباطی مستقیم وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش

حس تعلق فرد به یک مکان، میزان توجه و مراقبت فرد از آن نیز افزایش می‌یابد (Lim & barton, 2010). عوامل متعددی در ایجاد و ارتقاء حس تعلق به مکان مؤثرند که می‌توان آنها را در قالب عناوین زیر دسته بندی نمود: عوامل کالبدی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، عوامل فردی، خاطرات و تجارب، احساس رضایت از مکان، عوامل فعالیتی و تعاملی، عامل زمان و مشارکت در طراحی مکان (McCunn & Gifford, 2018).

حضورپذیری فضاهای شهری

عرصه‌های عمومی شهری مهمترین بخش شهرها و محیط‌های شهری هستند که در چنین عرصه‌هایی بیشترین تماس، ارتباط و تعامل میان انسان‌ها رخ می‌دهد. این فضاها، تمام بخش‌های بافت شهری را که مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند، شامل می‌شود (بهزادفر و همکاران، ۱۳۹۲). درحقیقت، فضاهای شهری بخشی از فضاهای باز و عمومی شهرها هستند که زندگی جمعی در آن‌ها در جریان است. همه مردم اجازه دسترسی به این فضاها را دارند و تعامل و تقابل اجتماعی از مهمترین مشخصه‌های آن است. ایجاد آرامش، سرگرمی، فراهم آوردن ارتباط، زمینه معاشرت و امکان تردد از دیگر عملکردهای فضاهای عمومی شهری است. مراد از عمومی بودن این فضاها، حضور افراد از اقشار و سنین مختلف، و جریان داشتن فعالیت‌های متنوع اجتماعی و خدماتی در آن‌هاست. بنابراین فضای عمومی شهری، فضای باز قابل حضور برای گروه‌های مختلف اجتماعی است که پویایی و کارایی آن نیازمند تعاملات اجتماعی و برخوردهای متنوع است (شجاعی و پرتوی، ۱۳۹۴).

در واقع، عناصر محیطی مناسب و برگزاری رویدادها و جشنواره‌های فرهنگی شهر با جذب طیف وسیعی از گروه‌های اجتماعی، حس همگرایی و تعامل مستقیم شهروندان را با وجود بینش‌ها، احساس‌ها، خواسته‌ها و گرایش‌های مختلف تقویت می‌کند. همچنین این کیفیت به منظور آشتی دادن مردم با فضاهای عمومی شهری، بحران خالی شدن عرصه‌های عمومی از حضور مردم و کاهش کنش‌های اجتماعی را بهبود می‌بخشد (روشن دل و همکاران، ۱۳۹۵).

کیفیت محیطی فضاهای شهری

کیفیت محیط شهری عبارت است از شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی-فضایی محیط شهری که نشان دهنده میزان رضایت یا عدم رضایت شهروندان از محیط شهری است. کیفیت محیطی ادراک مکان به طور تمام و کامل است (Dutta et al, 2013). کیفیت فضای شهری به عنوان محصول فرایند تعامل میان انسان، فعالیت، و کالبد شهر تا حد بالایی به کیفیت مولفه‌های بصری آن وابسته است. مولفه‌های بصری فضای شهری به دلیل ماهیت عینی و ملموس خود توسط حواس انسان قابل ادراک است و زمینه ادراک، شناخت و ارزیابی محیطی شهروندان، را فراهم می‌آورد

است. تا کنون پژوهش‌های متعددی در ارتباط با ارزیابی جامع نقش پیاده راه سازی بر کیفیت مکانی و حضور پذیری انجام شده است. هر چند در بسیاری از پژوهش‌ها مستقیماً از مفهوم مکان‌های سوم در تبیین معیارهای کیفیت مکان‌های شهری استفاده نشده است اما در غالب موارد کیفیات مورد انتظار از مکان‌های سوم شهری شامل حس تعلق، کیفیت حضور پذیری، تعامل پذیری، رضایت از جشنواره‌های فرهنگی و کیفیت محیط کالبدی به عنوان معیار مورد استفاده قرار گرفته است (Cheshmehzangi, 2015). اما پژوهش‌های دیگر با تاکید بر مفهوم مکان‌های سوم شهری به بررسی ویژگی‌های آن‌ها و لزوم دستیابی به آن در شهر پرداخته‌اند. جدول شماره ۲ به طور خلاصه مهمترین پژوهش‌های صورت گرفته و شاخص‌های آن‌ها را برجسته می‌نماید. بررسی کلی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد هر چند که ارزیابی نقش پروژه‌های باز آفرینی شهری و پیاده راه سازی بر کیفیت‌های مکانی مرتبط با مکان‌های سوم شهری امری متداول در ادبیات تحقیق بوده است اما تعداد بسیار کمتری از تحقیقات از این مفهوم به عنوان ایده اصلی در پژوهش استفاده نموده‌اند. این در حالی است که پدیده مکان سوم اخیراً در مطالعات جامعه‌شناسی با شدت بیشتری مورد توجه قرار گرفته است و انتظار می‌رود معماران و شهرسازان نیز در توصیف کیفیات مکانی مورد انتظار از فضاهای شهری از این ایده به عنوان مفهومی یکپارچه و وحدت بخش استفاده نمایند. بدیهی است ترویج این مفهوم در ادبیات معماری و شهرسازی کشور منجر به شناخت بیشتر ابعاد و پیچیدگی‌های آن شده و در نهایت هدفی مشخص تر در

(Rahman et al, 2014). براساس مدل کانتر که به مدل مکان شهرت دارد، محیط شهری به مثابه یک مکان متشکل از سه بعد در هم تنیده کالبد، فعالیت و تصورات است. از آنجا که کیفیت محیط شهری یک مکان ناگزیر از پاسخ دهی مناسب به ابعاد گوناگون محیط شهری است، میتوان مولفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری را به موازات مولفه‌های سازنده مکان تعریف کرد. به عبارت دیگر با اقتباس از نظریه مکان کانتر می‌توان گفت: کیفیت محیط شهری عبارت است از برآیند سه مولفه که هر یک از آن‌ها متکفل برآورده ساختن یکی از کیفیت‌های سه گانه «کالبدی»، «فعالیتی» و «تصورات» محیط شهری است (Peche & Rodriguez, 2012).

پیشینه پژوهش

بافت‌های واجد ارزش شهری آثار گران‌بهای از فرهنگ و دانش معماری و شهرسازی بومی و به‌عنوان جزئی از هویت اجتماعی هر کشوری تلقی می‌گردند. این بافت‌ها به لحاظ ویژگی‌های ذاتی خود بهترین فرصت را برای حضور شهروندان، تعامل اجتماعی و در نتیجه ترویج و ارتقاء مکان‌های سوم شهری را ایجاد می‌کنند (Swapan, 2013). پروژه پیاده راه فرهنگی محدوده میدان شهرداری، علیرغم انتقادات بسیار زیاد در خصوص طراحی و اجرای آن، با محدود کردن حضور اتومبیل فرصت بیشتری برای حضور عابرین و همچنین برگزاری رویدادها و جشنواره‌های فرهنگی ایجاد کرده

جدول شماره ۱: تجارب و پیشینه پژوهش

عنوان پژوهش	هدف پژوهش	شاخص‌ها	نویسندگان
تبدیل فضای گمشده به مکان سوم (مطالعه موردی: مادی نیاصرم اصفهان)	بازشناسی کالبدی به‌عنوان یک فضای شهری و سپس ارتقای سطح کیفی فضا به منظور ترویج حرکت پیاده	زنده‌سازی و احیای فضاهای گمشده، ایجاد بستر مناسب برای رویدادهای شهری و فرهنگی-اجتماعی (رضایت از فضاهای فرهنگی).	احمدی و دیبانتی، ۱۳۹۲
مکان سوم؛ نیازی اجتماعی برای شهر	بررسی و شناسایی مکان‌های سوم در شهرهای ایران از گذشته تا کنون، ویژگی‌های آنها، شاخصه‌های مؤثر بر تعاملات اجتماعی در آنها و کارکرد اجتماعی آنها	بهره‌گیری از تجربیات دیگران، ایجاد حس تعلق به مکان، ایجاد امنیت، برقراری روابط دوستی، ایجاد تعامل پذیری اجتماعی، کاهش هزینه‌ها، افزایش اطلاعات، افزایش روابط اجتماعی.	محجوب جلالی و قلعه‌نویی، ۱۳۹۳
نقش مکان‌های سوم شهری در بهبود تعاملات اجتماعی	معرفی و بررسی مکان‌های سوم در شهر و ویژگی‌های فضاهای عمومی	ویژگی‌های منحصر به فرد اجتماعی، کیفیت حضورپذیری افراد، تعاملات اجتماعی استفاده‌کنندگان	تقوی سنگدهی و ترکاشوند، ۱۳۹۳
مکان‌های سوم و زندگی اجتماعی خیابان‌ها	ویژگی‌های طراحی شهری، واحدهای تجاری که نقش مکان سوم را دارد چگونه از سایر واحدهای تجاری موجود در خیابان متمایز می‌گردد	قابلیت بازشناسی و نفوذپذیری خیابان، محل‌های نشست، تعامل پذیر، کیفیت حضور پذیری و ساباط‌ها، کنش‌های اجتماعی در خیابان‌های اصلی	متا و بوسن، ۲۰۱۰
شالوده محله مکان‌های سوم و الگوهای تعاملات اجتماعی	بررسی رابطه میان شالوده محلات و کنش‌های اجتماعی (نمونه موردی: شش منطقه پژوهشی در انگلستان، اسکاتلند و ولز)	ارائه نتایج منسجمی از عملکرد اجتماعی مکان‌های عمومی همچون مغازه‌های محلی، میخانه‌ها، کافه‌ها و مراکز اجتماعی و حوزه نفوذ هر یک از آنها	مرکز CRESR دانشگاه شفیله‌هلام انگلستان، ۲۰۱۰

جهت ارتقاء همزمان کیفیات اجتماعی و کالبدی مکان‌های شهری ترسیم می‌نماید. در این راستا پژوهش حاضر تلاش می‌نماید تا با تبیین مفهوم مکان‌های سوم شهری به ارزیابی کیفیت‌های مورد انتظار از آن در محدوده مرکزی شهر رشت بپردازد.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر ماهیت و روش توصیفی و از نظر هدف مطالعه کاربردی است. همچنین برای گردآوری اطلاعات در بخش مبانی نظری از مطالعات کتابخانه‌ای و در بخش میدانی از پرسشنامه استفاده شده است. حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۴۱ نفر تعیین و تعداد ۳۴۱ پرسشنامه توزیع سرانجام جمع‌آوری گردید. پرسشنامه شامل ۵ معیار (حس تعلق، حضورپذیری، تعامل‌پذیری، ارزیابی جشنواره‌ها و رضایت از کیفیت محیطی) دارای ۵۴ سوال است که در طیف ۵ تایی لیکرت با گزینه‌های بسیار کم تا بسیار زیاد تنظیم شده و پابایی آن با آزمون آلفا کرونباخ سنجیده شده است که برابر با (۰٫۹۰۱) می‌باشد. برای ارزیابی اعتبار پژوهش از روایی محتوایی استفاده شده است، به این صورت که پرسشنامه قبل از اجرا در اختیار تعدادی از کاربران قرار گرفت و پس از چند مرحله اصلاح، در بین نمونه آماری توزیع گردید. برای تعیین پابایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است و میانگین این آمار به دست آمده ۰٫۸۸۹ است (تعداد نمونه پایلوت: ۵۰ نفر). تحلیل فرضیات تحقیق با استفاده از آزمون‌های T تک نمونه‌ای و ضریب همبستگی پیرسون در انجام پذیرفته است. نرم افزارهای کاربردی تحقیق SPSS24 و excell می‌باشند. تعداد ۳۴۱ پرسشنامه به صورت میدانی پر شده است که اطلاعات فردی جامعه آماری به صورت زیر می‌باشد:

جدول شماره ۲: درصد فراوانی مشخصات پاسخ‌دهندگان

متغیر	سطح	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۶۵
	مرد	۳۵
سن	زیر ۲۰ سال	۷٫۷
	۲۰-۴۰ سال	۵۴٫۷
	۴۰-۶۰ سال	۲۹٫۷
تحصیلات	بیش از ۶۰ سال	۸٫۰
	زیر دیپلم و دیپلم فوق دیپلم لیسانس فوق لیسانس و بالاتر	۳۵٫۳ ۲۰٫۷ ۳۷٫۰ ۷٫۰
وضعیت سکونت	بومی	۷۳٫۰
	غیربومی و گردشگر	۲۷٫۰

محیط پژوهش

خیابان علم الهدی رشت در سال ۱۳۱۰ هجری خورشیدی با تصویب و اجازه وزارت داخله (کشور فعلی) به منظور عمران و زیبا سازی شهر، میان میدان نظمی و سبزه میدان احداث شد. این

خیابان، میدان‌های شهدای ذهاب (شهرداری) و سبزه میدان، که از قدیمی‌ترین میدان‌ها و جزء ساختار فضای اصلی شهر رشت محسوب می‌شوند را به هم متصل می‌کند. این خیابان دارای ۲۷۵ متر طول و ۲۷ متر عرض، شامل دو پیاده روی ۶٫۵ متری و دو فضای سبز است که در شش ماه ساخته شده است. کار احداث پیاده راه فرهنگی علم الهدی رشت، از اواخر مرداد ماه ۱۳۹۱ آغاز و در اواخر اسفند ماه آن سال به بهره‌برداری رسید. تاریخچه‌ی میدان شهرداری رشت به دوره‌ی پهلوی اول برمی‌گردد و ساختمان‌های آن به سبک نو کلاسیک اروپایی به‌ویژه با الهام از معماری سنت پترزبورگ طراحی شده است که از آن‌پس نماد شهر رشت شده‌اند. مرکز شهر رشت که این عناصر تاریخی را در دل خود جای داده است سالیان زیادی با ترافیک شهر که مانند گره کوری مرکز شهر راه می‌فشد و جریان زندگی را در آنجا بند آورده بود دست‌وپنجه نرم می‌کرده و همین امر باعث شده بود این میراث تاریخی مورد کم‌لطفی قرار بگیرد و آن‌طور باید به شهر جلوه‌بخشند. میدان شهرداری رشت، که در بخش مرکزی این شهر واقع است، تا سال ۱۳۹۴ ضمن دارا بودن ظرفیت‌های مناسب معنایی و کالبدی و کارکردی، متأسفانه صرفاً در حد فلکه‌ی تسهیل‌کننده ترافیک خودرو عمل می‌کرد (سالاری‌پور و همکاران، ۱۳۹۸). در سال ۱۳۹۴ میدان و سه خیابان سعدی، امام خمینی و شریعتی که اطراف آن را در بر گرفته بودند تبدیل به پیاده‌راه‌هایی شدند که با طول ۸٫۳ کیلومتر عنوان یکی از بزرگ‌ترین پیاده راه دنیا را به خود اختصاص داده‌اند. کاربری‌های اطراف پیاده‌راه که اغلب تجاری بوده‌اند با پیاده‌شدن این مسیر و سهولت رفت‌وآمد در هنگام خرید رونق دوچندان پیدا کرده است. عنصر جدید که بعد از پیاده‌راه شدن در اینجا بیشتر به چشم می‌خورد فضایی است که اللدبرگ آن را مکان سوم می‌نامد که به واسطه‌ی کافه‌ها و اغذیه‌فروشی‌های درون فضای شهری و ایجاد مکان‌هایی جهت نشستن شهروندان در فضا و سپری کردن زمان به‌وجود می‌آید. جایی که فرد می‌تواند آرامش داشته باشد و درعین حال نوعی زندگی اجتماعی را تجربه کند.

مرور یافته‌ها

معیارهای اصلی برای ارزیابی جامع نقش پروژه پیاده‌راه فرهنگی شهر رشت در گسترش مکان‌های سوم در این پژوهش بر اساس کیفیات مورد انتظار از مکان‌های سوم شهری تبیین شده و در قالب پرسشنامه توسط شهروندان مورد ارزیابی واقع شده‌اند. این معیارها عبارتند از: ۱- حس تعلق ۲- کیفیت حضورپذیری ۳- تعامل‌پذیری ۴- رضایت از جشنواره‌های فرهنگی، ۵- رضایت از کیفیت محیطی. برای هر کدام از این معیارها نیز زیر معیارهای لازم بر اساس ادبیات موضوع استخراج شده و مورد سنجش قرار گرفته است. جدول شماره ۴، منعکس گردیده است. برای این که بدانیم می‌توانیم میانگین معیارها را به کل جامعه بسط دهیم از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده کرده‌ایم که نتایج آن در جدول شماره ۵ منعکس شده است.

دوره	سلسله تاریخی	معرفی	نقش قالب
دوره اول	قاپور	این میدان در دوره صفویه محل اعدام بود و در زمان ناصرالدین قاجار تبدیل به یک میدان تفریحی شد. شکل میدان مستطیلی است و فیلیان علم الهدی در شمال شرقی این میدان واقع شده	میدان تفریحی
دوره دوم	پهلوی	اصلاحات میدان شهرداری رشت، دوره پهلوی مجموعه میدان شهرداری شامل ساختمان شهرداری و بزم شهرداری که مو آثار ملی محسوب می‌گردد و ایام گرفته از سبک معاصر نئو کلاسیک سن پترزبورگ روسیه میباشد.	میدان موزون
دوره سوم	مقارن ۱۳۸۵ ۱۳۹۱ ۱۳۹۳	سواره بودن فیلیان علم الهدی که میدان شهرداری و سبزه میدان را به هم متصل می‌کند. محور تفریحی پیاده راهسازی محور علم الهدی و شروع پروژه های پیاده سازی در رشت ایجاد پیاده راه فرهنگی در محور شهرداری و پیاده راه هنر کل بخش مرکزی شهر رشت در راستای سیاست های پیاده سازی	محور تفریحی

تصویر شماره ۱: سیر تحول تاریخی محدوده مرکزی شهر رشت؛ مأخذ: آکراسردشتی، ۱۳۹۶

جدول شماره ۳: درجه مطلوبیت و میانگین و گویه‌های بکار رفته در پرسشنامه پژوهش

میانگین	گویه	درجه مطلوبیت	مولفه
۳,۷۲	خاطره انگیزی مکان	✓✓	حس تعلق
۳,۵۱	علاقه به این مکان نسبت به سایر نقاط شهر	✓✓	
۳,۴۶	دل بستگی به مکان	✓	
۳,۴۲	افتخار به وجود این مکان در شهر	✓	
۲,۵۶	دانستن این مکان به عنوان بخشی از وجود خود	✗	
۲,۴۴	شباهت کاربران فضا	✗	
۳,۳۵	حضور برای خرید	✓	حضور پذیری
۳,۲۳	علاقه خوردن و نوشیدن در فضای باز	✓	
۳,۱۹	پیاده روی تفریحی	✓	
۳,۰۵	مکث در فضا	✓	
۲,۳۲	استفاده از رستوران و کافی شاپ	✗	
۲,۲۵	حضور در رویدادهای فرهنگی	✗	
۳,۵۸	جاذبه‌های عکاسی در فضا	✓✓	
۳,۴۴	جذابیت فروشگاه‌های بزرگ و متنوع	✓	
۳,۴۰	جذابیت دستفروشی های متنوع	✓	
۳,۳۸	جذابیت بناها و نشانه‌های خاص شهری	✓	
۳,۳۱	استفاده از مسیر برای رفتن به بازار بزرگ رشت	✓	
۲,۲۱	حضور برای استفاده از کاربری‌های فرهنگی	✗	
۳,۸۲	جذب گروه سنی جوانان و نوجوانان	✓✓	تعامل پذیری
۳,۷۷	پذیرایی از گردشگران و توریست ها	✓✓	
۳,۷۶	پذیرایی از جمع‌های دوستانه	✓✓	
۳,۶۰	جذب گروه سنی سالمندان	✓✓	
۳,۵۲	انتخاب فضا برای ملاقات با دوستان	✓✓	
۳,۱۸	فراهم آوردن امکان مرآوده و گفت و گو با دیگران در فضا	✓	
۳,۱۰	پذیرایی از جمع‌های خانوادگی	✓	
۳,۰۸	جذب گروه سنی کودکان	✓	
۳,۰۷	میزان تمایل به اشتراک گذاشتن فضاشخصی خود با دیگران در فضاهای شهری	✓	
۲,۷۱	برقراری ارتباط دوستانه پایدار	✗	

میانگین	گویه	درجه مطلوبیت	مولفه
۳,۶۸	تمایل به برگزاری رویدادها و جشنواره‌های فرهنگی	✓✓	ارزیابی جشنواره‌ها
۳,۶۰	تاثیر برگزاری جشنواره هادر جذب شهروندان و گردشگران	✓✓	
۳,۲۱	تبادل فرهنگی و تعاملات بین مردم و گردشگران	✓	
۳,۱۳	علاقمندی به مشارکت در برگزاری جشنواره‌ها	✓	
۳,۰۰	ارزیابی کمیت و کیفیت جشنواره‌ها و اتفاقات فرهنگی	✓	
۲,۸۲	مشاهده فعالیت‌های سرگرم کننده	✗	
۲,۶۳	شرکت در مراسم، رویدادها و جشن‌ها	✗	
۲,۴۷	مشاهده تئاتر و نمایش خیابانی	✗	
۲,۲۳	مشاهده فعالیت‌های ۲۴ ساعته	✗	
۳,۷۸	ارزیابی پروژه پیاده راه سازی	✓✓	
۳,۶۷	احساس امنیت هنگام پیاده روی در شب	✓✓	
۳,۶۴	رضایت از پوشش معابر	✓✓	
۳,۶۴	دسترسی با وسایل حمل و نقل عمومی	✓✓	
۳,۶۳	رضایت از نظم و نحوه جمع آوری زباله	✓✓	
۳,۵۹	رضایت از روشنایی محدوده در ساعات تاریک شدن هوا	✓✓	
۳,۴۵	رضایت از مبلمان شهری	✓	
۳,۴۴	رابطه پیاده راه شدن بر میزان استفاده از فضا	✓	
۳,۲۵	رضایت از زیر ساخت‌های دفع آب سطحی	✓	
۳,۲۴	رضایت از تعداد نشیمن‌ها	✓	
۳,۱۶	رضایت از دسترسی به کاربری‌های خدماتی	✓	
۲,۳۶	مشاهده فضای بازی کودکان	✗	
۲,۲۰	رضایت از سرپناه مناسب جهت محافظت عابرین در آب و هوای نامساعد	✗	

جدول شماره ۴: نتایج آزمون T تک نمونه‌ای

مولفه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	استاندارد خطا از میانگین	t	df	Sig	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
									حد پایین	حد بالا
حس تعلق	۳۰۰	۳.۱۸۲۵	۰.۸۳۷۵۴	۰.۰۴۸۳۶	۳.۷۷۵	۲۹۹	.۰۰۰	.۱۸۲۵۴	.۲۷۷۷	.۰۸۷۴
حضورپذیری	۳۰۰	۳.۰۲۳۵	۰.۵۴۷۵۸	۰.۰۳۱۶۱	.۷۴۲	۲۹۹	.۴۵۹	.۰۲۳۴۶	.۰۸۵۷	-.۰۳۸۸
تعامل پذیری	۳۰۰	۳.۳۵۹۱	۰.۶۷۶۵۹	۰.۰۳۹۰۶	۹.۱۹۴	۲۹۹	.۰۰۰	.۳۵۹۱۵	.۴۳۶۰	.۲۸۲۳
ارزیابی جشنواره‌ها و اتفاقات فرهنگی	۳۰۰	۲.۹۷۴۶	۰.۶۱۵۰۹	۰.۰۳۵۵۱	-.۷۱۴	۲۹۹	.۴۷۶	-.۰۲۵۳۷	.۰۴۴۵	-.۰۹۵۳
رضایت از کیفیت محیطی	۳۰۰	۳.۳۱۱۵	۰.۵۷۱۵۱	۰.۰۳۳۰۰	۹.۴۴۰	۲۹۹	.۰۰۰	.۳۱۱۵۰	.۳۷۶۴	.۲۴۶۶

حس تعلق

حس تعلق مکان به عنوان پیوندی مؤثر که مردم با قرارگاه‌های مکانی برقرار می‌کنند تعریف می‌شود، جایی که آن‌ها تمایل به ماندن دارند و جایی که آن‌ها احساس راحتی و امنیت دارند. این حس به گونه‌ای به پیوند فرد با مکان منجر می‌شود که انسان خود را جزئی از مکان می‌داند؛ آشنا پنداری شهروند با محل سکونتش در فرآیندی از تجربه و آموزش ایجاد شده و تفاوت حس مکانی در اشخاص در شهرها و بافت‌های مختلف نتیجه تفاوت تجربیات حاصل از فعالیت‌ها و فضاها است. با توجه به جدول شماره ۵،

حس تعلق دارای هفت زیر معیار است و میانگین مولفه‌ها برابر با ۳/۱۸ می‌باشد. در این جا طبق جدول شماره ۴، به مقایسه میانگین حس تعلق افراد بومی (۳/۱۹) و غیربومی و گردشگران (۳/۱۳) پرداخته‌ایم که با اندکی تفاوت تقریباً در یک سطح قرارداد و نشان می‌دهد نه تنها بومیان منطقه بلکه تمامی افرادی که از این فضا استفاده می‌کنند احساس تعلق نسبتاً بالایی به این مکان دارند. همان‌طور که در جدول بالا مشخص است گویه خاطر انگیزی مکان میان تمام زیر معیارهای حس تعلق بالاترین میانگین (۳/۷۲) را به خود اختصاص داده‌است. که میانگین مولفه خاطر

نحوه استفاده از فضا

همانطور که در نمودار زیر مشخص است ۱۱ درصد از افراد هرروز، ۱۸/۶ درصد از افراد چند روز یک بار، ۳۳/۶ درصد از افراد هفته ای یک بار، ۲۹/۹ درصد ماهی یک تا دو بار و ۶ درصد از افراد چند ماه یک بار از این فضا استفاده می کنند.

نمودار زیر مشخص می کند هدف افرادی که هرروز یا چند روز یک بار در این فضا حضور پیدا می کنند اغلب پیاده روی تفریحی و مکث در فضا و خرید است. همچنین افرادی که هفته‌ای یکبار یا ماهی یک یا دو بار در فضا حضور می یابند اغلب برای خرید به این جا می روند. افرادی که چند ماه یک بار از این مکان استفاده می کنند اغلب به صورت گذری از این مسیر استفاده می کنند. اما مسئله قابل توجه دیگر این است که اغلب افراد به استفاده کم از کافی شاپ و رستوران‌ها در این مکان اشاره داشته‌اند که با توجه به پتانسیل‌های موجود این مورد نیازمند توجه و برنامه‌ریزی دقیق تری است. تمایل به خوردن و نوشیدن در فضای باز می تواند زمینه‌سازی برای توسعه کافه‌ها در فضای باز و همچنین پیش‌بینی مکان‌هایی برای ارائه خوراکی‌ها و غذاهای اصیل گیلانی باشد.

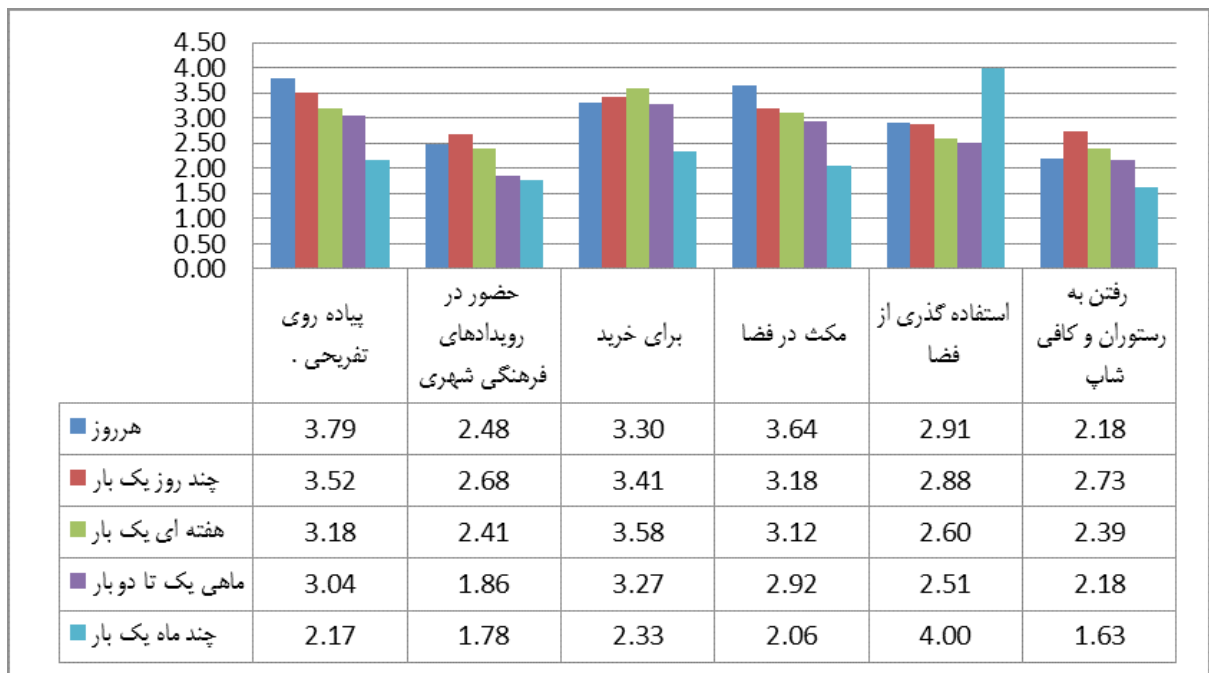
نوع جذابیت‌های فضا

وجود جاذبه‌های عکاسی در فضا به علت ساختمان‌های مطرحی است که در این بافت وجود دارد. المان‌های جدید جانمایی شده در محدوده و همین‌طور نورپردازی ساختمان‌ها مخصوصا در شب در کنار آب‌نماها و فواره که ترکیب زیبا و چشم نوازی را ایجاد می کند توانسته محیطی متفاوت نسبت به سایر نقاط شهر ایجاد کند و این میدان را تبدیل به مکانی مورد پسند برای عکاسان و افراد عادی برای عکاسی نماید و همچنین دسترسی به بازار قدیمی و

انگیزی برای زنان برابر (۳/۸۲) و برای مردان برابر (۳/۵۴) است. که نشان می‌دهد این مکان برای زنان نسبت به مردان خاطر انگیز تر است. و گویه خاطر انگیزی برای بومیان (۳,۷۲) و غیربومیان گردشگران (۳,۷۳) می باشد که برای هر دو در یک سطح قرار دارد. که نشان می‌دهد این مکان فارغ از محل سکونت برای همه کاربران و گردشگران خاطر انگیز است. با توجه به نگرش مثبتی که در رابطه با این گویه وجود دارد باید در عین توجه به نیازهای امروزی، برای حفظ خاطره و هویت ارزش‌های اصیل فرهنگی - اجتماعی باید از طریق بهسازی بناهای تاریخی با تزریق فعالیت‌های جاذب برای مخاطب بیرونی تلاش نماییم.

حضورپذیری

امروزه ارتقا کیفیت محیط در عرصه‌ها و فضاهای عمومی شهر (فضاهای باز، فضاهای شهری، فضاهای سبز) به منظور بالا بردن قابلیت حضورپذیری این عرصه‌ها در دستور کار طراحان شهری قرار دارد این افزایش قابلیت حضورپذیری از طریق غنی کردن تجربه حضور شهروندان در عرصه‌های عمومی شهر صورت می‌پذیرد حضورپذیری بهینه عرصه‌های عمومی از طریق زمینه‌سازی برای ایجاد خاطره‌ای فردی و جمعی لذت‌بخش، شکل‌گیری تصویر ذهنی واضح، خوانا و مطلوب از حضور در عرصه عمومی را در ذهن ناظران فضا موجب می‌شود همچنین پایداری توسعه فعالیت‌های انسانی مستلزم پایداری منابع اقتصادی، زیست محیطی و برآوردن نیازهای انسانی است (علی‌زاده مقدم و همکاران، ۱۳۹۷). مولفه حضورپذیری دارای سیزده زیر معیار است که آن را در دو دسته نحوه استفاده از فضا و نوع جذابیت‌های فضا تقسیم کرده‌ایم:



تصویر شماره ۲: نحوه استفاده از فضا

محلی شهر و فروشگاه‌های بزرگ و متنوع، دستفروشی‌های در اطراف میدان جز جذابیت‌های اصلی این مکان به حساب می‌آید. میانگین پایین حضور برای استفاده از کاربری‌های فرهنگی (۲/۲۱) نشان می‌دهد با وجود کتابخانه، سینماها و مجتمع‌های فرهنگی مردم کمتر به منظور استفاده از این کاربری‌ها در این مکان حضور می‌یابند؛ که باید با تأمل بیشتری به این مسئله توجه نمود. با بررسی و تحلیل بخش باز پرسشنامه نتیجه شد: تعداد قابل توجهی از افراد برای خرید اقلام خوراکی و پوشاک خود از فروشگاه‌های بزرگ مانند نجم و میدان میوه و تره بار و بازار سنتی رشت و فروشگاه‌ها و دستفروشی‌های متنوع پوشاک و سایر اقلام جزئی به این مکان می‌آیند. و همچنین عکاسی و مشاهده بناهای خاص و نشانه‌های شهری همچون ساختمان شهرداری، اداره پست و ساختمان‌های مجاور، مجسمه میرزا کوچک خان، محل تجمع کبوترها، حوض و فواره‌ها مخصوصاً در ساعات تاریک شدن هوا را می‌توان از جمله جاذبه‌های این مکان برشمرد. افرادی که به صورت گذری از این مکان استفاده می‌کنند اغلب مقصدشان خیابان‌های اطراف مانند معلم و بیستون، سبزه میدان و سعدی، گل‌سار و همچنین ایستگاه‌های تاکسی، مراکز خرید، بازار، کتابخانه، سینما، مجتمع فرهنگی خاتم الانبیا و ... می‌باشد. که به اعتقاد آن‌ها پیاده‌محور شدن محدوده باعث ایجاد دردسر برای آن‌ها و همچنین سلب آرامش کوجه‌های مسکونی اطراف بافت به‌خاطر تردد بیش از حد خودروها شده است.

تعامل پذیری

فضاهای شهری بخشی از زندگی روزانه و فعالیت‌های انسان‌ها را در خود جا می‌دهد، به‌همین دلیل بایستی بستری برای تأمین نیازهای روحی و ذهنی شهروندان باشد تا به کاربران خود ارتباطی موثر برقرار کند. توجه به تعاملات اجتماعی و فضایی معاشرت‌پذیر و پویا برای ارتباط با دیگران، دیدار و گذراندن اوقات فراغت از اهمیت بالایی برخوردار است. همانطور که در جدول شماره ۴، ملاحظه می‌شود؛ گویه جذب گروه سنی جوانان و نوجوانان، میانگین بالای (۳/۸۲) را به‌خود اختصاص داده‌است، که با توجه به شرایط امروزه جهانی که هر شهری باید منافعی را از طریق جذب سرمایه انسانی و خلاق تأمین کند با توجه به بسترهای فراهم اجتماعی و فرهنگی مثل تنوع اجتماعی و نگرش مثبت ساکنین در شهر رشت باید این فرصت را غنیمت شمرد و از آن به درستی استفاده کرد. در این جا ممکن است سولاتی مطرح شود از جمله این که با توجه به این حد از نگرش مثبت کاربران چه برنامه‌ریزی باید صورت بگیرد و چگونه و توسط چه کسانی؟ و دلایل عدم امکان شکل بخشی روابط دوستانه پایدار در این مکان را در چه مواردی باید جستجو کرد؟ و پاسخگویی به این سولات مستلزم توجه مسئولان محلی، شهروندان و گروه‌های شغلی در ایجاد خلاقیت است. شهرها می‌توانند از طریق راه‌حل‌های مکررانه مسائلشان را راحت‌تر حل نمایند. خلاقیت در شهر باعث رهایی از بن‌بست‌های مدیریتی و کالبدی و پیاده‌سازی دو اصل

مشارکت و کارایی از شاخص‌های اصلی در حوزه حکمروایی شهری است. و از سوی دیگر نمی‌توان گفت این گونه مکان‌ها تنها مختص جوانان هستند چرا که در سراسر دنیا در این مکان‌ها اقشار مختلف مردم در سنین متفاوت مشاهده می‌شوند زیرا وجود شرایط برابر در جهت استفاده افراد مختلف از مزوومات این مکان هاست. دیگر مؤلفه‌هایی که سبب تعامل‌پذیری و گسترش مکان‌های سوم شهری می‌گردد؛ مؤلفه‌های پذیرایی از جمع‌های دوستانه و پذیرایی از گردشگران و توریست‌ها به ترتیب با میانگین (۳/۷۶) و (۳/۷۷) که نشان‌دهنده آن است که، پیاده‌راه شهرداری رشت دارای امکانات و خدمات برای پذیرایی از گردشگران و جمع‌های دوستانه است که سبب حضور افراد در پیاده‌راه و این موجب برقراری امنیت از دید ناظر و سرزنده شدن محدوده خواهد شد. با حضورپذیری هر یک از مؤلفه‌های زیر نیز باعث ارتقا تعامل‌پذیری پیاده‌راه شهرداری رشت می‌گردد که این مؤلفه‌ها به ترتیب از این قبیل می‌باشند؛ جذب گروه سنی سالمندان با میانگین ۳/۶۰، انتخاب فضا برای ملاقات با دوستان با ۳/۵۲، فراهم آوردن امکان مرآده و گفت و گو با دیگران در فضا با ۳/۱۸، پذیرایی از جمع‌های خانوادگی با ۳/۱۰، جذب گروه سنی کودکان با ۳/۰۸، میزان تمایل به اشتراک گذاشتن فضا شخصی خود با دیگران در فضای شهری با ۳/۰۷ و برقراری ارتباط دوستانه پایدار با ۲/۷۱.

تعامل‌پذیر بودن فضاها و مکان‌ها سبب ایجاد سرزندگی و افزایش کارآمدی فضاها نیز می‌گردند که در فضای سرزنده با کارآمدی بالای شهری، عدالت برای حضور تمام اقشار جامعه نیز وجود دارد که این نوع عدالت سبب افزایش کیفیت فضاهای شهری می‌گردد، که این امر توجه مدیران و مسئولان شهری را دارد.

ارزیابی جشنواره‌ها و اتفاقات فرهنگی

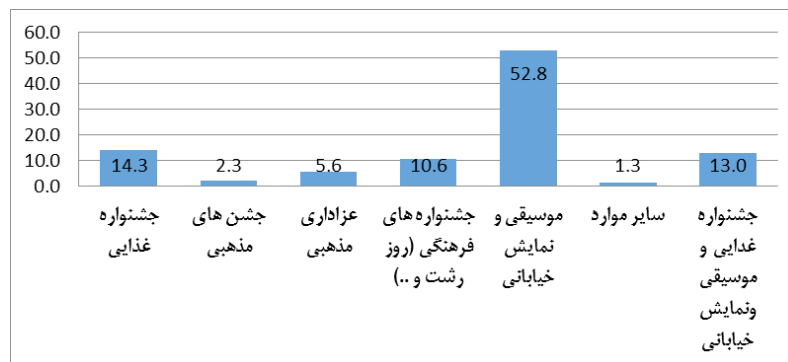
تأثیر جشنواره‌ها در تقویت روابط اجتماعی و فرهنگی تأثیر و عملکرد شاخص دیگری که برای جشنواره‌ها متصور است، قابلیت تقویت روابط اجتماعی در فضاهای شهری است، چراکه اکثر جشنواره‌ها چه در فرایند برگزاری و چه در فرایند تماشا به صورت گروهی عمل می‌کنند و یک فعالیت اجتماعی هستند. از این رو، زمینه را برای نزدیک‌تر شدن شهروندان به هم، آشنا شدن، و شروع روابط اجتماعی قوی‌تر میان آن‌ها فراهم می‌کند. همان‌طور که در جدول شماره ۵، آمده‌است میانگین مولفه نگرش به جشنواره‌ها برابر یا ۲/۹۷ می‌باشد. میانگین بالای میزان تمایل به برگزاری رویدادها و جشنواره‌های فرهنگی در این مکان (۳/۶۸)، تأثیر برگزاری جشنواره‌ها در جذب شهروندان و گردشگران (۳/۶۰) و همچنین تمایل و علاقه مشارکت در برگزاری جشنواره‌ها بیانگر یک ضعف جدی در زمینه مدیریت و برنامه‌ریزی در این حوزه می‌باشد. امروزه با طیف عظیمی از ساکنان مواجه هستیم که هم خود خلاق هستند و هم انتظار یک مدیریت شهری خلاق را از مسئولان شهری دارند به بیان دیگر ذائقه شهروند کنونی با گذشته قابل مقایسه نیست و تغییر در همه

از نخبگان شهری در فرآیند برنامه‌ریزی شهری توجه نماید. به عبارتی مدیریت در شهر خلاق باید نقش حامی و تسهیل‌گر را ایفا کند و سیاست‌های توسعه شهر را طوری تدوین نماید که از راهبردهای بسته و متمرکز، به سوی راه‌حل‌های مشارکتی و همه‌جانبه حرکت نمایند که سرانجام باعث ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و افزایش زیست‌پذیری و سرزندگی فضاهای شهری گردد و مشکلات شهری را با بهره‌گیری از توان‌های ذهنی و علمی ذی‌نفعان شهری و قابلیت‌های محیط محلی حل نماید بنابراین اگر مدیریت شهری بخواهد در تحقق اهداف خود موفق باشد می‌بایست دارای ویژگی‌هایی چون انعطاف‌پذیری در فرایند مدیریت شهر، ابتکار عمل در مواقع بحران، توانایی ریسک‌پذیری و رهبری سازمان‌یافته باشد تا بتواند محیطی را در شهر ایجاد نماید که از لحاظ اجتماعی امن، از لحاظ اقتصادی پویا، از لحاظ زیست محیطی پایدار و از نظر فرهنگی خلاق و سرزنده باشد. همان‌طور که در نمودار زیر مشخص است بیش از نیمی از افراد جامعه تمایل به تماشای موسیقی و نمایش خیابانی در این مکان دارند و پس از آن جشنواره غذایی و در رتبه بعدی تلقیق این دو گزینه بیشترین رای را به خود اختصاص داده است. و در بخش باز پرسشنامه افراد تمایل زیادی برای تماشای فوتبال به صورت دسته جمعی و همچنین فعالیت‌های جمعی مثل طناب‌بازی و برگزاری جشنواره‌های متناسب با فرهنگ شهر رشت مثل صنایع دستی و... از خود نشان داده‌اند.

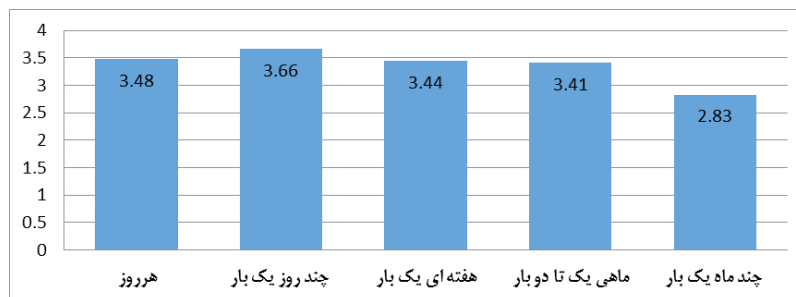
رضایت از کیفیت محیطی

کیفیت فضای شهری به عنوان محصول فرایند تعامل میان انسان، فعالیت، و کالبد شهر تا حد بالایی به کیفیت مولفه‌های بصری آن وابسته است. مولفه‌های بصری فضای شهری به دلیل ماهیت

ابعاد زندگی را با توجه به پدیده جهانی شدن طلب می‌کند بر این اساس مدیریت سنتی با شیوه متمرکز، پاسخگویی نیازهای ساکنان شهری نخواهد بود و برای این که شهر از قافله پیشرفت عقب نماند، نیازمند به کارگیری عنصر خلاقیت در همه زمینه‌ها هستند، چرا که تنها حرکت بر محور خلاقیت ساز و کار مدیریتی انعطاف‌پذیر را در اختیار مدیران شهری قرار می‌دهد. شهر خلاق رویکردی فرهنگی در توسعه شهری است. در این رویکرد باید شهر بتواند محیطی جذاب برای جذب و پرورش استعدادها باشد. در این نگرش فرهنگ پایه اصلی توسعه محسوب می‌شود و سایر بخش‌ها از آن متأثر می‌گردد. شهر خلاق با بخش‌های هنری که شهر را زنده و پویا می‌سازند و به آن ارزش واقعی می‌بخشند، مثل گردشگری هنری یا رخدادهای هنری، استفاده از هنر برای نمایش تنوع و ساخت درک بین مردم، ایجاد اقتصاد و صنایع خلاق به رسمیت شناختن خلاقیت به عنوان پیشرو برای نوآوری و حتی اتخاذ یک رویکرد خلاق برای حل مسائل مدنی، در ارتباط است. شهر رشت در سال ۲۰۱۴ از طرف سازمان یونسکو به عنوان شهر خلاق غذا معرفی شده است. بنابراین حفظ این عنوان در شهر رشت طی سال‌های آتی و همچنین ظهور گردشگری خلاق در این کلانشهر توریستی، نیازمند مدیریت شهری مبتکر و خلاق است که با استفاده از خلاقیت شهری در عرصه هدف‌گذاری‌ها، ارائه راهبردها و راهکارهای مدیریتی، زمینه افزایش زیست‌پذیری شهر و اعتلای کیفیت زندگی شهری را فراهم سازد. مدیریت شهری می‌بایست به‌عواملی چون افزایش دسترسی فرهنگی و مشارکت شهروندان در هنر و فرهنگ شهری، حمایت ملی و معنوی از صنایع فرهنگی، صنایع خلاق، تشویق خلاقیت و نوآوری در طراحی محیط مصنوع و استفاده



تصویر شماره ۳: ارزیابی جشنواره‌ها و رویدادهای فرهنگی



تصویر شماره ۴: رابطه پیاده‌محور شدن بر حضور

عینی و ملموس خود توسط حواس انسان قابل ادراک است و زمینه ادراک، شناخت و ارزیابی محیطی شهروندان، را فراهم می‌آورد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۲) و این واقعیت اجتناب‌ناپذیر است که کیفیت این فضاها معیار ارزیابی برای میزان مطلوبیت شهرها محسوب می‌شود. میانگین مولفه رضایت از کیفیت محیطی برابر با ۳/۳۱ می‌باشد. یکی از سوالاتی که در رابطه با ارزیابی کلی پروژه پیاده‌راه‌سازی پرسیده شده این بوده که آیا پیاده محور شدن این محدوده تأثیری بر میزان حضور و استفاده شما از این مکان داشته یا خیر؟ میانگین این گویه در پرسشنامه برابر (۳/۴۴) است که به‌طور کلی بیانگر یک رابطه مثبت بین پیاده محور شدن محدوده و حضور افراد در این مکان می‌باشد. در واقع مبین این موضوع است که افراد پس از پیاده‌راه شدن محدوده بیش‌تر از قبل در این مکان حضور می‌یابند. اما نکته قابل توجه دیگری که در رابطه با این سوال وجود دارد و در نمودار بالا نمایش داده شده، این مسئله است که رابطه پیاده‌محور شدن این محدوده بر حضور افرادی که هر روز تا ماهی یک تا دو بار از این فضا استفاده می‌کنند به‌طور معناداری بیشتر از افرادی است که چند ماه یکبار از این مکان استفاده می‌کنند. در واقع افرادی که چند ماه یکبار به این مکان می‌آیند قبل از پیاده‌راه شدن بیش‌تر از این فضا استفاده می‌کرده‌اند و پیاده‌راه شدن تأثیر منفی بر حضور ایشان در این فضا گذاشته است. و از دلایلی که باعث این موضوع شده به نقل از کاربران فضا می‌توان به کمبود پارکینگ و ترافیک اطراف بافت و سخت شدن تردد با ماشین مخصوصاً برای افرادی که از مسیرهای دورتر به این مکان می‌آیند، اشاره کرد. تجهیز پیاده‌راه یکی از مسائلی است که در موفقیت پروژه تأثیر بسزایی دارد. پیاده‌راهی فاقد مبلمان کافی، تجهیزات مناسب، کاربری‌های متنوع و موارد دیگر نمی‌تواند موفقیتی در بر داشته باشد. به‌طور کلی رضایت نسبی در رابطه با ارزیابی کمی و کیفی پروژه وجود داشته اما قریب به اتفاق افراد از عدم وجود سرپناه مناسب هنگام بارندگی و نامساعد بودن

هوا و تعداد کم نشیمن‌ها طراحی ضعیف مبلمان در مواقع خاص با توجه به وسعت محدوده شکایت داشتند. در رابطه با کاربری‌های خدماتی در بخش باز پرسشنامه نبود سرویس بهداشتی کافی و مناسب و همچنین کمبود پارکینگ و نبود تابلوهای مناسب جهت راهنمایی مسافری و گردشگران قابل ذکر می‌باشد. اما به‌طور کلی میانگین بالای اغلب متغیرها نشان می‌دهد که این پیاده‌راه توانسته نظرات مثبت زیادی را به‌خود جلب کند.

ماتریس همبستگی

وقتی صفات‌های متعددی از یک جامعه را مطالعه می‌کنیم ممکن است بخواهیم بدانیم بین این صفات‌ها رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؟ ضریب همبستگی شاخصی است که برای توصیف رابطه بین متغیرها استفاده می‌شود و ابزاری است آماری برای تعیین نوع رابطه (مستقیم یا معکوس)، درجه و همچنین شدت رابطه متغیرها با یکدیگر، در این جا برای بررسی رابطه بین مولفه‌های اصلی پرسشنامه از ضرایب همبستگی پیرسون استفاده کرده‌ایم. همان‌طور که در جدول بالا منعکس است، نتایج ضرایب همبستگی پیرسون حاکی از رابطه مثبت معنی‌دار بین مولفه - هاست ضریب همبستگی حس تعلق با حضورپذیری (**444)، تعامل پذیری (**544)، ارزیابی جشنواره‌ها (**441) و رضایت از کیفیت محیطی (**303) می‌باشد. و نشان می‌دهد افرادی که حس تعلق بیشتری به این مکان دارند بیشتر در این مکان حضور پیدا می‌کنند و این فضا را تعامل پذیرتر می‌دانند و همچنین ارزیابی مثبت تری نسبت به جشنواره‌ها و رویدادهای فرهنگی دارند. ضریب همبستگی حضورپذیری با تعامل پذیری (**522)، ارزیابی جشنواره‌ها (**416) و رضایت از کیفیت محیطی (**413) می‌باشد. ضریب همبستگی بالایی حضورپذیری با تعامل پذیری حاکی از آن است که افرادی که بیشتر در این فضا حضور می‌یابند این فضا را نسبت به دیگران تعامل پذیرتر می‌دانند و نگرش مثبت تری نسبت به جشنواره‌ها و اتفاقات فرهنگی و پروژه

جدول شماره ۶: ماتریس همبستگی پیرسون

		حس تعلق	حضورپذیری	تعامل پذیری	ارزیابی جشنواره	رضایت از کیفیت محیطی
حس تعلق	همبستگی پیرسون	۱	.۴۴۴**	.۵۴۴**	.۴۴۱**	.۳۰۳**
	.Sig.		.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰
حضورپذیری	همبستگی پیرسون	.۴۴۴**	۱	.۵۲۲**	.۴۱۶**	.۴۱۳**
	.Sig.	.۰۰۰		.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰
تعامل پذیری	همبستگی پیرسون	.۵۴۴**	.۵۲۲**	۱	.۵۳۵**	.۴۷۴**
	.Sig.	.۰۰۰	.۰۰۰		.۰۰۰	.۰۰۰
ارزیابی جشنواره‌ها	همبستگی پیرسون	.۴۴۱**	.۴۱۶**	.۵۳۵**	۱	.۳۷۷**
	.Sig.	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰		.۰۰۰
رضایت از کیفیت محیطی	همبستگی پیرسون	.۳۰۳**	.۴۱۳**	.۴۷۴**	.۳۷۷**	۱
	.Sig.	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰	

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

پیاده‌راه‌سازی دارند. ضریب همبستگی تعامل‌پذیری با ارزیابی جشنواره‌ها (**535) و رضایت از کیفیت محیطی (**474) می‌باشد. ضریب همبستگی بالای تعامل‌پذیری با ارزیابی جشنواره‌ها بیانگر این موضوع است که افرادی که این فضا را تعامل‌پذیرتر می‌دانند دیدگاه بهتری نسبت به جشنواره‌ها دارند و همین‌طور این موضوع در رابطه با رضایت از کیفیت محیطی نیز صدق می‌کند. ضریب همبستگی ارزیابی جشنواره‌ها با رضایت از کیفیت محیطی (**377) می‌باشد. که حاکی از رابطه معنی‌دار مثبت بین این دو مولفه است.

نتیجه‌گیری

فضاهای شهری می‌توانند به ارتقاء هویت شهری کمک نمایند و از طریق ایجاد تصویر ذهنی به به‌نام‌هایی برای یک شهر پویا و سرزنده تبدیل گردند. توسعه مکان‌های سوم در فضاهای عمومی تاثیر بسیاری زیادی بر تحقق این امر دارد. مکان سوم از سوی دیگر باعث افزایش دلبستگی مردم به هم می‌گردند و تعاملات اجتماعی و حس تعلق به مکان را نزد مردم افزایش می‌دهند. ایجاد پیاده‌راه‌هایی با محیط بصری جذاب و امکانات مناسب گذران فراغت در بافت تاریخی شهرها یکی از راهبردهای بسیار موثر در جهت توسعه و تقویت مکان‌های سوم در این مراکز شهری است. پیاده‌راه‌ها، معابری با نقش اجتماعی بسیار پررنگ هستند و به مردم این امکان را می‌دهند که در حین پیاده روی به فعالیت‌های اختیاری انفرادی یا اجتماعی متفاوتی بپردازند. خرید از مغازه‌ها و دستفروشان، خوردن و آشامیدن، تماشا کردن هنر و جشنواره‌های خیابانی، نشستن روی نیمکت و گپ زدن با سایر شهروندان از جمله فعالیت‌هایی است که در این مکان‌ها قابل انجام است. بدیهی است که ابعاد مختلفی از کیفیت محیطی شامل نوع فعالیت‌ها و کاربری‌های جداره، مبلمان شهری، المان‌های هنری، کفسازی، پوشش گیاهی و سایر کیفیات بصری نقش مهمی در جذب مخاطب بیشتر در این مکان‌ها می‌باشند. احداث پیاده‌راه فرهنگی - تاریخی شهر رشت در سال ۹۵ با حذف استیلائی خودرو بر مرکز این شهر و ایجاد فضای کفسازی شده برای پیاده روی تا حدود زیادی بر نحوه حضور شهروندان در این فضا، رفتارهای آن‌ها و حس تعلق آن‌ها به این مکان تاثیر گذاشت. اما دقت در نحوه طراحی این پیاده‌راه نشان می‌دهد ابعاد اجرایی این طرح صرفاً به کنترل حرکت سواره و اقدامات اولیه‌ای نظیر کف‌سازی، محدود بوده و به پتانسیل‌های ویژه پیاده‌راه در راستای ایجاد یک فضای عمومی، پویا، سرزنده و اجتماعی توجه چندانی نشود. عدم چیدمان کاربری‌های مناسب گذران تفریحی و گذران فراغت مانند رستوران‌ها و کافه‌ها در جداره فعال این پیاده‌راه، طراحی و جانمایی نامناسب و ناهماهنگ با اقلیم مبلمان شهری، عدم محصوریت و مقیاس غیر انسانی به ویژه در ورودی‌ها و فضای مرکزی از مهم‌ترین نقاط ضعف این طرح هستند که مانع ارتقاء جایگاه مکان‌های سوم شهری می‌شوند. از

طرف دیگر نحوه مدیریت فضا در حوزه فرهنگی و اجتماعی نیز نتوانسته است این ضعف‌ها در حوزه کیفیت محیطی را پوشش دهد. از آنجا که از همان ابتدای تاسیس بر نقش فرهنگی پیاده‌راه توسط شهرداری رشت تاکید شده است انتظار می‌رفت که پیاده‌راه فرهنگی تاریخی بتواند نقش مهمی در خلق رویدادها و جشنواره‌های جذاب فرهنگی هنری داشته باشد. جشنواره‌هایی با موضوعات غالباً سفارشی و فرمایشی و بدون توجه به نیازها و خواست‌های مخاطبان سبب شده است، همانگونه که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، غالب شهروندان نسبت موضوع و نحوه برگزاری این جشنواره‌ها اظهار نارضایتی داشته باشند. به نظر می‌رسد برای تقویت تعاملات اجتماعی و ارتقا مکان‌های سوم در این پیاده‌راه مدیریت شهری باید رویکرد جدید جهت بهره‌برداری از آن اتخاذ نماید. این رویکرد باید مبتنی بر ایده‌های هنرمندان و طبقه خلاق شهری باشد و اختیارات لازم به آن‌ها را جهت دخالت و مدیریت رویدادهای شهری از ایده تا اجرا را بدهد. علیرغم تمام نقاط ضعف موجود همین که در مرکز شهر رشت فضایی برای پیاده روی آزادانه و به دور از هیاهو و آلودگی ناشی ترافیک موتوری فراهم آمده است، خود فرصتی بزرگ است برای حضور بیشتر شهروندان و گردشگران برای حضور بیشتر در مرکز تاریخی شهر رشت. نتایج این پژوهش نیز نشان داد ۴ سال پس از تکمیل این پروژه شهروندان رشتی پاسخی مثبت به آن داشته‌اند و به این ترتیب این پیاده‌راه جاذب طیف وسیعی از اقشار اجتماعی به ویژه جوانان و نوجوانان می‌باشد. در واقع این مکان از طریق پیاده‌راه‌سازی توانسته توجه گروه‌های سنی جوانان و نوجوانان و همچنین جمع‌های دوستانه را به خود جلب کند و مقدمات خاطره‌انگیزی و افزایش حس تعلق را ایجاد نماید. در نتیجه گویه خاطر انگیزی مکان میان زیر معیارهای حس تعلق بالاترین میانگین (۳/۷۲) را به خود اختصاص داده است. که میانگین مولفه خاطر انگیزی برای زنان برابر (۳/۸۲) و برای مردان برابر (۳/۵۴) است. که نشان می‌دهد این مکان برای زنان نسبت به مردان خاطر انگیزتر است. و گویه خاطر انگیزی برای بومیان (۳/۷۲) و غیربومیان گردشگران (۳/۷۳) می‌باشد که برای هر دو در یک سطح قرار دارد. که نشان می‌دهد این مکان فارغ از محل سکونت برای همه کاربران و گردشگران خاطر انگیز است. نکته بسیار مهم این است که این افزایش حس تعلق و واکنش مثبت اجتماعی به پیاده‌راه فرهنگی تاریخی شهر رشت برای مدیریت شهری نقطه شروع بوده و نباید تکیه به این نتایج سبب فراموشی مشکلات و کمبودهای موجود در آن گردد. در واقع بخشی از این واکنش مثبت اجتماعی و افزایش حس تعلق را باید در فقر شدید فضاهای شهری پیاده محور در شهرهای ایران من جمله رشت جستجو و تفسیر نمود. مدیریت شهری دوستدار اتمیبل طی سال‌های متمادی مردم شهرهای ایران را از پیاده روی آزادانه و ایمن در فضاهای مرکزی شهرها محروم نموده است. لذا پروژه‌های پیاده‌راه‌سازی پس از دهه‌ها پاسخ‌های اولیه به این

نیاز سرکوب شده شهروندان می‌باشند و بدیهی است ضعف‌های موجود در این پروژه‌ها مانع توجه و واکنش مثبت شهروندان نسبت به آن‌ها نمی‌شوند. بنابراین لازم است مدیران شهری از این سطح اولیه رضایت مندی عبور کرده و با پایش و ارزیابی مداوم عملکرد این پیاده راه‌ها در صدد بهبود سطح کیفی آن‌ها برآیند. در این راستا تحقق مکان‌های سوم شهری و کیفیات مرتبط با آن می‌تواند سطح بعدی هدف‌گذاری برای برنامه‌ریزان و مدیران شهری باشد.

پی‌نوشت

1. Mehta & Bosson

فهرست منابع و مراجع

۱. آکراسردشتی، آمنه (۱۳۹۶)، **نگاهی فرهنگی به پیاده راه مرکزی شهر رشت**، بازیابی شده در ۱۲ تیر ۱۳۹۹ از: <http://urbandesign.ir/>
۲. اکبری، پرویز و داوودی، البرز (۱۳۹۴)، «نقش پیاده‌مداری بر بهبود هویت رفتاری شهروندان در فضای شهر اسلامی مطالعه موردی: خیابان فردوسی سندج»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره بیستم، صص ۴۹-۶۰.
۳. چنگیزی، نگار و احمدیان، رضا (۱۳۹۲)، «بررسی شاخص‌های هویت فضای شهری در بافت تاریخی نمونه موردی: بازار کرمان»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره یازدهم، صص ۵۳-۶۳.
۴. سالاری‌پور، علی‌اکبر و مهرجو، مهرداد و خیل‌کردی، مائده (۱۳۹۸)، «ارزیابی تأثیر پروژه‌های بزرگ مقیاس بر نگرش شهروندان به مدیریت شهری؛ نمونه موردی: میدان شهرداری شهر رشت»، **مدیریت شهری**، شماره ۵۶، صص ۹۳-۱۰۸.
۵. احمدی، حسن و مهرجو، مهرداد (۱۳۹۸)، «بررسی رابطه بین دل‌بستگی مکانی و وفاداری رفتاری با سرزندگی و امنیت در فضای شهری؛ مطالعه موردی: میدان شهرداری شهر رشت»، **فصلنامه معماری و شهرسازی پایدار**، سال هفتم، شماره دوم، صص ۶۹-۸۳.
۶. بهزادفر، مصطفی و جلیلی صدرآباد، سمیه و جلیلی صدرآباد، سمانه (۱۳۹۲)، «نورپردازی عرصه‌های همگانی شهری و حضورپذیری زنان؛ مطالعه موردی: پارک ساعی تهران»، **معماری و شهرسازی آرمانشهر**، دوره ۷، صص ۹۳-۱۰۰.
۷. شجاعی، دلارام و پرتوی، پروین (۱۳۹۴)، «عوامل مؤثر و ارتقاء اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس‌های مختلف شهر تهران؛ نمونه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران»، **باغ نظر**، شماره ۳۴، سال دوازدهم، صص ۹۳-۱۰۸.
۸. روشن‌دل، تکتم و سلطانی‌فرد، هادی و عباس‌زاده، شهاب و سلمانی مقدم، محمد (۱۳۹۵)، «واکاوی ابعاد کیفیت محیطی تأثیرگذار بر حضورپذیری فضاهای تجاری؛ نمونه موردی: خیابان تجاری راهنمایی مشهد»، **مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای**، سال هشتم، شماره بیست و هشتم، صص ۷۱-۹۲.
۹. پورحسینی، پدرام (۱۳۹۵)، «بازآفرینی فضای شهری سرزنده پیاده محور محله‌ای در بافت قدیمی و کهن شهری مورد مطالعه: محله ده ونک»، **کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی**، دوره ۴، صص ۴۱۰-۴۲۹.

۱۰. احمدی، سیدیوسف و دیانتی، طلا (۱۳۹۲)، «تبدیل فضای گمشده به مکان سوم؛ مطالعه موردی: مادی نیاصرم اصفهان»، **اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار**، تهران، دانشگاه صنعت هوایی.
۱۱. قلعه‌نویی، محمود و محجوب‌جلالی، نرجس (۱۳۹۳)، «مکان سوم؛ نیازی اجتماعی برای شهر»، **اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار**.
۱۲. تقوی‌سنگدهی، سیدمحمود و عباس‌ترکاشوند، ۱۳۹۳، «نقش مکان‌های سوم شهری در بهبود تعاملات اجتماعی»، **اولین همایش ملی در جستجوی شهر فردا و اکاوی مفاهیم و مصادیق در شهر اسلامی - ایرانی**، تهران.
۱۳. علی‌زاده مقدم، سمیرا و ذاکریان، ملیحه و تشکری، بابک (۱۳۹۷)، «بازطراحی مسیر عابرپیاده با رویکرد ارتقاء کیفیت حضورپذیری افراد در بافت تاریخی شهر یزد، نمونه موردی: پیاده‌روی خیابان فرخی شهر یزد»، **نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری**، سال ۹، شماره پیاپی ۳۴، صص ۱۳۳-۱۴۸.
14. Cabras, I., Mount, M. (2017), "How third places foster and shape community cohesion, economic development and social capital: the case of pubs in rural Ireland", **Journal of Rural Studies**, 55. pp. 71-82.
15. Cheang, Michael. (2002). Older adults' frequent visits to a fast-food restaurant: Nonobligatory social interaction and the significance of play in a "third place". **Journal of Aging Studies**, 16, Pp: 303-321.
16. Ducheneaut, N., Moore, R.J., & Nickell, E. (2007). "Virtual "third places": A case study of sociability in massively multiplayer games." **Computer Supported Cooperative Work (CSCW)**, 16 (1-2), Pp:129-166.
17. Hickman, P. (2013). "Third places"and social interaction in deprived neighbourhoods in Great Britain." **Journal of Housing and the Built Environment**, 28 (2), Pp:221-236.
18. Mehta, V., Bosson, JK. (2011). "Third places and the social life of streets", **Environment and Behavior**, 42(6), Pp: 779-805.
19. Oldenburg, R. (1999). **The great good place: Cafes, coffee shops, bookstores, bars, hair salons, and other hangouts at the heart of a community**. Washington: Marlowe & Company.
20. Oldenburg, R. (2002). **Celebrating the third place: Inspiring stories about the "great good places" at the heart of our communities**. Massachusetts: Da Capo.
21. Oldenburg, Ray. 1997. "Our vanishing third places." **Planning Commissioners Journal**, 25 (4), Pp:6-10.
22. Ren,K., Wang,Y., Liu,T., & Wang,T. (2017). **Dataset on outdoor behavior-system and spatial-pattern in the third place in cold area-based on the perspective of new energy structure**, Data in Brief, 10, Pp: 593-597.
23. Rosenbaum, M. S. (2006, August). "Exploring the social supportive role of third places in consumers' lives", **Journal of Service Research**, 9, 59-72.
24. Sugiyama, D., Shirahada, K., & Kosaka, M. (2015). **Elements to organize the third place that promotes sustainable relationships in service businesses**, Technology in Society, 43, PP: 115-121.
25. Urry, J. (2001). **Cityscapes Conference Graz**, Department of Sociology, PP: 1-9.

26. Williams, S.A., Hipp, J.R. (2019). "How great and how good?: Third places, neighbor interaction, and cohesion in the neighborhood context", **Social Science Research**, 77, PP:68-78.
27. Peche, R., & Rodríguez, E. (2012). "Development of environmental quality indexes based on fuzzy logic". **Ecological Indicators**, 23, 555–565.
28. Rahman, Md Rejaur, Shi, Z. H., & Chongfa, Cai (2014). "Assessing regional environmental quality by integrated use of remote sensing, GIS, and spatial multi-criteria evaluation for prioritization of environmental restoration". **Environmental Monitoring and Assessment**, 186(11), 6993–7009.
29. Dutta, Swati, Bardhan, Suchandra, & Bhaduri, Sanjukta (2013). "Patterns of urbanization and environmental quality in the context of Indian cities". **Environment and Urbanization Asia**, 4(2), 287–299.
30. Breux, S., & Bédard, M. (2013). "The urban project and its impact on sense of place: Methodological propositions". **Geography Compass**, 7(1), 75–84.
31. Lim, M., & Barton, A. C. (2010). "Exploring insideness in urban children's sense of place". **Journal of Environmental Psychology**, 30(3), 328–337.
32. McCunn, L. J., & Gifford, R. (2018). **Spatial navigation and place imageability in sense of place**. *Cities*, 74, 208–218.
33. Swapan, A. Y. (2013). **Third place-an urban regeneration strategy**. In International Conference on Engineering Research, Innovation and Education, Sylhet: Bangladesh.
34. Cheshmehzangi, A. (2015). "The reinvention of liveability in public places: Interaction mapping analysis of central Nottingham's improved walkability". **Journal of Human Behavior in the Social Environment**, 25(5), 426-440.

سیر تحولات فضایی شهر سیرجان در دوران اسلامی با اتکاء به شواهد باستان‌شناختی و منابع مکتوب تاریخی

حسن کریمیان^۱، احمد پورا احمد^۲، زینب افضلی^{۳*} (نویسنده مسئول)

^۱ دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ایران

^۲ استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، ایران

^۳ دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی، دانشگاه تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۵

چکیده

سیرجان یکی از شهرهای مهم ایالت کرمان از دوره ساسانی تا به امروز به دلیل قرارگیری بر سر راه‌های ارتباطی و موقعیت جغرافیایی مناسب، نقش بسیار کلیدی در تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جنوب شرق ایران ایفاء نموده است. هر چند منابع مکتوب اطلاعات ذی‌قیمتی از این شهر ارائه می‌دهند، لیکن پرسش‌های زیادی درباره شکل‌یابی، توسعه و جابجایی‌ها مکانی آن در دوره‌های مختلف باقی مانده است. در پاسخ پرسش‌هایی از این دست تکارندگان بر آن شدند تا ضمن بهره‌گیری از منابع مکتوب و نتایج بررسی‌های میدانی فشرده دشت سیرجان، روند شکل‌گیری و تحولات شهر سیرجان را معلوم و جابجایی‌های این شهر در دوران اسلامی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. در نتیجه پژوهش حاضر مشخص گردید که موقعیت مکانی شهر سیرجان در دوران اسلامی چند بار تغییر کرده تا آن‌که در دوره قاجار در جای فعلی مستقر شده است. بنا بر شواهد موجود هسته اولیه این شهر به احتمال در دوره اشکانی در محوطه شهر قدیم شکل گرفته و در دوره ساسانی اهمیت یافته و طی چند سده اولیه اسلامی به عنوان مرکز ایالت کرمان بوده تا این‌که در اواخر دوره سلجوقی از رونق افتاده و بتدریج محوطه قلعه سنگ جای آن را گرفته است. شواهد باستان‌شناسانه همچنین مؤید آن است که قلعه سنگ در سده‌های ۷ تا اواخر سده ۹ ه.ق مهم‌ترین استقرارگاه دشت سیرجان بوده، لیکن با خرابی آن به دست آق‌قویونلوها از رونق افتاده و مرکزیت شهر به مکانی که امروز به باغ بمید شهرت دارد، منتقل شده است. اگرچه باغ بمید در دوره صفوی مهم‌ترین استقرار دشت سیرجان بوده، لیکن با عمران سعیدآباد در دوره قاجار، حاکم‌نشین و مرکز شهری به اینجا منتقل و تا به امروز استمرار یافته است.

واژگان کلیدی: شهرهای اسلامی، شهر قدیم سیرجان، قلعه سنگ، باغ بمید، سعیدآباد.

مقدمه

شهر سیرجان از جمله شهرهای کهن ایران، در سده‌های اولیه اسلامی به عنوان مرکز ایالت کرمان بود که با قرارگیری بر سر مسیر شبکه ارتباطی جنوب شرق، همچنان که زمینه رشد و توسعه آن را فراهم می‌ساخت، سبب آن بود که در حمله‌های مکرر آسیب دیده و از رونق افتاده، سپس دوباره جان گرفته و گسترش یابد. مطالعه چگونگی شکل‌یابی، توسعه و جابجایی مکانی این شهر در دوران اسلامی از اهداف پژوهش حاضر است. مهم‌ترین هدف پژوهش حاضر مکان‌گزینی شهر سیرجان در دوران اسلامی و جابجایی‌های آن در موقعیت‌های مکانی مختلف از منظر باستان‌شناسی است. در نیل به این هدف تلاش گردید تا با اتکاء به منابع مکتوب و نتایج مطالعات میدانی سیر تحولات این شهر و جابجایی آن در دوره‌های مختلف مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. به عبارت دیگر، در این پژوهش که نتایج آن در نوشتار حاضر ارائه می‌شود، تلاش گردید تا به پرسش‌هایی در زمینه شکل‌یابی، توسعه و تحولات شهر سیرجان در دوران اسلامی پاسخ گفته شود. بدین منظور بررسی‌های فشرده میدانی در محدوده‌ای دایره‌ای شکل به شعاع ۱۵ کیلومتر از سه کیلومتری جنوب شرقی شهر کنونی سیرجان صورت گرفت تا تمام محوطه‌های مربوط به تحولات شهری سیرجان را پوشش دهد و تمامی داده‌های میدانی مورد تحلیل و مطالعه قرار گرفتند. در شهر قدیم سیرجان، اولین بار ویلیامسون کاوش‌هایی را انجام داد (Morgan & Leatherby, 1987) و بعد از آن این محوطه توسط حاتمی مورد بررسی و گمانه‌زنی قرار گرفت (حاتمی، ۱۳۷۴). محوطه قلعه سنگک اولین بار توسط گیونز شناسایی و بعد از آن جی‌بنز و کیت آبت و سایکس از آن بازدید کردند (گیونز، ۱۳۹۵: ۲۵۶؛ گابریل، ۱۳۸۱: ۳۲۷؛ سایکس، ۱۳۳۶: ۴۳۱). همچنین کاوش‌هایی در سال ۱۳۹۴ در محوطه قلعه سنگک انجام پذیرفت (امیرحاجلو و صدیقیان، ۱۳۹۵: ۱۸). به دلیل ناچیز بودن مطالعات صورت گرفته پیشین درباره تحولات شهر سیرجان این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفت که داده‌های آن به روش میدانی و اسنادی گردآوری و در ادامه، با اتکاء به نتایج مطالعات میدانی تحولات و جابجایی‌های مکانی این شهر پراهمیت دوران اسلامی مشخص گردیده است.

تحولات شهر سیرجان در دوران اسلامی

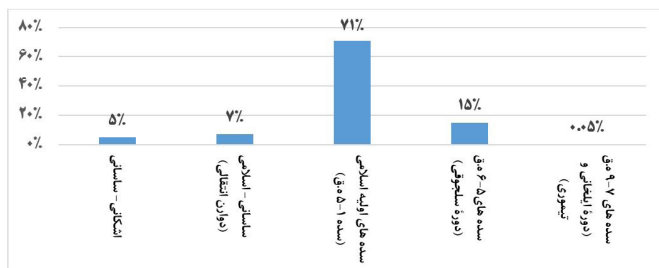
در بررسی میدانی و فعالیت‌های باستان‌شناسی دشت سیرجان، محوطه‌ها بر اساس اولویت شناسایی و مورد بررسی قرار گرفته‌اند و به منظور سهولت در امر تحقیق، داده‌ها از نظر ماهیت و نوع به «داده‌های غیر منقول» اعم از بقایای معماری و شهرسازی و «داده‌های منقول» از قبیل سفال، کاشی، شیشه و بقایای کارگاهی و غیره تقسیم شدند. از آنجایی که سفال نقش عمده‌ای در مطالعات باستان‌شناسی و گاهنگاری نسبی محوطه‌های باستانی دارد، تلاش شد تا با استخراج اطلاعات باستان‌شناختی از این

داده‌ها، برای سنجش و تحلیل‌های کمی و کیفی از آن استفاده گردد.

۱- شهر قدیم سیرجان در دوره تاریخی و قرون اولیه اسلامی

منابع مکتوب و داده‌های باستان‌شناختی و سکه‌شناسی نشان‌دهنده اهمیت سیرجان در دوره ساسانی هستند. سیرجان جزو اولین سرزمین‌هایی بود که به تصرف اردشیر بابکان در آمد (طبری، ۱۳۷۵: ۵۸۰) و در دوره ساسانی یکی از ضرابخانه‌های معتبر بود که با کشف سکه‌هایی با ضرب سیرجان از تپه آسیابی ایزدآباد و سکه‌های خسرو دوم در موزه همدان (حاتمی، ۱۳۸۰: ۲۸؛ حاج‌ولئی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۱-۱۵۰) و همچنین ضرب سکه‌های این شهر در اواخر این حکومت (امینی، ۱۳۹۲: ۳۵) نشان از اهمیت آن در دوران ساسانی دارد.

در بررسی‌های میدانی و فشرده سطح محوطه «شهر قدیم سیرجان» ۱۱۸۴ قطعه سفال شاخص برداشت شد. مطالعه این قطعه‌ها روشن ساخت که بیشترین آن‌ها (۷۱/۵۳ درصد) به سده‌های اول اسلامی (۱-۵ ه.ق) تعلق دارند و بعد از آن سفال‌های سده‌های ۵ و ۶ ه.ق (با ۱۵/۵۴ درصد) بیشترین داده‌های حاصل از مطالعات میدانی هستند. در این میان، تنها ۵/۱ درصد از یافته‌ها به دوران اشکانی و ساسانی و ۷/۲ درصد نیز سفال‌های دوران انتقالی (ساسانی-اسلامی) و ۰/۵ هم سفال‌های سده‌های ۷-۹ ه.ق هستند (نمودار ۱).



نمودار شماره ۱: توزیع زمانی سفال‌های مکشوفه از شهر قدیم سیرجان

با اتکاء به این شواهد باستان‌شناسانه می‌توان دریافت که این استقرارگاه به احتمال زیاد از دوره اشکانی شکل گرفته و این خود تأییدی است بر گفته میرخواند که سیرجان را از بناهای خسرو بن بلاش اشکانی می‌داند (۱۳۳۸: ۷۳۱ / ۱) و در زمان قیام اردشیر، ولخش اشکانی بر کرمان حکومت می‌کرده است (Markwart, 1931: 18). سفال‌های متعلق به ادوار اشکانی و ساسانی شهر قدیم سیرجان قابل مقایسه با سفال‌های قصر ابونصر (Whitcomb, 1985)، حاجی‌آباد (Azarnoush, 1994)، شوش (Kervran, 1984)، غیرا (Bivar et al, 2000) و سیراف (Whitehouse, 2009) هستند. بدین ترتیب، تردیدی نیست که شهر سیرجان در تعامل کامل با سایر شهرهای مشهور ایران قرار داشته و به دلیل مهیا بودن زیرساخت‌های لازم (آبرسانی، ارتباطی، تجاری و ...) در سده‌های اولیه اسلامی به عنوان کرسی ایالت کرمان انتخاب گردید (ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۱۱۱). امیرحاجلو معتقد است که شهر سیرجان در پنج مرحله شکل گرفته است که مرحله

تعامل کامل تجاری و فرهنگی با اکثر شهرهای مشهور ایران قرار داشته است. تشابه مواد فرهنگی، بخصوص یافته‌های سفالی و شیشه‌ای شهر سیرجان با آثار مکشوفه از نواحی دیگر مؤید موقعیت ممتاز مکانی آن در زنجیره ارتباطات سیاسی، فرهنگی و مبادلات تجاری نیمه جنوب شرقی کشور است.

در بعضی از منابع مکتوب آمده است که در اوایل دوره سلجوقی، به دلیل تغییر در مسیر راه‌های تجاری سیرجان به جیرفت، این شهر منزوی و راکودی عظیم در آثار هنری و صنعتی آن ایجاد شد؛ به حدی که در سده ۶ هجری به صورت شهری قطعی زده، ویران و بی ارتباط با سایر مراکز هنری و صنعتی درآمد (حانمی، ۱۳۸۰: ۱۴۷). با بررسی‌های که در شهر قدیم صورت گرفت، گونه‌های شاخص سفال زین فام، فیروزه‌ای و لاجوردی با خمیره شبه چینی از این محوطه بدست آمد که نشان‌دهنده استمرار این محوطه در دوره سلجوقی است. لیکن به جهت آنکه از مجموع کل سفال‌های بدست آمده از شهر قدیم ۱۵ درصد به سده‌های ۵ و ۶ ه.ق تعلق داشتند، به صراحت نمی‌توان این گزاره تاریخی مبنی بر راکود عظیم این شهر در دوره سلجوقی را تأیید نمود. بویژه آنکه سفال‌های مکشوفه قابل مقایسه با نمونه‌های کشف شده از مراکز مهم آن روزگار هم چون جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱)، جرجان (مرتضایی و کیانی، ۱۳۸۵)، غبیرا (Bivar, 2000) و غیره می‌باشند که این خود نشان‌دهنده ارتباطات و روابط فرهنگی با دیگر مراکز آن زمان بوده است. بعلاوه، تعدادی از منابع تاریخی به اهمیت سیرجان در دوره سلجوقی اشاره و آن را یکی از چهار شهر بزرگ ایالت کرمان در این دوره ذکر کرده‌اند (افضل - کرمانی، ۱۳۲۶: ۲۹، ۲۸؛ محمدبن ابراهیم، ۱۳۴۳: ۳۵). طوسی در بین سال‌های ۵۵۱ و ۵۶۲ ه.ق و حموی در سده ۶ ه.ق سیرجان را جزو دو شهر بزرگ این ایالت می‌دانند (۱۳۸۲: ۲۶۴، ۲۶۳؛ حموی، ۱۳۸۰: ۱/ ۶۸۶). همچنین افضل‌الدین - کرمانی به سال ۵۸۴ ه.ق درباره شهر سیرجان می‌نویسد: «... و از شهرهای کرمان سیرجان است که دارالملک قدیم بردسیر بوده است، ولایتی معظم، بسیار ارتفاع و در عهد آل سلجوق اکثر اقطاع و ادرار لشکر از آن جا بوده است و پیوسته امیری بزرگ و لشکری انبوه در آن شش مقیم ...» (۱۳۱-۱۳۲) و همچنین در سال ۵۹۶ ه.ق سیرجان یکی از چهار شهر بزرگ کرمان بوده است (باستانی پاریزی، ۱۳۵۷: ۲۴۶)، در واقع، از رونق افتادن شهر قدیم سیرجان با مرگ طغرل شاه سلجوقی و جنگ‌های بیست ساله‌ای که بین پسران او در گرفت، هم‌زمان شد. این جنگ‌ها خسارات زیادی به شهرهای کرمان و بویژه سیرجان وارد آورد و سبب تسلط اتابکان فارس و شبانکارگان بر سیرجان شد تا جایی که در سال‌های آخر حکومت سلجوقیان، این شهر به تصرف اتابک تکه‌بن زنگی حاکم فارس درآمد که بعد از آن در سال ۵۷۵ ه.ق حمله غزا به ایالت کرمان شروع شد (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۹۲؛ ۲۵۳۶: ۶۷-۶۶). منشی کرمانی درباره حمله غزا به سیرجان می‌نویسد: «... از جیرفت به سیرجان رفتند و آن شهر را اسوه امثال‌ها خراب و بی آب گردانیدند» (۱۳۹۴: ۲۵-۲۶). در نتیجه

نخست آن مربوط به دوره ساسانی و شهری کوچک پیرامون تپه شاه فیروز و قلعه یحیی^۲ بوده است (سهرابی‌نیا، ۱۳۹۶: ۹)، ولی با توجه به بررسی‌های میدانی نگارندگان و بدست آمدن سفال‌های اشکانی و ساسانی از محوطه شهر قدیم و همچنین بر اساس منابع تاریخی این نظر را می‌توان رد کرد، زیرا با توجه به سفال‌های بدست آمده از تپه شاه فیروز مربوط به دوره تاریخی که کاملاً قابل مقایسه با سفال‌های شهر قدیم هستند، به احتمال بسیار زیاد می‌توان گفت که در آن دوره بناهایی روی بستر صخره‌ای این تپه وجود داشته که در ارتباط با شهر قدیم سیرجان بوده است، نه این که هسته اولیه شهر در این محل شکل گرفته باشد و بعد در دوره اسلامی به شهر قدیم منتقل شده باشد. در واقع باید گفت هسته اولیه شهر سیرجان بر اساس داده‌های باستان‌شناختی و منابع مکتوب تاریخی در خود شهر قدیم سیرجان شکل گرفته و در سده‌های اولیه اسلامی توسعه یافته است.

مطابق منابع مکتوب اولین فتح سیرجان توسط مسلمانان به سال ۲۳ ه.ق (طبری، ۱۳۶۸: ۴/ ۲۰۱۴) و فتح دوم مربوط به فرار یزدگرد سوم به کرمان است (بلاذری، ۱۳۱۹: ۳۹۸-۳۹۹). در سده‌های سوم و چهارم ه.ق جغرافی دانانی هم چون یعقوبی (۱۳۴۲: ۶۲)، ابن حوقل (۱۳۶۶: ۷۸-۷۷)، جیهانی (۱۳۶۳: ۱۳۱) و مسکویه (۱۳۷۶: ۵/ ۴۶۳) از سیرجان به نام بزرگترین شهر کرمان و مرکز این ایالت یاد کرده‌اند و حتی برخی از جغرافی دانان، سیرجان را در مرکز راه‌های ایالت کرمان که تمام راه‌ها از این شهر منشعب می‌شوند، آورده‌اند (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۶۷-۱۶۸؛ مقدسی، ۱۳۸۵، ۶۸۶-۶۸۸؛ قدامه-بن جعفر، ۱۹۸۱: ۹۰-۹۰). آنگونه که از این منابع برمی‌آید، در این دوره سیرجان، شهری با هشت دروازه و حصار محکم با مسجد جامع و دو بازار پررونق که محل دادوستد بازرگانان و دارای صنایعی مانند پارچه‌بافی بوده است (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۸۵-۶۸۶؛ ادریسی، ۱۳۸۸: ۵۳-۵۱، حمیری، ۱۹۸۴: ۳۵۲؛ حدود العالم، ۱۳۴۰: ۱۲۶) از طرفی دیگر وجود صنایع سفالگری و شیشه‌گری این محوطه در بخش صنعتی آن که طی بررسی‌های باستان‌شناسی بدست آمده، نشان از اهمیت این محوطه در تولیدات صنعتی داشته است (کریمیان و افضلی، ۱۳۹۸). با توجه به گفته‌های جغرافی دانان و سکه‌هایی که در حدفاصل سال‌های ۳۶۱ تا ۴۰۷ ه.ق در سیرجان ضرب گردیده، تردیدی نیست که این شهر به عنوان مرکز مهم سیاسی و اقتصادی ایالت کرمان در دوره دلمیان عملکرد داشته است (رضایی باغبیدی، ۱۳۹۳: ۲۹۶، ۵۰۰-۵۰۳) چنان که مقدسی نیز از ساخت بناهایی توسط عضدالدوله دلمی در این شهر یاد کرده است (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۸۵). داده‌های بدست آمده از بررسی‌های باستان‌شناسی نیز مؤید اهمیت سیرجان در قرون اولیه بخصوص سده‌های ۳ تا ۵ ه.ق است؛ چنان که بیش از ۷۱ درصد مجموع سفال‌های بدست آمده از محوطه شهر قدیم مربوط به این دوران است. بنابراین، شهر قدیم که بر اساس نقشه‌های جغرافی دانان به عنوان کرسی ایالت کرمان در مرکز چهارراه‌های ارتباطی مهم غرب به شرق^۳ و جنوب به شمال^۴ قرار داشت، در

حمله غذا و تخریب عمدی قنات‌ها این شهر هرگز نتوانست به حیات خود ادامه دهد تا آنکه با توسعه طلبی مداخلة جویانه اتابکان و شبانکارگان و تصرف سیرجان توسط اتابک زنگی و در سال ۵۸۵ ه.ق توسط قطب‌الدین مبارز حاکم ایج (محمدبن ابراهیم، ۱۳۴۳: ۱۲۷-۲۰۱)، ضربه نهایی به این شهر وارد شد و ساکنان آن ناگزیر به اسکان در سکونتگاهی دیگر شدند که در ادامه با آن آشنا خواهید شد (شکل ۱).

۲- سیرجان در قرون میانی اسلامی (محوطه قلعه سنگ)

با توجه به منابع مکتوب، محوطه‌ای باستانی که امروزه با عنوان «قلعه سنگ» شناخته می‌شود، در سده‌های اولیه اسلامی به عنوان دژ و ارگ حکومتی در غرب شهر قدیم سیرجان عمل می‌کرده و جایگاه لشکریان و حاکمان بوده که در مواقع جنگ به آن پناه می‌برده‌اند (بیرونی، ۱۳۵۲: ۱۹؛ مسکویه، ۱۳۷۶: ۳۰۶/۶؛ مؤمن کرمانی، ۱۳۸۴: ۱۸؛ وزیری، ۱۳۵۲: ۲۶۲). از آنجائیکه این قلعه بر فراز صخره‌ای سنگی و مرتفع قرار دارد به سهولت می‌توانستند هر گونه جابجایی در دشت را نظاره‌گر باشند. بعلاوه، با داشتن موقعیت دفاعی مناسب، همیشه ملجاء و پناه سلاطین کرمان بوده است (وزیری، ۱۳۷۶: ۲۶۰) (شکل ۲). از دوره آل‌بویه یک کتیبه مربوط به ساخت حمامی در آن وجود دارد که تاریخ آن بین ۴۱۰ تا ۴۲۰ ه.ق است و با توجه به مندرجات تاریخی تردیدی نیست که از جایگاه دفاعی ممتاز آن تا سده ۷ ه.ق استفاده بهینه گردیده است. آنچنانکه افضل کرمانی در سال ۵۸۴ ه.ق درباره قلعه سنگ آورده: «... آن جا قلعه‌ای است که بروج او با بروج فلک مناصی و حصانت اطراف بر جهان گشایان معاصی، در عهد ارسلان شاه چند نوبت آن را عمارت فرموده‌اند و باز خراب کرده و این ساعت معمور است.» (۲۵۳۶، ۱۳۱-۱۳۲). علاوه بر منابع مکتوب، داده‌های باستان‌شناسی نیز گویای اهمیت این قلعه در دوره سلجوقیان است. از مجموع سفال‌های بدست آمده از این محوطه، ۲۰/۴۰ درصد مربوط به سده‌های ۵ و ۶ ه.ق است. در اواخر دوره سلجوقی به دلیل جنگ‌های مداوم جانشینان طغرل و حمله غذا و آمدن اتابک زنگی به سیرجان برای کمک به توران‌شاه سلجوقی (محمدبن ابراهیم، ۱۳۴۳: ۳۵) قلعه سنگ اهمیت مضاعف یافت. به هر روی، اتابکان فارس از اختلافات جانشینان طغرل استفاده کرده و سیرجان را به تصرف خود درآوردند (افضل کرمانی، ۱۳۲۶: ۷۵-۸۸). آنچنان که آورده شد، در حدفواصل سال‌های ۵۷۵ ه.ق تا ۶۶۸ ه.ق ایالت سیرجان بین اتابکان فارس و ملوک شبانکاره دست به دست می‌شد که این خود رکود و از رونق افتادن شهر قدیم را به ارمان آورد و قلعه سنگ جای آن را گرفت.

در منابع مکتوب از جنگ‌های قراختیایان با ملوک شبانکاره و بویژه جنگی که به سال ۶۱۲ بین براق حاجب و قطب‌الدین شبانکاره و جنگی که در سال ۶۳۷ ه.ق بین قتلغ سلطان قراختیایی و مظفرالدین شبانکاره بر سر ولایت سیرجان روی داده، توضیحاتی ارائه گردیده است (حافظ ابرو، ۱۳۷۸: ۳/۵۳-۵۸؛ شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۲/۱۵۸). این مطالب نشان می‌دهد که این شهر بالغ بر نیم قرن در دست شبانکارگان بود تا آنکه در سال

۶۶۸ ه.ق ترکان خاتون با شکایتی برای بازپس‌گیری سیرجان به دربار خان مغول به تصرف قراختیایان در آمد (تاریخ شاهی، ۲۵۳۵: ۱۹۲). با آنچه آوردم معلوم شد که از سال ۵۷۵ ه.ق تا سال ۶۶۸ ه.ق که حکومت سیرجان به قراختیایان واگذار گردید، این ولایت از وضعیت مناسبی برخوردار نبوده است. شکوفایی اقتصادی و تجاری سیرجان بعد از سلجوقیان، از زمان حکومت قراختیایان بر این منطقه آغاز می‌شود، زیرا پیوسته یکی از شاهزادگان قراختیایی بر سیرجان حکومت می‌کرده است (منشی کرمانی، ۱۳۹۴: ۶۸؛ وزیری، ۱۳۵۲: ۳۵۳، ۳۵۴). در این دوره سپاهی برای محافظت از ولایت سیرجان شکل گرفت و ساختمان‌های دارالضرب، دارالنقد، مدرسه و خانقاهی در این شهر ساخته شد (منشی کرمانی، ۱۳۹۴: ۱۲۰؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۸، ۸۹/۳). شواهد باستان‌شناسانه مربوط به سده ۷ و ۸ ه.ق بدست آمده از عرصه قلعه سنگ نیز گویای شکوفایی این محوطه در دوره قراختیایی و بعد از آن است، زیرا شناسایی گونه‌های مختلف سفال لاجوردینه، زرین فام، نقاشی زیر لعاب، قلم مشکی، سالدن و ... و همچنین کاشی‌های زرین فام که از نمونه‌های شاخص این دوره بوده‌اند، بیانگر اهمیت این محوطه و همچنین مبادلات فرهنگی سیرجان با مناطق داخلی ایران و سرزمین‌های همجوار دیگر بوده است.

قلعه سنگ در سال ۷۴۴ ه.ق به تصرف امیر مبارزالدین مظفری درآمد (کتبی، ۱۳۶۴: ۴۹) و تا سال ۷۹۵ هجری، که شاهزادگان مظفری به دست تیمور گورکانی قتل‌عام شدند، در دست آل مظفر اداره می‌شد. از این دوره منبری سنگی در ضلع شمالی ارگ وجود دارد که در نوع خود بی‌نظیر است. در این دوره نیز حوادث زیادی در سیرجان رخ داده که از آن جمله می‌توان به حمله ابواسحاق اینجو به سال ۷۴۸ ه.ق به سیرجان و غارت شهر (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۱۵۸)، خیانت علی نصر حاکم سیرجان به سلطان احمد و تصرف خزاین قلعه توسط سلطان احمد (حافظ ابرو، ۱۳۷۸، ۳/۱۷۵)، واگذاری حکومت سیرجان با قلعه آن به سال ۷۸۹ ه.ق به سلطان ابواسحاق توسط تیمور گورکانی (حسینی، ۱۹۶۵: ۱۱۴-۱۱۵)، محاصره قلعه سنگ توسط سلطان احمد و اسیر شدن شیخ ابواسحاق (کتبی، ۱۳۶۴: ۱۲۷-۱۲۶) اشاره کرد. با این همه، مستوفی در سده ۸ ه.ق سیرجان را یکی از یازده شهر مهم ایالت کرمان ذکر کرده که در قسمت داخلی شهر قلعه‌ای مستحکم وجود دارد (مستوفی، ۱۳۹۶: ۲/۹۰۲-۹۰۴). ابن خلدون سیرجان را جزو پنج شهر مهم (ابن خلدون، ۱۳۵۲: ۱۱۶) و حافظ ابرو دومین شهر بزرگ ایالت کرمان معرفی کرده که در داخل شهر قلعه‌ای محکم بر روی صخره قرار دارد (حافظ ابرو، ۱۳۷۸: ۱۲/۱۶). این گفته حافظ ابرو و مستوفی نشان می‌دهد که سیرجان در موقعیت دوم، در اطراف قلعه سنگ و حول محور آن قرار داشته است. با آمدن تیمور و قتل شاهزادگان آل مظفر، سیرجان و قلعه آن به سال ۷۹۵ ه.ق به محاصره لشکریان او درآمد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲/۷۷۲-۷۷۴). در سال ۷۹۶ ه.ق با شیوع وبا در سیرجان طی جنگی شهر تصرف

۱۹۸۷: ۸۱-۸۶-۱۰۷-۱۱۱)، حمله سلطان سنجر تیموری در سال ۸۵۸ ه.ق به این شهر و غارت آن (روملو، ۱۳۴۹: ۳۴۲) پرداخته‌اند. تا آنکه در سال ۸۸۴ ه.ق قلعه سنگ توسط قراقویونلوها (تتوی، ۱۳۷۸: ۳۰۸-۳۰۹) فتح و متعاقب حمله آق قویونلوها فاتحان جدید قلعه (روزبهان اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱۷۳-۱۷۸) و فتح مجدد قلعه توسط آن‌ها دیگر نامی از قلعه سیرجان در منابع مکتوب به میان نمی‌آید و این امر نشان‌دهنده این است که تخریب‌های مکرر قلعه توسط فاتحان بیرحم ادامه حیات در آن‌جا را غیر ممکن ساخته است. با تخریب این قلعه؛ ساکنان آن نیز نقل مکان کرده، شهر سیرجان عصر صفوی در موقعیت مکانی جدیدی که به «محوطه باغ بمید» شهرت دارد، شکل می‌گیرد. امیر حاجلو معتقد است که شهر سیرجان در قلعه سنگ و پیرامون آن مربوط به مرحله سوم جابجایی شهر سیرجان می‌باشد که از سده ۶ ه.ق تا اوایل دوره تیموری ادامه داشته است (سهرابی‌نیا، ۱۳۹۶: ۹)، که با توجه به بررسی‌های میدانی نگارندگان و منابع مکتوب این نظر را می‌توان رد کرد، زیرا قلعه سنگ علاوه بر این که همزمان از دوره تاریخی استقرار داشته و در سده‌های اولیه ارگ حکومتی شهر قدیم سیرجان بوده، بعد از متروک شدن شهر قدیم در اواخر دوره سلجوقی بتدریج اهمیت می‌یابد و در واقع می‌توان گفت مرحله دوم از جابجایی‌های شهر سیرجان بین سده‌های ۷ تا اواخر سده ۹ هجری قمری را در برمی‌گیرد (شکل ۱).

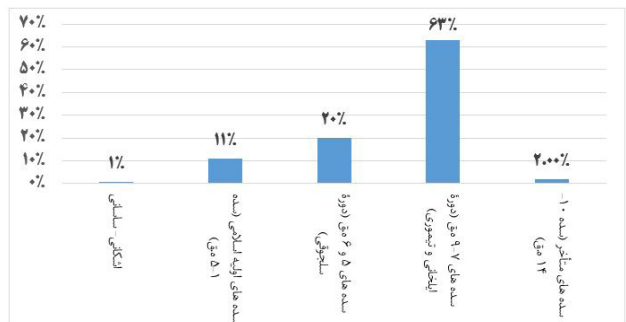
سیرجان در قرون متأخر اسلامی

الف- سیرجان عصر صفوی (محوطه باغ بمید/بیمند)

یکی از محوطه‌های استقرار مهم در ارتباط با روند تحولات شهر سیرجان در دوران اسلامی محوطه باغ بمید یا بر اساس نوشته‌های جغرافی دانان اسلامی چون مقدسی و اصطخری، بیمند است. در حال حاضر بقایای این استقرارگاه به عنوان یکی از محله‌های حومه‌ای شمال غربی شهر سیرجان با نام باغ بمید قابل شناسایی است و مورد بررسی فشرده نگارندگان قرار گرفته است (شکل ۳-۴). آنچه‌آنکه یافته‌های میدانی گواهی می‌دهند، این استقرارگاه در سده‌های نخستین اسلامی هم‌زمان با شهر قدیم حیات داشته و آنگونه که جغرافی دان‌های سده‌های اولیه نوشته‌اند، این محوطه در مسیر سیرجان به شیراز قرار داشته و تمام راه‌های شیراز از آن به سیرجان ختم می‌شده است (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۹۸؛ اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۶۲-۱۶۸؛ ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۴۰-۴۲). اولین بار در منابع تاریخی بلاذری از شهر بیمند و قصر آن یاد کرده که ابن خلدون این قصر را کاخ همید می‌نامد (۱۳۱۹: ۳۹۹؛ ۱۳۶۳: ۱/۵۶۵). در منابع جغرافیایی این محوطه یکی از شهرهای قصبه سیرجان معرفی شده است (یعقوبی، ۱۳۴۲: ۶۲؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۷۴-۷۹؛ قدامه بن جعفر، ۱۹۸۱: ۹۱، ۹۰). مقدسی اطلاعات بیشتری در سده ۴ ه.ق می‌دهد و می‌نویسد: «...بیمند، ذری استوار با درهای آهنین بر آن است. جامع در میان بازار و از کاریزها می‌آشامند...» (۱۳۸۵: ۶۸۶).

و قلعه نیز دو سال بعد در سال ۷۹۸ ه.ق فتح و تخریب گردید (حافظ ابرو، ۱۳۷۸، ۳/۱۸۸؛ شرف الدین یزدی، ۱۳۸۷: ۸۳۵/۱، ۷۵۴-۷۵۳؛ منشی کرمانی، ۱۳۹۱: ۲۶-۲۶۱).

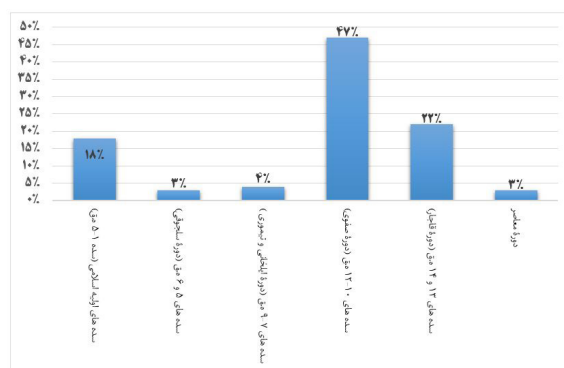
در بررسی‌های پیمایشی فشرده باستان‌شناسانه عرصه محوطه قلعه سنگ ۱۱۳۷ قطعه سفال برداشت شد. مطالعه سفال‌ها مشخص ساخت که بیشترین آن‌ها (۶۴/۱۱ درصد) به سده‌های میانی اسلامی (سده ۷-۹ ه.ق) تعلق دارد و بعد از آن، سفال‌های سده‌های ۵ و ۶ ه.ق با ۲۰/۴۰ درصد جزء بیشترین سفال‌های شناسایی شده‌اند. این در حالی است که سفال‌های سده‌های اولیه (۱ تا ۵ ه.ق) با ۱۱/۴۳ درصد، سده‌های ۱۰-۱۴ ه.ق با بیش از ۲ درصد و دوران تاریخی (اشکانی - ساسانی) ۰/۷ درصد بوده‌اند (نمودار ۲).



نمودار شماره ۲: توزیع زمانی سفال‌های مکشوفه از عرصه قلعه سنگ

داده‌های سفالی نشان داد که این استقرارگاه به احتمال از اواخر دوره اشکانی و یقیناً در دوره ساسانی مورد استفاده بوده و سفال‌های دوره تاریخی این محوطه کاملاً با سفال‌های شهر قدیم سیرجان و شاه‌فیروز قابل مقایسه است. با اتکا به این آمار می‌توان اذعان داشت، قلعه سنگ نیز استقرارگاهی است که از دوران ساسانی به دوران اسلامی انتقال یافته و در سده‌های اولیه اسلامی به عنوان ارگ حکومتی شهر قدیم عمل می‌کرده، ولی در سده‌های ۵ و ۶ هجری به تدریج رونق یافته تا آنکه در بین سده ۷ تا اواخر سده ۹ هجری اوج شکوفایی خود را طی نموده است. سفال‌های بدست آمده از سده‌های ۷ تا اواخر سده ۹ ه.ق نیز بر اساس مقایسه با مناطق دیگر مورد طبقه‌بندی و تاریخ‌گذاری قرار گرفتند. در نتیجه مشخص گردید که که سفال‌های قالبی، استامپی، لعابدار تک‌رنگ ساده و منقوش، لعابدار قالبی با خمیره شبه چینی، فیروزه‌ای و لاجوردی تک‌رنگ با خمیره چینی، سلادان، آبی و سفید، نقاشی زیر لعاب و نقاشی روی لعاب این محوطه با سفال‌های این دوران مکشوفه از سایر مراکز تمدنی مشهور شرق، جنوب شرق و جنوبی ایران قابل مقایسه هستند. جالب آنکه نتایج مطالعات باستان‌شناسانه، کاملاً در توافق با مکتوبات تاریخی قرار می‌گیرند. آنگونه که منابع تاریخی آورده‌اند، این قلعه تا سال ۸۸۴ ه.ق، کاملاً از رونق برخوردار بوده است. مورخان در این دوران به شرح رویدادهایی نظیر حمله امیرزاده اسکندر تیموری به سال ۸۱۴ ه.ق و محاصره قلعه (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲/۱۲۶)، آمدن شاهرخ تیموری در سال ۸۱۸ ه.ق به سیرجان و محاصره قلعه (خوافی، ۱۳۳۹: ۲۲۳)، تصرف قلعه بین سال‌های ۸۵۵ تا ۸۵۷ ه.ق توسط شاهزادگان تیموری (یزدی،

در بررسی‌های پیمایشی در عرصه این محوطه ۱۳۴۶ قطعه سفال مطالعه شد و مشخص ساخت که بیشترین آن‌ها (با ۴۷/۳۲ درصد) به سده‌های ۱۰ تا ۱۲ ه.ق یعنی دوره صفوی تعلق دارد و بعد از آن، سفال‌های سده‌های ۱۳ و ۱۴ ه.ق دوره قاجار (با ۲۲/۰۶ درصد) بیشترین تعداد را دارند. در مجموع، سفال‌های سده‌های متأخر با ۷۷/۳۴ درصد بیشترین سفال‌های این محوطه را به خود اختصاص می‌دهند. کشف سفال‌های سده‌های اولیه (۱۸/۷۲ درصد)، سفال‌های سده‌های میانی (۴/۰۱ درصد)، و سفال‌های سده‌های ۵ و ۶ ه.ق (۳/۹۳ درصد) مؤید آن است که همزمان با رونق شهر قدیم سیرجان و قلعه سنگ، این محوطه نیز استقرار داشته، تا آنکه پس از تخریب قلعه سنگ، در دوره صفوی به اوج رونق خود رسیده است (نمودار ۳).



نمودار شماره ۳: توزیع زمانی سفال‌های مکشوفه از استقرارگاه باستانی باغ بمید

نتایج مطالعه مواد فرهنگی مکشوفه از عرصه استقرارگاه باغ بمید کاملاً با منابع مکتوب تاریخی همخوانی دارد و اطلاعات این منابع را تکمیل می‌کند. حمیری از دروازه‌ای به نام بیمند، به عنوان دروازه غربی شهر قدیم سیرجان یاد کرده است (۱۹۸۴: ۳۵۲) و تردیدی نمی‌ماند که این محوطه در سده‌های اولیه اسلامی به عنوان یکی از شهرک‌های اقماری سیرجان قدیم ایفای نقش می‌نموده تا آن‌که با گذر قرن‌ها و تخریب شهر قدیم و قلعه سنگ، به مرکز سیرجان تبدیل شده است.

در سده‌های میانی اسلامی ادریسی باغ بمید را شهری نام برده که دارای بازار پررونق، چشمه‌ها، باغ‌های بسیار، باروی خاکی و خانه‌های آباد و بازار و صنایع بسیار بوده است (۱۳۸۸: ۵۳-۵۴). حموی میمند نوشته که شهری به کرمان یا فارس است (۱۳۸۰: ۱/۶۸۶). ولی ابوالفداء آورده: «بیمند: از بلاد کرمان است... از آن جاست ابوالحسن بیمندی وزیر محمود بن سبکتکین» (۱۳۴۹: ۳۸۱). عبدالحق بغدادی هم آن را به صورت بیمند و میمند از شهرهای کرمان نام برده است (۱۴۱۲: ۱/۲۴۵). بروسوی نیز در سده ۱۰ ه.ق بیمند را شهر کوچکی از ولایت کرمان می‌داند که دارای آبادی‌هایی است (۱۳۹۷: ۲۱۶؛ ۱۴۲۷: ۲۴۱). در مجمع التواریخ ضمن ذکر اتفاقات سال‌های ۱۱۳۳ و ۱۱۳۴ ه.ق و حمله محمود افغان به کرمان از میمند (باغ بمید)، سیرجان و راه‌های آن سخن به میان آورده است (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۵۳-۵۴-۵۵).

در ذکر وقایع قیام سید احمدخان صفوی به سال ۱۱۳۸ ه.ق، از جنگ او با لشکر کرمان و سیرجان در شمال شهر میمند یاد کرده (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۶۸-۶۹). اطلاق «شهر میمند» در گزارش مرعشی نشان‌دهنده رونق این استقرارگاه در جایگاه یک شهر در این دوران است. استاد فقید باستانی پاریزی میمند را همان باغ بمید سیرجان می‌داند (باستانی پاریزی، ۱۳۷۸: ۶۱۳). در منابع دوره قاجار از باغ بمید به عنوان یکی از روستاهای سعیدآباد در وسط دشت سیرجان یاد شده (وزیری، ۱۳۷۶: ۲۵۸؛ منشی کرمانی، ۱۳۹۱: ۲۴۷) و سایکس از این محل با نام شهر «بی‌امیدی» نام می‌برد که در فتنه افغان‌ها خراب و میرزا سعید شهر سعیدآباد را در نزدیک آن می‌سازد (سایکس، ۱۳۳۶: ۴۲۸-۴۲۹). از آنجائی که در بررسی‌های فشرده محوطه باغ بمید سفال‌های زیادی (۷۷/۳۴ درصد) مربوط به سده‌های متأخر (قرون ۱۰ تا ۱۴ ه.ق) بودند، و با توجه به گستردگی محوطه که در حدود ۳۰۰ هکتار را شامل می‌شود، تردیدی نیست که باغ بمید (مرکز سیرجان عصر صفوی) یکی از استقرارگاه‌های مهم ولایت کرمان در این روزگار بوده است. هرچند منابع مکتوب اطلاعات چندانی از وسعت و سازمان فضایی سیرجان عصر صفویه ارائه نمی‌کنند، ولی داده‌های بدست آمده از بررسی‌های باستان‌شناسی مشخص ساخت که در این هنگام مرکزیت شهر سیرجان در اطراف امامزاده احمد و زمین‌های اطراف آن گسترده بوده است. اگرچه در عهد قاجار، شهر سعیدآباد حاکم‌نشین سیرجان بود، لیکن در باغ بمید خانه‌های بیلاقی وجود داشته که در فصل تابستان خوانین و بسیاری از ساکنان سیرجان بدانجا می‌رفتند. از جمله این بناها خانه‌های صدر، ناظم و شوکت سعیدی بودند که تا به امروز نیز از موروث ارزشمند شهر سیرجان می‌باشند (شکل ۱).

ب) سیرجان عهد قاجار (سعیدآباد)

ولایت سیرجان در زمان آقا محمدخان قاجار توسط علیقلی خان فتح شد (هدایت، ۱۳۳۹: ۲۵۳/۹). این ولایت در این دوره دارای ۳۶۰ روستا بود و ساکنان شهر از خاندان‌های بزرگ، مهمان‌نواز و با اخلاق معرفی شده‌اند (شیروانی، ۱۳۳۹: ۵۳۱). سعیدآباد در دوره قاجار در مرکز شهر امروزی سیرجان با بافت تاریخی و بازار آن شکل گرفت. آنگونه که وزیر (متوفی به ۱۲۹۵ ه.ق) آورده است، ۸۰ سال قبل از تحریر کتاب وی، میرزا سعید کلانتر، در وسط دشت و در نزدیکی باغ بمید، روستایی به نام سعیدآباد را آباد کرد و به دلیل آنکه بر سر راه شیراز، فارس، کرمان، بندرعباس و یزد قرار داشت، به مرور آباد گشت و رونق گرفت و در آن بازارها و کاروانسراهایی ساختند و تجاری از شیراز، یزد، کرمان و لارستان در آنجا استقرار یافتند (وزیری، ۱۳۷۶: ۲۵۸). وزیر همچنین در سال ۱۲۹۱ ه.ق سعیدآباد را شهر نامیده و آن را از نظر جمعیت و آبادی با سلطان‌آباد عراق و دولت‌آباد ملایر مقایسه و اعتقاد دارد که این شهر از آن دو هم بهتر است، زیرا پنبه‌های آنجا به بندرعباس و بمبئی صادر می‌شده است (همان: ۲۶۰-۲۵۸). از مکتوبات وزیر می‌توان دریافت که سعیدآباد در حدود سال ۱۲۱۱ ه.ق معمور گشته و بتدریج رونق

اوایل سده ۵ ه.ق) به عنوان مهم‌ترین شهر ایالت کرمان ایفای نقش کرده، تا اینکه شهر کرمان توسط سلجوقیان کرمان به عنوان پایتخت انتخاب گردیده است. اگرچه در این دوران نیز شهر سیرجان به عنوان یکی از چهار شهر مهم این ایالت از رونق زیادی برخوردار بوده، لیکن در اواخر حکومت سلجوقیان در مناقشات شاهزاده‌گان سلجوقی صدمات زیادی بدان تحمیل گردید. تسلط اتابکان فارس بر این شهر نیز نتوانست رونق از دست رفته آن را برگرداند، تا آن‌که با حمله غزها در اواخر سده ۶ هجری به طور کلی نابود و متروک شد و آن‌گونه که از شواهد باستان‌شناسی برمی‌آید، ساکنان آن به مکانی در همان نزدیکی که امروزه به نام قلعه‌سنگ شناخته می‌شود، نقل مکان نمودند. این قلعه بین سال‌های ۵۷۵ هجری قمری تا ۶۶۸ هجری بین شیانکارگان و اتابکان فارس دست به دست می‌شد. اهمیت قلعه‌سنگ با پس گرفتن سیرجان از شیانکارگان توسط قراختائیان شروع می‌شود تا جایی که در دوره مولانا تاج‌الدین الحق و پسرش این شهر دارای دارالنقد و دارالضرب می‌گردد و در این دوره یکی از شهرهای مهم دوره ایلخانی محسوب می‌شده است. این اهمیت تا حدودی در دوره آل مظفر تثبیت می‌شود، ولی در اواخر این دوره و با آمدن تیمور که تمام شاهزادگان آل مظفر را قتل عام و شهرهای آن‌ها را تصرف نمود، قلعه‌سنگ نیز - پس از سه سال محاصره - توسط لشکریان تیمور تصرف و تا سال ۸۸۴ ه.ق حیات شهر سیرجان در آنجا استمرار می‌یابد. آخرین ضربه به این مرکز شهری توسط ترکمانان آق‌قویونلو وارد می‌شود و بعد از آن دیگر نامی از قلعه‌سنگ در متون آورده نمی‌شود. داده‌های باستان‌شناسی نیز بر گزارشات تاریخی دایر بر متروک شدن قلعه‌سنگ در اواخر سده ۹ ه.ق صحه می‌گذارند. آنچه‌آنکه از شواهد باستان‌شناسانه مستفاد می‌گردد، متعاقب متروک شدن قلعه‌سنگ و در زمانی معادل آغاز سلسله صفویان، محوطه باغ‌بمید از اهمیت زیادی برخوردار می‌شود. مطالعات میدانی نشان‌دهنده یک محوطه استقرار (باغ‌بمید) نزدیک به ۳۰۰ هکتار است که شاخص‌ترین سفال‌های آن مربوط به دوره صفوی است. اگرچه بررسی‌های باستان‌شناسی و مطالعه منابع مکتوب نشانگر آنند که نخستین مرحله استقرار در محوطه باغ‌بمید در سده‌های اولیه اسلامی شکل گرفته بود، لیکن تردیدی نیست که در سده‌های میانی به عنوان یک استقرار کوچک در مقیاس روستا و یا شهرک بوده است. با خرابی قلعه‌سنگ به دست لشکریان تیمور، تعدادی از ساکنان قلعه‌سنگ نیز به باغ‌بمید نقل مکان نموده و بدین سبب بتدریج رونق گرفته و با تخریب و متروک شدن قلعه‌سنگ در سال ۸۸۴ هجری توسط لشکریان آق‌قویونلو، مرکزیت شهر سیرجان به این مکان منتقل می‌گردد. مرکزی که در دوره صفوی به عنوان مهم‌ترین استقرار دشت سیرجان ادامه حیات داده است. در دوره قاجار با آباد شدن روستایی در جنوب باغ‌بمید (توسط سعید کلاتر) مرکزیت شهر سیرجان به این مکان منتقل و شهر جدید سیرجان با مرکزیت سعیدآباد شکل می‌گیرد و به صورت مرکز ایالت سیرجان درمی‌آید. هر چند که محوطه باغ‌بمید نیز تا دوره معاصر دارای سکونت بوده است، ولی مرکز اصلی و

یافته که هشتاد سال بعد از آن به عنوان دارالملک و شهری بزرگ یاد می‌شود. دیگر آنکه، موقعیت ارتباطی سعیدآباد از دلایل عمده توسعه و پیشرفت آن ذکر شده است. چنان که سایکس نوشته، شهر سیرجان در بهترین نقطه در محل تقاطع راه‌ها قرار داشت (سایکس، ۱۳۹۱: ۲/ ۶۶۵-۶۶۴). قبل از وزیری، منشی کرمانی در سال ۱۲۶۷ ه.ق سعیدآباد را مرکز ولایت سیرجان می‌داند و از آن به عنوان قصبه‌ای آباد نام برده که بیش از چهارصد خانوار جمعیت دارد که بیشتر آن‌ها از مردم فارس بودند. او نیز به قرار گرفتن این شهر در مسیر راه بندرعباس و فارس اشاره می‌کند و از ۱۵۰ تا ۲۰۰ مغازه، دو سه بازار و کاروانسرا، حدود ۴۰ خانه اعیانی خوب، ۴ حمام، ۳ مسجد و ۲ حسینیه نام برده و تاجران این شهر را افرادی ثروتمند و معتبر معرفی می‌کند (۱۳۹۱: ۲۴۶-۲۴۵). به نظر می‌رسد با گذشت سه دهه، سعیدآباد تا بدان حد پیشرفت می‌کند که نویسنده رساله دهات کرمان، سیرجان را بزرگترین بلوک کرمان که دارای چهارصد خانه، سه حمام و یک کاروانسرا با ۵۰ تا ۶۰ مغازه بوده، ذکر کرده است (۱۳۷۶: ۴۱۴). سایکس این شهر را دارای حدود ۳ هزار خانوار و قراء و قصبات زیادی نام می‌برد (۱۳۳۶: ۴۲۸-۴۲۹). گابریل نیز آن را آبادی بزرگی با بازار و باغ‌های زیبا معرفی کرده است (گابریل، ۱۳۸۱: ۲۸۳). در کتاب فرهنگ جغرافیایی ایران از سعیدآباد به عنوان مرکز سیرجان نام برده شده است که دارای چهار خیابان، دو بازار، چهار دبستان و یک بیمارستان بوده است (۲۵۳۵: ۲۵۳). با آنچه آوردیم معلوم شد که سعیدآباد به روزگار قاجار در مرکزیت شهری توسعه یافته قرار می‌گیرد که امروزه سیرجان نام دارد. هسته مرکزی این شهر بر پیرامون مجموعه بازاری شکل گرفته که اصلی‌ترین کانون اقتصادی و تجاری شهر سیرجان به شمار می‌آید (شکل ۵-۶). در این بافت تاریخی خانه‌های زیادی از دوره قاجار باقی مانده بود که متأسفانه طی چند سال اخیر کاملاً تخریب شده‌اند. فقط چند خانه از جمله خانه حاج رشید و خانه دینانی و خانه دکتر صادقی در مرکز شهر سیرجان باقی مانده است که به همراه بادگیر چقیقی و مسجد جامع (سبزی‌علی) و مجموعه بازار بافت تاریخی شهر سیرجان را تشکیل می‌دهند (شکل ۱).

تحلیل و نتیجه‌گیری

در نوشتار حاضر تلاش گردید تا با اتکاء به منابع مکتوب و شواهد مطالعات میدانی در عرصه و حومه شهر سیرجان به پرسش‌های مطروحه در خصوص روند توسعه و تحولات شهر سیرجان در دوران اسلامی پاسخ گفته شود. در مطالعه و تحلیل داده‌های میدانی مشخص گردید که هسته اولیه شهر سیرجان در مکانی که امروز با عنوان «محوطه شهر قدیم» شناخته می‌شود، به احتمال در دوره اشکانی شکل گرفته و در دوره ساسانی بخصوص در نیمه دوم حکومت ساسانیان توسعه و گسترش یافته است. وجود ضرابخانه سیرجان در نیمه دوم حکومت ساسانیان بر اهمیت سیاسی و اقتصادی این شهر در این دوره حکایت دارد. آنچه‌آنکه از منابع مکتوب مورد استناد برمی‌آید، این شهر در قرون اولیه اسلامی (تا

حاکم نشین شهر در دوره قاجار سعید آباد بوده است، و بازار و بافت تاریخی اطراف آن به عنوان نقطه مرکزی شهر سیرجان در دوره قاجار بوده است. در نتیجه تحقیق حاضر معلوم گردید که شهر باستانی سیرجان، در دوران اسلامی چند بار نقل مکان نموده و از سیرجان قدیم به قلعه سنگ، از آنجا به باغ بمید و در نهایت به سعید آباد جابجا گردیده است.

پی نوشت ها

۱. طرح بررسی «شهر سیرجان در دوران اسلامی و راه های ارتباطی آن» طی بهار سال ۱۳۹۷ با شماره مجوز ۴۶۸۹/۰۰/۹۶۲۱۴۱/۰۰ به تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۶ پژوهشگاه میراث فرهنگی و حمایت های مالی و معنوی شرکت معدنی و صنعتی گل گهر سیرجان به اجرا درآمده است. نگارندگان بر خود لازم می دانند از ریاست سابق و کنونی پژوهشگاه باستان شناسی خانم دکتر حمیده چوبک و آقای دکتر روح الله شیرازی و همکاران محترمشان برای اخذ مجوز بررسی و همچنین از شرکت معدنی و صنعتی گل گهر سیرجان به دلیل حمایت های همه جانبه و بی دریغ مسئولان این شرکت برای تأمین مالی و اسکان اعضای هیئت خصوصاً مدیریت پشتیبانی وقت جناب آقای دکتر محمد حاتمی نهایت تشکر و سپاسگزاری را نمایند.

۲. قلعه یحیی در غرب شهر قدیم سیرجان قرار دارد که تنها دروازه ای باقی مانده از یک قلعه تاریخی مربوط به دوره قاجار است. در واقع قلعه نزدیک تپه شاه فیروز بنایی بزرگ با دو حیاط است که قلعه علی آباد نام دارد.

۳. راه هایی که از بصره و عراق شروع می شد و با گذشتن از شهرهای خوزستان و ایالت شیراز به سیرجان آمده و از آن جا به بم، سیستان، مکران، خراسان، سمرقند و هند ادامه می یافت.

۴. مسیری که به یزد، اصفهان، ری، گرگان و قسمت های مرکزی فلات ایران می رفت.

فهرست منابع و مراجع

۱. ابن خردادذبه، عبدالله (۱۳۷۱)، **مسالک و ممالک**، ترجمه سعید خاکرند تهران: میراث ملل.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۵۲)، **مقدمه**، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۳)، **العبر**، ترجمه عبدالمحمد آبتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۴. ابن حوقل، محمد بن حوقل (۱۳۶۶)، **سفرنامه**، ترجمه جعفر شعاع، تهران: امیر کبیر.
۵. ابوالفداء، اسماعیل (۱۳۴۹)، **تقویم البلدان**، ترجمه عبدالمحمد آبتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۶. ابن رسته، احمد بن عمر (۱۳۶۵)، **اعلاق النیسسه**، مترجم حسین قره چانلو، تهران: امیر کبیر.
۷. اصطخری، ابواسحاق (۱۳۷۳)، **مسالک و ممالک**، ترجمه محمد بن تستری، تهران: انتشارات افشار.
۸. ابوریحان بیرونی، محمد (۱۳۵۲)، **تحدید نهایات الاماکن لتصحیح مسافات المساکن**، ترجمه احمد آرام، تهران: دانشگاه تهران.

۹. عبد الحق بغدادی، صفی الدین (۱۴۱۲ه.ق)، **مراصد الإطّاع علی أسماء الأمکنه و البقاع**، بیروت: دار الجبل.
۱۰. افضل الدین کرمانی، حمیدالدین (۱۳۲۶)، **بدایع الازمان فی وقایع کرمان**؛ تصحیح مهدی بیانی؛ تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. افضل الدین کرمانی، حمیدالدین (۲۵۳۶)، **عقد العلی للموقوف العلی**، تصحیح عامری نائینی و باستانی پاریزی، تهران: روزبهان.
۱۲. ادریسی، محمد (۱۳۸۸)، **ایران در کتاب نزهة المشتاق فی الاختراق و الافاق**، ترجمه عبدالمحمد آبتی، تهران: بنیاد ایران شناسی.
۱۳. امیر حاجلو، سعید و حسین صدیقیان، ۱۳۹۵، «کاوش قلعه سنگ شهر کهن سیرجان، استان کرمان»، **گزارش های پانزدهمین گردهمایی سالانه باستان شناسی ایران**، به کوشش حمیده چوبک، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری: صص ۱۶-۲۲.
۱۴. امینی، امین (۱۳۹۲)، **سکه شناسی آخرین شاهان ساسانی**، تهران: پازینه.
۱۵. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۵۷)، **حماسه کویر**، تهران: امیر کبیر.
۱۶. باستانی پاریزی محمد ابراهیم (۱۳۷۸)، **سیاست و اقتصاد عصر صفوی**، تهران: صفی علی شاه.
۱۷. بلاذری، احمد (۱۳۱۹)، **فتوح البلدان**، طبع کتب العربیه، مصر: طبع بمطبعه الموسوعات.
۱۸. بروسوی، محمد (۱۳۹۷)، **اوضح المسالک الی معرفه البلدان و الممالک**، ترجمه حسین قرچانلو، تهران: نگارستان اندیشه.
۱۹. تاریخ شاهی، ناشناخته (۲۵۳۵)، **تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی**، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲۰. تّسوی، قاضی احمد (۱۳۷۸)، **تاریخ الفی**، تصحیح علی آل داود- تهران: فکر روز.
۲۱. جهانی، ابوالقاسم (۱۳۶۳)، **اشکال العالم**، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۲. حاج ولیسی، مهدی؛ محمدی فر، یعقوب؛ قیاسی، کی آرش؛ لامعی رشتی، محمد؛ اولیائی، پروین (۱۳۸۸)، «مطالعه و تحلیل ۳۰ سکه نقره ای دوره ساسانی موزه همدان با استفاده از روش PIXE»، **مجله مطالعات ایرانی**، شماره ۱۶، صص ۱۴۰-۱۵۰.
۲۳. حاتمی، ابوالقاسم (۱۳۸۰)، **سیرجان قدیم مرکز صنعت و هنر اسلامی**، کرمان: کرمان شناسی.
۲۴. حاتمی، ابوالقاسم (۱۳۷۴)، **بررسی تحلیلی باستان شناسی سیرجان قدیم**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس: منتشر نشده.
۲۵. حافظ ابرو، عبدالله (۱۳۷۸)، **جغرافیای حافظ ابرو**، جلد دوم، تهران، آینه میراث.
۲۶. حمدالله مستوفی، حمدالله (۱۳۹۶)، **نزهة القلوب**، تصحیح میرهاشم محدث، جلد دوم، تهران: سفیر اردهال.
۲۷. حسینی، خورشاه (۱۹۶۵)، **تاریخ قطبی**، دهلی: جامعه ملیه اسلامیة نئی دهلی.
۲۸. حموی، یاقوت بن عبد الله (۱۳۸۰)، **معجم البلدان**، جلد اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۲۹. حمیری، محمد (۱۹۸۴)، **الروض المعطار فی خبر الاقطار**، بیروت: مکتبه لبنان، الطبعه الثانيه.
۳۰. **حدود العالم من المشرق الی المغرب** (۱۳۴۰)، به کوشش دکتر منوچهر ستوده، تهران: دانشگاه تهران.
۳۱. خوافی، فصیح احمد (۱۳۳۹)، **مجمّل فصیحی**، تصحیح محمود فرخ، مشهد: کتابفروشی باستان.
۳۲. چوبک، حمیده (۱۳۹۱)، «سفالینه های دوران اسلامی شهر کهن جیرفت»، **مطالعات باستان شناسی**، دوره ۴، ش ۱، صص: ۸۳-۱۱۲.

۵۶. مقدسی، ابوعبدالله (۱۳۸۵)، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه دکتر علینقی منزوی، تهران: کومش.

۵۷. معلم یزدی، معین الدین (۱۳۲۶)، *مواهب الاهی*، تصحیح سعید نفیسی، تهران: اقبال.

۵۸. منشی کرمانی، محمد امین (۱۳۹۱)، *جغرافیای ایالت کرمان در عهد ناصری*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.

۵۹. منشی کرمانی، ناصرالدین (۱۳۹۴)، *سمط العلی للحضرة العلیا*، تصحیح مریم میرشمسی، تهران: محمود افشار.

۶۰. مؤمن کرمانی، ملامحمد (۱۳۸۴)، *صحیفه الارشاد*، تصحیح باستانی پاریزی، تهران: نشر علم.

۶۱. میرخواند، میر محمد خواندشاه (۱۳۳۸)، *روضه الصفا*، جلد اول، تهران: خیام و پیروز.

۶۲. وزیری، احمدعلی‌خان (۱۳۵۲)، *تاریخ کرمان*، به تصحیح باستانی پاریزی، تهران: ابن سینا.

۶۳. وزیری، احمدعلی‌خان (۱۳۷۶)، *جغرافیای کرمان*، تصحیح باستانی پاریزی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۶۴. هدایت، رضا قلی‌خان (۱۳۳۹)، *روضه الصفا ناصری*، جلد نهم و دهم، تهران: خیام و پیروز.

۶۵. یزدی، تاج‌الدین حسن (۱۹۸۷)، *جامع التواریخ حسنی*، کراچی: مؤسسه تحقیقات علوم آسیای میانه و غربی و دانشگاه کراچی.

۶۶. یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب (۱۳۴۲)، *البلدان*، دکتر محمد آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

67. Azarnoush, M. (1994), *The Sasanian Manor house at Hājīābād*, Iran. Florence.

68. Bivar, A. D. H., Fehervari, G., Baker, P. L., Errington, N., Shokoohy, M., Errington, E., & Tyler-Smith, S. (2000). *Excavations at Ghubayrā*, Iran. School of Oriental & African Studies.

69. Kervran, M. (1984). *Les niveaux islamiques du secteur oriental du tepe de IApadana, III*. Les objets en verre, en pierre et metal. Delegation Archeologique Francaise en Iran, pp 211- 237.

70. Markwart, J. (1931). *A Catalogue of the Provincial Capitals of Eranshahr, Pahlavi Text, Version and Commentary*, ed. G. Messina, Rome: Pontificio Istituto Biblico.

71. Morgan, P., & Leatherby, J., (1987), "Excavated Ceramics from Sirjan", Syria and Iran, Tree Studies in Medieval Ceramics, Edited by James Allan and Caroline Roberts, *Oxford Studies in Islamic Art IV*, University of Oxford, pp 23-172.

72. Whitcomb, D.S. (1985). *Before the Roses and the Nightingales*. Excavations at Qasr-i Abu Nasr, Old Shiraz. Metropolitan Museum of Art: New York.

73. Whitehouse, D. (2009), *Sīrāf. History; topography and environment*. The British Institute of Persian Studies Archaeological Monographs Series I. Oxbow: Oxford.

۳۳. رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۹۳)، *سکه‌های ایران در دوره اسلامی*، تهران: سمت.

۳۴. روزبهان اصفهانی، فضل‌الله (۱۳۸۲)، *عالم آرای امینی*، تصحیح محمد اکبر عشیق، تهران: میراث مکتوب.

۳۵. روملو، حسن (۱۳۴۹)، *احسن التواریخ*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۳۶. سایکس، سرپرسی (۱۳۳۶)، *سفرنامه*، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: ابن سینا.

۳۷. سایکس، سرپرسی (۱۳۹۱)، *تاریخ ایران*، ترجمه فخر داعی گیلانی، جلد ۱ و ۲، تهران: نگاه.

۳۸. سهرابی‌نیا، احمد (۱۳۹۶)، *مطالعه باستان‌شناختی سفال‌های دوره ایلخانی شهر قدیم سیرجان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، منتشر نشده.

۳۹. شبانکاره‌ای، محمد (۱۳۸۱)، *مجمع الأنساب*، مصحح میر هاشم محدث، جلد ۱ و ۲، تهران: امیر کبیر.

۴۰. شرف‌الدین علی یزدی (۱۳۸۷)، *ظفرنامه*، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۴۱. شیروانی، حاجی‌زین‌العابدین (۱۳۳۹)، *ریاض السیاحه*، تصحیح: اصغر حامد ربانی، تهران: سعدی.

۴۲. طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵)، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم حالت، جلد پنجم و هشتم، تهران: اساطیر.

۴۳. طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۸)، *تاریخ الوسل و الملوک*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد چهارم، تهران: اساطیر.

۴۴. طوسی همدانی، محمد (۱۳۸۲)، *عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات*، تهران: علمی و فرهنگی.

۴۵. عبدالرزاق سمرقندی، کمال‌الدین (۱۳۸۳)، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، جلد ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

۴۶. فرهنگ جغرافیایی ایران (۲۵۳۵)، *استان هشتم کرمان و مکران*، جلد ۸، تهران: سازمان جغرافیایی کشور.

۴۷. قدامه بن جعفر (۱۹۸۱م)، *الخروج و صناعة الكتابة*، اجلد، بغداد: دار الرشید للنشر.

۴۸. کتبی، محمود (۱۳۶۴)، *تاریخ آل مظفر*، به اهتمام دکتر عبدالحسن نوائی، تهران: امیر کبیر.

۴۹. کریمیان، حسن، افضلی، زینب (۱۳۹۸)، «سیرجان قدیم یکی از مراکز مهم شیشه‌گری جنوب شرق ایران»، *مجله مطالعات باستان‌شناسی*، زیر چاپ.

۵۰. گابریل، آلفونس (۱۳۸۱)، *مار کوپولو در ایران*، ترجمه پرویز رجبی، تهران: اساطیر.

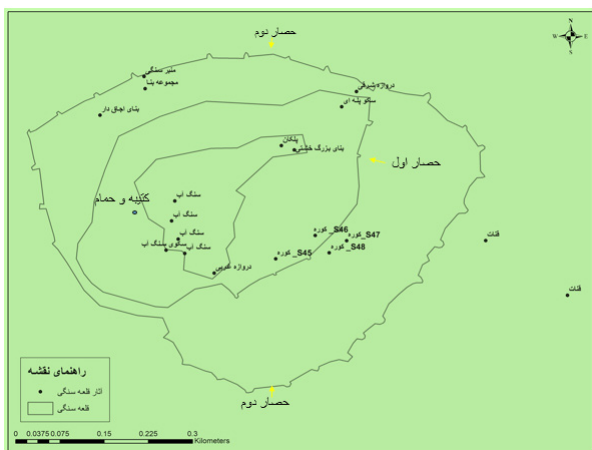
۵۱. گیبونز، ریچارد، ۱۳۹۵، *سفرنامه*، مترجم امید شریفی، تهران: ایران‌شناسی.

۵۲. محمدبن ابراهیم (۱۳۴۳)، *تاریخ کرمان*، به تصحیح باستانی پاریزی، تهران: طهوری.

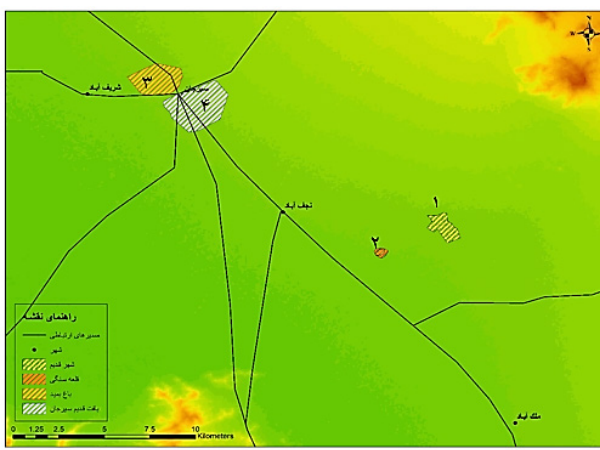
۵۳. مرتضایی، محمد و محمدیوسف کیانی (۱۳۸۵)، «مطالعه و تحلیل سفالینه‌های مکشوفه از کاوش‌های باستان‌شناختی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ محوطه تاریخی جرجان»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، دوره ۵۷، شماره ۵، صص. ۱۲۹-۱۱۲.

۵۴. مرعشی صفوی، میرزا محمد (۱۳۶۲)، *مجمع التواریخ*، تصحیح عباس اقبال، تهران: کتابخانه سنائی و طهوری.

۵۵. مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۶)، *تجارب الامم*، جلد ۵ و ۶؛ ترجمه علی نقی منزوی، تهران: توس.



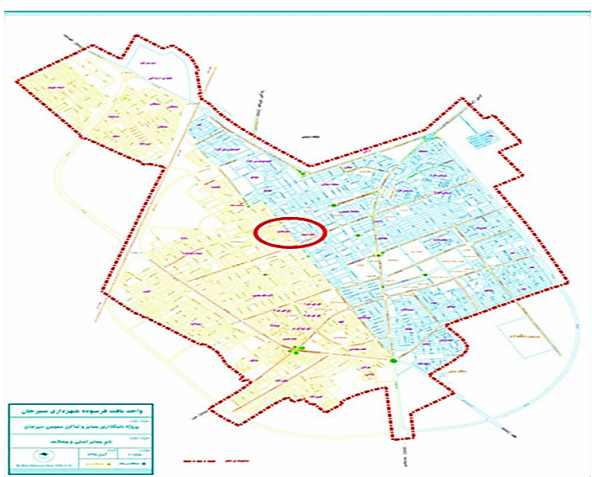
شکل شماره ۲: پلان محوطه قلعه سنگ و آثار قابل رویت در عرصه آن



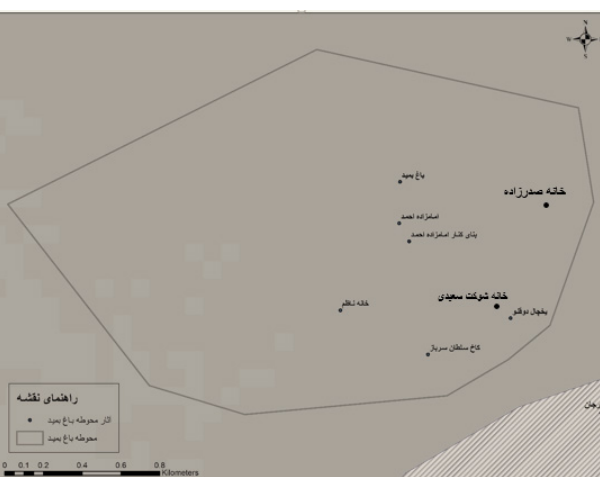
شکل شماره ۱: جابجایی‌های شهر سیرجان در دوره‌های مختلف: ۱- شهر قدیم، ۲- قلعه سنگ، ۳- باغ بمید، ۴- سعیدآباد.



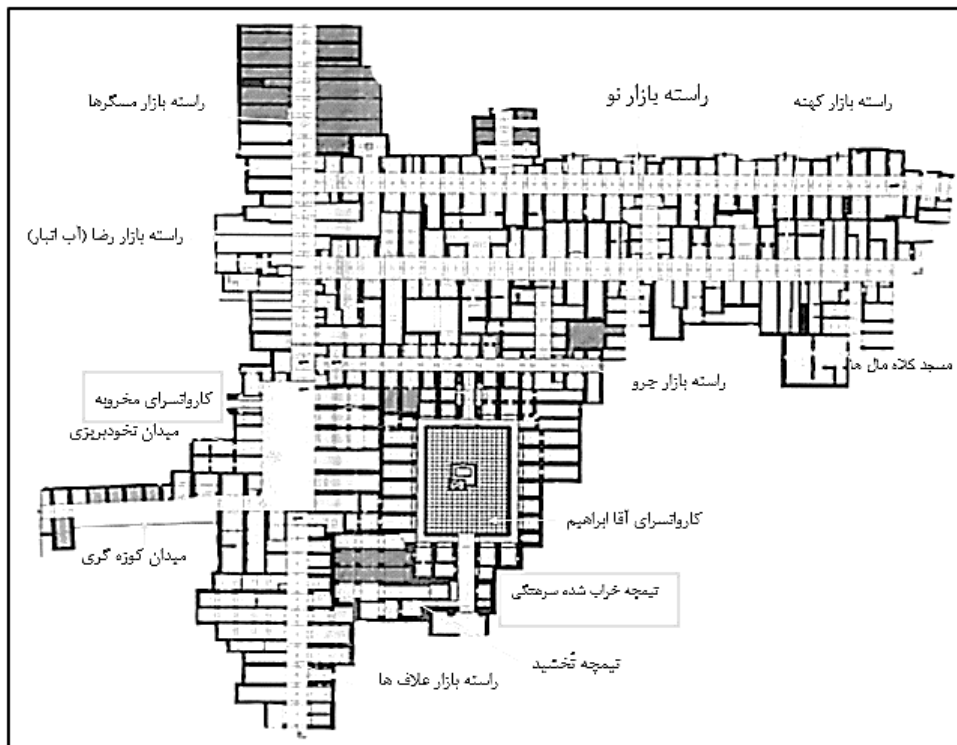
شکل شماره ۳: محدوده باغ بمید در مجاورت بافت قاجاری سیرجان



شکل شماره ۵: موقعیت قرارگیری شهر سعیدآباد در نقشه بافت شهری سیرجان کنونی؛ مأخذ: شهرداری سیرجان: ۱۳۹۸



شکل شماره ۴: محدوده محوطه باغ بمید و بناهای ارزشمند تاریخی آن



شکل شماره ۷: مجموعه بناهای شاخص در بازار تاریخی سیرجان؛ مأخذ: نصرآبادی، ۱۳۸۷: ۱۵، با تغییراتی از نگارندگان

پایداری فرهنگی، تراکم و گونه‌شناسی مسکن* مطالعه‌ی موردی: نمونه‌هایی از عرصه‌های مسکونی کلان‌شهر تبریز

روشنک سخی‌نیا^۱، اسلام کریمی^{۲*} (نویسنده مسئول)، مجتبی رفیعیان^۳، علی جوان فروزنده^۴

^۱ پژوهشگر دکتری گروه معماری واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.
^۲ استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران و دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی شاهرود، سمنان، ایران.
^۳ دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
^۴ استادیار گروه معماری واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

(تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۱۰)

چکیده

با آگاهی از مولفه‌های پایداری فرهنگی، صورت و سیرت معمارانه‌ی یک بنا می‌تواند به مثابه یک محصول فرهنگی جلوه کند. در این پژوهش سعی بر آن است که با کمک ابزار برای مطالعه‌ی تراکم کالبدی و گونه‌شناسی مسکونی و با تکیه بر ابعاد فرهنگی، مفهوم فرهنگ را به ویژه در راستای انطباق با ارزش‌های سنتی و اسلامی با ماهیت کیفی در عرصه‌ی نظری و عملی به مفهوم پیچیده و کاربردی تراکم کالبدی با ماهیت کمی‌پویوند زده و از این طریق، راهکاری برای حضور مستمر فرهنگ در شهرهای معاصر و به ویژه عرصه‌های مسکونی با ماهیتی کمی - کیفی فراهم آورد. نمودار spacemate ابزاری است بر اساس رابطه‌ی تراکم و فرم ساختارها در مقیاس مورد مطالعه که می‌تواند راهنمای معماران، برنامه‌ریزان و طراحان شهری در تصمیم‌گیری و طراحی باشد. چهار شاخص کمی تراکم در آن به طور هم‌زمان دخالت داده می‌شود. در این پژوهش هم‌کارایی این ابزار در حیطه‌ی سنجش پایداری مورد آزمون قرار می‌گیرد و هم از آن به عنوان روشی در تعریف رابطه‌ی گونه‌ها و پایداری استفاده می‌شود. پس از مروری اجمالی بر ادبیات موضوع در سه حوزه‌ی مفهومی گونه‌شناسی، تراکم و پایداری فرهنگی تلاش شده است ارتباط این سه با تعریف شاخص‌های کیفی پایداری فرهنگی و شاخص‌های کمی تراکم کالبدی منتهی به گونه‌های مختلف مسکن روشن گردد. نگرش گونه‌شناسانه به مسکن در پیوند با مباحث فرهنگی از آن جهت می‌تواند مفید باشد که در تجویز راه حل‌ها و برنامه‌ها می‌توان به روشنی از گونه‌های معینی حمایت کرد یا آن‌ها را منع یا محدود نمود. برای استخراج ابعاد و شاخص‌های پایداری فرهنگی، مفاهیم کیفی پایداری فرهنگی مسکونی با استفاده از روش دلفی طی دو مرحله مصاحبه و پرسشنامه با شرکت ده تن از صاحب‌نظران در معرض قضاوت و انتخاب قرار گرفته است. از این میان، ۶ مفهوم به عنوان مهم‌ترین مفاهیم تشخیص داده شده و در تحلیل‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. یازده نمونه از نقاط مختلف عرصه‌های مسکونی شهر تبریز نیز به نمایندگی از گونه‌های متفاوت و با در نظر گرفتن توزیع جغرافیایی و فرهنگی در سطح شهر برای تحلیل برگزیده شده است. پس از محاسبات و تحلیل‌های آماری، میزان پایداری فرهنگی هر نمونه به عنوان نتیجه‌ی تحقیق بر روی نمودار spacemate پیاده و تفسیر شده است.

واژگان کلیدی: پایداری فرهنگی، مسکن، گونه‌شناسی، تراکم کالبدی، Spacemate.

رشد جمعیت، تورم و مهاجرت به شهرها و تغییر شیوه‌ی زندگی در سال‌های اخیر، برنامه‌ریزان را به سوی مسکن انبوه، حداقل و مترکم‌سازی سوق داده است (شفایی و مدنی، ۱۳۹۲: ۱۵۴). بر این اساس فروش تراکم در دهه‌های اخیر افزایش یافته و همین امر باعث شکل‌گیری فضا و فرصتی مناسب برای فعالان بخش ساخت و ساز مسکن شده است (میرکتولی و آریان‌کیا، ۱۳۹۶: ۱۳۵)، که به توسعه‌ی عمودی شهرها انجامیده بدون اینکه برنامه‌ریزی مناسبی در این رابطه صورت بگیرد که این امر سبب بروز مشکلات بسیاری برای ساکنان شده است (دهداری، ۱۳۹۵: ۱۰۷). تأثیر این تراکم و فشردگی با تبعات زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی‌ای که در پی دارد، بر عوامل حساسی چون فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی - هویتی چیست؟ و چه سهمی از آن به معماری اختصاص می‌یابد؟ سؤالاتی از این دست را دانشمندان حوزه‌های گوناگون از علوم اجتماعی، جامعه‌شناسان، جغرافی‌دانان و ... مطرح نموده و در صدد یافتن پاسخ‌های قانع‌کننده برای آن بوده‌اند. اینکه معماری (به ویژه معماری مسکونی) در تعامل با میزان تراکم (در اینجا تراکم کالبدی) تا چه حد ممکن است بر پایداری فرهنگی - اجتماعی تأثیر گذار باشد، در حوزه‌ی پژوهش معماران و شهرسازان قرار می‌گیرد. اگر افزایش تراکم مسکونی اجتناب‌ناپذیر فرض شود، تأثیرات متنوع آن از جمله تأثیرات فرهنگی و اجتماعی بر جوامع زیستی نیز گریزناپذیر است. از همین رو تأثیر انواع افزایش تراکم، که مستقیماً به گونه‌های ساختمانی نیز مرتبط می‌گردد، بر اصول و معیارهای فرهنگی و اجتماعی باید مورد کنکاش قرار گیرد. گونه‌های مسکونی بر اساس شاخص‌های تراکم کالبدی آنها، و نقششان در سبک زندگی، رفتار، تعاملات خانوادگی و همسایگی و نظایر آن بر حفظ و انتقال فرهنگ و تأمین پایداری فرهنگی تأثیر می‌گذارد. فرمول‌ها و روش‌های کلی را نمی‌توان و نباید به تمام بسترهای فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی تعمیم داد و باید توجه داشت که روش‌های مطالعه و نتایج حاصل از آن‌ها می‌تواند متمایز و منحصر به فرد باشد. از این رو نمی‌توان یک روش و رویکرد واحد و فراگیر برای تحلیل و شناخت در تمام موارد ارائه نمود و بر اساس آن، پیشنهادها و راه‌حل‌های همسانی برای همه‌جا تجویز کرد.

مرور ادبیات نظری

پایداری فرهنگی و مسکن

فرهنگ به عنوان بُعدی از پایداری، تاده‌ی اخیر، به نحوی سنتی به عنوان بخشی از ابعاد اجتماعی پایداری محسوب می‌شد (صالحی میلانی و محمدی، ۱۳۸۹: ۸۴). اما کم‌کم به علت پیچیدگی مباحث فرهنگی و مهم‌تر از آن، ورود به دوره‌ی جهانی شدن، بعد فرهنگ از دل مفهوم کلی پایداری اجتماعی خارج شده و به عنوان یک زمینه‌ی مستقل در توسعه‌ی پایدار به رسمیت شناخته شد. در دو دهه‌ی گذشته کوشش‌های جامعی در جهت ترجمان

تعریف گسترده‌ی پایداری در قالب برنامه‌ریزی و توسعه‌ی محلی و منطقه‌ای صورت گرفته است (Beatley & Manning, 1997). «هاوکس» نقش ضروری فرهنگ را به عنوان «رکن چهارم پایداری» در برنامه‌ریزی مطرح کرد. وی نیاز به نگرش فرهنگی را در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها با استفاده از ابزارهای عملی خاطر نشان می‌سازد و بیان می‌کند که فرهنگ در تکوین شهرها و جوامع سرزنده‌ی دلخواه برای زندگی و کار، نقش مهمی ایفا می‌کند و بر سلامت اجتماعی و اقتصادی آنها تأثیر می‌گذارد (Hawkes, 2001). پایداری فرهنگی در قالب حفظ هویت فرهنگی، رواداری تغییر در انطباق با ارزش‌های فرهنگی مردمان تعریف می‌شود. درک و تعریف ما از فرهنگ با زمان تغییر می‌کند. بنابراین پژوهشگران و نظریه‌پردازان رویکردهای متفاوتی را در قبال این مفهوم مطرح کرده‌اند، چرا که این امر با جنبه‌هایی از باورها و تجربیات فرهنگی و حفظ سنت‌ها و میراث فرهنگی مرتبط است که خود نیز با پیشرفت تکنولوژی دستخوش تحول می‌گردد (Postalci and Atay, 2019: 3). در کشورهای چون ایالات متحده، استرالیا و کانادا، نظریه‌پردازان متعددی از جمله مرسر (Mercer, 2006) و استیونسون (Stevenson, 2003) در زمینه‌ی برنامه‌ریزی فرهنگی در شهرها به معرفی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های برنامه‌ریزی فرهنگی بصورت عام پرداخته‌اند و ضمن تعریف، ضرورت انجام آن را بیان و هم‌راستا با اهداف مدنظر، راهبردهایی را ارائه کرده‌اند. در ایران نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی، عالی‌ترین نهاد تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر فرهنگی کشور، به معرفی شاخص‌های فرهنگی به صورت عام مبادرت کرده است که قابلیت سنجش و ارزیابی در قلمرو شهرهای ایران را ندارند. نتایج تحقیقاتی در حوزه‌ی کاربردی برنامه‌ریزی فرهنگی در شهرهای جدید، که طی آن ابعاد پرتکرار فرهنگی در کشورهای مختلف و ایران ارزیابی شده است نشان می‌دهد که پایداری فرهنگی و هویت به منزله‌ی بُعدی پرتکرار در خارج و داخل کشور، سرزندگی و تنوع فرهنگی به عنوان ابعاد پرتکرار در خارج از کشور و عدالت به عنوان یکی از ابعاد پراهمیت فرهنگی در داخل کشور مطرح است (حجتی و نعمتی مهر، ۱۳۹۶: ۷۹).

محصول مادی هر جامعه نشانگر فرهنگ آن جامعه می‌باشد و مهم‌ترین محصول مادی یک جامعه، محیط کالبدی و معماری شهری آن است. در این میان، مسکن اصلی‌ترین کالبدی است که جامعه برای خود می‌سازد تا در آن رشد و نمو کرده و فرهنگ را از نسلی به نسل دیگر منتقل کند، کالبد نه تنها متأثر از فرهنگ بلکه تأثیرگذار بر انتقال فرهنگ نیز است (عیسی‌زاده، ۱۳۹۵: ۸۳). مسکن جزء اصلی ساختار فضایی شهر است که در روند توسعه‌ی پایدار شهری نقش اساسی ایفا می‌کند و شناخت کامل نسبت به آن، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است (نشاط و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۸)، نیازی است که در محیط‌های طبیعی و انسان‌ساخت پاسخ‌های متفاوتی داشته و هر جامعه به فراخور نیازها و امکانات و محدودیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش بدان شکل خاصی بخشیده است. عدم توجه به انسان، نحوه‌ی کار، شیوه‌ی زندگی، خواسته‌ها و تجارب

همچون بُعد خانوار، ارتفاع، وضعیت قطعه زمین، فضای باز، نحوه‌ی دسترسی و نحوه‌ی اتصال واحد به زمین و نظایر آن. تحقیقات مختلف انجام شده در خصوص گونه‌شناسی، هر یک اهداف خاصی را دنبال کرده و ساختار خود را بر اساس آن شکل داده‌اند (راهب، ۱۳۹۴: ۷). نگرش گونه‌شناسانه به مسکن در پیوند با مباحث فرهنگی از آن جهت می‌تواند مفید باشد که در تجویز راه حل‌ها و برنامه‌ها می‌توان بر اساس آن به روشنی از گونه‌های معینی حمایت کرد یا آن‌ها را منع یا محدود نمود. به همین ترتیب از نگرش گونه‌شناسانه می‌توان در مرحله‌ی آسیب‌شناسی و مقاصد توصیفی و طبقه‌بندی اولویت‌ها بهره جست.

تراکم

برداشت‌های فردی و خاص از مفهوم تراکم، ممکن است به کلی با معنای تخصصی آن متفاوت باشد. این معانی هر یک موضوعی متفاوت از دیگری است و نمی‌توان تحلیل‌های یک حوزه را برای نتیجه‌گیری در حوزه‌ی دیگر به کار گرفت. در این بحث، صحبت از وجه کالبدی-فضایی تراکم است، یعنی بررسی شاخص‌های فیزیکی و قابل اندازه‌گیری بناها و نواحی شهری مدنظر است که خود، جزو عناصر گونه‌شناسانه‌ای هستند که به لحاظ کمی قابل سنجش‌اند. در گذشته برای سنجش تراکم فیزیکی یا کالبدی، شاخص‌های متعددی تعریف و به کار برده شده است. این شاخص‌ها خارج قسمت کسری را مد نظر قرار می‌دهند که مخرج آن مساحت کل زمینی است که تراکم در آن سنجیده می‌شود، در حالی که صورت کسر می‌تواند شکل‌های مختلفی به خود بگیرد، مثلاً خانه‌ها، ساکنین، اتاق‌ها، کل سطح قطعه زمین، کل مساحت زیربنا و نظایر آن. به رغم امتیازات و فواید عملی مفهوم تراکم شهری در برنامه‌ریزی و طراحی شهری، برخی از منتقدان بر این باور بوده‌اند که کاربرد تراکم در موارد و مقاصد غیر آماری پرسش برانگیز است، چرا که به عنوان مفهومی بسیار انعطاف‌پذیر قلمداد می‌شود که کیفیات فضایی نواحی شهری را به درستی و با دقت لازم منعکس نمی‌کند. حرفه‌مدان نیز همانند پژوهشگران، گاه بر این باورند که سنجش تراکم، مستقل از سایر مشخصات کالبدی است: «طرح‌های فیزیکی متفاوت می‌توانند تراکم‌های یکسانی داشته باشند. تحلیل‌ها نشان می‌دهند که میزان تراکم معین از سایر عوامل کالبدی به کلی مستقل‌اند» (Alexander, 1993: 184). «اغلب اوقات، مردم تراکم را با گونه‌های ساختمان‌ها اشتباه می‌گیرند و گمان می‌کنند که به عنوان مثال خانه‌های منفصل، دارای تراکم کم‌تری نسبت به خانه‌های متصل هستند. با این که این حرف در کلیت صحیح است اما در تمام موارد صادق نیست. یک برج بلند مرتبه با واحدهای مسکونی بزرگ در یک محوطه‌ی وسیع پارک مانند، ممکن است تراکم کم‌تری نسبت به خانه‌های منفصل و مستقلی که بر قطعات زمین کوچک ساخته شده‌اند داشته باشد» (Forsyth, 2003: 4). با وجود تمام این نقد و نظرها، مفهوم تراکم، اطلاعات با ارزشی درباره‌ی شکل ساختارهای شهری در خود نهفته دارد که اگر

او در طراحی مسکن امروز و روی آوردن به معماری وارداتی، پایین آمدن کیفیت زندگی مسکونی، از بین رفتن حیات، سرزندگی و تحرک، بحران مسکن و همچنین بحران هویت را به دنبال داشته است (عسگری رابری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۸).

نگرش گونه‌شناختی

«گونه» از اواخر قرن نوزدهم مفهومی فراتر از یک واژه به خود گرفت و به «تفکر گونه» بدل شد که یک نظریه‌ی انتزاعی و فراگیر در زمینه‌های علمی مختلف از جمله دیرین-قوم‌شناسی، روانشناسی، پزشکی، زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی محسوب می‌گردد. با گذشت زمان موضوعی مشترک و یک روش تفکر بنیادین در ریاضیات، علوم اجتماعی و فرهنگی، علوم طبیعی و رشته‌های فنی شد (Gunev, 2007: 6 به نقل از De Mauro, 1985). گونه‌شناسی یک مطالعه‌ی نظام‌مند شامل مجرد کردن، اختصار و الگوواره‌سازی به منظور شفاف ساختن ماهیت موضوع مورد بررسی پژوهشگر است. بحثی در مورد صورت خاص یک شیء که توسط ذهن، تعمیم داده می‌شود (Ayyildiz et al, 2017: 3). از منظر معماری، «شولتز» حضور گونه‌ها را تضمین‌کننده‌ی پایداری و ثبات مکان، در عین تغییر می‌داند (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۱: ۱۴۹). تکوین تاریخی مفاهیم گونه و گونه‌شناسی در معماری از نظر روش‌شناسی و تکامل آن شامل سه مرحله‌ی عمده است. اولین رویکرد از فلسفه‌ی خردگرایی عصر روشنگری سرچشمه می‌گیرد، دومی از تفکر مدرنیسم و سومی از نو خردگرایی بعد از سال‌های ۱۹۶۰ میلادی.

۱	نظریه‌ی گونه در عصر روشنگری	معمار عصر روشنگری به اولین سرپناه به عنوان اولین «گونه»ی مسکن می‌نگرد.
۲	نظریه‌ی گونه در تفکر مدرنیسم	تئوری مدرنیستی گونه بر مبنای ساختار اجتماعی در حال تغییر و نیاز به تولید انبوه دوره‌ی پس از جنگ جهانی استوار است.
۳	نظریه‌ی گونه در دیدگاه نوخردگرایی	رویکرد نوخردگرایی تداوم فرم و تاریخ را در برابر گسستگی حاصل از برداشت مکانیکی از گونه‌شناسی را مورد تأیید قرار می‌دهد

جدول شماره ۱: خلاصه‌ی نظریه‌های «گونه» و «گونه‌شناسی» از منظر تاریخی؛ مأخذ: Gunev, 2007: 15، بازنویسی: نگارنده

از نیمه‌ی دوم قرن بیستم تلاش‌های متعددی برای ارائه‌ی یک چارچوب مفهومی کارا برای گونه‌شناسی و آرایه‌بندی مسکن صورت پذیرفته است. به عنوان مثال به طور سنتی سه گونه شکل اصلی در این خصوص مطرح شده است که عبارتند از آرایه‌بندی کوشکی به صورت مجموعه‌های مجزا از هم (pavilion)، آرایه‌بندی خیابانی (street) یا مجموعه‌های خطی و آرایه‌بندی مبتنی بر حیاط محصور میانی یا پیرامونی (court). بر حسب نیازهای تحقیق و پیشینه‌ی شکل‌گیری الگوهای مسکن در کشورهای مختلف، گونه‌شناسی مسکن از مقیاس مجموعه تا بلوک، شامل فضای داخلی واحدها و کل واحد مسکونی با معیارهای مختلفی صورت گرفته است (عینی فر و قاضی‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۷). معیارهایی

گونه‌هایی که تشابه قابل توجهی دارند در نزدیکی هم قرار گرفته و حوزه‌هایی را تعریف می‌کنند. در صورت اثبات ارتباط گونه‌ها با پایداری فرهنگی، در واقع این حوزه‌ها را می‌توان حوزه‌های پایداری فرهنگی نام نهاد.

نمودار spacemate ابزاری است بر اساس رابطه‌ی تراکم و فرم ساختارها در مقیاس مورد مطالعه و در پژوهش حاضر برای اولین بار در حوزه‌ی پایداری فرهنگی مورد آزمون قرار گرفته است. چهار متغیر برای ارزیابی تراکم در این نمودار به طور هم‌زمان به کار می‌رود. ترکیب این چهار متغیر برای هر پروژه یک «اثر انگشت فضایی» منحصر به فرد ایجاد می‌کند که با یک نقطه بر روی نمودار مشخص می‌شود، که نشان دهنده‌ی سطح و سهم هر متغیر در ساختار مورد مطالعه است (Berghauer Pont and Haupt, 2009:99). برای اختصار این چهار شاخص در جدول (۳) نشان داده شده است. شاخص FSI (شاخص تراکم ساختمانی) در رابطه با تراکم، اصلی‌ترین شاخص به حساب می‌آید، اما اگر بخواهیم با استفاده از آن در گونه‌شناسی مفید عمل کنیم برای معرفی دقیق طرح‌ها و الگوهای فضایی مختلف به تنهایی کارایی ندارد. برای دقیق کردن تحلیل‌ها متغیرهایی چون OSR (شاخص فضای باز)، GSI (شاخص سطح پوشش) و L (شاخص ارتفاع) باید در محاسبات دخالت داده شوند. (نحوه‌ی محاسبه‌ی هر کدام از متغیرها و شاخص‌های این نمودار بسیار دقیق بوده و در این مقاله نمی‌گنجد، برای آگاهی رجوع شود به منبع پیش گفته. برای نمونه بخشی از محاسبات مربوط به یکی از موارد مطالعه‌ی موردی در شکل (۲) آورده شده و در مورد بقیه‌ی نمونه‌ها، نتایج نهایی بر روی نمودار در شکل (۳) نشان داده شده است).

جدول شماره ۳: معرفی شاخص‌های کمتی تراکم

شاخص تراکم ساختمانی: $FSI_x = F_x / A_x$	این شاخص بیانگر تراکم فیزیکی با کالبدی ساختمان، فارغ از عملکرد آن.	FSI floor space index
$GSI_x = B_x / A_x$	نمایانگر نسبت میان فضای ساخته شده و فضای ساخته نشده است.	GSI ground space index
$OSR = (1 - GSI_x) / FSI_x$	نمایانگر فضای ساخته نشده در سطح همکف به مساحت کل طبقات ساختمان است.	OSR open space ratio
$L = FSI_x / GSI_x$	شاخص ارتفاع: نشان دهنده‌ی ارتفاع ساختمان یا تعداد طبقات است	L Levels

مأخذ: گردآوری و تلخیص نگارنده بر اساس Berghauer Pont and Haupt, 2005, 2009

شاخص‌های کیفی پایداری فرهنگی

در اصول ساخت شهر اسلامی به تمامی اجزا توجه گردیده که مسکن هم از این قاعده مستثنا نیست، اما اسلام به طور مستقیم چگونگی برنامه‌ریزی و ساخت مسکن را آموزش نمی‌دهد، لیکن دستورها و رهنمون‌هایی ارائه داده که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با مسکن مرتبط اند (ضرغام فرد و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۱).

بتوان آن‌ها را استخراج کرد، می‌تواند شیوه‌ای را در اختیار ما قرار دهد که به واسطه‌ی آن امکان شناخت روابط میان برنامه‌ها و نتایج شکلی آن‌ها فراهم گردد. پلی میان کیفیت و کمیت لازم است و به بیان ساده‌تر، رابطه‌ی تراکم با شکل روشن کند. نمودار «Spacemate» با دخالت دادن شاخص‌های مختلف تراکم چنین امکانی را با دقت قابل استنادی فراهم می‌کند.

روش تحقیق

در این پژوهش با توصیفی نظام‌مند، وضعیت فعلی عناصر بررسی، و بنا به مورد در مقاطع لازم به بررسی ارتباط بین متغیرها و شناسایی دقیق‌تر آنها توجه می‌شود. روش کار در دو مسیر و به موازات هم پیش رفته و در انتها، نتایج آن‌ها با هم ادغام شده است. در مسیر اول، برای استخراج ابعاد و شاخص‌های پایداری فرهنگی، مفاهیم کیفی پایداری مسکونی مرتبط به فرهنگ، با استفاده از روش دلفی طی دو مرحله مصاحبه و پرسشنامه با شرکت ده تن از صاحب‌نظران در معرض قضاوت و انتخاب قرار گرفته است. از میان این مفاهیم ۶ مفهوم به عنوان مهم‌ترین مفاهیم تشخیص داده شده و در مرحله سوم با استفاده از تکنیک «شانون» وزن هر مفهوم و ارزش آن ارزیابی گردیده است. برای تعیین میزان پایداری فرهنگی نمونه‌های مورد مطالعه، این شش مفهوم با گویه‌هایی به شکل دقیق‌تر در قالب پرسشنامه به ساکنین عرضه و نتایج آن جمع‌بندی و تحلیل شده است، با شیوه‌ی نمونه‌گیری از نوع غیر تصادفی و به صورت نمونه‌گیری (snow ball sampling). پایایی تحقیق نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه و ضریب بدست آمده بالای ۰/۹ می‌باشد، که از پایایی قابل قبولی برخوردار است. در تحلیل این نتایج از آزمون t تک نمونه‌ای و آزمون K-S (کولموگوروف-اسمیرنوف) بهره برده شده است. سطح بندی پایداری نمونه‌ها نیز بر مبنای مدل طبقه‌بندی پرسکات آلن که برای تبدیل محاسبات کمتی به مقادیر کیفی به کار می‌رود، انجام شده است.

جدول شماره ۲: طبقات پنج‌گانه پرسکات آلن برای طبقه‌بندی سطوح پایداری

ارزش	حالت‌های پایداری	سطوح
۰-۳۹	ناپایدار	اول
۴۰-۴۹	ناپایداری بالقوه (ضعیف)	دوم
۵۰-۵۹	متوسط	سوم
۶۰-۷۹	پایداری بالقوه (خوب)	چهارم
۸۰-۱۰۰	پایدار	پنجم

مأخذ: Prescott Allen, 1995

در مسیر دوم، ابتدا داده‌های نمونه‌های موردی انتخاب شده، اندازه‌گیری، برداشت و گردآوری شده (با استفاده از نرم‌افزارهای GIS و Autocad و نیز برداشت میدانی) و چهار شاخص از شاخص‌های کمتی تراکم با محاسبات مربوطه به دست آمد و بر روی نمودار Spacemate پیاده شد، تا محل گونه‌های تراکمی تعیین شود. هر نقطه نماینده‌ی یک گونه بر روی نمودار است و

جدول شماره ۴: اهم مولفه‌های مفهومی معماری مستخرج از آموزه‌های اسلامی در تحقیقات پژوهش‌گران

محقق و منبع مربوطه	موضوعات مفهومی استخراج شده
نقی زاده (۱۳۸۷)	توجه به انسان - امنیت و ایمنی - محرمیت - آرامش - خلوت - امکان ارتباط با طبیعت - میانه‌روی - احترام به حقوق دیگران - وحدت جامعه - احترام به خانواده
نقره کار (۱۳۸۷)	انعطاف پذیری - درونگرایی - وحدت و کثرت - نظم و بی‌نظمی - گوناگونی و یکنواختی - مرکزیت - ابهام و ایهام - تعادل - تنوع - هماهنگی با طبیعت - عدم اسراف - خلوت
اخوت و همکاران (۱۳۸۹)، اخوت (۱۳۹۱)	هنر - اخلاق - شفافیت - نور - رنگ - طبیعت - فضای تهی - هندسه و تناسبات - سلسله مراتب - حریم - انعطاف پذیری
فیاض و سنائی‌راد (۱۳۹۱)	آرامش و ایمنی - محرمیت و حجاب - نکوهش ارتفاع زیاد - عدم اشراف - لاضرر و لاضرار - سلسله مراتب - عدالت و مساوات - حق همسایگی - تواضع در خانه
امین پور و همکاران (۱۳۹۴)	امنیت - حفظ حریم - پاکي و طهارت - سلسله مراتب - ارضاء نیازهای مادی و معنوی - بهره‌گیری از طبیعت و حفظ آن
وثیق و پشتوتنی‌زاده (۱۳۸۸) و وثیق (۱۳۹۵)	ذکر الهی - صله رحم - توجه به امور تربیتی - سلام و کسب اجازه - عدم وجود مال غصبی - عدم بروز تضاد اجتماعی - پرهیز از خودنمایی - رعایت و حفظ حریم - عدم ایجاد مزاحمت - نیت پاک - حق همسایه - توجه به مهمان - عدالت - توجه به محیط - صرفه جویی و عدم اسراف

مأخذ: گردآوری نگارنده

با بررسی دستورها و رهنمون‌ها، معیارها و مفاهیم مطرح در ساختار مقدماتی، از میان جستجو در مجموعه مفاهیم موجود در پژوهش‌های متخصصین از جمله، سیفیان (۱۳۷۶، ۱۳۷۷)، ابوالقاسمی (۱۳۸۳)، مهدوی نژاد (۱۳۸۳)، بهشتی (۱۳۸۶)، نقی زاده (۱۳۸۷)، نقره کار (۱۳۸۷)، اخوت (۱۳۸۹، ۱۳۹۱)، فیاض انوش (۱۳۹۱)، امین پور (۱۳۹۴) و وثیق (۱۳۹۵)... اهم مولفه‌های مفهومی استخراج گردیده که در جدول (۴) از سال ۱۳۸۷ به بعد آورده شده است.

پس از تحلیل داده‌ها، ابعاد کلی در شش دسته استخراج گردید. در مرحله‌ی نهایی ساختار شاخص‌های کیفی، علاوه بر امتیاز دهی متخصصین، جهت معتبرسازی و مشخص شدن اولویت ابعاد و مولفه‌های بدست آمده، از تکنیک شانون استفاده گردیده است. که در (جدول ۵) شاخص‌های هر دسته و میانگین وزن هر دسته، آورده شده است.

همانگونه که مشاهده می‌شود و در شکل (۱) نیز آورده شده است؛ شاخص «حریم» بیشترین میزان تاثیر بر پایداری فرهنگی را داراست و پس از آن به ترتیب شاخص‌های «تناسبات و هندسه»، «ارتباط با طبیعت»، «عدالت»، «مشارکت و تعاملات» قرار دارند و کمترین میزان تاثیر مربوط به «ایمنی و امنیت» است.

جدول شماره ۵: یافته‌های نهایی روش دلفی با تکنیک شانون در تعیین شاخص‌های پایداری فرهنگی

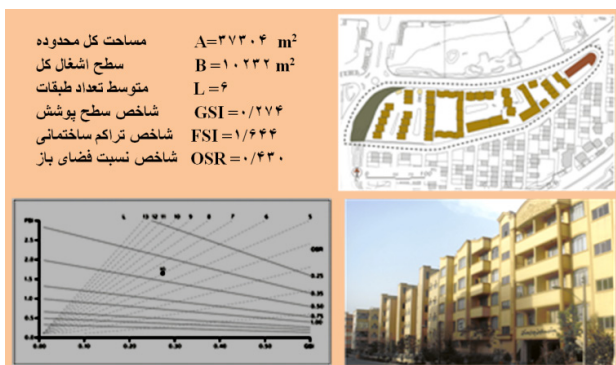
بعد	مولفه	شاخص‌ها	جمع نمره	میانگین	میانگین دسته	بار اطلاعاتی شاخص	وزن شاخص (تکنیک شانون)	میانگین وزن دسته
عدالت و مساوات	لاضرر و لاضرار	مردم‌نگری	۴۶	۴/۶	۴/۰۴	۰/۹۹۷۵۰	۰/۰۳۴۵۳	۰/۰۳۴۴۸۰
		رعایت فینا	۴۲	۴/۲		۰/۹۹۸۱۲	۰/۰۳۴۵۵	
	تعادل در نظم	بهینه در ارتفاع	۳۸	۳/۸		۰/۹۹۷۴۵	۰/۰۳۴۵۳	
		بهینه در پوشش فضایی	۳۷	۳/۷		۰/۹۹۶۵۳	۰/۰۳۴۵۰	
		هماهنگی با واحدها	۳۹	۳/۹		۰/۹۹۰۱۷	۰/۰۳۴۲۸	
ارتباط با طبیعت	فضای سبز	زیبایی‌شناسی	۴۲	۴/۲	۴/۱۸	۰/۹۹۵۵۰	۰/۰۳۴۴۶	۰/۰۳۴۴۸۷
		آرامش و آسایش	۴۴	۴/۴		۰/۹۹۷۳۴	۰/۰۳۴۵۳	
	دید و منظر	نور و سایه	۴۳	۴/۳		۰/۹۹۵۰۵	۰/۰۳۴۴۵	
		خط آسمان	۳۵	۳/۵		۰/۹۹۵۵۵	۰/۰۳۴۴۷	
		ارتباط بصری با بیرون	۴۵	۴/۵		۰/۹۹۷۳۴	۰/۰۳۴۵۳	
تناسبات و هندسه	نظم	یکپارچگی در کالبد و منظر	۳۸	۳/۸	۴/۰۴	۰/۹۹۶۵۳	۰/۰۳۴۵۰	۰/۰۳۴۵۰۵
		سلسله مراتب	۳۷	۳/۷		۰/۹۹۶۵۳	۰/۰۳۴۵۰	
	سازماندهی	دسترسی پذیری بصری	۴۱	۴/۱		۰/۹۹۵۵۰	۰/۰۳۴۴۶	
		آسانی جهت یابی	۴۰	۴/۰		۰/۹۹۷۲۶	۰/۰۳۴۵۲	
		مردم‌واری	۴۶	۴/۶		۰/۹۹۷۵۰	۰/۰۳۴۵۳	

بعد	مولفه	شاخص ها	جمع نمره	میانگین	میانگین دسته	بار اطلاعاتی شاخص	وزن شاخص (تکنیک شانون)	میانگین وزن دسته
حریم و محرمیت	محرمیت	ضرورت اختفاء حضور	۴۶	۴/۶	۴/۲۵	۰/۹۹۷۵۰	۰/۰۳۴۵۳	۰/۰۳۴۵۰۶
		ضرورت عدم طلاع از درون	۴۴	۴/۴		۰/۹۹۷۳۴	۰/۰۳۴۵۳	
	قلمرو پایی	ضرورت اطلاع از بیرون	۴۱	۴/۱		۰/۹۹۶۲۳	۰/۰۳۴۴۹	
		ضرورت اعلام حضور	۳۹	۳/۹		۰/۹۹۵۸۰	۰/۰۳۴۴۷	
ایمنی و امنیت	امنیت روانی	حس مکان و تعلق	۴۱	۴/۱	۴/۱۲	۰/۹۹۴۵۶	۰/۰۳۴۴۹	۰/۰۳۴۴۴۴
		تقویت نظارت	۴۶	۴/۶		۰/۹۹۷۵۰	۰/۰۳۴۵۳	
	امنیت فیزیولوژیک	مدیریت بحران عوامل طبیعی	۳۹	۳/۹		۰/۹۹۲۹۹	۰/۰۳۴۳۸	
		مدیریت بحران عوامل غیر طبیعی	۳۹	۳/۹		۰/۹۹۲۹۹	۰/۰۳۴۳۸	
مشارکت و تعامل	اجتماع پذیری	فرم فضاها	۳۸	۳/۸	۴/۰۶	۰/۹۹۴۵۶	۰/۰۳۴۴۳	۰/۰۳۴۴۷۴
		کافی بودن فضاها	۴۲	۴/۲		۰/۹۹۵۵۰	۰/۰۳۴۴۶	
		تنوع فضاها	۴۲	۴/۲		۰/۹۹۸۱۲	۰/۰۳۴۵۵	
		خلوت و ازدحام مناسب	۳۹	۳/۹		۰/۹۹۵۸۰	۰/۰۳۴۴۷	
		نظارت بصری (اشرافیت)	۳۹	۳/۹		۰/۹۹۵۸۰	۰/۰۳۴۴۷	
		فضای سبز	۴۴	۴/۴		۰/۹۹۴۸۵	۰/۰۳۴۴۴	

مأخذ: نگارنده

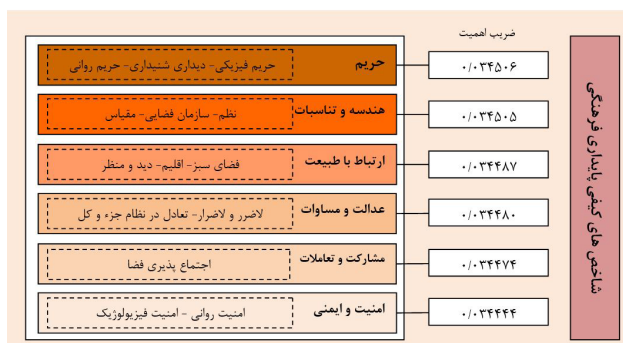
تفسیر و مرور یافته‌ها

پس از بررسی مطالعه‌ی موردی، اطلاعات گردآوری شده از طریق روش‌های پیمایشی و اسنادی مرتبط با هر یک از شاخص‌ها، در دو بعد کمی و کیفی استخراج و پس از ترکیب و تلفیق، با استفاده از ابزارهای سنجش مربوطه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. شاخص‌های کمی به دست آمده از محاسبات مربوطه به تک تک نمونه‌ها استخراج و بر روی نمودار Spacemate پیاده شد و با توجه به همجواری نقاط به دست آمده، نمونه‌ها حوزه‌بندی شدند. (شکل ۲ نمونه‌ای از محاسبات شاخص‌ها و مکان‌یابی روی نمودار را نمایش می‌دهد).



شکل شماره ۲: داده‌های تصویری، شاخص‌های مستخرج و مکانیابی یکی از نمونه‌ها (نمونه ۶) بر روی نمودار Spacemate؛ مأخذ: نگارنده

نمونه‌های ۱ و ۲ با توجه به نزدیکی ارقام شاخص‌های فیزیکی شان در یک حوزه‌ی گونه‌شناسی قرار می‌گیرند. در این دو نمونه متوسط تعداد طبقات نزدیک به هم (از ۱/۱۵ تا ۱/۳۸) بوده و شاخص سطح پوشش از ۰/۵۵ تا ۰/۵۸ متغیر است که بسیار نزدیک به هم‌اند. دو شاخص دیگر یعنی شاخص تراکم ساختمانی (FSI) و شاخص نسبت فضای باز (OSR) نیز اختلاف



شکل شماره ۱: مدل نهایی شاخص‌های پایداری فرهنگی؛ مأخذ: نگارنده

شاخص‌های کمی

پیشتر به شاخص‌های کمی تراکم مورد استفاده در این پژوهش اشاره رفت. داده‌های اولیه‌ی نمونه‌های موردی از روی نقشه‌های پایه‌ی طرح‌های جامع و تفصیلی، استخراج و پس از طبقه‌بندی داده‌های گردآمده، چهار شاخص اصلی مورد نیاز برای تعیین مکان هندسی نمونه‌ها در نمودار spacemate مطابق فرمول‌های مربوطه محاسبه شد.

معرفی نمونه‌های مورد مطالعه

انتخاب نمونه‌های موردی با تکیه بر تقسیم‌بندی موجود در طرح جامع انجام گرفته است، تا با تشخیص عرصه‌های مسکونی مختلف به تعیین نمونه‌های مناسب‌تری برای تحلیل اقدام گردد. یازده نمونه از نقاط مختلف عرصه‌های مسکونی شهر تبریز به نمایندگی از گونه‌های متفاوت و با در نظر گرفتن توزیع جغرافیایی و فرهنگی در سطح شهر برای تحلیل برگزیده شده است. این نمونه‌ها در شکل (۴) آمده است.

نمونه‌ی شماره ۱۱ به عنوان بلوک نقطه‌ای کم ارتفاع نیز در حوزه‌ی مستقلی گنجانده می‌شود. این نمونه با بیشترین نسبت فضای باز و تعداد طبقات ۱، در پایین نمودار و ابتدای آن قرار دارد. ویژگی دیگر این محدوده، تساوی شاخص سطح پوشش و تراکم ساختمانی آن است. این ساختار در حوزه‌ی «F7» نشان داده شده است. برای ارزیابی میزان پایداری نمونه‌های موردی، بر اساس شاخص‌های به دست آمده که در شش دسته‌ی کلی (عدالت و مساوات، ارتباط با طبیعت، تناسب و هندسه، حریم و حریمیت، امنیت و ایمنی، مشارکت و تعاملات) بیان گردید. داده‌ها از پرسشنامه‌هایی که محتوای آنها با توجه به تاثیر شاخص‌های فرهنگی از شاخص‌های تراکمی در نظر گرفته شده، استخراج و با استفاده از آزمون‌های آماری که پیش از این ذکر شد مورد تحلیل قرار گرفت.

توصیف پایداری فرهنگی به تفکیک حوزه‌های به دست آمده روی نمودار

با توجه به روند سنجشی که برای شاخص‌های پایداری توضیح داده شد، با تحلیل آماری داده‌ها، وضعیت پایداری نمونه‌های مورد مطالعه، مبتنی بر ابعاد و شاخص‌های پایداری فرهنگی به دست آمد و وضعیت پایداری حوزه‌ها به تفکیک مشخص گردید. (در جدول (۶)، سنجش پایداری حوزه F1 به عنوان نمونه آورده شده است).

به ترتیب همین مثال میانگین پایداری تمام حوزه‌ها استخراج گردید (این ارقام به تفکیک در شکل (۴) آمده است).

با توجه به میزان میانگین پایداری فرهنگی حوزه‌ها می‌توان چنین بیان نمود که حوزه «F3» (مجموعه بلوک‌های محیطی با ارتفاع متوسط)، بهترین وضعیت پایداری را دارد و میانگین هر شش شاخص پایداری در این حوزه که با توجه به تاثیر پذیری از تراکم، ارتفاع، سطح پوشش و میزان فضای باز ارزیابی گشته است در تعادل و هماهنگی نسبت به هم و با کمترین اختلاف نسبت به حد نهایی قرار دارند، همین امر باعث شده که این حوزه در بالاترین سطح نسبت به حوزه‌های دیگر قرار گیرد و از نظر گونه نیز مطلوب‌ترین، برای حصول پایداری در راستای توسعه

فاحشی را نشان نمی‌دهند. بدین ترتیب این دو نمونه با بافتی سنتی و خانه‌های متصل با ارتفاعی کم در یک حوزه قرار می‌گیرند که دارای خصلت‌های مشابه‌اند. این منطقه بر روی نمودار با نام حوزه «F1» نشان داده شده است.

نمونه‌های ۳ و ۴ هر دو با بافتی طراحی شده یک حوزه جای می‌گیرند، که در روی نمودار با نام حوزه «F2» مشخص شده است. علاوه بر متصل بودن آرایش خانه‌ها، ویژگی‌های این دو نمونه مشابهت‌های نزدیکی دارند. متوسط تعداد طبقات در آنها به ترتیب ۲/۳ و ۲/۹ است. شاخص GSI بسیار نزدیک به هم است و نسبت فضای باز آنها با هم برابر و معادل ۰/۴۶ است. شاخص FSI نیز ۱/۲ و ۱/۱ می‌باشد. درصد فضای باز نیز بسیار شبیه به هم است و هر دو تا حدود زیادی به لحاظ ظاهر و سیمای بدنه‌ها نیز هم چهره به نظر می‌رسند. نمونه‌های ۵ و ۶ نیز ویژگی‌های نسبتاً مشابهی دارند. ارتفاع هر دو مجموعه متوسط محسوب می‌شود (۴/۵ و ۶ طبقه) و شاخص سطح پوشش آن نزدیک به هم است و هیچ کدام به طور کامل خطی محسوب نمی‌شوند. این دو نمونه نیز در حوزه‌ی یکسانی قرار گرفته‌اند که با نام حوزه‌ی «F3» بر روی نمودار مشخص است.

نمونه‌های ۷ و ۸ از نظر شاخص‌های کمی مشابه هم‌اند و به راحتی در یک حوزه‌ی مستقل گنجانده می‌شوند. این نمونه‌ها تقریباً دارای سازماندهی نقطه‌ای با ارتفاع متوسطی هستند. مقادیر عددی شاخص‌ها، حتی بیش از سایر نمونه‌ها به هم نزدیک‌اند. این دو مجموعه‌ی مسکونی در حوزه‌ی «F4» بر روی نمودار نشان داده شده‌اند.

نمونه‌ی شماره ۹ نیز خود در گونه‌شناسی متفاوتی جای می‌گیرد. این مجتمع با ارتفاع بلند و تراکم ساختمانی (FSI) نسبتاً بالا (در حدود ۱/۳) در قسمت بالای نمودار و در حوزه‌ی «F5» جای می‌گیرد.

نمونه‌ی ۱۰ را با توجه به تفاوت‌هایی که شاخص‌های آن نسبت به مجتمع‌های مسکونی قبلی دارد، می‌توان در دسته‌ای مستقل گنجانده. آرایش بلوک‌ها در این مجتمع به صورت خطی بوده و تعداد طبقات آن ۴ است، که جزو گونه‌های مسکونی با ارتفاع متوسط محسوب می‌گردد. این نمونه در حوزه‌ی «F6» بر روی نمودار نشان داده شده است.

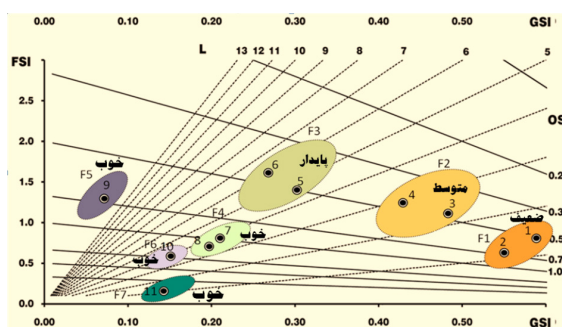
جدول شماره ۶: آزمون‌های T و K-S برای بررسی شاخص‌های پایداری فرهنگی در نمونه‌های ۱ و ۲ حوزه‌ی F1

آزمون t			آزمون K-S		تعداد	شاخص‌ها	
Sig	t	انحراف معیار	میانگین	Sig			Z
۰/۰۹۴	-۱/۷۶	۳/۶۸	۴۸/۵۵	۰/۷۶۸	۰/۶۶۵	۲۰	عدالت
۰/۰۰۰	-۱۱/۶۸	۶/۴۱	۳۳/۲۵	۰/۶۰۵	۰/۷۶۳	۲۰	طبیعت
۰/۰۱۵	-۲/۶۶	۵/۵۶	۴۶/۶۹	۰/۶۱۶	۰/۷۵۶	۲۰	تناسبات و هندسه
۰/۰۰۰	۶/۵۲	۶/۱۷	۵۹/۰۰	۰/۹۵۱	۰/۵۱۸	۲۰	حریم
۰/۱۰۷	-۱/۶۹	۳/۳۱	۴۸/۷۵	۰/۱۷۳	۱/۱۰۶	۲۰	امنیت
۰/۰۰۰	-۱۴/۱۹	۵/۲۹	۳۳/۲۱	۰/۹۴۵	۰/۵۲۵	۲۰	مشارکت و تعامل همسایگی
۰/۰۰۰	-۱۲/۷۶	۱/۷۸	۴۴/۹۱	۰/۵۲۳	۰/۸۱۳	۲۰	مجموع (پایداری فرهنگی)

نتیجه گیری

پایداری فرهنگی از ضروریات توسعه‌ی پایدار به شمار می‌رود و تراکم به عنوان یک سیستم اندازه‌گیری، ضمن تعیین گونه‌های ساختمانی، از ابزارهایی است که می‌تواند به این امر کمک بسیاری نماید. افزایش تراکم و فشرده‌سازی هر چند از الزامات توسعه‌ی پایدار به شمار می‌رود، اما استفاده از این راهکار باید با سنجش اثرات آن بر ساختار کالبدی و همچنین شرایط فرهنگی - اجتماعی در زمینه‌های مختلف همراه باشد. در پژوهش حاضر با تعریف و ارائه‌ی شاخص‌های تراکم از یک سو و همچنین ارائه و تعریف شاخص‌هایی از پایداری فرهنگی از سوی دیگر، با معرفی و به کارگیری نمودار «spacemate» به تحلیل فضایی و ارائه‌ی گونه‌هایی از مجتمع‌ها و ساختارهای مسکونی مورد مطالعه در سطح شهر تبریز پرداخته شد. تجربه‌ی این تحقیق نشان داد که نمودار «spacemate» قابلیت کاربرد در حوزه‌ی گونه‌شناسی مرتبط با پایداری فرهنگی و نیز امکان انعطاف و سازگاری با موارد مطالعه‌ی منتخب پژوهش را دارد. و به عنوان یک ابزار کمی می‌تواند برای ارزیابی شاخص‌های کیفی نیز مفید باشد. محل نقاطی که نماینده‌ی تعدادی از ساختارهای مسکونی موجود شهری تبریز هستند، مشخص و میزان پایداری فرهنگی آن‌ها تعیین گردید. هر طرح جدیدی که قرار باشد بر شهر افزوده شود نیز ناگزیر نقطه‌ای خواهد بود بر روی نمودار، و در واقع طراح قادر است که نقطه‌هایی را که نشان‌دهنده‌ی گونه‌هایی از ساختارهای مسکونی آینده‌ی شهری هستند، پیش از طراحی، با توجه به اهداف و خواسته‌ها، بر روی نمودار بسنجد و شاخص‌های کمی آن را استخراج و پیش از طراحی تجویز نماید. این جا است که بررسی تاثیر تراکم و رای جنبه‌ی صرفاً کمی آن، می‌تواند

رده‌بندی باشد. نمونه‌ها با تغییر میزان تراکم، ارتفاع، سطح پوشش و میزان فضای باز، از حوزه‌ای به حوزه‌ی دیگر، ساختار کالبدی و گونه‌ی متفاوتی دارند و همین امر بر روی شاخص‌های فرهنگی مورد بررسی در راستای پایداری تاثیر می‌گذارد. مثلاً در حوزه‌ی «F1» و «تا حدودی F2» که در رده‌ی بافت‌های سنتی و طراحی شده قرار دارند و با ارتفاع کم شکل گرفته‌اند و انتظار می‌رفت در وضعیت پایدار باشند، فشرده‌گی زیاد و پایین بودن سطح اشغال منجر شده که میزان ارزش پایداری حوزه‌ها در رده‌ی ناپایداری بالقوه (ضعیف) و پایداری متوسط قرار گیرند. این حوزه‌های پایداری در شکل (۳) بر روی نمودار «spacemate» نمایش داده شده است:



شکل شماره ۳: وضعیت میزان پایداری فرهنگی حوزه‌های گونه‌شناختی F1 الی F7؛ ماخذ: نگارنده

در نهایت، حاصل این فرایندها برای رعایت اختصار در شکل (۴) گرد هم آمده است. این شکل حاوی نتایج نهایی تحلیل‌های تحقیق و نیز داده‌های گرافیکی نمونه‌ها و گونه‌ی مورد مطالعه بوده و وضعیت نسبی پایداری و رتبه‌ی پایداری فرهنگی موارد مطالعه را بیان می‌کند.

حوزه	بافت	شماتیک قطعه بندی	ایزومتریک گونه	گونه بافت	میانگین پایداری فرهنگی
F4 - قس و لانه				مجموعه سازه‌های بلند (قطعات) با ارتفاع متوسط	پایداری فرهنگی ۷۶/۳۷ (خوب)
F5 - آسمان				مجموعه سازه‌های بلند (قطعات) با ارتفاع بالا	پایداری فرهنگی ۷۰/۱۹ (خوب)
F6 - شلوغ ایام				مجموعه سازه‌های بلند (قطعات) با ارتفاع متوسط	پایداری فرهنگی ۷۰/۷۸ (خوب)
F7 - راه آهن				مجموعه سازه‌های بلند (قطعات) با ارتفاع کم	پایداری فرهنگی ۶۷/۹۳ (خوب)

حوزه	بافت	شماتیک قطعه بندی	ایزومتریک گونه	گونه بافت	میانگین پایداری فرهنگی
F1 - سیلاب و شریان				بافت سنتی، خانه‌های متصل شهری با ارتفاع کم	پایداری فرهنگی ۴۲/۹۱ (ضعیف)
F2 - بزرگهر و ونیصر				بافت طراحی شده، خانه‌های متصل شهری با ارتفاع کم	پایداری فرهنگی ۵۲/۵۷ (ضعیف)
F3 - چمران و باغچیان				مجموعه سازه‌های بلند (قطعات) با ارتفاع متوسط	پایداری فرهنگی ۸۱/۵۹ (ضعیف)

شکل شماره ۴: شماتیک گونه‌ها و رتبه‌بندی وضعیت پایداری فرهنگی نمونه‌های موردی؛ ماخذ: نگارنده

۵. دهداری، مصطفی (۱۳۹۵)؛ **تحلیل فضایی گونه‌شناسی مسکن شهری، مطالعه موردی: شهر گرگان**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده، با راهنمایی دکتر جعفر میرکتولی، دانشگاه گلستان، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری.
۶. راهب، غزال (۱۳۹۴)؛ «واکاوی مفهوم گونه در مسکن بومی و تبیین رویکردی برای دسته‌بندی گونه‌های مسکن روستایی در ایران»، **مسکن و محیط روستا**، شماره ۱۵۰، صص. ۳-۱۸.
۷. شفایی، مینو و رامین مدنی (۱۳۹۲)؛ «راهکارهای طراحی عرصه میانه با رویکرد جبران سازی مسکن حداقل در ایران»، **فصلنامه معماری و شهرسازی آرماتشهر**، شماره ۱۱، صص. ۱۵۳-۱۶۵.
۸. صالحی میلانی، ساسان و مریم محمدی (۱۳۸۹)؛ «اهداف و شاخص‌های تحقق پایداری فرهنگی»، **نامه معماری و شهرسازی**، دو فصلنامه دانشگاه هنر، شماره ۵، صص. ۸۱-۹۷.
۹. ضرغام فرد، مسلم، ابوالفضل مشکینی، احمد پوراحمد و بنیامین مورگانتی (۱۳۹۸)؛ «تدقیق نماگرهای مسکن شایسته از دیدگاه مکتب اسلام»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، سال نهم، شماره ۳۵، صص. ۳۳-۴۵.
۱۰. عسگری رابری، اباصلت؛ شهاب عباس‌زاده و علی اصغر آبرون (۱۳۹۴)؛ «بررسی عناصر فضایی - کالبدی تاثیرگذار بر مسکن روستایی»، **مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی**، سال چهارم شماره ۴، زمستان ۹۴، صص ۱۷۷-۱۹۳.
۱۱. عیسی‌زاده، کوثر (۱۳۹۵)؛ «تحلیل شناخت تأثیر فرهنگ بر کالبد و طراحی شهرها با تأکید بر نظریه‌های فرهنگی طراحی مجتمع‌های زیستی»، **مدیریت شهری**، شماره ۴۶، صص. ۷۱-۹۶.
۱۲. عینی‌فر، علیرضا (۱۳۸۹)؛ «گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی تهران با معیار فضای باز»، **آرماتشهر**، شماره ۵ پاییز، صص. ۳۵-۴۵.
۱۳. فیاض‌انوش، ابوالحسن و عباسعلی سنائی‌راد (۱۳۹۱)؛ «شاخص‌های کالبد و فرهنگ خانه در منابع اسلامی»، **مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی**، دانشگاه اصفهان، صص. ۳۱۵ - ۳۳۲.
۱۴. میرکتولی، جعفر و مصطفی آریان‌کیا (۱۳۹۶)؛ «بررسی مولفه‌های تاثیرگذار در شکل‌گیری کالبد مسکن شهری از دیدگاه گونه‌شناسی با تأکید بر تراکم ساختمانی و تعداد طبقات (مطالعه موردی: شهر گرگان)»، **نشریه مطالعات نواحی شهری دانشگاه شهید باهنر کرمان**، سال چهارم، شماره ۱، پیاپی ۱۰، صص. ۱۳۱-۱۴۸.
۱۵. نشاط، اکبر؛ مجید نیکایی و محمدحسین شریف‌زادگان (۱۳۹۲)؛ «پیش‌بینی مسکن کم‌درآمد با تحلیل طرف عرضه و تقاضا (مطالعه موردی: شهر دامغان)»، **فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، دوره ۴۵، شماره ۳، صص. ۱۴۷-۱۶۸.
۱۶. نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۸۷)؛ **درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی**، انتشارات شرکت طرح و نشر پیام‌سیما.
۱۷. نفی‌زاده، محمد (۱۳۸۷)؛ **شهر و معماری اسلامی**، تهران، نشر مانی.
۱۸. نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۱)؛ **مفهوم سکونت، به سوی معماری تمثیلی**، ترجمه محمود امیر یاراحمدی، تهران، آگه.
۱۹. وثیق، بهزاد و آزاده پشوتنی‌زاده (۱۳۸۸)؛ «مفهوم سکونت در آیات و روایات اسلامی»، **مسکن و محیط روستا**، شماره ۱۲۹، صص. ۵۰-۶۵.
۲۰. وثیق، بهزاد (۱۳۹۵)؛ «شناخت معماری سکونتگاه براساس آیات قرآن»، **پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: الگوی پایه پیشرفت**، تهران.

راهی برای برنامه‌دار کردن ساختارهای مجموعه‌های مسکونی باشد که با توجه به تحقیق انجام یافته، تابعی خواهد بود از عوامل و شاخص‌های فرهنگی موثر در ارتباط با مفهوم پایداری. به دیگر بیان طراح قادر خواهند بود ساختار تراکمی مجموعه‌های مسکونی را به گونه‌ای تدوین نمایند که تأثیرات منفی به حداقل برسد. شاخص‌هایی بر اساس مفاهیم کیفی در طی این پژوهش ساخته شد و مورد آزمون قرار گرفت. دستیابی به چند شاخص پاسخگو در حوزه‌های کیفی - کمی نیز از نتایج این مطالعه است. شاخص‌سازی بخش مهمی از فرایند رسیدن به مرحله‌ی کاربرد روش‌های کمی است و در این تحقیق شاخص‌های برگزیده شده در مرحله‌ی آزمون کارایی مناسبی نشان دادند. در مبحث پایداری فرهنگی یافته‌های تحقیق گویای این است که عواملی چون عدالت، امنیت و ... که در این نوشتار از مولفه‌های پایداری فرهنگی به شمار آمده‌اند با مفهوم عملی تراکم در ارتباط است. و به همین سبب با تنظیم سیاست‌های تعیین تراکم قابل دستیابی است. به بیان دیگر، بخشی از مؤلفه‌های پایداری فرهنگی در گونه‌ها مستتر هستند. این مؤلفه‌ها می‌توانند با اصلاح تجویز تراکم فیزیکی و در نتیجه با معرفی گونه‌های حمایت‌کننده از این مفهوم، تا حدودی احیاء شده و در عمل، تأمین و تضمین گردد. نتایج این پژوهش در بررسی نمونه‌های موردی نیز نشان داد که گونه‌ی «بلوک‌های محیطی کم ارتفاع» بیش‌ترین و گونه‌ی «خانه‌های متصل شهری کم ارتفاع متعلق به بافت سنتی» کمترین میزان پایداری فرهنگی را نشان می‌دهند. گونه‌های «بلوک‌های منفرد با ارتفاع متوسط»، «بلوک‌های خطی با ارتفاع متوسط»، «بلوک‌های منفرد یا نقطه‌ای با ارتفاع زیاد»، «بلوک‌های منفرد کم ارتفاع» و «خانه‌های متصل شهری کم ارتفاع متعلق به بافت طراحی شده» به ترتیب نزولی بین آن دو جای می‌گیرند. وجود یک روش قابل اتکای کمی که کیفیات پایداری را در خود جای دهد و بر اساس معیارهای قابل سنجش، بایدها و نبایدها را برای طراح و برنامه‌ریز مشخص کند، موجب می‌گردد تا در تعیین و تجویز سیاست‌های ساخت و ساز از اعمال سلیقه‌های فردی و موقتی، که درستی یا نادرستی آن قابل اثبات نیست، پرهیز گردد.

فهرست منابع و مراجع

۱. اخوت، هانیه (۱۳۹۱)؛ «بازشناسی مولفه‌های هویتی مسکن سنتی براساس آیات قرآن و روایات ائمه معصومین»، **دوفصلنامه پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن**، دوره ۳، شماره ۲، صص ۶۷ - ۸۶.
۲. اخوت، هانیه؛ نینا الماسی فر و محمدرضا بمانیان (۱۳۸۹)؛ **معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی**، تهران، انتشارات هله.
۳. امین‌پور، احمد؛ رامین مدنی؛ حامد حیاتی و محمدعلی دلداده (۱۳۹۴)؛ «بازشناسی مفاهیم مسکن و سکونت بر اساس آموزه‌های اسلامی»، **فصلنامه مدیریت شهری**، شماره ۴۰، صص. ۴۷-۶۰.
۴. حجتی، نگین و مرجان نعمتی‌مهر (۱۳۹۶)؛ «کاربست برنامه‌ریزی فرهنگی در شهر جدید هشتگرد»، **صفه**، دوره ۲۷، ش. ۷۷، صص ۷۹-۹۸.

21. Alexander, E.R. (1993); "Density measures: a review and analysis", **Journal of Architecture and Planning Research**, 10(3), pp. 181-202.
22. Ayyildiz, Sonay, F. Erturk, S. Durak and A. Dulger (2017); "Importance of Typological Analysis in Architecture for Cultural Continuity...", **IOP Conference Series: Materials Science and Engineering**, vol. 245, issue 7, (072033), pp. 1-15.
23. Beatley, Timothy and Kristy Manning (1997); "The Ecology of Place; Planning for Environment, Economy and Community", **Island Press**, Washington D.C.
24. Berghauser Pont, M. and Haupt, P. (2009); **Space Density and Urban Form**, Published Ph.D. Thesis, Netherlands, Technical University of Delft, Faculty of Architecture, Department of Urbanism.
25. Berghauser Pont, Meta and Haupt, Per (2005); "The Spacemate: Density and the Typomorphology of the urban fabric", **Nordisk Arkitektur Forskning**, 2005: 4, pp. 55-68.
26. De Mauro, Tullio (1985); **Tipologia**, Casabella, 509-510, pp. 88-91.
27. Forsyth A. (2003); **Measuring density: Working definitions for residential density and building density**" Design Brief ,8, Design Center for American Urban Landscape, University of Minnesota.
28. Guney, Yasemin I. (2007); **Type and typology in architectural discourse**, BAÜ FBE (9) (1), pp. 3-18.
29. Hawkes, J (2001); **The Fourth Pillar of Sustainability: Cultures Essential Role in Public Planning**. Melbourne: Common Ground.
30. Mercer, Colin (2006); **Cultural Planning for Urban Development and Creative Cities**, in Shanghai Cultural Planning Paper doc.
31. Postalci, Ikbal Ece and Guldehan Fatma Atay (2019); "Rethinking on Cultural Sustainability in Architecture...", **Sustainability(journal)**, 2019,11,1069
32. Prescott, Allen, R., (1995); **Assessing rural sustainability**, International Union for Conservation of Nature and Natural Resources - World Conservation Union; London
33. Stevenson, Debora (2003); **Cities and Urban Cultures**, Open University Press.

بررسی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی در بافت فرسوده شهرها مطالعه موردی: بافت فرسوده شهر تهران

احمد حیدری^۱، حمیدرضا جودکی^{۲*} (نویسنده مسئول)

^۱ دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
^۲ استادیار گروه برنامه‌ریزی شهری، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۰۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۱/۲۵)

چکیده

ایجاد امکانات جدید شهری نیازمند مطالعه دقیق در زمینه نحوه استقرار صحیح این امکانات در مناطق مختلف یک شهر است. از میان کاربری‌ها و خدمات موجود در شهر، توزیع مکان‌یابی بهینه‌ی ایستگاه‌های آتش‌نشانی به دلیل اهمیت و توجه روز افزون به امر ایمنی در شهر و آرایه‌ی تمهیداتی در زمینه پیشگیری و مقابله با آتش‌سوزی و حادثه از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. در بافت فرسوده و قدیمی به دلیل تامین دسترسی مناسب و حداقل زمان استاندارد رسیدن به محل حریق و به طور کلی تامین ایمنی شهری احداث ایستگاه‌های آتش‌نشانی از اهمیت دوچندان برخوردار است. هدف اصلی تحقیق بررسی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر مکان‌یابی بهینه به منظور تاسیس ایستگاه‌های آتش در بافت فرسوده شهر تهران می‌باشد. در این پژوهش ابتدا با بررسی و شناسایی عوامل مؤثر در مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی در بافت فرسوده با استفاده از روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی که یک روش تصمیم‌گیری چندمعیاره است پرداخته سپس معیارها و زیر معیارها عوامل مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی را وزن دهی و اولویت‌بندی آنها نموده است. نتایج حاصله نشان می‌دهد که از بین عوامل مهم دسترسی، تراکم جمعیت، مجاورت و مخاطرات محیطی عامل دسترسی با ۴۷٪ بیشترین وزن را در مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی در بافت فرسوده شهر تهران به خود اختصاص داده است.

واژگان کلیدی: مکان‌یابی، ایستگاه آتش‌نشانی، فرآیند الگوی پراکنش، بافت فرسوده، شهر تهران.

شهر تهران به علت وجود گستره قابل توجه بافت فرسوده و قدیمی در زمینه ارائه خدمات مربوط به ایستگاه آتش‌نشانی در برخی مناطق شهر دچار نارسایی می‌باشد. در این تحقیق به بررسی عوامل مؤثر در ایجاد این نارسایی‌ها و تدوین عوامل و معیارها در بهینه‌سازی مکانی ایستگاه‌های آتش‌نشانی در بافت فرسوده و قدیم شهر تهران می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

مکان‌یابی زمین محل آتش‌نشانی در محدوده شهری در قالب طرح‌های مطالعاتی مفصل و با در نظر گرفتن پارامترهای متعدد توسط مدیریت ایمنی شهر در سال‌های اخیر انجام می‌شود. تلاش‌های علمی جدی به منظور بررسی وضعیت خدمات آتش‌نشانی در سطح شهرها انجام گرفته است. در تمام پژوهش‌های مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی در بافت فرسوده تأکید اصلی بر معیارهایی چون دسترسی، مرکزیت و کاربری‌های اطراف بوده است. کیفیت شبکه و مدت زمان مورد نیاز به منظور رسیدن آتش‌نشانی به محل حادثه به خصوص در بافت فرسوده و قدیمی و در صورت احتمال اختلال در شبکه ارتباطی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. تحقیقات صورت گرفته بیشتر در زمینه انتخاب مکان و ارزیابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی به همراه خدمات ارائه شده از سوی آن‌ها می‌باشد. اولین مطالعات ایستگاه‌های آتش‌نشانی در مورد محل ایستگاه‌های آتش‌نشانی به مطالعات والینسکایا بر می‌گردد، که در آن پیشنهاد شده است که راه حل بهینه کاهش تلفات کلی آتش‌سوزی و هزینه ارائه خدمات در کمترین حد ممکن است، انتخاب مناسب سایت ایستگاه‌های آتش‌نشانی می‌تواند فاصله بین آنها را کاهش دهد و همپوشانی خدمات ایستگاه‌های آتش‌نشانی برای بهبود استفاده مؤثر از منابع به حداقل برساند و می‌تواند تعداد مناسب ایستگاه‌های آتش‌نشانی را در یک منطقه تعیین کند. (Davoodi and Mesgari, 2018, 433)

در این زمینه می‌توان به تحقیقات زیر اشاره نمود:

هان لون و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی تحت عنوان بررسی مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی با استفاده از GIS و AHP در استان سورات تانی تایلند به این نتایج رسیدند که معیارهای دسترسی به خیابان، تمرکز جمعیت، بافت فرسوده، نزدیکی به مراکز دارای تقاضای زیاد به آتش‌نشانی برای مکان‌یابی این ایستگاه مناسب هستند. فلیپ چوالیر و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیقی تحت عنوان مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی با رویکرد جامع در بلژیک به این نتیجه رسیدند که معیارهای مناسب برای مکان‌یابی واقعیت‌های فضایی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است و در نهایت مکان‌های مناسب انتخاب گردید. آلن موری (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان بهینه‌سازی مکان فضایی ایستگاه‌های آتش‌نشانی در کالیفرنیا به این نتیجه رسید که برای مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی جدید برنامه‌ریزی راهبردی مناسب است و با ابزار بافر توانست توزیع ایستگاه‌های جدید را

برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری فرآیندی است که طی آن نحوه استفاده از زمین مشخص می‌شود و هدف آن این است که میزان رفاه اجتماعی را با توجه به محدودیت‌ها افزایش دهد و بیشترین فایده و کمترین هزینه را عاید جامعه کند (حیبی و نظری، ۱۳۸۶). بدین منظور توزیع بهینه‌ی کاربری‌ها و مراکز خدماتی مسأله‌ای است که اغلب اوقات برنامه‌ریزان با آن سروکار دارند. چراکه به دلیل رشد پرشتاب جمعیت و کالبد شهرها، مشکلاتی مانند کمبود و عدم توازن فضایی مناسب کاربری‌ها به وجود آمده است. (Ahadnejad, 2007: 1) در این میان، تجهیزات و تأسیسات پایه و اساس سکونت‌گاه‌های شهری را تشکیل داده و کمبود و نقص آن‌ها مشکلاتی را برای شهروندان به وجود می‌آورد اعتبار و اهمیت هر شهر بسته به این خدمات و تأسیسات دارد هر چه ارائه این خدمات بهتر باشد زندگی در آن راحت‌تر و هزینه زندگی در آن برای شهروندان کمتر خواهد بود (رامشت و عامری، ۱۳۹۰) در این راستا مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی به عنوان مکانی جهت استقرار و انتظار خودروهای آتش‌نشانی و امداد، از جمله مراکز مهم و حیاتی خدمات‌رسانی در شهرها هستند که نقش مهمی در تأمین ایمنی و آسایش شهروندان و توسعه‌ی اقتصادی شهرها ایفا می‌نمایند (مهندسین مشاور عرصه، ۱۳۷۸) زمان رسیدن به محل حریق و حادثه یکی از مهمترین پارامترها در مقوله آتش‌نشانی می‌باشد. در این بین در بافت فرسوده و قدیمی شهری که دارای تراکم زیادی نیز می‌باشد عمدتاً محدودیت‌های زیادی برای احداث ایستگاه آتش‌نشانی وجود دارد. عملکرد ایستگاه‌های آتش‌نشانی به علت ماهیت سیستماتیک آن تحت تأثیر کنترل ساختار شهرها از نظر وجود موانع و محدودیت‌های شهری و نیروهای ایجادکننده تأخیرات زمانی قرار دارد.

کشور ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه از رشد بالایی در رابطه با نسبت جمعیت شهری و همچنین تعداد شهرها برخوردار است. بگونه‌ای که طبق آمار سال ۱۳۹۵ نسبت جمعیت شهرنشین به ۷۱/۴٪ جمعیت و تعداد نقاط شهری به بیش از ۱۳۰۰ نقطه شهری افزایش یافته است. این رشد بیانگر ضرورت توجه به زندگی شهرنشینان و بررسی و شناخت مشکلات آنان است. کلانشهر تهران با جمعیتی در حدود ۸ میلیون نفر که در طول روز به ۱۱ میلیون نفر می‌رسد حدود ۱۱ درصد جمعیت کل کشور را در خود جای داده است. افزایش ساخت و ساز، ایجاد اسکان غیررسمی و تمرکز فقر در حاشیه شهر تهران باعث تشکیل محیطی نامتعارف در آن شده است. یکی از جنبه‌های مهم در شهر تهران که هم علت و هم معلول بسیاری از معضلات شهری است بافت فرسوده شهر می‌باشد. بافت فرسوده شهر تهران با شرایط ریزدانی، ناپایداری سازه‌ای و نفوذناپذیری جمعیت بالغ بر ۱/۵ میلیون نفر را در خود جای داده است. ناپایداری سازه‌های مهم‌ترین شاخص در بافت فرسوده شهر تهران از جهت تأمین ایمنی در زمان بروز بحران می‌باشد که ۱۵۰۰۰ هکتار بافت ناپایدار شهری را در بر می‌گیرد.

بررسی کند. نظریان، یاری و کرمی نژاد (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان مکان‌یابی بهینه ایستگاه‌های آتش‌نشانی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی در شهر کرمانشاه به این نتیجه رسیدند که ایستگاه‌های موجود شهر را بطور کامل پوشش نمی‌دهد و مکان‌های بهینه استقرار پیشنهاد شد (یوکل و سلمان، ۲۰۱۵). موضوع مکان‌یابی زیرساخت‌های اضطراری شهری را در صورت فروپاشی در شهر بررسی کردند. تصمیمات مؤثر در مورد مکان زیرساخت‌های اضطراری، برای این منظور و با فرض خرابی یک شبکه (خیابان) به لبه‌های مجاور آسیب می‌رساند که در برابر آسیب‌های سازه‌ای نیز آسیب‌پذیرتر هستند، بنا بر این به منظور سهولت در انتقال پس از حادثه، کوتاه‌ترین مسیر امداد رسانی استفاده شده است که حداکثر پوشش تقاضای مورد انتظار را با فاصله‌ای واضح در کل شبکه داشته باشد. ون دن برگ و همکاران (۲۰۱۷) با همکاری آتش‌نشانی آمستردام در هلند محاسباتی را ارائه دادند. مدل برنامه‌ریزی برای تعیین مکان‌های بهینه ایستگاه‌های اصلی و توزیع بهینه آتش‌نشانی در این ایستگاه‌ها، تجزیه و تحلیل گسترده‌ای از مجموعه گسترده‌ای از داده‌ها از سازمان آتش‌نشانی آمستردام نشان می‌دهد که فقط با جابجایی سه پایگاه از مکان‌های فعلی، بیش از ۵۰٪ از تأخیرهای سازمان آتش‌نشانی می‌تواند باشد. اجزاء شکوهمی، شایان و درودی (۱۳۹۳) در پژوهشی مکان‌یابی بهینه ایستگاه‌های آتش‌نشانی در شهر مشهد به این نتیجه رسیدند که مکان فعلی ایستگاه‌ها از لحاظ خدمات‌رسانی مناسب نبوده و ۲۸ ایستگاه جدید مکان‌یابی شد. قدس و کامیابی (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان استفاده از تکنیک AHP در محیط GIS برای مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی در شهر سمنان به این نتیجه رسیدند که AHP برای مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی مفید است و حداقل ۴ ایستگاه آتش‌نشانی جدید مورد نیاز است. حیدری و رستمی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان ارزیابی و ارائه الگوی بهینه مکان‌یابی به منظور تأسیس ایستگاه‌های آتش‌نشانی در شهر کرمانشاه نتایج نشانگر این بود که مدل تلفیقی GIS و AHP برای مکان‌یابی کاملاً مناسب بوده و در قسمت‌های شرق و شمال شرقی شهر کرمانشاه برای احداث ایستگاه‌های جدید ارزیابی شد. نظریان، یاری و کرمی نژاد (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان مکان‌یابی بهینه ایستگاه‌های آتش‌نشانی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی در شهر کرمانشاه به این نتیجه رسیدند که ایستگاه‌های موجود شهر را بطور کامل پوشش نمی‌دهد و مکان‌های بهینه استقرار پیشنهاد شد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

سیاست کلی ایجاد ایستگاه‌های آتش‌نشانی در ایران سیاستی بدون برنامه خاص و مدون بوده است به گونه‌ای که برای ایجاد هر ایستگاه آتش‌نشانی در محدوده‌های شهری مهمترین اصل خالی بودن زمین، بدون مالک بودن آن یا مواردی از این قبیل

بوده است. این موضوع بر مکان‌یابی کل ایستگاه‌ها در سطح شهر تأثیرگذار بوده است. بخش زیادی از مناطق شهر تهران با وجود تراکم جمعیتی بالا و داشتن کاربری‌های حساس همانند کاربری صنعتی، تجاری و غیره خارج از محدوده عملیاتی ایستگاه‌های موجود بوده که دلیل آن کمبود تعداد ایستگاه‌های آتش‌نشانی به اندازه کافی برای پوشش دادن کل فضای مناطق است.

فرسودگی در پهنه وسیعی از سطح تهران امروزه از معضلات جدی پایتخت تلقی می‌گردد. جدیت آن از این روست که وقوع زمین لرزه در تهران گریزناپذیر بوده و نقطه اصلی آن هم در بافت فرسوده شهری خواهد بود. بررسی و شناسایی مکان‌های استقرار ایستگاه‌های آتش‌نشانی علاوه بر کاهش تلفات و خسارات آینده ناشی از زلزله کمک مآثری به مقابله با آتش‌سوزی و تأمین ایمنی شهروندان در این بافت می‌نماید.

با عنایت به لزوم استقرار ایستگاه‌های آتش‌نشانی به صورت منطقی در سطح مناطق و بافت فرسوده شهر تهران در این تحقیق سعی شده با بررسی و رتبه‌بندی معیارهای مؤثر در مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی جهت مکان‌گزینی بهینه ایستگاه‌ها وسیله موجبات کارایی بیشتر سیستم با هزینه اجرایی کمتر و مهار کامل آتش در کوتاه‌ترین زمان ممکن فراهم گردد.

روش تحقیق

این تحقیق با توجه به دیدگاه کارکردگرایی، ترکیبی صحیح از کاربری‌ها و فعالیت‌ها را با تأکید بر کاربری خدمات شهری (به ویژه ایستگاه‌های آتش‌نشانی) ارائه کرده تا با شناخت عوامل مهم مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی در بافت فرسوده، امکان ساخت و توسعه کالبدی-فضایی ایستگاه‌های آتش‌نشانی را از سوی برنامه‌ریزان و مدیران شهری برای ارائه خدمات بهتر فراهم سازد. با توجه به هدف اصلی تحقیق از روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده است. برای شناسایی عوامل مؤثر در مکان‌یابی بهینه ایستگاه‌های آتش‌نشانی از روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی استفاده شده و سپس معیارهای مناسب مکان‌یابی در بافت فرسوده وزن‌دهی و اولویت‌بندی شده‌اند. با توجه به ماهیت موضوع از روش تحقیق کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. در مطالعات کتابخانه‌ای، اطلاعات و داده‌ها از طریق دستورالعمل‌های مکان‌یابی خدمات شهری (آتش‌نشانی) و مقالات علمی محققین و تجربیات جهانی شاخص‌های لازم جمع‌آوری و سپس با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی اقدام به مقایسه زوجی آنها شده است. در این زمینه جامعه آماری پرسش‌شوندگان شامل کارشناسان در زمینه شهرسازی و بافت فرسوده مشتمل بر ۱۰۰ نفر بود که با توجه به فرمول کوکران و سطح اطمینان ۹۵ درصد ۷۵ نفر پرسشنامه ارائه شد. تکنیکی که در این پژوهش جهت ارزیابی اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد مدل فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) است. فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی با شناسایی و اولویت‌بندی عناصر تصمیم‌گیری شروع می‌شود. این عناصر

مکان‌یابی مناسب وقتی صورت می‌پذیرد که یک ارزیابی دقیق، همگون و سریع از جذابیت مکان‌های مختلف برای کاربری خاص وجود داشته باشد (دستجردی، ۱۳۷۹: ۳۴).

شاخص‌های مکان‌یابی به خدمات و مشخصات آن‌ها بستگی دارند که آن‌ها مطابق با مراحل مختلف می‌توانند در فرایند تصمیم‌گیری تغییر کنند. شاخص‌های اصلی مکان‌گزینی در جدول ۱ فهرست شده‌اند. نقش آن‌ها در بخش خصوصی (مکان‌یابی مؤسسه) یا بخش عمومی (مکان‌یابی خدمات) تفاوت دارد. در حالت پیچیده فرایند مکان‌یابی مراحل تصمیم‌بندین ترتیب خواهند بود: انتخاب ناحیه مکان، سپس انتخاب محلی در آن ناحیه، در نهایت انتخاب نقطه خاص در داخل آن محل در هر کدام از این مراحل ممکن است تا شاخص‌های معین وابسته به نوع تسهیلات خدماتی که مستقر خواهند شد غالب باشد (پرهیزگار، ۱۳۸۳).

جدول شماره ۱: شاخص‌های اصلی مکان‌یابی

شاخص‌های مرتبط با هزینه‌ها	شاخص‌های مرتبط با تقاضا	شاخص‌های محلی و منطقه‌ای	شاخص‌های غیر اقتصادی
هزینه حمل و نقل	نواحی بازار	تسهیلات بیرونی	مشخصات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی
توزیع نیروی کار	توزیع فضایی تقاضا	دسترسی مالی در نواحی	شرایط و محدودیت‌های حقوقی - قضایی
مکان عرضه منابع	شبکه توزیع	عرضه انرژی	-
انگیزش سیستم‌های مالیاتی	-	دسترسی به زمین و غیره	-

مأخذ: پرهیزگار، ۱۳۷۶

بر اساس استاندارد جهانی مدت زمان رسیدن خودروهای آتش‌نشانی به محل وقوع حریق ۳ دقیقه می‌باشد که این زمان در ایران برابر ۵ دقیقه است. برای دستیابی به استاندارد ۳-۵ دقیقه باید محدوده حوزه استحفاظی ایستگاه‌ها را ۳۰ کیلومتر - کاهش داد. در نتیجه با سرعت بین ۴۰ در ساعت، خودروهای امدادی در هر دقیقه بین ۶۷۰ تا ۵۰۰ متر را طی می‌کنند که با احتساب هدر رفتن یک دقیقه برای رسیدن پیام آتش‌سوزی به ایستگاه و خروج ماشین‌ها از ایستگاه در ۴ دقیقه باقیمانده، نیروهای آتش‌نشانی فاصله‌ای به طول ۲ تا ۲/۷ کیلومتر را پوشش می‌دهند (پرهیزگار، ۱۳۸۳).

موجودیت شهرها عموماً با سرویس دهی و ارائه خدمات به ساکنان در محدوده قانونی و حریم شهرها آمیخته است و ایستگاه‌های آتش‌نشانی به عنوان مکان‌هایی برای استقرار و انتظار خودروهای آتش‌نشانی و نجات، از جمله مراکز مهم و حیاتی خدمات‌رسانی در شهرها هستند که بهره‌وری از سرمایه‌گذاری‌ها را افزایش می‌دهند. در حال حاضر در شهرهای کشور، توزیع تأسیسات و تجهیزات و منجمله ایستگاه‌های آتش‌نشانی، معمولاً مبتنی بر احساس نیاز مندی به ارائه اینگونه تسهیلات

شامل: اهداف، معیارها یا مشخصه‌ها، زیرمعیارها و گزینه‌های احتمالی می‌شود که در اولویت‌بندی به کار گرفته می‌شوند. بنا بر این اولین قدم در فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی ایجاد ساختار سلسله‌مراتبی از موضوع مورد بررسی است که در آن اهداف، معیارها، زیرمعیارها و گزینه‌ها و ارتباط بین آنها را نشان می‌دهد. چهار مرحله بعد در تحلیل سلسله‌مراتبی محاسبه وزن (ضریب اهمیت)، معیارها و (زیرمعیارها در صورت وجود)، محاسبه وزن (ضریب اهمیت) گزینه‌ها، محاسبه امتیاز نهایی گزینه‌ها و مرحله آخر بررسی سازگاری منطقی قضاوت را شامل می‌شود.

مبانی نظری پژوهش

۱- بافت فرسوده شهری

بافت فرسوده شهری به عرصه‌هایی از محدوده قانونی شهرها اطلاق می‌شود که بدلیل فرسودگی کالبدی، عدم برخورداری مناسب از دسترسی سواره، تأسیسات، خدمات و زیرساخت‌های شهری آسیب‌پذیر می‌باشد. (طحانی و همکاران، ۱۳۹۸، ۵۷) شورای عالی شهرسازی و معماری ایران سه ویژگی زیر را بنای شناسایی بافت‌های فرسوده شهری تعیین کرده است:

۱- ناپایداری: بلوک ناپایدار بلوکی است که حداقل ۵۰ درصد از بناهای آن غیرمقاوم باشد که بدلیل فقدان سیستم سازه‌ای مناسب و عدم رعایت موازین فنی است ۲- نفوذناپذیری: بلوک نفوذناپذیر بلوکی است که حداقل ۵۰ درصد معیار آن دارای عرض کمتر از ۶ متر باشد و معرف عدم دسترسی مناسب و معابر با عرض کافی برای سواره است. ۳- ریزدانگی: بلوک ریزدانه به بلوکی گفته می‌شود که حداقل ۵۰ درصد طبقات (پلاک‌های) آن دارای مساحتی کمتر از ۲۰۰ مترمربع است که معرف فشردگی بافت در کثرت قطعات کوچک با مساحت اندک است (شاهینی فروهمکاران، ۱۳۹۹، ۱۵۸).

۲- ایستگاه‌های آتش‌نشانی

ایستگاه‌های آتش‌نشانی از جمله مراکز مهم و حیاتی خدمات‌رسانی در شهرها هستند که نقش مهمی در تأمین ایمنی و آسایش شهروندان و توسعه شهرها دارند. بدیهی است خدمات‌رسانی به موقع ایستگاه‌های آتش‌نشانی بیش از هر چیزی مستلزم استقرار آن‌ها در مکان‌های مناسب است که بتوانند در اسرع وقت و بدون مواجه شدن با موانع و محدودیت‌های محیط شهری از یک سو و با ایجاد کمترین آثار منفی بر ساکنان شهر از سوی دیگر به محل حادثه برسند و اقدامات امداد را به انجام برسانند. (شیری و شمس، ۱۳۹۵، ۱۱۷)

۳- مکان‌یابی ایستگاه آتش‌نشانی

مکان‌یابی فعالیتی است که قابلیت‌ها و توانایی‌های یک منطقه را از لحاظ وجود زمین مناسب و کافی برای کاربرد خاص را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. مکان‌یابی فرایند تصمیم‌گیری با دوره زمانی طولانی است زیرا تعداد زیادی از شاخص‌های موجود باید آزمایش شود و نتیجه تصمیمات ارزیابی گردند.

توسط ارگان‌های مختلف و از جمله شهرداری‌ها و بر حسب درخواست ساکنان محل و نیز اراضی پیش‌بینی شده برای کاربری تأسیسات و تجهیزات شهری در طرح‌های توسعه شهری مصوب انجام می‌شود و در هر موقعیتی که مناسب تشخیص داده شوند. تسهیلات مربوطه مستقر می‌گردند. با عنایت به لزوم استقرار ایستگاه‌های آتش‌نشانی به صورت منطقی در سطح شهرها نیاز به توزیع مناسب این ایستگاه‌ها و توسعه آنها بر اثر گسترش شهرها، مجموعه اصول و ضوابط مکان‌یابی جهت سازماندهی چگونگی توزیع ایستگاه‌های آتش‌نشانی در شهرهای کشور به شرح این آئین کار تدوین گردیده است که مبتنی بر نظام تقسیم‌بندی سلسله مراتب خدمات شهری در سطح شهر / منطقه / ناحیه / محله بوده و اساس آن بر تعادل بخشی استقرار ایستگاه‌های آتش‌نشانی است تا بدین وسیله موجبات کارآیی بیشتر سیستم با هزینه اجرایی کمتر و مهار کامل آتش در کوتاه‌ترین زمان ممکن فراهم گردد. (استاندارد ۶۴۳۰ ایران) استقرار هر عنصر شهری در موقعیت فضایی - کالبدی خاصی از سطح شهر، تابع اصول و قواعد و ساز و کار (مکانیسم)‌های خاصی است که در صورت رعایت شدن به موفقیت و کارایی عملکردی آن عنصر در همان مکان مشخص، خواهد انجامید و در غیر این صورت چه بسا مشکلاتی بروز کند (شهبان، ۱۳۷۶). سیاست کلی ایجاد ایستگاه‌های آتش‌نشانی در ایران سیاستی بدون برنامه خاص و مدون بوده است به گونه‌ای که برای ایجاد هر ایستگاه در محدوده‌های شهری مهمترین اصل، خالی بودن زمین، بدون مالک بودن آن و یا عوامل دیگری است که به موجب آنها بایستی زمین ارزشی نداشته باشد که این امر بر مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی در سطح شهرها تأثیرگذار بوده است (ایمانی جاجرمی، ۱۳۷۵).

۴- عوامل مؤثر در مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی در بافت فرسوده شهری

الگوی توزیع و مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی در شهرها از جمله مباحث مهم مربوطه به تسهیلات شهری هستند که به شدت تحت تأثیر تراکم جمعیت و کاربری اراضی، میزان متوسط آتش‌سوزی، ابعاد و شدت آتش‌سوزی و متوسط خسارت‌های وارد شده در نقاط مختلف قرار دارند. لذا برنامه‌ریزان شهری با پیاده کردن مشخصات مهار ایده کامل، بر روی نقشه می‌کشند تا الگوی مناسبی جهت توزیع ایستگاه‌های آتش‌نشانی ارائه نمایند. مطالعات انجام‌یافته حاکی از آن است که در طبقه‌بندی عوامل مؤثر در مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی در بافت فرسوده شهری ۷ عامل دخالت دارند که عبارتند از: ملاحظات ژئوتکنیکی، دسترسی، شعاع عملکرد مفید، جمعیت، جهت توسعه شهر، همجواری و کاربری، اندازه قطعه زمین، همانگونه که عناوین هفت‌گانه فوق بر می‌آید خدمات آتش‌نشانی بعنوان خدمات فرامحلی محسوب شده و قابل استقرار در مراکز نواحی شهری، مناطق شهری و حوزه‌های شهری می‌باشند. (استاندارد ۶۴۳۰ ایران) شهر تهران با جمعیت ۸۲۴۴۵۳۵ نفر (مرکز آمار)

با توجه به استاندارد جهانی باید دارای حدوداً ۱۳۵ ایستگاه در سطح شهر باشد. در این زمینه به منظور طراحی و ایجاد ایستگاه‌های آتش‌نشانی، یک متد تحلیلی و تکرار شونده توسط هلی ارائه گردید. مراحل اجرای این متد عبارتند از: ۱- تعریف مناطق تحت پوشش ارائه خدمات توسط هر ایستگاه، ۲- معرفی بهترین مکان هر ایستگاه آتش‌نشانی در منطقه تحت پوشش ۳- بهینه‌سازی مناطق ایستگاه‌ها. در نظر گرفتن مسأله‌ی مکان‌یابی به عنوان یک مسأله‌ی چندمعیاره ابتدا توسط بدری و همکاران مطرح شد (Badri et al, 1988) که با ارائه‌ی یک مدل بر اساس زمان سفر از ایستگاه تا نقطه‌ی حادثه دیده به جای مسافت، با ارائه‌ی ۱۱ فاکتور مؤثر بر مکان‌یابی مراکز آتش‌نشانی نواقص مدل قبلی را پوشش دادند. برای دسترسی بهتر به حوزه خدماتی از مکان‌یابی ایستگاه‌ها در کنار یا موازی، و نیز محلی پرهیز گردد. زیرا ناپیوستگی خیابان‌های محلی و دسترسی محدود خیابان‌های یکطرفه امکان استقرار و حوزه خدماتی ایستگاه‌ها را تقلیل می‌دهد ولیکن چنانچه استقرار ایستگاه‌ها در کنار معابر محله‌ای اجتناب‌ناپذیر باشد بگونه‌ای این مکان‌یابی انجام پذیرد که امکان ارتباط مستقیم به یک مسیر اصلی (شبکه درجه ۱ یا ۲) وجود داشته باشد. برای سهولت ورود به جریان ترافیکی از مکان‌یابی ایستگاه‌ها در مکان‌های نزدیک به تقاطع‌ها پرهیز گردد تا به هنگام ایجاد ترافیک در پشت چراغ قرمز، مانعی از حیث خروج ماشین‌آلات آتش‌نشانی از ایستگاه وجود نداشته باشد. رعایت حداقل فاصله ۶۰ متر از اولین چهارراه ضروری است.

کاربری‌های مختلف آسیب‌پذیری‌های متفاوتی در مقابل آتش‌سوزی دارند. کاربری‌های مسکونی همیشه بیشترین آسیب‌پذیری را در مقابل حوادث آتش‌سوزی داشته‌اند. کاربری‌های تجاری و تولیدی بعد از کاربری مسکونی به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این امتیازات به عنوان ارزش‌های هر کاربری در وزن‌دهی آنها در مکان‌گزینی ایستگاه‌ها به کار گرفته خواهند شد و یکی از با اهمیت‌ترین معیارها در تعیین محل استقرار ایستگاه‌ها می‌باشد. در مورد کاربری‌های تجاری، تولیدی به علت وجود مواد قابل اشتعال معمولاً بیش از سایر کاربری‌ها در معرض خطر آتش‌سوزی قرار دارند. قرارگیری کاربری‌های خدمات شهری مثل بیمارستان‌ها، مدارس و ادارات دولتی همگی از مجموعه کاربری‌هایی خواهد بود که در ساعاتی از روز با پیک ترافیکی روبه‌رو هستند. بنا بر این برای مجاورت ایستگاه با چنین کاربری‌هایی باید محدودیت‌های فاصله‌ای قائل شد (پرهیزگار، ۱۳۸۳).

۵- مکان‌یابی تأثیرگذار در طراحی ایستگاه آتش‌نشانی در بافت فرسوده شهری

پس از مکان‌یابی صحیح ایستگاه، مورد بعدی در طراحی نگرش راهبردی است که بخش‌های مختلف عملیاتی ایستگاه به صورت مجتمع و در مجاورت یکدیگر پیش‌بینی شوند تا دو عامل مؤثر زمانی دسترسی به وسایل نقلیه عملیاتی و زمان اعزام به مأموریت به حداقل زمان ممکن کاهش یابد. در طراحی ایستگاه

دیگر کدها (NFPA 1971, 1500, 1470, 1975, 600, 1000, 1851) عوامل و معیارهای مؤثر در مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول ۲: عوامل و معیارهای مؤثر در مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی

معیار	ویژگی
دسترسی	ایستگاه‌های آتش‌نشانی برای سهولت ورود به جریان ترافیکی در کنار یا موازی با شبکه معابر شریانی اصلی درجه ۲ تعیین گردد. لذا در حد امکان نبش یا مجاور چهارراه‌ها و میدان‌های کوچک که گره ترافیکی ایجاد می‌کنند و سبب کندی حرکت می‌گردند انتخاب نشوند.
شعاع عملکردی مفید	باتوجه به ضرورت دسترسی به محل حریق در کم‌ترین زمان ممکن و در نظر گرفتن سرعت متوسط ۴۰ کیلومتر در ساعت منطقه عملکردی و استحقاقی هر ایستگاه حداکثر می‌بایست در شعاع ۲۰۰۰ متری در نظر گرفته شود. اصل دسترسی با فاصله زمانی ۳ تا ۵ دقیقه عامل تعیین‌کننده به شمار می‌آید.
جمعیت	به ازای هر ۵۰۰۰ نفر احداث حداقل یک مرکز ایستگاه آتش‌نشانی ضروری است.
شعاع ترافیک	عواملی چون عرض خیابان، کیفیت و حجم ترافیک، یک طرفه بودن خیابان‌ها و غیره در چگونگی محل استقرار ایستگاه‌ها مؤثرند. قرارگیری ایستگاه‌ها در مجاورت بزرگراه‌ها و خیابان‌های اصلی از عوامل مثبت مکان‌یابی خواهد بود.
کاربری اراضی	کاربری‌های مسکونی بیشترین آسیب‌پذیری را در مقابل حوادث آتش‌سوزی دارند. کاربری‌های تجاری و صنعتی و تولیدی به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند تراکم جمعیت و شبکه حمل و نقل شهری در رتبه‌های بعدی قرار دارند.
پتانسیل خطر	بررسی پتانسیل و ریسک خطر در مناطق مختلف شهری بر اساس بررسی میزان تعداد و تکرار حوادث در مناطق مختلف به مشخص شدن نقاط مختلف به مشخص شدن نقاط آسیب‌پذیر در حوادث آتش‌سوزی و مکان‌هایی با پتانسیل بالای خطر منجر خواهد شد. مکان ایستگاه باید به سمت چنین مناطقی کشش بیشتری داشته باشد.
اندازه قطعه زمین	مساحت قطعه تفکیکی در حد استاندارد برای ایستگاه‌های کوچک ۱۵۰۰ مترمربع و برای ایستگاه‌های متوسط ۳۰۰۰ مترمربع است. برای مکان‌گزینی ایستگاه‌ها در بافت متراکم شهری برای ایجاد ایستگاه کوچک حداقل ۱۰۰۰ مترمربع و برای ایستگاه‌های بزرگ (مادر) ۶۰۰۰ مترمربع است.
جهت توسعه شهر	ایستگاه‌های جدید ضروری است سمت و سوی توسعه شهر دقیقاً مورد نظر قرار گیرد و ایستگاه‌ها متناسب با جمعیت‌پذیری نواحی توسعه در ۱۰ تا ۲۰ سال آتی و تراکم‌های ساختمانی مربوط مکان‌گزینی گردند. نباید در نزدیک عوامل محدودکننده توسعه شهر مانند باغ‌ها، اراضی کشاورزی، کوه‌ها، ارتفاعات و مانند این‌ها قرار گیرد

قلمرو جغرافیایی تحقیق

شهر تهران از شمال به شهرستان شمیرانات از شرق به شهرستان دماوند، از جنوب به شهرستان‌های ورامین، ری و اسلامشهر و از غرب به شهرستان‌های شهریار و کرج محدود می‌شود. شهر

آتش‌نشانی عنصر کلیدی در نظر گرفتن مدت زمان انجام عملیات است. برای این منظور کلیه بخش‌ها باید به طریقی طراحی گردند که مدت زمان حرکت‌ها و جابجایی‌ها در قسمت‌های مختلف ایستگاه ضمن حفظ ایمنی کامل کلیه کارکنان عملیاتی به حداقل زمان ممکن کاهش یابد. بنا بر این عوامل تأثیرگذار در طراحی ایستگاه عبارتند از: اتاق اطلاعات و مخابرات، آشپزخانه، تپوپی و نور، آسایشگاه، اتاق فرمانده، اتاق سخنرانی و کلاس درس، کمد، خانه رختکن، خشک‌کن، شستشو، انبار عمومی، میله فرود، برج لوله خشک‌کن و تمرینات و محوطه تمرینات است. در بافت فرسوده با توجه به کمبود زمین باید به احداث ایستگاه آتش‌نشانی در زمینی کوچک تری ولی با کارآمدی بهینه فراهم شود.

۱. استاندارد NFPA 1901
۲. استاندارد NFPA 1906

استانداردها حداقل نیازهای ساختمان‌های ایستگاه‌های آتش‌نشانی را برای چهار مورد که بیان خواهند شد پوشش می‌دهد. ایستگاه آتش‌نشانی باید در یک مکان امن به دور از خطرات و تا حد امکان نزدیک به مرکز کنترل آتش و مکان افراد باشد.

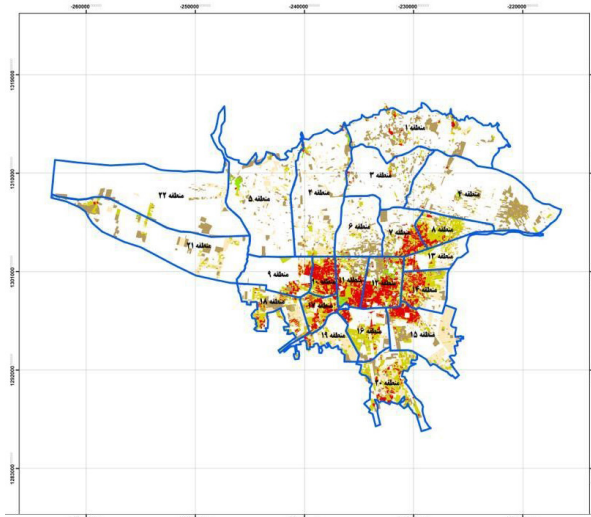
۶- انواع و اندازه‌های ایستگاه‌های آتش‌نشانی

۱. ایستگاه‌ها برای پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها و تصفیه‌خانه‌های بزرگ گاز
 ۲. ایستگاه‌ها برای موارد متوسط
 ۳. ایستگاه‌های محلی یا زیرمجموعه‌ها
 ۴. ایستگاه‌های بدون نیاز به فرد
- در این طرح ایستگاه آتش‌نشانی
۱. شامل دفترهای اداره ایمنی و آتش‌نشانی، تسهیلات آموزش مرکزی و ایستگاه آتش‌نشانی تمام وقت باشند.
 ۲. شامل دفترهای اداره ایمنی و آتش‌نشانی، تسهیلات دوره‌ای آموزش ایمنی و آتش‌نشانی و ایستگاه آتش‌نشانی می‌باشد.
 ۳. ایستگاه آتش‌نشانی تمام وقت: حضور آتش‌نشان در آن به صورت ۲۴ ساعته است.
 ۴. ایستگاه آتش‌نشانی برای PLANTهای متوسط و کوچک و به عنوان حداقل موارد زیر مورد نیاز هستند: وسایل آتش‌نشانی ثابت یا قابل حمل، یک ایستگاه آتش‌نشانی ۲۴ ساعته با پنج truck و تریلر انواع truckهای تخصصی و نفرات گروه‌های آتش‌نشان، ابعاد استاندارد خودروها و تجهیزات آشپزخانه و نحوه دسترسی بر اساس استاندارد NFPA 1901 تعیین خواهد گردید. انتخاب تجهیزات بر اساس استاندارد NFPA 1906 و تراکم‌های تخصصی شرکت‌های معتبر آتش‌نشانی همانند روزنباور و... می‌باشد.

بر همین اساس استانداردهای ایران و IPS مد نظر خواهد گرفت و در طراحی ایستگاه جهت آسایش پرسنل از اطلاعات نویفرت در بدست آوردن ابعاد انسانی و تجهیزات و کتاب (تومه، آریل ۱۳۹۱) طراحی ایستگاه‌های آتش‌نشانی همسان. تهران: نشر راه‌دان: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور استفاده خواهد گردید.



شکل شماره ۱: موقعیت شهر تهران و مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران



شکل شماره ۲: موقعیت و حجم بافت فرسوده شهر تهران

فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)

فرایند تحلیل سلسله مراتبی یکی از جامع‌ترین سیستم‌های طراحی شده برای تصمیم‌گیری با معیارهای چندگانه است و بنا به تعریف AHP عبارتست از یک روش تصمیم‌گیری که توسط آن می‌توان تصمیماتی که وابسته به معیارهای مختلف است را اتخاذ نمود. یک روش اساسی جهت آزمون مدل AHP روش

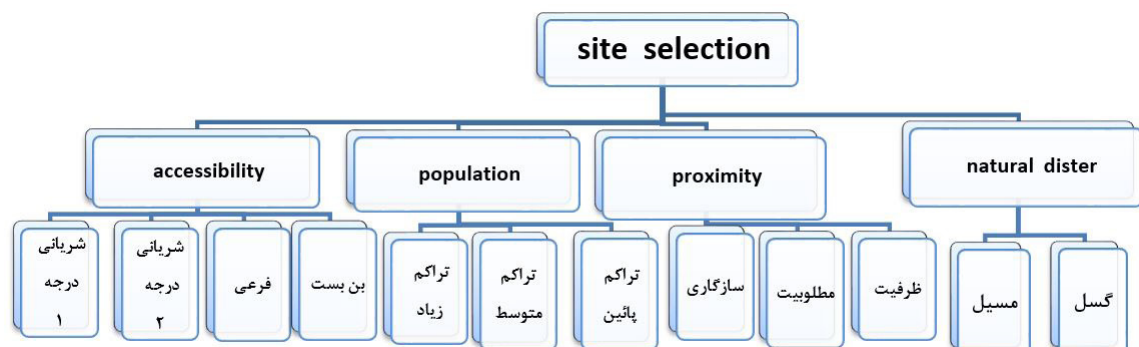
تهران به ۲۲ منطقه ۱۳۴ ناحیه و ۳۷۴ محله تقسیم شده است. وسیع‌ترین منطقه شهری تهران منطقه ۴ با ۷۳ کیلومتر مربع و پس از آن منطقه ۵ با ۵۹ کیلومتر مربع در مرتبه بعد قرار دارد و در مقابل کم‌وسعت‌ترین مناطق شهر تهران مناطق ۱۰ و ۱۷ با ۸ کیلومتر مربع هستند. جمعیت شهر تهران و مناطق ۲۲ گانه برابر با ۸۷۳۷۵۱۰ نفر است و در میان مناطق شهر تهران بیشترین جمعیت مربوط به منطقه ۴ با ۸۶۵۴۵۷ نفر و پس از آن منطقه ۵ با ۸۴۸۴۳۳ نفر بوده است و کمترین جمعیت به منطقه ۲۲ با جمعیت ۱۴۰۵۶۷ نفر اختصاص داشته است. (شکل ۱)

شهر تهران براساس شاخص‌های مصوب ۵ درصد مساحت شهر (۳۲۶۸ هکتار) بافت فرسوده است که ۱۵٪ جمعیت را در بر گرفته است. ۹۶٪ از بافت فرسوده در مناطق ۷ الی ۲۰ قرار دارند و ۸۵ درصد آن پایین خط انقلاب، آزادی و دماوند هستند. مناطق ۱۲، ۱۰، ۱۴، ۱۷ و ۱۵ به لحاظ وسعت بیشترین میزان بافت فرسوده را در شهر تهران دارند. حدود ۵۰٪ محلات شهر تهران با مشکل فرسودگی مواجه هستند.

بافت تاریخی و قدیمی شهر تهران در محدوده حصار صفوی و ناصری واقع شده است. شهر تهران از یک حصار صفوی حدود ۶۷۰ هکتار و با پیشینه و تاریخچه ۴۰۰ ساله و حصار ناصری با ۲۹۰۰ هکتار است. بافت‌های تاریخی و قدیم تهران در این حصار واقع شده است. محدوده حصار ناصری از جنوب به خیابان شوش، از غرب خیابان کارگر، از شرق به خیابان ۱۷ شهریور و از شمال به خیابان انقلاب محدود می‌شود. بیشترین بافت قدیمی در منطقه ۱۲ تهران با ۱۶۴ بنا و بیشترین حجم از بافت تاریخی و قدیمی را در خود جای داده است. منطقه ۱۲ از نظر تاریخی از اهمیت بالایی برخوردار است این منطقه بخش اصلی مرکز تاریخی شهر تهران را شامل می‌شود و ۲۷ درصد از سطح منطقه ۱۲ بیش از ۴۰۰ سال و ۷۳ درصد از بافت بیش از ۲۰۰ سال قدمت دارد. (سلطانی فر و قاسمی، ۱۳۹۷ ص ۳۲) پس از آن منطقه ۱۱ بناهای مسکونی و خدماتی عمومی با ارزش تاریخی خاص از اهمیت برخوردار است.

بحث و تحلیل یافته‌های تحقیق

در این تحقیق، جهت نیل به هدف نهایی، از مدل‌های AHP و FUZZY-AHP استفاده گردیده است که در ادامه به تشریح هر یک می‌پردازیم.



شکل شماره ۳: نمایش گرافیکی هدف، معیارها و زیرمعیارها مکان‌یابی

نتیجه جدول ۴ نشان می‌دهد تراکم بالا و سازگاری و دسترسی بیشترین وزن را به خود اختصاص داده و سایر معیارها نیز به ترتیب دارای وزن‌های متوسط و ضعیف هستند.

ج- برقراری سازگاری سیستم

یک ماتریس ممکن است سازگار یا ناسازگار باشد (اگر A دو برابر B اهمیت داشته باشد و B سه برابر C مهم باشد، چنانچه A شش برابر C اهمیت داشته باشد این قضاوت را سازگار و در غیر این صورت ناسازگار می‌گوئیم) در ماتریس سازگار، محاسبه وزن، ساده می‌باشد و با استفاده از نرمالیزه کردن تک تک ستون‌ها به دست می‌آید، در حالی که برای محاسبه‌ی وزن در ماتریس ناسازگار چندین روش ذکر گردیده است. علاوه بر محاسبه‌ی وزن در ماتریس‌های ناسازگار که قبلاً مورد بحث واقع شد، محاسبه‌ی مقدار C ناسازگاری از اهمیت بالایی برخوردار است. اگر ضریب مذکور بیشتر از ۰/۱ باشد به این معنا است که محاسبات انجام شده خطا می‌باشد و می‌بایستی که عملیات و فرآیند وزن‌دهی مجدداً انجام گیرد و در صورتی که پائین‌تر از رقم مذکور باشد، نشان‌دهنده صحت فرآیند وزن‌دهی است. در این تحقیق، با توجه به نتایج بدست آمده ضرایب، کمتر از ۰/۱ می‌باشد و نشان‌دهنده صحت و درستی فرآیند وزن‌دهی است. در مورد این پژوهش نسبت سازگاری ۰/۱ می‌باشد که مساوی ۰/۱ می‌باشد که این سطح قابل قبولی از توافق را در مقایسه دوتایی نشان می‌دهد.

الگوریتم فازی - تحلیل سلسله مراتبی (FUZZY-AHP)

اگرچه روش AHP یکی از متداول‌ترین روش‌های ارزیابی چند معیاره است که در بسیاری از مسائل تصمیم‌سازی مکانی برای گردآوری نظریات کارشناسان استفاده می‌شود. اما در AHP مرسوم شیوه تفکر و تصمیم‌گیری انسان به درستی لحاظ نمی‌شود و درجه اطمینان تصمیم‌سازان و ریسک موجود در فرآیند تصمیم‌سازی در نظر گرفته نمی‌شود. تلفیق روش AHP با منطق فازی منجر به لحاظ شدن عدم قطعیت و عدم دقت موجود در مسائل به منظور تطابق بیشتر با واقعیت می‌شود. بکارگیری روش AHP Fuzzy امکان استفاده از دیدگاه‌ها و سلاقی گوناگون و برآیند نظریات در فعالیت‌های شهری و حل مسائل مربوط به آن همراه با توجه به عدم قطعیت ذاتی موجود در نظریات را فراهم می‌کند. به همین دلیل روش AHP Fuzzy در این تحقیق بکار گرفته شد.

مقایسه‌ای دوتایی است و شامل سه گام اصلی الف- تولید ماتریس مقایسه دوتایی ب- محاسبه وزن معیارها ج- برقراری سازگاری سیستم. اولین قدم در فرآیند تحلیل سلسله مراتبی، ایجاد یک نمایش گرافیکی از مسأله می‌باشد که در آن هدف، معیارها و زیرمعیارها نشان داده می‌شود.

الف- ایجاد ماتریس مقایسه‌ای دوتایی

این مقیاس مقایسه، تصمیم‌گیرنده را قادر می‌سازد تا دانش و تجربه را به طور شهودی (حسی) متحد ساخته و تعیین کند که یک عنصر تا چند برابر بر عنصر دیگر با لحاظ معیار غالب است. این مقیاس، از نوع اعداد صحیح است. برای ایجاد ماتریس دوتایی از طریق غربال کردن که مقادیر از ۱ تا ۹ را برای تعیین میزان اولویت نسبی دو معیار به کار گرفته استفاده شده است. (جدول ۳) به این ترتیب که برای تعیین ضریب اهمیت معیارها دو به دو باهم مقایسه گردیده‌اند. برای تعیین عوامل مؤثر بر مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی و میزان اهمیت این معیارها نسبت به هم نیز از کتب، و مطالعات انجام شده در این زمینه و همچنین نظرات کارشناسان مربوطه استفاده شده است.

جدول شماره ۳: مقادیر ترجیحات برای مقایسه‌های زوجی

مقدار عددی	ترجیحات (قضاوت شفاهی)
۹	کاملاً ترجیح
۷	خیلی زیاد ترجیح
۵	خیلی ترجیح
۳	کمی ترجیح
۱	ترجیح یکسان
۸,۶,۴,۲	ترجیحات بین فواصل فوق

ب- محاسبه وزن معیارها

با توجه به جدول بالا، معیارها و زیرمعیارهای منتخب را با یکدیگر مقایسه نموده و پس از انجام مراحل زیر اوزان نهایی هر یک از آنها بدست آمده که در جدول شماره (۴) آورده شده است.

- * تشکیل ماتریس داده و اوزان معیارهای هر یک از ستون‌ها را به طور جداگانه جمع می‌نماییم.
- * هر یک از وزن‌ها را بر جمع هر ستون تقسیم می‌نماییم و ماتریس جداگانه‌ای به نام ماتریس نرمالیزه تشکیل می‌دهیم.
- * جهت بدست آوردن اوزان نهایی، میانگین ارقام هر یک از سطرهای ماتریس نرمالیزه را حساب می‌نماییم.

جدول شماره ۴: اوزان نهایی معیارهای مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی

گسل	مسئل	ظرفیت	مطلوبیت	سازگاری	تراکم پایین	تراکم متوسط	تراکم بالا	بن بست	فرعی	شرفانی درجه ۲	شرفانی درجه ۱	مخاطرات طبیعی	مجاورت	جمعیت	دسترسی	شرح
۰,۳۳۳	۰,۶۶۶	۰,۱۰۵	۰,۲۵۸	۰,۶۲۷	۰,۰۷	۰,۲۲۳	۰,۷۰۷	۰,۰۴۱	۰,۱۱۳	۰,۲۷۳	۰,۵۷۳	۰,۰۷۹	۰,۱۴	۰,۲۸	۰,۴۹۸	دسترسی

تشریح فرایند وزن دهی از طریق مدل FUZZY-AHP

- ساخت ماتریس مقایسه زوجی

در این روش ابتدا هر یک از تصمیم سازان (D_k)، مقایسه زوجی را برای معیارها (فاکتورها) شبیه روش AHP انجام می دهد. (علی محمدی، ۱۳۸۸)

$$K=1,2,\dots,p, i,j=1,2,\dots,m$$

$$D_K = \begin{bmatrix} C_1 & b_{11k} & b_{12k} & \dots & b_{1mk} \\ C_2 & b_{21k} & b_{22k} & \dots & b_{2mk} \\ \vdots & \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ C_m & b_{m1k} & b_{m2k} & \dots & b_{mnk} \end{bmatrix}$$

که رتبه (b_{ijk}) نشان دهنده اهمیت نسبی بین دو معیار است که توسط تصمیم ساز K ارائه شده است. در مرحله بعدی، با تلفیق همه b_{ijk} ارائه شده از سوی تصمیم سازان، ماتریس مقایسه زوجی جامع (D) با استفاده از معادله زیر ساخته می شود.

$$L_{ij} = \min(b_{ijk}), i, j = 1, 2, \dots, m$$

$$m_{ij} = \frac{\sum_{k=1}^p b_{ijk}}{k}, k = 1, 2, \dots, p, \tilde{b}_{ij} = (L_{ij}, M_{ij}, U_{ij})$$

$$U_{ij} = \max(b_{ijk})$$

که b_{ij} بیان کننده اهمیت نسبی بین دو معیار با اعداد فازی مثلثی است.

$$D = \begin{bmatrix} b_{11} & b_{12} & b_{1m} \\ b_{21} & b_{22} & b_{2m} \\ b_{m1} & b_{m2} & b_{mm} \end{bmatrix}$$

به منظور تعیین وزن (W_i) متناظر با هر معیار (C_i)، معادله ای برای محاسبه وزن های نسبی بین همه معیارها تعیین می شود.

$$\tilde{W}_i = \frac{\sum_{j=1}^m \tilde{b}_{ij}}{\sum_{i=1}^m \sum_{j=1}^m \tilde{b}_{ij}}$$

وزن نهایی معیارها و زیر معیارهای منتخب در جدول شماره ۵ آمده شده است.

جدول شماره ۵: جدول نهایی وزن معیارها و زیر معیارها بر اساس AHP Fuzzy

شرح	وزن نهایی
معیارهای اصلی	دسترسی ۰,۴۷۶
	جمعیت ۰,۲۹۷
	مجاورت (مراکز امدادی) ۰,۱۴۸۸
	مخاطرات طبیعی ۰,۰۷۷۴
زیر معیارهای دسترسی	شیرینانی درجه ۱ ۰,۴۹۷
	شیرینانی درجه ۲ ۰,۲۹۶
	خیابان های فرعی ۰,۱۶۷۸
زیر معیارهای جمعیت	بن بست ۰,۰۳۸۶
	تراکم بالا ۰,۶۶۲
	تراکم متوسط ۰,۲۶۷
	تراکم کم ۰,۰۷

شرح	وزن نهایی
زیر معیارهای مجاورت	شعاع ۲۰۰ متر ۰,۳۸۵
	شعاع ۵۰۰ متر ۰,۲۹۲
	شعاع ۱۰۰۰ متر ۰,۲۱۴
	شعاع بیش از ۱۰۰۰ متر ۰,۱۰۹
زیر معیارهای مخاطرات طبیعی (مسیل)	شعاع ۵۰ متر ۰,۰۳
	شعاع ۱۰۰ متر ۰,۰۶
	شعاع ۲۰۰ متر ۰,۱۱
	شعاع ۵۰۰ متر ۰,۱۹
	شعاع ۱۰۰۰ متر ۰,۲۸
	شعاع بیش از ۱۰۰۰ متر ۰,۳۵
زیر معیارهای مخاطرات طبیعی (گسل)	شعاع ۲۵۰ متر ۰,۰۳۱
	شعاع ۵۰۰ متر ۰,۰۶۳
	شعاع ۱۰۰۰ متر ۰,۱۲۱
	شعاع ۲۵۰۰ متر ۰,۱۸۶
	شعاع ۵۰۰۰ متر ۰,۲۶۷
	شعاع بیش از ۵۰۰۰ متر ۰,۳۳۲

در جدول ۵ چهار معیار اصلی تاثیر گذار به ترتیب اهمیت دسترسی، جمعیت، مجاورت و مخاطرات طبیعی سنجش شده که جمعیت و دسترسی بیشترین وزن را و از سوی دیگر ۲۷ زیر معیار طرح ریزی گردیده که زیر معیارهای دسترسی (شیرینانی درجه ۱ و ۲) و زیر معیار جمعیت (تراکم بالا) بیشترین وزن را به خود اختصاص داده اند.

نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات

همان طور که در بخش های قبل تشریح گردید، در این تحقیق، جهت وزن دهی و اولویت بندی معیارهای مکان یابی ایستگاه های آتش نشانی در بافت فرسوده شهر تهران از مدل های AHP و FUZZY-AHP استفاده گردید که در جدول ذیل، نتایج حاصله از مدل های مذکور به طور مقایسه ای نشان داده شده است. همان طور که ملاحظه می گردد، اوزان معیارها در مدل FUZZY-AHP نسبت به مدل AHP تعدیل گردیده و به واقعیت نزدیک تر شده است. نتایج حاصله نشان می دهد که از بین عوامل مهم دسترسی، تراکم جمعیت، مجاورت و مخاطرات محیطی عامل دسترسی با ۰/۴۷۶ بیشترین وزن را در مکان یابی ایستگاه های آتش نشانی در بافت فرسوده شهر تهران به خود اختصاص داده است.

جدول شماره ۶: مقایسه اوزان به دست آمده از مدل های FUZZY-AHP و AHP

معیار	وزن	
	FUZZY-AHP	AHP
دسترسی	۰/۴۷۶	۰/۴۹۸
تراکم جمعیت	۰/۲۹۷	۰/۲۸
مجاورت	۰/۱۴۸۸	۰/۱۴
مخاطرات طبیعی	۰/۰۷۷۴	۰/۰۷۹

ایستگاه‌های آتش‌نشانی به عنوان مکان‌های استقرار و انتظار خودروهای آتش‌نشانی و امداد، از جمله مراکز مهم و حیاتی خدمات‌رسانی در شهرها هستند که نقش مهمی در تأمین ایمنی و آسایش شهروندان و توسعه اقتصادی شهرها ایفا می‌کنند. این اهمیت زمانی زیاد می‌شود که بدانیم این مکان جایی برای آماده‌باش، تمرین و استقرار نیروهای امدادی در کنار نیازهای روزانه آنها از جمله استراحت، اتاق گفتگو و محیط آموزش نیز می‌باشد. بنا بر این عواملی همچون دید و المان شهری و دوری و نزدیکی با محیط‌های پرخطر در تأمین حداقل‌های استاندارد باعث می‌شود که اتخاذ فرایندی صحیح برای مکان‌یابی این ایستگاه‌ها ضروری به نظر برسد. دسترسی یکی از فاکتورهای مهم در مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی در بافت فرسوده شهر تهران است که نیازمند توجه ویژه به ساختار شبکه ارتباطی است چرا که ناکارآمدی محورهای دسترسی علاوه بر کاهش بهره‌وری سامانه‌های عملکردی شهر و تحلیل هزینه‌های هنگفت در مواقع آتش‌سوزی موجب آسیب‌های جبران‌ناپذیری برای شهروندان می‌گردد. بنا بر این در طرح‌های شهری تهران به خصوص راجع به بافت فرسوده توجه به این نکته ضروری است.

در نهایت پیشنهاداتی به شرح زیر می‌توان ارائه نمود:

- * تجدیدنظر کلی در ساختار شبکه ارتباطی بافت‌های فرسوده و اصلاح مجدد شبکه معابر آن و در غیر این صورت مکان‌یابی یک مرکز آتش‌نشانی جدید طبق اصول و ضوابط مکان‌یابی
- * اولویت‌بندی و تعیین محدودیت‌ها اصلی و خطوط قرمز و حداقل‌ها در مکان‌یابی و احداث ایستگاه‌های آتش‌نشانی در بافت فرسوده و قدیمی شهرها
- * با توجه به کمبود زمین در بافت فرسوده و قدیمی، فراهم‌نمودن ضوابطی برای مکان‌یابی واحداث آتش‌نشانی با حفظ اصول اساسی با ابعاد بهینه دارای کیفیت و کارآمدی
- * با توجه به اینکه بافت فرسوده و قدیمی دارای خیابان‌ها و کوچه‌های کم‌عرض در مناطق بافت فرسوده تهران می‌باشند، پیشنهاد می‌شود تعدادی شیرآب در آن نواحی مکان‌گزینی و نصب گردد.
- * ضروری است سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی در جهت آموزش شهروندان در بافت فرسوده در نحوه استفاده از وسایل اطفاء حریق و آشنایی با کمک‌های اولیه گام‌های مهمی بردارد.

فهرست منابع و مراجع

۵. تومه، آربل (۱۳۹۱)، **طراحی ایستگاه‌های آتش‌نشانی همسان**. تهران: نشر راه دان: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
 ۶. حبیبی، کیومرث، سعید نظری عدلی (۱۳۸۶)، **پیاده‌سازی ماتریس‌های همجواری در سیستم اطلاعات مکانی به منظور تعیین یا تغییر کاربری‌های شهری**، همایش ژئوماتیک، سازمان نقشه‌برداری کشور
 ۷. دستجردی، غلامرضا (۱۳۷۹)، **مکان‌یابی مرکز خدمات‌رسانی در سطح شهر با استفاده از GIS**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس
 ۸. رامشت. محمدحسین؛ علیرضا عرب عامری (۱۳۹۰)، «اولویت‌بندی نواحی شهری به منظور تأسیس ایستگاه‌های آتش‌نشانی با استفاده از دو روش تخصیص خطی و Topsis و با کمک تکنیک GIS (مطالعه موردی شهر ماکو)، **مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی**، شماره ۱.
 ۹. شاهینی‌فر، مصطفی، پاهکیده، اقبال، چاره‌جو، فرزین، خالدیان، ژیلا (۱۳۹۹)، «سنجش میزان مشارکت مردمی در نوسازی بافت‌های فرسوده شهری نمونه موردی: بافت قدیم کرمانشاه»، **فصلنامه آمایش محیط**، شماره ۴۸.
 ۱۰. شهبان، شهرام (۱۳۷۶)، «مکان‌یابی فضایی ایستگاه‌های آتش‌نشانی با استفاده از GIS (نمونه موردی ناحیه شهران)»، **مجله شهر نگار**، شماره ۳.
 ۱۱. شیرازی، فاطمه، شمس، مجید (۱۳۹۵)، «عوامل موثر در مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل خوشه‌ای مطالعه موردی شهر همدان»، **فصلنامه آمایش محیط**، شماره ۳۳.
 ۱۲. وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۹۵)، **سرشماری عمومی نفوس و مسکن**.
 ۱۳. طحانی، اسدالله، دهمرده پهلوان، مهدی، رضایی، محمد، طحانی، حجت‌الله (۱۳۹۸)، «برنامه‌ریزی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر مشارکت مردمی نمونه موردی: بافت فرسوده شهرضا»، **فصلنامه علمی مرمت و معماری ایران**، سال نهم، شماره هفدهم.
 ۱۴. مهندسین مشاور عرصه (۱۳۷۸)، **پژوهشی درباره جایگاه و ابعاد حفاظت شهرها در برابر آتش‌سوزی**، چاپ اول، انتشارات وزارت کشور.
15. Ahadnejad Reveshty, Mohsen (2007). "Site selection study for fire extinguisher stations using network analysis and A. H. P. Model, Case study: city of Zanjan", **Asia map journal**.
 16. Badri M. A, Mortagy A. K & Alsayed C. A (1998). "A multi-objective model for locating fire stations", **European Journal of Operational Research**, volume 110, part18.
 17. Chevalier, P. , Thomas, I. ,Geraets, D. , Goetghebeur, E. , Janssens, O. , Peeters, D. , & Plastria, F. (2012), "Locating fire stations: An integrated approach for Belgium". **Socio Economic Planning Sciences**, 46 (2), pp 173-182.
 18. Davoodi, M. and Mesgari, M. S. (2018), "A GIS based Fire Station Site Selection using Network Analysis and Set Covering Location Problem (Case study: Tehran, Iran)", **The 2ND International Conference on Sustainability, Human Geography and Environment**, December 2018
 19. F. S. Salman and E. Yücel, (2015) "Emergency facility location under random network damage: Insights from the Istanbul case," **Comput. Oper. Res.**, vol. 62, pp. 266–281.

۱. ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۷۵)، **مطالعه‌ای در باب ایجاد سازمان آتش‌نشانی کشور**، انتشارات مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری.
۲. پرهیزگار، اکبر (۱۳۸۳)، **ارائه‌ی مدل و ضوابط مکان‌گزینی ایستگاه‌های آتش‌نشانی**، مرکز پژوهش‌های شهری و روستایی
۳. پرهیزگار، اکبر (۱۳۷۶)، **الگوی مناسب مکان‌گزینی خدمات شهری با تحقیق در مدل‌ها**، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
۴. پوراسکندری، علی (۱۳۸۰)، **پخش و توزیع فضایی سوانح آتش‌سوزی در شهر با استفاده از GIS مطالعه موردی شهر کرج**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

20. Lai, W. E. I. , Han-lun, L. I. , Qi, L. I. U. , Jing-yi, C. , & Yi-jiao, C. U. I. (2011), "Study and implementation of fire sites planning based on GIS and AHP". **Procedia Engineering**, 11(0), pp 486-495.
21. Murray, Alan T. , (2013), **Optimizing the Spatial Location of Urban Fire Stations**, Fire Safety Journal, In Press, Corrected Proof, Available online 29 April.
22. P. L. Van Den Berg, G. A. G. Legemaate, and R. D. van der Mei, (2017), "Increasing the Responsiveness of Firefighter Services by Relocating Base Stations in Amsterdam," **Interfaces**, vol. 47, no. 4, pp. 352–361, May 2017.

Identification and explanation effective factors in Fire Stations site selection in run down texture

Case Study : Tehran run down texture

Ahmad Heydari

Instructor of school of Civil Engineering, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran.

Hamidreza Joudaki **(Corresponding Author)*

Department of urban planning, Islamshahr branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran

**joodaki@iiu.ac.ir*

Abstract:

From among available uses and services, significant importance is distribution efficient site selection of Fire station, in the case of important and attention to the safety and arrangement in coping on fire and accident with increase Population and density in city, services, fire organization is duty supply in the coping with fire. In run down and old texture because of supply suitable access and minimum standard time to fire place and in general supply urban safety establish fire station is more important. The basic goal of this research is identification main factors in site selection for establish fire stations in run down texture. In this research, at first survey and identification main factors in site selection in run down texture with use of AHP method, this is a multi-criteria decision making and then weighting and prioritization fire station site selection criterion and sub criterion. The results show that between factor such as access, population density, nearness and natural disasters, access factor appropriating access most weight in fire stations site selection in Tehran run down texture.

Keywords: site selection -fire station -process of distribution model- run down texture-Tehran city.

Cultural Sustainability, Density and Housing Typology; Case study : Residential Areas of Tabriz Metropolis

Roshanak Sakhinia

Ph.D student in architecture, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran

Islam Karami *(Corresponding Author)

Assistant Prof. Department of Architecture, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran and
Faculty of Architectural Engineering and Urbanism, Shahrood University of Technology, Semnan, Iran

* *architect_ik@yahoo.com*

Mojtaba Rafieian

Associate Prof. Department of Urban Planning, Faculty of Art, Tarbiat Modaress University, Tehran, Iran

Ali Javan Forouzandeh

Assistant Prof. Department of Architecture, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran

Abstract:

By drawing on the tool of studying physical density and residential typology with reference to cultural dimensions, this study aims to examine the concept of culture, with particular emphasis on traditional and Islamic values (with qualitative nature), within both theoretical and practical domains and bring it together with the complex and practical concept of physical density (with quantitative nature). In doing so, this study attempts to find strategies to guarantee the perpetual presence of culture in contemporary cities and particularly in residential setups (with qualitative/quantitative nature). The Spacemate is a tool based on the relation between density and structural forms in any scale under study which can assist architects, planners, and urban designers in their decision-making and design projects, where four quantitative indices of density can get involved simultaneously. In this study, not only this tool would be examined in relation to sustainability but also it will be used as a method in defining the relation between the types and sustainability itself. After a brief review on the related literature in three fields of typology, density and cultural sustainability, the study attempts to clarify the relationship between these three fields and the definition of qualitative indices, cultural sustainability and quantitative indices of physical density which relate to different types of residences. A typological approach to the issue of housing with regards to cultural debates can be instrumental because while proposing solutions and programming it can indicate which specific types are to be supported and which types to be prevented or restricted. In order to extract the dimensions and indices of cultural sustainability, qualitative concepts of residential sustainability in the domain of culture was surveyed and by utilizing the Delphi method, during two stages, the questionnaires completed by tens of experts in the field were assessed and selected. From among these concepts, six were detected as the most important concepts and were used during the analysis. Eleven samples from various points of residential spaces in the city of Tabriz were selected for the analysis as representatives of the different types while considering the geographical and cultural distribution of the city. After calculation and statistical analysis of the data, the degree of cultural sustainability of each sample was transferred to Spacemate and was interpreted.

Keywords: Cultural Sustainability, Housing, Typology, Physical Density, Spacemate.

Spatial Developments of Sirjan During Islamic Period Based on the Archaeological Evidences and the Written Historical Resources

Hassan Karimian

Associat Professor of Archaeology, Department of Archaeology, University of Tehran, Iran.

Ahmad Pourahmad

Professor Geography and Urban Planning, University of Tehran, Iran.

Zeinab Afzali *(Corresponding Author)

Ph.D in Islamic Art and Archaeology, University of Tehran, Iran.

* z.afzali1@ut.ac.ir

Abstract:

One of the major cities of Kerman province since the Sasanian period, Sirjan has played a key role in the political, economic, and cultural developments of southeastern Iran due to its geographical location and adjacency to trade routes. Written sources provide detailed information about Sirjan during the period; however, issues such as formation, development and decline, and settlements in different periods, as well as the social structure and the economic and cultural activities of the inhabitants have remained mostly neglected, which calls for archaeological studies and evidence. Despite its importance in the Islamic period, Sirjan has received little attention from archaeologists, and there are many uncertainties about its formation and relocations in different periods. Surprisingly, there is no archaeological information about the city even from an period as recent as the Safavid period. This study attempts to examine the process of Sirjan's formation, development, and decline during the Islamic period, using written historical sources and archaeological evidence obtained in field research. The study also tries to explore the city's site selection during the Islamic period and the causes of these relocations from an archaeological viewpoint, using archaeological excavations in Sirjan plain and analysis of the resulting data. The finding of the present study indicated that Sirjan, which was one of the strategic centers in southeastern Iran during the historical period, flourished in the early Islamic centuries and was of great importance as the center of Kerman province for several centuries. However, the city declined and was later abandoned in the late Seljuk period until Ghal'eh Sang gradually replaced the Shahre Qhadem. Evidence also showed that Ghal'eh Sang was the most important settlement in the Sirjan plain from the 13th to the late 15th century. After the destruction of the castle by the Aq Qoyunlu rulers in the late 15th century, this area lost its appeal and was replaced by Bagh Bamid Garden. During the Safavid period, Bagh Bamid was the most important settlement on the Sirjan plain. However, the governor's seat and the urban center were transferred to Sa'iid Abad after its development and expansion.

Keywords: Islamic Cities, Shahre Qhadem e Sirjan , Ghal'eh Sang, Bagh-e Bamid, Sa'iid Abad.

Evaluation of the impacts of the quality of urban third places on residents' sense of place Case Study: Cultural Pedestrian Zone in Rasht

Aliakbar Salaripour *(Corresponding Author)

Assistant Professor., department of urban planning and design, University of Guilan.

* *Salaripourali@gmail.com*

Hamidreza Ramezani

Faculty member of Department of Architecture and Landscape Architecture,
Jahad Daneshgahi Research Center for Culture, Art and Architecture.

Mehrdad Mehrjoui

Graduate student of Urbanism-Urban Planning, department of urban planning and design, University of Guilan.

Negin Ghorbanzadeh

Researcher in urban planning, department of urban planning and design, University of Guilan.

Abstract:

The attraction of the city is that the city frees people from the norms that are tightly felt in their personal space and allows people to learn about themselves and others. The key to the success of social life is that people are safe in places where they feel comfortable and have time to spend their time and continuously replace their essential activities with selective activities (activities that enjoy doing them). In general, one of the objectives of pedestrian street construction plans is to create a space for various social, cultural and tourism activities and to increase interactions and social participation. The purpose of this research is to organize the third places in urban spaces (the municipality of Rasht) to enhance the sense of belonging to the place. This subject has been measured in the municipality square of Rasht by assessing the indicators (sense of belonging, attendance, interoperability, evaluation of festivals and cultural events, and overall project evaluation). The method of research and gathering documentary and analytical information were based on the distribution of 350 questionnaires among the statistical population. In the inferential findings for research information analysis, one-sample t-test and Pearson correlation coefficient were used. The results show that the condition of the municipality of Rasht with considering such indicators (sense of belonging, attendance, interoperability, and overall evaluation of the project) is relatively fair, but the attitude and assessment of projects and cultural events according to the degree of desire in Participation and holding of festivals are relatively low and require more serious planning and attention. The results of the correlation coefficient show that there are positive and meaningful statistical relationships between all indices.

Keywords: Cultural Regeneration, Third Places, Cultural Projects, the municipality of Rasht.

A Review of the Semantic and Physical Structure of Sacred Places Inviolable Zone

Based on Works of Travel Literatures written from the fifth to the fourteen centuries A.H

Nasim Asgari

Ph.D. Candidate of Conservation of Historic Monuments, Department of Conservation of Historical Monuments, College of Conservation and Restoration, Art University of Isfahan, Iran

Shahriar Nasekhian *(Corresponding Author)

Assistant Professor, Department of Conservation of Historical Monuments, College of Conservation and Restoration, Art University of Isfahan, Iran

* E-Mail: s.nasekhian@au.ac.ir

Mohammad Saeid Izadi

Assistant Professor, Department of Urban Planning, College of Art and Architecture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

Abstract:

In Islamic teachings, especially the Shia school of thought, the sanctity of every element is dependent on the divine essence; the closer the element's attachment, the higher its sanctity. For this reason, the places of worship and sites of pilgrimage cities have for long been revered, attracting those seeking spirituality. It's unfortunate that in recent times, overlooking the sanctity of sacred places, also called Inviolable Zones (Ha'rim), has led to the disturbance of integrity in the surrounding area and the distortion of the authenticity of these monuments, often with the excuse of urban development and on occasion for facilitating the pilgrimage itself. Undoubtedly, considering and reviewing related documents such as works of travel literature even if in an overall format, can provide a useful framework for the reconsideration of such destructive activities.

This research is an effort to examine the semantic and physical structure of the inviolable zone of sacred places by relying on interpretive-historical methods with the inductive approach. It will discuss here, the contexts, literature and illustrated images of 48 pieces of travel literature dating back to fifth to the fourteenth centuries AH. It concludes that these sacred places have been perceived as "symbols and indications of a pilgrimage city" and were "individual and unique in their surrounding area" with due respect for their "integrated cohesion," while preserving their interaction with the surrounding residential, commercial, educational, and other functions. Such structures were given the "spatial hierarchy" of the unique urban systems in which they were located. The conclusion explains the respect and sanctity regarding both physical and metaphysical aspects while conserving all tangible and intangible elements of the typology of religious heritage throughout the aforementioned era.

The physical structure of the inviolable zone of these sacred places can be divided into three different scales: the core zone, the buffer zone and the sacred precinct which indicates that the holy shrines were not only limited to their surroundings but were deemed to emanate sanctity to the entire city. Finally, it should be considered that traditions, rituals and religious values play an active role in creating the semantic structure of the surrounding inviolable zone.

Keywords: Religious Heritage, Sacred Place, Inviolable Zone (Ha'rim), Core Zone, Buffer Zone.

Elucidation of the physical patterns of contemporary housing based on the contextual architecture in Kashan

Case study: Selected historical houses of the Qajar dynasty

Seyed Amirreza Nezamdoost

Master of Architecture, Tehran University of Science and Culture

Hossein Kalantari Khalilabad *(Corresponding Author)

Professor, Department of Urban Planning, Jihad University, Institute of Humanities and Social Sciences

* h_kalantari2005@yahoo.com

Ali Yaran

Professor, the Ministry of Science, Research and Technology

Abstract:

In previous eras, Iranian architecture and urban planning has always followed a specific trend that established a balanced, logical, strong, and in the meantime onward relationship with the before and after eras, but this trend has not continued in the contemporary era of architecture and urban planning and is in chaos, turmoil, and disturbance. The houses formed during this time do not meet many of the physical, cultural, social, and lifestyle requirements of the people of this land. Therefore, this paper aims to determine the components and nanocomponents of the physical dimension of contextualism, and propose suggestions and solutions to explain the physical patterns of housing in Kashan based on the mentioned components and the evaluation results of case studies. This research is qualitative and based on the descriptive-analytical method. At first, the concept of contextualism is developed by referring to study sources, and the components and nanocomponents of the physical dimension of contextualism are compiled by adapting the sources of research and analysis of the opinions of experts. Subsequently, the selected case samples in Kashan are evaluated based on the obtained components and using observation tools, library studies, and photography, the results of which are presented separately for each sample. The results of the study in the field of contextualization along with an adaptive comparison of the evaluation results of the samples are reviewed and analyzed. Finally, the solutions and suggestions are presented under the general characteristics of the building's location, scale and size, shape and form, materials and details, and the arrangement of physical elements and components indexes. In the end, paying attention to the contextualism approach, especially its physical pattern, and the practical application of the proposed solutions can play a pivotal role in establishing this lost connection and promoting Kashan residential architecture.

Keywords: Contextualism, Housing, Physical Pattern, Kashan.

Contents

Elucidation of the physical patterns of contemporary housing based on the contextual architecture in Kashan; Case study: Selected historical houses of the Qajar dynasty	5
Seyed Amirreza Nezamdoost, Hossein Kalantari Khalilabad, Ali Yaran	
A Review of the Semantic and Physical Structure of Sacred Places Inviolable Zone; Based on Works of Travel Literatures written from the fifth to the fourteen centuries A.H	21
Nasim Asgari, Shahriar Nasekhian, Mohammad Saeid Izadi	
Evaluation of the impacts of the quality of urban third places on residents' sense of place; Case Study: Cultural Pedestrian Zone in Rasht	37
Aliakbar Salaripour, Hamidreza Ramezani, Mehrdad Mehrjou, Negin Ghorbanzadeh	
Spatial Developments of Sirjan During Islamic Period Based on the Archaeological Evidences and the Written Historical Resources	53
Hassan Karimian, Ahmad Pourahmad, Zeinab Afzali	
Cultural Sustainability, Density and Housing Typology (Case study : Residential Areas of Tabriz Metropolis)	65
Roshanak Sakhinia, Islam Karami, Mojtaba Rafieian, Ali Javan Forouzandeh	
Identification and explanation effective factors in Fire Stations site selection in run down texture Case Study : Tehran run down texture	75
Ahmad Heydari, Hamidreza Joudaki	



- The scientific and research ranking of the Journal of Studies on the Islamic-Iranian City has announced by the secretariat of the Commission for the Scientific Journals (Iran Ministry of Science, Research and Technology) according to the letter No. 89/11/51667 dated 1389/8/30.
- The certification for publishing this quarterly journal is issued by the Iran Ministry of Culture and Islamic Guidance by the letter 12629/89 dated 1389/6/13.
- Indexed and abstracts in:
• The Regional Information Center for Science & Technology (RICEST) (<http://www.srlst.com>)
• The Scientific Information Database of ACECR (<http://www.sid.ir>).



Iranian-Islamic City

Vol. 10, No. 38, Winter 2020

Publisher: Institute of Culture, Art & Architecture, Iranian Academic Center for Education, Culture & Research (ACECR)

Editorial Committee:

Managing Director: Dr. Iraj Feyzi

Editors -in- Chief: Dr. Ahmad Pourahmad

SBU Editor-in-Chief: Dr. Hossein Kalantari khalilabad

Farsi-Editor: Sepideh Seyyed faraji

Administrative Director: Eng. Masoud Dadgar

Executive Affairs: Eng. Mansour Nadiri

Editorial Board, in alphabetical order:

- | | |
|-----------------------------------|---|
| ● Dr. Mojtaba Ansari | Associate Prof. of Architecture, University of Tarbiat Modares |
| ● Dr. Mostafa Behzadfar | Prof. of Urban Planning, University of Science and Industry |
| ● Dr. Jahanshah Pakzad | Prof. of Urban Planning, University of Shahid Beheshti |
| ● Dr. Behnam Jalali | Assistant Prof. of Architecture, University of Science and Culture |
| ● Dr. Karamat alah Ziyari | Prof. of Human geography, University of Tehran |
| ● Dr. Mohsen Sartipi Pour | Prof. of Architecture, University of Shahid Beheshti |
| ● Dr. Hosein Kalantari khalilabad | Prof. of ACECR |
| ● Dr. Yaghub Mohammadifar | Prof. of Archaeology, University of Bu-Ali Sina |
| ● Dr. Mohammad Masoud | Associate Prof. of Urban Development and Preparation, University of Art Isfahan |
| ● Dr. Ahmad Nouhegar | Prof. of physical Geography, University of Hormozgan |



Editorial correspondence should be addressed to The Editors

Iranian - Islamic city studies

Institute of Culture, Art & Architecture of the ACECR,

Saba-ye-jonoubi Street, between Vali-Asr Crossroad and palestine Street, Inqelab-e-Eslami Ave, Tehran, Iran.

Tel: +98 (21) 66970901,2

Fax: +98 (21) 66970903

<http://iic.icas.ir>

E-mail: iic@icas.ir

